



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن  
علیه صاب

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



# مقامات العظماء

مقامات العظماء  
مقامات العظماء  
مقامات العظماء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تجلی غدیر در عصر ظهور: مجموعه مقالات درباره جلوه های تحقق غدیر در عصر ظهور بقیه الله اعظم (ع)

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز غدیرستان کوثر نبی صلی الله علیه و  
آله و سلم

ناشر چاپی:

دلیل ما

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۸	تجلی غدیر در عصر ظهور
۱۸	مشخصات کتاب
۱۸	اشاره
۲۲	سپاس غدیرستان
۳۶	عصر ظهور تجلیگاه غدیر: مرکز غدیرستان کوثر نبی صلی الله علیه وآله
۳۶	چکیده
۳۶	مقدمه
۳۸	غدیر از آغاز خلقت تا ظهور و تا قیامت
۴۱	سقیفه مانع غدیر تا ایام ظهور
۴۲	ظهور با پیام غدیر
۴۳	آثار غدیر در ایام ظهور
۴۳	اشاره
۴۵	عدالت
۴۶	عقل
۴۶	علم
۴۶	دین
۴۸	زمینه های بحث «تجلی غدیر در عصر ظهور»: محمدباقر انصاری
۴۸	چکیده
۴۸	مقدمه
۴۹	تلخی روزگار سقیفه، مشوق امید به ظهور
۴۹	اشاره
۵۰	سؤالات زمینه ساز بحث «تجلی غدیر در ظهور»
۵۱	خصوصیات علمی در بحث «تجلی غدیر در ظهور»

۵۱	ورودی های بحث درباره «تجلی غدیر در ظهور»
۵۳	منابع بحث درباره «تجلی غدیر در ظهور»
۵۴	ظهور، پاسخ به فطرت غدیری انسان ها : سید محمود میردامادی بحرالعلوم
۵۴	چکیده
۵۵	مقدمه
۵۵	همخوانی غدیر با فطرت
۵۵	غدیر پاسخ منجی گرای بشریت
۵۷	ظهور روز تحقق حقایق پنهان غدیر
۵۹	لزوم غدیر برای بقای اسلام
۶۱	غدیر شاقول افکار در طول تاریخ اسلام
۶۴	غدیر با سقیفه محو نمی شود
۶۴	غدیر ترسیم هندسی فکر و عمل بشریت
۶۶	روزگار ظهور زمان ظاهر شدن مبانی غدیر
۶۷	غدیر روز رشد عقول
۶۷	منابع و مأخذ
۶۸	ظهور برای احیای غدیر : محمد صادق امیدواری خراسانی
۶۸	چکیده
۶۸	آغاز و ادامه و پایان عالم با غدیر
۷۰	ابلاغ غدیر مهمترین رسالت رسولان
۷۱	قیام و حرکت امام عصر علیه السلام با پیام غدیر
۷۲	آفرینش با غدیر پایان می یابد
۷۳	منابع و مأخذ
۷۶	غدیر، حلقه اتصال بعثت رسول و ظهور موعود : مهدی باقری سیانی
۷۶	چکیده
۷۶	بعثت، غدیر، ظهور، سه رخداد مهم بشری
۷۶	اشاره

الف : برخی مشترکات بین بعثت و عصر ظهور	۷۸
اشاره	۷۸
اول : حضرت عیسی علیه السلام مبشر پیامبر صلی الله علیه وآله و مؤید حضرت مهدی علیه السلام	۷۸
دوم: تأیید پیامبر و امام زمان علیهما السلام با ملائکه	۷۹
سوم : تصریح و تلویح به دو نعمت نبوت و ظهور موعود	۸۰
ب : نگاهی گذرا به سه رخداد: بعثت، غدیر، عصر ظهور	۸۰
اول : بعثت	۸۰
دوم : غدیر خم	۸۱
سوم : ظهور موعود منتظر	۸۱
ج : معرفی «دوران قبل از بعثت» و «دوران قبل از ظهور»	۸۲
۱ . دوران قبل از بعثت	۸۲
۲ . دوران قبل از ظهور	۸۳
د : معرفی دوران پس از بعثت و پس از ظهور	۸۳
۱ : دوران پس از بعثت	۸۳
۲ : دوران پس از ظهور	۸۴
منابع و مأخذ	۸۷
زمینه سازی غدیر برای عصر ظهور : علی اکبر مهدی پور	۸۸
چکیده	۸۸
مدخل	۸۹
۱ : تجلی آیات غدیر در عصر ظهور	۹۰
۲ : تجلی خطابه های غدیر در عصر ظهور	۹۱
اشاره	۹۱
الف : جلوه هایی از خطبه غدیر در عصر ظهور	۹۲
ب : سیمای موعود در خطبه غدیر	۹۳
ج : سیمای امیر در خطبه غدیر	۹۵
د : جایگاه رفیع مولا در خطبه غدیر	۹۶

- ه : سپاه سفیانی در خطبه غدیر ..... ۹۶
- و : اصحاب صحیفه در خطبه غدیر ..... ۹۷
- ز : نور فراگیر ..... ۹۸
- ح : میراث پیامبر صلی الله علیه وآله ..... ۹۹
- ط : ضرورت اطلاع رسانی ..... ۱۰۰
- ی : بیعت با خدا ..... ۱۰۰
- ک : امام هدایتگر ..... ۱۰۱
- ۳ : جلوه هایی از خطبه امیر علیه السلام در عصر ظهور ..... ۱۰۱
- اشاره ..... ۱۰۱
- الف : سیمای غدیر در سخنان امیر علیه السلام ..... ۱۰۱
- ب : رهبران گمراه در خطبه امیر علیه السلام ..... ۱۰۳
- ج : روز امن و امان ..... ۱۰۳
- ۴ : جلوه هایی از خطبه امام رضاعلیه السلام در عصر ظهور ..... ۱۰۴
- اشاره ..... ۱۰۴
- الف : به خاک مالیده شدن بینی شیطان ..... ۱۰۵
- ب : روز رهایی از غم و اندوه ..... ۱۰۵
- ج : روز نشر دانش ..... ۱۰۶
- د : روز بشارت ..... ۱۰۶
- ه : روز خرسندی ..... ۱۰۷
- ۵ : جلوه هایی از رخدادهای غدیر در عصر ظهور ..... ۱۰۷
- مؤاخات ..... ۱۰۷
- اشاره ..... ۱۰۷
- الف : منابع حدیث مؤاخات ..... ۱۰۸
- ب : اوج اخوت و برادری ..... ۱۱۱
- ۶ . دیگر رخدادهای ..... ۱۱۲
- یک : ..... ۱۱۲



- ۱۱۲ ..... دو :
- ۱۱۲ ..... سه :
- ۱۱۲ ..... چهار :
- ۱۱۲ ..... پنج :
- ۱۱۲ ..... منابع و مأخذ :
- ۱۱۷ ..... ظهور، روز قابلیت انسان برای غدیر : حامد نواب
- ۱۱۷ ..... چکیده
- ۱۱۸ ..... مقدمه
- ۱۱۸ ..... عدالت یکپارچه با تحقق غدیر
- ۱۱۸ ..... جبت و طاغوت مانع تحقق غدیر
- ۱۱۹ ..... پایه گذاری هدف غدیر از آغاز خلقت
- ۱۲۰ ..... بشارت انبیاءعلیهم السلام به بنیانگذار غدیر
- ۱۲۱ ..... ابلاغ هدف خلقت در غدیر
- ۱۲۱ ..... چرا هدف خلقت در غدیر تحقق نیافت؟
- ۱۲۲ ..... مردم باید نیاز به غدیر را احساس کنند
- ۱۲۳ ..... مردم در جستجوی مصلح کل
- ۱۲۳ ..... منابع و مأخذ
- ۱۲۵ ..... اهداف و موانع تجلی غدیر در عصر ظهور : علی اصغر رضوانی
- ۱۲۵ ..... چکیده
- ۱۲۶ ..... مقدمه
- ۱۲۶ ..... اهداف تجلی غدیر در عصر ظهور
- ۱۲۶ ..... اشاره
- ۱۲۶ ..... هدف اول: پیاده کردن اسلام از کانال صحیح
- ۱۲۸ ..... هدف دوم: تحقق حکومت جهانی عدل گستر الهی
- ۱۲۸ ..... هدف سوم: رفع اختلاف بین امت اسلامی
- ۱۲۹ ..... موانع تحقق اهداف غدیر

- ۱۲۹ ..... موانع غدیر در حیات پیامبر صلی الله علیه وآله -
- ۱۲۹ ..... اشاره
- ۱۲۹ ..... ۱ : بر هم زدن خطبه پیامبر صلی الله علیه وآله در مینا
- ۱۳۱ ..... ۲ : دوات و قلم
- ۱۳۲ ..... ۳ : جیش اسامه
- ۱۳۲ ..... تحقّق غدیر در عصر ظهور
- ۱۳۲ ..... اشاره
- ۱۳۳ ..... مطلب اول:
- ۱۳۳ ..... مطلب دوم:
- ۱۳۷ ..... ظهور یعنی اعاده حق غدیر : محمد حسین رحیمیان
- ۱۳۷ ..... چکیده
- ۱۳۸ ..... مقدمه
- ۱۳۹ ..... واژگان کلیدی
- ۱۳۹ ..... مقدمه
- ۱۴۰ ..... غدیر و آزمون الهی
- ۱۴۱ ..... غدیر و رسالت جهانی
- ۱۴۳ ..... عصر ظهور و بازگشت به غدیر
- ۱۴۷ ..... جلوه هایی از غدیر در عصر ظهور
- ۱۴۷ ..... اشاره
- ۱۴۷ ..... ۱ : غدیر نماد حقّ
- ۱۴۹ ..... ۲ : غدیر و عدالت علوی
- ۱۵۲ ..... ۳ : عصر ظهور و جلوه هایی از سیره علوی
- ۱۵۴ ..... ۴ : رفاه همگانی و نزول برکات آسمانی
- ۱۵۷ ..... ۵ : فراخوان به ولایت علوی
- ۱۵۹ ..... غدیر و ظهور و منتظران
- ۱۵۹ ..... منابع و مآخذ

۱۶۱	..... ظهور، تجلی اهداف خلقت با تحقق غدیر : محمد حسین یوسفی
۱۶۱	..... چکیده
۱۶۲	..... مقدمه
۱۶۳	..... رسالت انبیاء و اهداف خلقت
۱۶۴	..... هدف از بعثت پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله
۱۶۵	..... تعیین خلیفه و اهداف خلقت
۱۶۷	..... اهداف خلقت در سایه ولایت و حکومت امام
۱۶۸	..... امام عصر علیه السلام وارث غدیر و مجری ولایت امیر علیه السلام
۱۷۱	..... نتیجه
۱۷۲	..... اهداف خلقت و تحولات عصر ظهور!
۱۷۲	..... حیات زمین و اهلس به حضور امام و یارانش
۱۷۴	..... عوامل پدید آورنده حیات جاودانه در عصر ظهور
۱۷۴	..... اشاره
۱۷۴	..... علم و معرفت
۱۷۷	..... بندگی و عبادت
۱۷۹	..... انجام بهترین عمل با موفقیت
۱۸۱	..... منابع و مآخذ
۱۸۳	..... ظهور، تجلی غلبه حق غدیر بر باطل ها : علی نظری منفرد
۱۸۳	..... چکیده
۱۸۳	..... مقدمه
۱۸۴	..... دگرگونی های عصر ظهور
۱۸۴	..... غدیر برای پاسداری و حفاظت از دین
۱۸۵	..... بدون غدیر رهبری امکان ندارد
۱۸۷	..... اهداف غدیر
۱۸۷	..... یک :
۱۸۷	..... دو :

- سه : ..... ۱۸۸
- چهار : ..... ۱۸۸
- پنج : ..... ۱۸۸
- موانع تحقق غدیر ..... ۱۸۸
- منابع و مأخذ ..... ۱۸۹
- تجلی امامت الهی غدیر در عصر ظهور : اصغر منتظر القائم ..... ۱۹۱
- چکیده ..... ۱۹۱
- امامت غدیر مبتنی بر جانشینی پیامبران ..... ۱۹۲
- جایگاه برتر امام غدیر از طرف خدا ..... ۱۹۳
- امامت غدیر مبتنی بر عصمت ..... ۱۹۴
- قدرت انحصاری امام غدیر از طرف خدا ..... ۱۹۴
- جانشین الهی امام علی علیه السلام ..... ۱۹۵
- استشهاد امامان علیهم السلام به امامت الهی ..... ۱۹۵
- مقابله امامان غدیر با غدیر زدایی ..... ۱۹۶
- پیوند توحید و امامت ..... ۱۹۸
- دفاع امام زمان علیه السلام از حقّ منصوسی خود در گفتمان و اجرا ..... ۲۰۰
- منابع و مأخذ: ..... ۲۰۱
- تجلی عدالت غدیر در عصر ظهور : حسین تهرانی ..... ۲۰۳
- چکیده ..... ۲۰۳
- مقدمه ..... ۲۰۳
- تواتر حدیث غدیر ..... ۲۰۴
- دو نکته مهم در خطبه غدیر ..... ۲۰۵
- اشاره ..... ۲۰۵
- ۱ : تعیین امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان جانشین ..... ۲۰۵
- ۲ : معرفی حضرت مهدی علیه السلام به عنوان آخرین امام ..... ۲۰۷
- معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزنداناش در غیر غدیر ..... ۲۰۷

- ۲۰۸ ..... عدالت اجتماعی در عصر امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۲۱۰ ..... عدالت اجتماعی در عصر مهدی موعود علیه السلام
- ۲۱۴ ..... زدودن پیرایه ها از دین
- ۲۱۶ ..... تکمیل راه امیرالمؤمنین علیه السلام به دست امام زمان علیه السلام
- ۲۱۸ ..... منابع و مأخذ
- ۲۲۵ ..... تجلی علم و هدایت غدیر در عصر ظهور : محمد مهدی خلیلی
- ۲۲۵ ..... چکیده
- ۲۲۶ ..... مقدمه
- ۲۲۶ ..... سرچشمه علم خداوند کجاست؟
- ۲۲۷ ..... علم قرآن علم کل شیء است
- ۲۳۰ ..... با قرآن چه نیازی به پیامبر است؟
- ۲۳۷ ..... بعد از پیامبر صلی الله علیه وآله قرآن با کیست؟
- ۲۳۹ ..... علم پیامبر صلی الله علیه وآله به چه کسی رسیده است؟
- ۲۴۱ ..... بندگان برگزیده خدا چه کسانی هستند؟
- ۲۴۲ ..... حامل علم کتاب ظالم نمی شود
- ۲۴۴ ..... اعلی‌ت امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۲۴۵ ..... وارثان علم کتاب بعد از پیامبر صلی الله علیه وآله
- ۲۴۶ ..... چرا امامان علم کتاب را ظاهر نکردند؟
- ۲۴۹ ..... امامان علم کتاب را چه زمانی ظاهر می کنند؟
- ۲۵۰ ..... خلافت در علم جزئی از خلافت است
- ۲۵۳ ..... ائمه هدی علیهم السلام وارثان زمین
- ۲۵۵ ..... کشف علوم آل محمد علیهم السلام در عصر ظهور
- ۲۵۶ ..... تجلی نظم و وحدت الهی غدیر در عصر ظهور : محمد رضا شریفی
- ۲۵۶ ..... چکیده
- ۲۵۸ ..... مقدمه
- ۲۵۸ ..... انبیاء علیهم السلام بنیان گذاران وحدت بر اساس دین واحد خدا

- ۲۵۹ ..... کنگره عظیم وحدت در سرزمین غدیر
- ۲۶۰ ..... غدیر روز تجلی هدایتگران الهی
- ۲۶۱ ..... خطبه غدیر یا ندای وحدت
- ۲۶۲ ..... بیعت، تجلی وحدت در غدیر
- ۲۶۳ ..... غدیر، تجلی اتحاد مورد رضای خداوند
- ۲۶۳ ..... سقیفه تجلی تفرقه و اختلاف
- ۲۶۵ ..... وعده وحدت الهی در عصر ظهور
- ۲۶۷ ..... وحدت حقیقی بر اساس صراط مستقیم
- ۲۶۹ ..... وحدت غدیر با معرفی صراط مستقیم
- ۲۶۹ ..... بر هم زندگان وحدت پس از پیامبر صلی الله علیه وآله
- ۲۷۰ ..... عوامل تفرقه مسلمانان
- ۲۷۰ ..... اشاره
- ۲۷۱ ..... ۱ : نفاق عامل اختلاف
- ۲۷۱ ..... اشاره
- ۲۷۳ ..... نفاق و عصر ظهور
- ۲۷۳ ..... ۲ : دنیاگرایی عامل اختلاف مسلمین
- ۲۷۳ ..... اشاره
- ۲۷۴ ..... غصب فدک ثمره دنیا طلبی
- ۲۷۵ ..... رفع دنیاگرایی در عصر ظهور
- ۲۷۷ ..... ۳ : حزب گرایی عامل اختلاف مسلمین
- ۲۷۷ ..... اشاره
- ۲۷۸ ..... برچیدن حزب گرایی در عصر ظهور
- ۲۷۹ ..... ۴ : بی تفاوتی عامل رشد تفرقه
- ۲۸۰ ..... ۵ : سطحی نگری عامل اختلاف
- ۲۸۲ ..... ۶ : ترس و سست عنصری عامل تفرقه
- ۲۸۳ ..... ۷ : حسادت عامل اختلاف

- ۲۸۴ ..... ۸ : کینه توزی با اهل بیت علیهم السلام عامل تفرقه
- ۲۸۴ ..... اشاره
- ۲۸۴ ..... کینه توزی بین مسلمین عامل تفرقه
- ۲۸۵ ..... رفع کینه ها در عصر ظهور
- ۲۸۶ ..... اعتقاد به غدیر تنها راه وحدت الهی
- ۲۸۶ ..... اشاره
- ۲۸۶ ..... ۱ : اعتقاد به واقعه مهم تاریخی غدیر خم و قبول ولایت
- ۲۸۶ ..... ۲ : عمل به حدیث ثقلین و اطاعت از کلام پیامبر صلی الله علیه وآله
- ۲۸۷ ..... ۳ : امتحان الهی بر مبنای امامت در امت اسلامی
- ۲۸۸ ..... ۴ : ایمان مشروط به اعتقاد به ولایت اهل بیت علیهم السلام و اخذ دین از طریق آنان
- ۲۸۹ ..... ۵ : بیان حقایق در سنت الهی و سیره معصومین علیهم السلام
- ۲۹۱ ..... معرفی آخرین وحدت بخش انسان ها در خطابه غدیر
- ۲۹۴ ..... برکات وحدت بخش عصر ظهور
- ۲۹۴ ..... اشاره
- ۲۹۴ ..... ۱ : وحدت کلمه
- ۲۹۵ ..... ۲ : عزت مؤمنین در سایه عدل
- ۲۹۵ ..... ۳ : جمع عقول بندگان
- ۲۹۶ ..... ۴ : وفور نعمت و امنیت
- ۲۹۶ ..... نتیجه سخن
- ۲۹۷ ..... منابع و مأخذ
- ۳۰۱ ..... تجلی عدالت علوی در حکومت مهدوی : محمد مجتهدی
- ۳۰۱ ..... چکیده
- ۳۰۲ ..... غدیر وصیتنامه اجرائی پیامبر صلی الله علیه وآله
- ۳۰۲ ..... توجه به آغاز و انجام هدایت الهی
- ۳۰۳ ..... مشخصات حکومت مهدوی در غدیر
- ۳۰۴ ..... طراحی دو حکومت علوی و مهدوی در غدیر

- ۳۰۶----- وحدت روش بین امیرالمؤمنین و امام زمان علیهما السلام
- ۳۰۸----- تصویری از حکومت مهدوی بر اساس غدیر
- ۳۰۹----- منابع و مأخذ
- ۳۱۱----- تجلی عبودیت انسان بر اساس غدیر در ظهور : محمد رضا فریدونی
- ۳۱۱----- چکیده
- ۳۱۲----- وعده تفوق دین مورد رضای خدا
- ۳۱۳----- تأمین آینده دین در غدیر
- ۳۱۳----- تدبر و دقت در موقعیت قرآنی آیه اکمال
- ۳۱۳----- اشاره
- ۳۱۵----- اما قرآن:
- ۳۱۵----- اما روایات:
- ۳۱۶----- اما عرف:
- ۳۱۷----- بررسی علل یأس دشمنان در غدیر
- ۳۱۸----- تولد رسمی امامت و ولایت
- ۳۱۸----- ارتباط غدیر با عصر ظهور
- ۳۱۹----- غدیر از آغاز تا جهانی شدن
- ۳۲۰----- کمال بندگی در غدیر
- ۳۲۱----- حرکت به سوی تعالی غدیر در عصر ظهور
- ۳۲۳----- انتقام کربلای غدیر در عصر ظهور : مجید مسعودی
- ۳۲۳----- چکیده
- ۳۲۴----- مقدمه
- ۳۲۷----- ۱ : آخرین سخن و اتمام حجت
- ۳۲۷----- در خطبه غدیر:
- ۳۲۷----- در دعای ندبه:
- ۳۲۹----- ۲ : جاهلیت پس از رسول خدای تعالی علیه وآله تا هنگام ظهور
- ۳۲۹----- در خطبه غدیر:



- ۳۲۹ ..... در دعای ندبه:
- ۳۳۰ ..... ۳: آری، هنوز هم!
- ۳۳۰ ..... در خطبه غدیر:
- ۳۳۱ ..... در دعای ندبه:
- ۳۳۳ ..... ۴: قرآن و وارثان بر حق آن
- ۳۳۳ ..... در خطبه غدیر:
- ۳۳۵ ..... در دعای ندبه:
- ۳۳۵ ..... ۵: سنت ها و فرائض
- ۳۳۵ ..... در خطبه غدیر
- ۳۳۶ ..... در دعای ندبه :
- ۳۳۷ ..... منابع و مأخذ
- ۳۳۹ ..... ریشه کن شدن مظلومیت غدیر در عصر ظهور : محمد حسین طغیانی
- ۳۳۹ ..... چکیده
- ۳۴۰ ..... امامت بزرگ ترین فریضه عصر ظهور
- ۳۴۱ ..... تجلی امامت در عصر ظهور
- ۳۴۲ ..... تجدید فرائض در عصر ظهور
- ۳۴۳ ..... حدیث ثقلین در عصر ظهور
- ۳۴۴ ..... مجازات ظالمین به امامت در عصر ظهور
- ۳۴۵ ..... انتقام مظلوم ترین مظلوم در عصر ظهور
- ۳۴۵ ..... انتقام از غاصبین خلافت در عصر ظهور
- ۳۴۷ ..... منابع و مأخذ
- ۳۴۸ ..... درباره مرکز

عنوان و نام پدیدآور: تجلی غدیر در عصر ظهور: مجموعه مقالات درباره جلوه های تحقق غدیر در عصر ظهور بقیه الله اعظم (ع)/تالیف مرکز غدیرستان کوثر نبی (ص).

مشخصات نشر: تهران: دلیل ما، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۳۳۶ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۹۷-۸۴۷-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: مهدویت--مقاله ها و خطابه ها

موضوع: مهدویت--انتظار--مقاله ها و خطابه ها

موضوع: غدیر خم --مقاله ها و خطابه ها

شناسه افزوده: مرکز غدیرستان کوثر نبی(ص)

رده بندی کنگره: BP۲۲۴/۴ت/۲۷ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۵۴۹۰۸

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

اهداء به آنان که

در انتظارِ تحققِ غدیر،

روزگارِ ظهور را لحظه شماری می کنند.





## سپاس غدیرستان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«غدیر» این نام دیر آشنای شیعیان علی علیه السلام، پیوسته در انتظار روزی به نام «ظهور» است، تا «تجلی» تمام عیار خود را به بشریت نشان دهد.

دوستان امیرالمؤمنین علیه السلام هر صبح را با نام زیبای غدیر آغاز می کنند، و روزهای مانده تا ظهور را به شماره می آورند، تا مگر به پایان آن دست یابند و بیعت با آخرین وارث غدیر را تجربه کنند.

غدیریان نفرین بر سقیفه را ورد زبان خود ساخته اند که نگذاشت آرمان های الهی غدیر تحقق یابد. آنان هر روز از زندگی سخت در کنار سقیفه را، به امید رسیدن به ایام روح افزای ظهور منجی بشریت برای اجرای قانون نامه غدیر سپری می کنند.

چهارده قرن است که پرچم غدیر با شعار «أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ» به دست غدیریان بر بام دنیا در اهتزاز است، و این عَلم آل محمدعلیهم السلام برافراشته خواهد ماند تا روزی که صاحب آن بیاید و عظمت و اقتدار غدیر را به جهانیان بنمایاند؛ و غدیرستانی به گستردگی جای جای زمین بر پا کند و همه انسان ها قائم آل رسول علیهم السلام را تنها امام خلق بشناسند و بهشت روی زمین شکل گیرد.

## انتخاب موضوع «تجلی غدیر در عصر ظهور»

با توجه به اهداف بنیانگذار مؤسسه «غدیرستان» حضرت آیه الله سید حسن فقیه امامی رحمه الله علیه، موضوع «تجلی غدیر در عصر ظهور» برای تحقیق در دو بُعد «غدیر» و «ظهور» انتخاب شد. با این دیدگاه «غدیرستان کوثر نبی صلی الله علیه و آله» نشست ها و فراخوانی برای مقالات بر محور این موضوع ترتیب داد، تا با بهره وری از تحقیقات پژوهشگران در این باره بتواند گام نخست را در مطرح ساختن جدی ارتباط غدیر و ظهور بردارد؛ و به این عنوان جدید اعتقادی رسمیت علمی بخشد.

خوشبختانه طی سه کنفرانس، گروهی از متخصصین علوم اهل بیت علیهم السلام پیشقدم شدند و طی سخنرانی ها و ارائه مقالات در این باره، اولین پایه های فکری غدیر و ظهور را بنیان گذاری کردند و راه را برای علاقمندان بحث در موضوع هموار ساختند.

«غدیرستان» خود را موظف دانست برای نشر این مقالات در سطح عموم دست به کار شود، و با تنظیم و ویراستاری و چینش فنی آنها کتابی را آماده کند که حاوی مسیر طی شده در این راه باشد. کتاب حاضر ثمره تلاش گروه فرهنگی غدیرستان برای ارائه نهایی این مجموعه مقالات است، که به دنیای تشیع تقدیم می گردد. ذیلاً به شرح اقدامات انجام شده در این دو جهت می پردازیم:

الف . شیوه تنظیم مقالات.

ب . گزارشی از نشست ها.

## تنظیم مقالات «غدیر و ظهور»

تدوین و تنظیم مقالات رسیده در موضوع «تجلی غدیر در عصر ظهور» طی مراحل زیر به انجام رسید:

## الف . تعداد مقالات

مقالات برگزیده ۱۹ مقاله است، که در کتاب حاضر با در نظر گرفتن مسیر علمی بحث چیش شده است، به گونه ای که خواننده مقالات با مطالعه هر یک از آنها وارد مرحله بعدی بحث می شود و گام به گام با موضوع آشنایی بیشتری پیدا می کند و به هدف نزدیک می گردد؛ تا انتهای کتاب که همه جوانب بحث در ذهن او تبلور می یابد.

## ب . نویسندگان مقالات

با احترام به مقام علمی همه نویسندگان محترم مقالات در این مجموعه، به ذکر نام ایشان اکتفا شده و از آوردن هرگونه القاب علمی پرهیز گردیده است.

## ج . چینش مقالات

ترتیب مقالات فقط بر اساس روند فکری مسئله «تجلی غدیر در عصر ظهور» است، که مراحل آن چنین است:

مقاله اول ملخصی بر گرفته از همه مقالات و نوعی نتیجه گیری از مجموع آنهاست، که ذهن خواننده را کاملاً آماده ورود به بحث می نماید. در مقاله دوم به زمینه های بحث «تجلی غدیر در ظهور» پرداخته شده است. مقاله سوم فطری بودن غدیر و انتظار، و تجلی این مسئله فطری در اعتقاد را بیان می کند. مقاله چهارم ضرورت احیای غدیر را بررسی می کند، که در ظهور تحقق خواهد یافت.



بعد اعتقادی مسئله را در اتصال بعثت و غدیر و ظهور باید جستجو کرد، که مقاله پنجم بدان پرداخته است. ایجاد انتظار برای تحقق غدیر به دست حضرت ولی عصر علیه السلام یکی از ابعاد جدی موضوع است، که مقاله ششم بیان آن را بر عهده گرفته است. مقاله هفتم به لزوم تکامل و آمادگی انسان ها برای تحقق غدیر می پردازد که در عصر ظهور به حد لازم خواهد رسید. نگاهی دیگر در این باره اهداف غدیر و موانع تحقق آن را به صورت یک مقایسه کنار هم قرار می دهد، که مقاله هشتم به تبیین آن پرداخته است.

این پایه فکری که همه حق متعلق به غدیر است و این حق حتماً باید اعاده گردد و ظرفی جز ظهور ندارد، نکته حساسی است، که در مقاله نهم بیان شده است. نگاه به غدیر به عنوان هدف اکمل خلقت لزوم تحقق آن در روز ظهور را روشن تر می نماید، و این مهم فکری در مقاله دهم مشروحاً مورد بحث قرار گرفته است. تأسف از غلبه باطل در طول زمان ها و انتظار تحقق حق غدیر در روزگار ظهور زاویه دیگری است، که مقاله یازدهم بیان آن را بر عهده دارد. پنجره ای دیگر به سوی این بحث، تحقق امامت الهی است که جان غدیر را تشکیل می دهد و تحقق عملی کامل آن در ظهور خواهد بود، که در مقاله دوازدهم بیان شده است.

عدالت آن گونه که خدا می خواهد فقط در امامت غدیر جلوه گر است و تحقق آن در روزگار ظهور خواهد بود، که مقاله سیزدهم بدان پرداخته است. زاویه ای دیگر از تحقق غدیر، نشر علم الهی و در نتیجه هدایتی است که در سایه آن علم تحقق می یابد، و این جز در ایام ظهور محقق نخواهد شد، که مقاله چهاردهم در بردارنده این موضوع است. نظم جهانی و وحدت بر اساس غدیر نقطه دیگری است که ایام ظهور وعده گاه آن است، و مقاله پانزدهم به این جهت اختصاص دارد. آنچه از عدالت در حکومت صاحب غدیر امیرالمؤمنین علیه السلام جلوه گر شده اما فرصت تکمیل آن پیدا نشد، باید در روزگار ظهور در کامل ترین صورت جلوه کند، که مقاله شانزدهم بدان پرداخته است.

هدف نهایی از خلق انسان که عبودیت است با حکومت امام الهی غدیر تحقق می یابد، که فعلیت تمام عیار آن در عصر ظهور با حضور حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام خواهد بود، و مقاله هفدهم بیان آن را بر عهده گرفته است. کربلا به عنوان مذبح غدیر نقطه استثنائی تاریخ است که انتقام آن جز در عصر ظهور تحقق نمی یابد، و مقاله هیجدهم بدین مهم پرداخته است. نقطه پایانی این بحث، قطع ریشه ظلمی است که قرن ها بر غدیر رفته و باید در عصر ظهور مُهر خاتمه بر آن زده شود، که آخرین مقاله کتاب حاضر بیان آن را بر عهده دارد.

#### د . محتوای مقالات

هر مقاله در ابتدا شماره دارد، و سپس عنوان اصلی و نام نویسنده آن آورده شده است. آنگاه چکیده ای از محتوای آن برای آمادگی مخاطب آمده است. سپس متن مقاله با عنوان های فرعی آن آورده شده و در پاورقی هر صفحه آدرس های لازم ذکر گردیده است. در پایان هر مقاله منابع آن آورده شده است.

#### گزارش نشست های «غدیر و ظهور»

تاکنون سه نشست علمی تخصصی با موضوع «تجلی غدیر در عصر ظهور» (۱) در اصفهان برگزار شده است. طی این سه مرحله مسئله مذکور مورد بحث و گفتگوی اساتید و اهل تخصص قرار گرفته، که ذیلاً گزارش آنها تقدیم می گردد.

این کنفرانس در ایام نیمه شعبان ۱۴۳۲ ق با هدف بیان ارتباط غدیر و مهدویت به مدت سه شب برگزار گردید. در این نشست ها اساتید بزرگوار علامه شیخ علی نظری منفرد، حجه الاسلام و المسلمین محمد حسین یوسفی، استاد علی اصغر رضوانی و استاد محمد حسین رحیمیان به سخنرانی درباره موضوع پرداختند، که گوشه هایی از سخنان ایشان به شرح زیر است:

پیامبر صلی الله علیه و آله برای آنکه تکلیف آینده جامعه اسلامی را بیان کند به امر خدا جانشینان بعد از خود را معرفی کرد. این معرفی اوصیا هم برای تشکیل یک حکومت اسلامی کامل عیار و هم برای تبیین جزئیات مسائلی بود، که در زمان آن حضرت امکان بیان همه آنها وجود نداشت.

همان طور که مؤسس دین باید معصوم باشد مَبِیَّن آن هم باید مقام عصمت را دارا باشد؛ که این مسئله در غدیر اعلام شد و تحقق عملی یافت.

تحقق دقیق و کامل اهداف غدیر در عصر ظهور در سه هدف غدیر متبلور است: یکی پیاده کردن اسلام و تطبیق آن از کانال صحیح، و دوم تحقق کامل حکومت الهی عدل گستر جهانی، و سوم رفع اختلاف بین امت اسلامی.

یکی از موانع بر سر راه تحقق غدیر ایجاد کنندگان آن موانع هستند، و یکی از این موانع کینه های بدر و اُحد در دل گروهی بود و صاحب این عقده ها عمداً بر سر راه غدیر مانع ایجاد می کردند.

با آن اهداف و این موانع، باید در انتظار روزی نشست که این موانع از سر راه غدیر برداشته شود، و غدیر عملاً در کام زندگی مردم جهان جای گیرد، که همان روز ظهور است.

سه هدف از خلقت انسان در نظر است که کمال آنها در غدیر است. آن سه هدف عبارتند از رسیدن به علم و معرفت و رسیدن به عبودیت و بندگی و رسیدن به مرز بنده خاص خدا شدن.

ارسال انبیاء علیهم السلام از سوی خداوند برای دو هدف است، که یکی غلبه دین الهی بر همه ادیان است تا آنجا که یک دین بیشتر نباشد، و دیگری انزال کتب تا مردم به قسط و عدل و گسترش جهانی آن موفق شوند.

تحقق آن اهداف خلقت و این اهداف ارسال رسل فقط در عصر ظهور با قدرت تمام عیار **حجه الله الاعظم** علیه السلام امکان پذیر است.

غدیر بستری برای تکامل انسان است. آفریدگار هستی بخش غدیر را از آن روی پدید آورد تا انسان را در بستر تعالی و تکامل قرار دهد و سعادت و رستگاری بشریت را در دوران ظهور رقم زند، و تجلی کامل آن را به جهان هستی نشان دهد.

ارتباط این دو حادثه تاریخ چنین است: غدیر آغاز راهی است که پایانش ظهور خواهد بود. اسلام بدون غدیر بی محتواست و غدیر بدون ظهور تجلیگاه جهانی ندارد. در روز ظهور نیاز مردم جهان به غدیر روشن خواهد شد و طعم شیرین زندگی در کوثر غدیر معلوم می گردد.

نشست دوم: سال ۱۳۹۰، دانشگاه اصفهان

این کنفرانس در ایام شعبانیه ۱۴۳۲ ق در تالار معارف اسلامی دانشگاه اصفهان برگزار شد. در این نشست اساتید حوزه و دانشگاه از جمله استاد علامه نظری منفرد و دکتر علی منتظر القائم با حضور طلاب و دانشجویان در ارتباط دو اصل اعتقادی غدیر و ظهور سخن گفتند، که مختصری از گفتار سخنرانان چنین است.

تجلی علمی غدیر یعنی امامت همچون رسالت در علم ازلی خداوند امری الهی است، و پیامبر و امام هر دو برگزیده خدا هستند و این روند تا آخر دنیا ادامه دارد.

خداوند از خلقت بشر هدف عالی داشته و آن هدایت است و پروردگار برای هدایت بشر پنج اقدام عملی نمود که عبارتند از: فطرت، عقل، وحی (کتاب های آسمانی)، ارسال رسل، تعیین امامان بعد از نبوت خاتم. آن چهار اقدام با آخرین آنها متبلور است و تبلور آن در ظهور خواهد بود.

نشست سوم: سال ۱۳۹۱، مدرسه علمیه جوادیه، اصفهان

این کنفرانس در روز ولادت حضرت علی اکبر علیه السلام یازدهم شعبان ۱۴۳۳ ق، با هدف ارتباط غدیر با مهدویت تشکیل شد. در این جلسه ابتدا پیام یکی از مراجع تقلید به مناسبت ایام نیمه شعبان با عنوان «عصر ظهور ثمره غدیر» قرائت شد.

در ابتدای این پیام آمده است: یکی از ویژگی های جامعه عصر ظهور امام زمان عجل الله فرجه آن است که زمین به نور پروردگار روشن می گردد.

در قسمت دیگری از این پیام با اشاره به اتمام حجت حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام بر یهود و نصاری در عصر ظهور و ایمان آوردن آنها به حضرت، چنین آمده است: واقعاً آن روز تماشایی است. در آن دوران بهشت موعود در دنیا جلوه گر می شود و صورت کوچکی از جنت چهره می نماید. از خدا می خواهیم هنگام ظهور ما را به دنیا باز گرداند، تا آن روز را ببینیم و تمام عدالت را لمس کنیم، چه اینکه زندگی مردم در آن روز واقعاً زیبا و دیدنی است.

در پایان این پیام آمده است: عصر ظهور ثمره غدیر است. غدیر یک عقیده و یک تاریخ و یک فرهنگ و مجموعه ای از بایدهاست. یعنی امام معصوم علیه السلام در رأس تمام امور است، که با حضور او احکام غدیر مطرح می شوند.

خلاصه ای از سخنرانی ها

در این نشست اساتید و محققین بزرگوار از حوزه علمیه قم حجج اسلام علی اکبر مهدی پور، محمد باقر انصاری، محمد صادق امیدواری خراسانی، محمد حسین یوسفی، محمد حسین رحیمیان و دکتر محمد رضا فریدونی به ایراد سخن درباره موضوع «تجلی غدیر در عصر ظهور» پرداختند. گزیده ای از گفته های سخنرانان چنین است:

بحث «تجلی غدیر در عصر ظهور» با اینکه در ابتدای شنیدن ساده به نظر می آید، ولی یک بحث تازه و کار نشده است، و تاکنون به طور جدی به آن پرداخته نشده و در آغاز راه است. بنابراین باید جوانب این بحث به طور اکمل تفکیک شود و هر یک جداگانه مورد تحقیق قرار گیرد. در مسیر این بحث ثمرات جالب و ناشنیده و مطرح نشده ای به دست خواهیم آورد و موضوع تجلی غدیر در عصر ظهور به ثمر خواهد نشست.

باید توجه داشت که شناخت غدیر از یک سو و عصر ظهور از سوی دیگر و سپس جمع بندی این دو، رمز این بحث است. سؤال از اینجا آغاز می شود که نیمی از غدیر تاکنون قابل چشیدن و درک کردن و لذت بوده و آن درک مفاهیم و ساختن اعتقاد بر اساس آن است. اما نیم دیگر آن تحقق عملی غدیر است که با ظهور امام زمان علیه السلام لذت آن را به تمام انسان ها بلکه همه موجودات بچشاند، چنانکه فرمودند: «ظهور او حیات زمین است».

از همین جاست که باید مانعین از تحقق عملی غدیر تا عصر ظهور را بشناسیم و بدانیم که چه کسانی این برکت عظیم را از دست مردم گرفتند. اینان هم مانع چشیدن شیرینی غدیر شدند و هم زهر تلخ سقیفه را در کام مردم ریختند.

پس یکی زدودن سم سقیفه از جان مردم است و دیگری ریختن غدیر شیرین به کام مردم، که این هر دو با ظهور امام زمان علیه السلام تحقق خواهد یافت، چنانکه می فرماید: «يَمْلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ بِعَدْلٍ وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا».

سقیفه با ممانعت از غدیر مردم را نسبت به آن تشنه تر کرد و آرزوی بر دل مانده درباره غدیر را هر لحظه در دلشان زنده نگه داشت به امید روزه که تحقق یابد.

اکنون باید بدانیم که ما حق نداریم تجلیات غدیر در عصر ظهور را از فکر خود بیان کنیم و بر اساس احتمالات و کلیات آن تجلی را تفسیر کنیم، بلکه باید به قرآن و کلمات معصومین علیهم السلام در این باره مراجعه کنیم؛ و همه آن تجلیات را از لسان خداوند و کسانی که آینده ظهور را می دانند خبر بگیریم. به خصوص آنکه اتفاقاتی خواهد افتاد که از اول دنیا تا آن روز اتفاق نیفتاده است.

ظهور آن روزی است که با یک اشاره امام معصوم علیه السلام عقل ها کامل می شود و با اراده الهی گنج های زمین بیرون می آید و اوضاع اقتصادی جدیدی پیش می آید. جالب تر اینکه یک جمع بندی از تمام کمالات در فکر و اعتقاد و اخلاق مردم محقق می شود. پس بدانیم که از امر عظیم و لذتی ناچشیده هم چون بهشت سخن می گوئیم.

در نگاه دیگر غدیر و ظهور بزرگترین وقایع عالم هستند، که وقتی در یک ظرف زمانی جمع شوند نورانیت آن جهان را به اوج عظمت مطلوب در ابعاد دنیوی و اخروی خواهد رساند.

در نگاهی دیگر غدیر آن چیزی است که همه انبیاء برای ابلاغ آن مبعوث شدند تا روزی که در غدیر تبلیغ نهایی آن انجام شد و به انتظار تحقق آن نشستند. این آرزوی انبیاء و امت هایشان می رفت تا پس از پیامبر صلی الله علیه و آله تحقق یابد، ولی سقیفه مانع شد و سد راه این راهکار اصلی نجات بشریت شد.

اینجاست که روزگار ظهور به عنوان روز تحقق آرمان غدیری همه انبیاء باید مورد مطالعه قرار گیرد، که غدیر به صورت تمام عیار به منصفه ظهور خواهد رسید. اکثر این تجلی ها فقط در روز تحقق آن درک کردنی است، و آنچه ما می دانیم فقط اطلاع یافتنی است تا روزی که از نزدیک شاهد باشیم.

در نگاهی دیگر غدیر احساس ملموس حکومت الهی غدیر است، که آرزوی آن در طول تاریخ بر دل مردم ماند و در روز ظهور آن را با تمام وجود احساس خواهند کرد، که شامل همه مزایای مادی و معنوی خواهد بود.

خلاصه ای از پاسخ به سؤالات

در این جلسه نویسندگان مقالات کتاب حاضر به پرسش های حاضرین درباره موضوع «تجلی غدیر در عصر ظهور» پاسخ دادند، که به برخی از آنها اشاره می شود:

سؤال اول :

برای آموختن و آموزاندن و باور تجلی غدیر در عصر ظهور چه مراحل را باید طی کنیم؟

پاسخ :

راه آموختن غدیر و ظهور مراجعه به منابع و تألیفات در این باره است، و به صورت مستقل و ضمنی به زبان عربی و فارسی در دسترس است. مطالعه این دو



مرحله و آموزاندن آن در شیوه های مختلف تبلیغی در محیطهای متفاوت اجتماعی، با اطلاع رسانی عمومی درباره این مسئله محقق می شود. اینجاست که ثمره آن اشتیاق انتظار چشیدن لذت غدیر شیرین در روزگار شیرین تر از غسل ظهور در ما ایجاد می کند، و انتظار فرج رنگی قوی تر در فکر و اعتقاد و عمل پیدا می نماید.

سؤال دوم:

آیا درباره تجلی غدیر در عصر ظهور مطالب کمی به دست ما رسیده است؟

پاسخ:

در گذشته تلخ اسلام مبارزات شدید فرهنگی که حاکمان اهل سنت و پیروانشان در طول تاریخ بر ضد شیعه و مکتب اهل بیت علیهم السلام داشته اند، بسیاری از کتاب های علمای ما مفقود شده است؛ اما با این همه میراث غنی و پرمحتوایی هم درباره غدیر و هم درباره عصر ظهور در دست ماست، که می توان کامل ترین احساس و درک را درباره تجلی غدیر در عصر ظهور به دست ما بدهد.

سؤال سوم:

چرا برخی از روایات مربوط به تجلی غدیر در عصر ظهور قابل بیان عمومی نیست؟

پاسخ:

از آنجا که فرمایشات معصومین علیهم السلام مخاطب های گوناگون از نظر درجه اعتقادی و رشد عقلی داشته، به همین جهت سطح فرمایشات خود را با درک مخاطب تطبیق می دادند. اگر ما بخواهیم همه فرمایشات ایشان را بدون در نظر گرفتن مخاطبی که آن را می شنود در سطح عموم نشر دهیم ممکن است منجر به جبهه گیری و انکار آن

حدیث شود، کما اینکه خود ایشان فرموده اند: همه سخنان ما را همه جا نقل نکنید، و هرگاه فرازی از کلام ما را برای مخاطبی نقل کردید و احساس نمودید قبول آن برای او مشکل است امساک نمایید.

بعضی کلمات معصومین علیهم السلام به خاطر افق بالا ممکن است برای کسانی که روحیه تسلیم ندارند موجب انکار و یا حتی جسارت به آن شود. لذا باید از نقل برخی مطالب در برخی موقعیت ها امساک کرد. در برخی موارد نیز مقدماتی برای بیان لازم است ولی زمان برای آن موقعیت وجود ندارد.

سؤال چهارم:

آیا تجلی غدیر در عصر ظهور ربطی به روزگار رجعت هم دارد؟ یعنی آن روز هم جلوه ای از تجلی غدیر خواهد بود؟

پاسخ:

طبق روایات یقیناً قسمتی از تجلی غدیر در عصر رجعت است، که ادامه عصر ظهور خواهد بود.

سؤال پنجم:

آیا قبل از ظهور غدیر تجلی نداشته که بگوییم در عصر ظهور تجلی پیدا می کند؟

پاسخ:

تجلی غدیر در عصر ظهور منافاتی با تجلیات قبل از ظهور آن ندارد، ولی موارد و مصادیق و شکل تجلی این دو متفاوت است و دو پرونده جدا از هم دارد. بنابر این منظور این نیست که تجلی غدیر فقط در عصر ظهور است، بلکه منظور از این بحث فقط بیان تجلیات غدیر در عصر ظهور است که چگونه خواهد بود، و کار به تجلیات

قبل از ظهور ندارد که باید جداگانه بحث شود. اضافه بر اینکه تجلی اکمل غدیر فقط در عصر ظهور خواهد بود.

با آرزوی حضور در روزگار تجلی غدیر، و درک لذت ولایتمداری امام معصوم علیه السلام در عصر ظهور، و مشارکت در اعاده حق غدیر با انتقام برای مظلوم غدیر؛ چشم به راه گام های استوار آخرین میراث دار دین الهی برای کامل ترین تجلی غدیر در عصر ظهورش خواهیم ماند.

عید غدیر ۱۴۳۳ ق ، پاییز ۱۳۹۱ ش

اصفهان ، مرکز غدیرستان کوثر نبی صلی الله علیه وآله

## عصر ظهور تجلیگاه غدیر: مرکز غدیرستان کوثر نبی صلی الله علیه وآله

### چکیده

۱. غدیر از آغاز خلقت تا ظهور و تا قیامت
۲. سقیفه مانع غدیر تا ایام ظهور
۳. ظهور با پیام غدیر
۴. آثار غدیر در ایام ظهور: عدالت، عقل، علم، دین

### مقدمه

عصر ظهور افق بیکرانه ای است که بشر از تصور آن عاجز است، و نزول رحمت است آن گونه که انسانیت تاکنون تجربه نکرده است، و کمال تعالی و رشد است در گونه ای که هنوز عقل بشریت به آنجا نرسیده است. پس هر چه بگوییم دورنمایی از یک بهشت نادیده است که فقط شنیده ایم و ایمان آورده ایم، و هر تصویری در ذهن بپروریم چشم اندازی از سرسبز آرزوهاست که تا محقق نشود لذت آن قابل احساس نخواهد بود

این ناشناخته ظهور، آن قدر شیرین است که حتی یاد آن کاممان را حلاوت می بخشد، اما همچون جنینی در رحم مادر هستیم که تا در کنار حجت پروردگار زندگی نکنیم حقیقت آن را در نخواهیم یافت؛ به خصوص آنکه سقیفه چنان زهر تلخی به همه چشاند و پرده های تیره و تار ظلم را بر سراسر جهان آویخته، که دیدن آن روز موعود از فراسوی روز حضورش بر چشمان غبار گرفته ما بسیار سخت است.

در کتاب حاضر قلم هایی بر آنند تا تصویرهای زیبای روزگارِ ظهور را به نام غدیر ترسیم کنند، و کام های تلخ شده از نکتِ سقیفه را با زنده کردن یاد روزهای پر خاطره ظهور که در پیش داریم معطر سازند، و برای لحظاتی لذت ظهور و حضور را به ما بچشانند.

آنچه از رنگِ روزهای قشنگِ غدیر در ظهور از این قلم ها چکیده، بر گرفته از کلام خداوند و بشارت های معصومین علیهم السلام است که از آن روزهای شیرین خبر داده اند. با الهام از کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام، می توان نتایجی به دست آورد که لطافت و خنکای آن روزگار شیرین تر از عسل را به ما نشان دهد، و این همان چیزی است که قلم پردازان این کتاب با آموختن تصویری صحیح از روزگار غدیریِ ظهور در نظر داشته اند.

به عنوان استقبال از این دورنمای زیبای عصر ظهور که غدیر در آن تجلی کرده و در مقالات این کتاب خود را نشان می دهد، مقاله آغازین این مجموعه همه این باغ سرسبز را مرور کرده و با الهام از همه آن فکرهای غدیر دوست و منتظرِ ظهور، یک جمع بندی از آنها ارائه کرده است؛ تا از یک سو اشتیاق مخاطبین را برای مطالعه

مقالات دو چندان نماید، و از سوی دیگر یک تابلوی تمام نما از کتاب حاضر را در اختیار خوانندگان قرار دهد.

این مقاله در چهار قسمت اصلی با عناوین زیر، ارتباط غدیر با ظهور را دنبال می نماید:

الف . غدیر، از آغاز خلقت تا ظهور و تاقیامت

ب . سقیفه، مانع غدیر تا ایام ظهور

ج . ظهور با پیام غدیر

د . آثار غدیر در ایام ظهور

### **غدیر از آغاز خلقت تا ظهور و تاقیامت**

عالم با غدیر آغاز شده و با غدیر ادامه دارد و با غدیر پایان می یابد، که همان محبت و ولایت محمد و آل محمد علیهم السلام است، و بر همین اساس مهمترین رسالت پیامبران ابلاغ پیام غدیر بوده است.

ما معتقدیم غدیر استمرار حلقه پیوند انسان با آفریدگار است که از روز اول بدان نیاز داشته و تاقیامت این روند ادامه دارد. غدیر پاسخ به منجی گرایی بشریت و پاسخ به درخواست «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» انسان است. در واقع انسان رهرو راه کمال است با برنامه مدوّن الهی، که در غدیر تکمیل شد و پیشوای هدایتگر آن در غدیر معرفی گردید.

پس جا دارد بگوییم: غدیر بهترین شیوه بهره برداری از جهان هستی را در اختیار بشر قرار می دهد. غدیر شاقول الهی افکار است که در طول تاریخ تنها میزان سنجش از طرف پروردگار بوده است.

بنابراین می توان نتیجه گرفت که توحید از آغاز خلقت با آموزش فرستاده و نماینده خدا پایه گذاری شد، و ملائکه و انبیاء هم توحید را از چهارده معصوم علیه السلام آموختند، و اوج این عظمت در غدیر اعلام شد. و چه زیباست که بگوییم: «کمال دین و نعمت و رضایت الهی که انسان از آغاز خلقت در انتظارش بود، با غدیر اعلام شد».

خداوند مَنان سه تعبیر درباره بعثت و غدیر و ظهور در قرآن آورده که این روند را به خوبی ترسیم می نماید: بعثت را منت خود بر خلق شمرده و فرموده: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا»<sup>(۱)</sup>؛ و غدیر را کمال دین خود اعلام کرده و فرموده: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ»<sup>(۲)</sup>؛ و ظهور را تابش نور الهی به حساب آورده و فرموده: «وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»<sup>(۳)</sup>.

این مسیر از آغاز خلقت تا بعثت و از بعثت تا غدیر، مسیر خود را طی کرد تا به دوران بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله رسید. در واقع غدیر وصیتنامه اجرائی پیامبر صلی الله علیه و آله بود که باید بعد از آن حضرت عملی می شد؛ و اوجب واجبات در روزگار فقدان نبی امامت بود که معنای دقیق جانشینی و خلافت به حساب می آمد. یعنی در غدیر مُبیین دین همانند مؤسس آن معرفی شد که مقام عصمت است. اکنون که پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفته باید این روند تا قله خود پیش رود و اوج گیرد و هیچ مانعی - حتی اگر سقیفه باشد - نخواهد توانست مانع این پایه گذاری خلقت شود.

اگر در زمانی موقت، فتنه های سقیفه مغزها و افکار بشر را از راه راست بهشت منحرف کرد و امتحان الهی تحقق یافت؛ اما اراده پروردگار بر اجرای امر خود درباره

۱- آل عمران: ۱۶۴.

۲- مائده: ۳.

۳- زمر: ۶۹.

غدیر، پشتوانه ای است که در زمان ظهور خود را نشان خواهد داد آنجا که فرموده: «كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَ رُسُلِي» (۱).

اکنون باید گفت: ظهور انتهای تفصیلی صراط مستقیم غدیر و تجلی کامل تعالی بشر است. اسلام بدون غدیر و غدیر بدون ظهور متجلی نمی شود. آن کمال اعلام شده در دین و آن نعمت به اوج رسیده در ولایت و آن مهر رضایت رب در غدیر، جز با ظهور عملی نخواهد شد.

امام غدیر در روز ظهور آن پیشوای هدایتگری است که رسالت جهانی ختم نبوت را بر عهده دارد. آن برنامه مدون الهی در غدیر به دست او در روزگار ظهور متجلی می گردد. اوج پیوند انسان با آفریدگار در عصر ظهور خود را نشان خواهد داد که «مَتَى تَرَانَا وَ نَرَاكَ وَ أَنْتَ تَأْتُمُّ الْمَلَأَ» (۲)، و اوست که واسطه بودن بین خدا و خلق را به همه نشان می دهد.

آن روز بهترین بهره برداری از جهان هستی به دست امامی آگاه از جزئیات جهان خلقت محقق می شود. آن روز اوجب واجبات که امامت است معنای عملی خود را نشان می دهد. آن روز مردم می فهمند که دیر زمانی است پاسخ به درخواست «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (۳) را دریافت کرده بودند، ولی بدان توجه نداشتند.

آن روز وصیتنامه غدیری پیامبر صلی الله علیه و آله حَقاً مورد عمل قرار می گیرد. آن روز تراز سنجش افکار، بی پرده درست را از نادرست تعیین خواهد کرد. آن روز توحید و خداشناسی توسط امام غدیر در گسترده ترین بازار علم بر عقول جهانیان عرضه

۱- مجادله: ۲۱.

۲- دعای ندبه.

۳- حمد: ۶.



خواهد شد؛ و آن روز است که باید با خط طلا بر سینه آسمان نوشت: «تجلی واقعی غدیر تنها در عصر ظهور است»!

### سقیفه مانع غدیر تا ایام ظهور

برنامه الهی غدیر که به همه بشریت تقدیم شد و هدیه پروردگار به بندگانش بود، ضربه هولناکی را از سوی سقیفه تجربه کرد، که بدبختی بلکه نگون بختی واقعی را برای انسان ها به ارمغان آورد. با جمله «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» (۱) که به معنای کنار گذاشتن امام تعیین شده از سوی خداوند بود، طعم شیرین غدیر در رسیدن به آرزوهای بشر در کامشان تلخ شد.

سقیفه درهای رحمت گشوده در غدیر را بست و درهای جهنم را برای مسلمین و کل بشر باز کرد. با حاکمیت جابرانه سقیفه، از یک سو امامان معصوم علیهم السلام نتوانستند غدیر از دست رفته را به کام زندگی مردم باز گردانند؛ و از سوی دیگر با کنار گذاشتن غدیر در سقیفه بشر به سوی تفرقه پیش رفت. در یک کلمه باید گفت: غدیر فصل تازه ای از دین بعد از رسالت بود که در پرده ظلمت سقیفه پنهان شد، و با غضب حق غدیر به دست سقیفه مردم به جاهلیت باز گشتند!

از همین جاست که جنایات سقیفه و ظلمی که بر مردم روا داشته، امید آنان را به ظهور چند برابر کرده است، و از همین جاست که آغاز ظهور با نابود کردن ضد غدیر و طرفدارانش خواهد بود. ظهور مایوس کردن دشمنان از نابودی دین است، همان گونه که غدیر دشمنان را مایوس کرد.

واقعیت آن است که مردم چاره ای جز بازگشت به سوی غدیر ندارند، و ظهور برای همین هدف است. مردم به خاطر قطع ارتباط با امام غدیر، به انواع گناهان آلوده شدند

و گناهان را با فقر و سختی ها تاوان دادند، که باعث همه اینها سقیفه بود. برای جبران غدیر از دست رفته به دست سقیفه، باید دست بیعت با وارث غدیر داد و خود را برای عصر ظهور آماده کرد.

با حذف سقیفه، راه برای آرزوهای بشریت و نزول رحمت الهی و حضور امامان معصوم علیهم السلام و ریشه کن شدن تفرقه باز می شود. در ظهور ریشه ظلم و ظالم کننده می شود، و بدون شک ظالم تر از غاصبین ولایت وجود ندارد. آن روز غدیر از پشت پرده سقیفه بیرون می آید و مردم از جاهلیت نجات می یابند.

بنابراین جا دارد با صدای بلند اعلام کنیم: حق غدیر که به دست سقیفه نابود شد، جز با ظهور امام غدیر اعاده نمی گردد، و آتش سقیفه بر سر غدیر جز با آب عدالت مهدوی خاموش نمی شود.

### ظهور با پیام غدیر

امام زمان علیه السلام با پیام غدیر بپا می خیزد و با پیام غدیر حرکت می نماید و با پیام غدیر به پایان می رساند. دو آیه تبلیغ و اکمال در این آیه به ظهور می رسد که «لَيْسَتْخَلِيفَتُهُمْ فِي الْأَرْضِ»<sup>(۱)</sup> این مفهوم بر همه روشن می شود که بعثت علت مُحدثه اسلام، و غدیر علت مُبقيه اسلام، و ظهور مُجدد و احیاکننده اسلام است. از همین جا معلوم می گردد که دستور ابلاغ غدیر تا قیامت، به معنای بقاء و ادامه راه انبیا تا روز ظهور و بعد از آن تا قیامت است.

در عصر ظهور معلوم خواهد شد که مردم چقدر نیاز به غدیر داشتند و چه چیزی را پشت پا انداختند. هم تکلیف غدیر با انسان ها و هم تکلیف انسان ها با غدیر، در آن

روز روشن خواهد شد؛ و امام زمان علیه السلام مردم را متوجه فراموشی و از دست دادن غدیر می نماید.

همه اینها از آنجاست که در غدیر وعده ظهور داده شده، و وعده های روز ظهور هم اعلام شده که تحقق آن حتمی خواهد بود. سیمای موعود در بیست فراز از خطبه غدیر ترسیم شده که در عصر ظهور تحقق خواهد یافت. در غدیر دو حکومت با یک محور طراحی شد: علوی و مهدوی؛ که مردم قدر اولی را ندانستند، اما دومی را با زمینه هایی که غدیر برای پی ریزی حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت به دست حضرت مهدی علیه السلام آماده کرده درک خواهند کرد.

و چه به جاست که بگوییم: غدیر از زمان وقوع تا ظهور به صورت گفتمان بوده، و در زمان ظهور گذشته از گفتمان به صورت اجرایی و عملی تحقق می یابد.

## آثار غدیر در ایام ظهور

### اشاره

روزگار ظهور میعادگاه منتظران غدیر است، که قرن ها به دست سقیفه در خاک سیاه نشسته اند و چشم به دوردست های ظهور دوخته اند. حتی آنان که رفته اند زنده می شوند و باز می گردند تا از شهد شیرین غدیر با حضور صاحب آن لذت ببرند و این حق آنهاست. آنچه این انتظار را به اشتیاق رسانده، آن است که هیچ کس جز دورنمایی از عصر ظهورِ غدیر نشنیده است؛ و شنیدن کی بود مانند دیدن و زیستن در سایه سارِ امام غدیر!

و اما اینکه در عصر ظهور چگونه غدیر تجلی خواهد کرد؟ باید به یاد آوریم که غدیر همان برنامه مدون الهی برای سعادت همه بشر بود، که رکن آن اطاعت و پیروی از امام معصوم علیه السلام قرار داده شد. بنابراین سعادت بشر را با نگاهی عام و نگاهی خاص می توان نگریست.

در نگاه عام، همه جهاتی که برای نجات و سعادت همه ملت ها از همه رنگ و نژاد و زبان و در هر زمان و مکانی لازم است، در غدیر نهفته و در عصر ظهور تجلی تمام عیار می یابد. در تبیین این سعادت‌مندی، دلنوشته ها و ناگفته های بسیاری را می توان بر زبان آورد:

۱. اگر بگوییم حیات مادی و معنوی بشر تأمین خواهد شد، گزاف نگفته ایم.

۲. اگر بگوییم بشر در تعالی و رشد به اوج می رسد و نهایت قابلیت های خود را نشان می دهد، درست گفته ایم.

۳. اگر بگوییم بشر صراط مستقیم را پیدا می کند و از آن به سوی اهداف الهی حرکت می کند و از هر انحرافی مصون خواهد بود، به جا گفته ایم.

۴. اگر تعبیر کنیم که اسلام که اساس همه ادیان الهی است، در کامل ترین صورت خود متجلی خواهد شد، بیراهه نرفته ایم.

۵. اگر ادعا کنیم که شر و ظلم و فتنه در همه گونه های آن رنگ می بازد، و قبل از بهشتِ آخرت در این دنیا بهشت برقرار می شود، و همه موجودات با امتیت تمام عیار زندگی می کنند، عین حقیقت را بر زبان آورده ایم.

۶. اگر بگوییم: عصر ظهور روزگاری است که خداوند از بندگانش راضی می شود و این رضایت نهایت مطلوب از بشر است، ادعای درستی است.

۷. اگر ادعا کنیم امام غدیر در عصر ظهور بهترین شیوه بهره برداری از جهان هستی را به همه نشان خواهد داد، درست گفته ایم.

۸. اگر بگوییم: با زعامت امام معصوم علیه السلام نورانیت زمین را فرا می گیرد، و جهان نور باران می شود و همه موجودات به این نورانیت افتخار خواهند کرد، سخن درستی است.

و اما در نگاه خاص به سعادت‌مندی بشر در عصر ظهور، در جستجوی دو مسئله خواهیم بود: یکی ابعاد گسترده سعادت بشر، و دیگری کارهای خاصی که برای سعادت بشر تحقق می‌یابد.

اما ابعاد گسترده سعادت‌مندی بشر که آمیخته‌ای از ابعاد فکری و جسمانی و ابعاد دنیایی و آخرتی انسان است، در جهات بسیاری قابل شمارش است که مواردی از آنها را بر می‌شماریم:

## عدالت

برقراری عدالت از همه زاویه‌های مؤثر در حیات مادی و معنوی بشر، یکی از ثمرات تجلی غدیر در عصر ظهور است. شکی نیست که باید مسئله ریشه کن کردن ظلم را مقدمه‌ای برای تثبیت عدالت در نظر گرفت، و بلکه اولین گام در این راه است.

در یک نگاه، تحقق جهان شمولی عدل غدیر در عصر ظهور خواهد بود، که طعم آن را همه انسان‌ها و حتی حیوانات و گیاهان، بلکه همه موجودات خواهند چشید.

از سوی دیگر، نظم عمومی جهان و طبعاً وحدت معقول اقشار مختلف مردم در ابعاد مختلف، بر محور اوامر الهی و بر اساس دستورات ولی الله الاعظم و برادری و محبت حاکم بین مردم است، که همه اینها نتیجه عدالت واقعی خواهد بود.

تجلی ارزش‌های اخلاقی و انسانی و عمل به انصاف و مروت، ابعاد دیگری است که در سایه عدل، خود را نشان خواهد داد. با عدالت علوی در عصر مهدوی ترس مردم از یکدیگر رخت بر می‌بندد و فقط ترس از خدا می‌ماند.

**عقل**

رشد عقل ها و بالا رفتن سطح فکرها و درک و فهم بالای مردم از مسائل مختلف، یکی دیگر از اثرات تجلی غدیر در عصر ظهور خواهد بود؛ به گونه ای که عقول قابلیت درک غدیر را پیدا کنند و لیاقت درک غدیر را در خود بیابند، تا بتوانند لذت حضور در پیشگاه امام غدیر را احساس نمایند.

**علم**

نجات از جاهلیت در انواع آن و هدایت به راه درست در سایه علم صحیح و رسیدن به صراط مستقیم با یقین و اطمینان قلبی، همه از ره آوردهای عصر ظهور و تجلی تمام نمای غدیر در آن است.

در همین زمینه مسئله رشد علوم و دست یافتن سریع به سخن حق در هر موضوعی، و قرار گرفتن پایه های فکری صحیح در هر زمینه ای، راه میان بری است که سعادت‌مندی بشر را با سرعت یک بر هزار به نتیجه می رساند.

**دین**

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»<sup>(۱)</sup>، «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»<sup>(۲)</sup>

شاید بتوان ادعا کرد سرآمد همه آرزوها و پیشگویی هایی که در عصر ظهور تحقق می یابد و حقیقت غدیر نیز همان است، چیزی جز حاکمیت دین الهی به دست امام الهی نباشد. از روز آغاز حضور انسان در زمین، حسرت این آرزوی زیبا

۱- آل عمران: ۱۹.

۲- آل عمران: ۸۵.

بر دل‌ها مانده تا عصر مهدوی که وعده پروردگار تحقق یابد و همه زمین یکپارچه غدیر شود.

زدودن شبهات از یک سو و بر طرف کردن پیرایه‌ها از دین الهی از سوی دیگر، اولین گام‌هایی است که دین خالص را به همه نشان خواهد داد، و این جز به دست مقام عصمت نمی‌تواند تحقق پذیرد. چنین اقدامی آنگاه عملی خواهد شد که دشمنان دین همگی ذلیل شوند و قدرت سخن و خودنمایی نداشته باشند، و بساط نفاق برچیده شود و اهل حق غالب باشند، و مردم خضوع در برابر فرامین الهی و نماینده خداوند را پذیرفته باشند و نیاز مردم به دین الهی برایشان روشن باشد.

آن روز است که با حاکمیت دین در جای‌جای زندگی مردم و در اجتماعی که بر آنان حاکم است و در آن زندگی می‌کنند، توحید و یکتاپرستی در معنای صحیح آن و حقایق ایمان در ابعاد گسترده‌اش و معارف دین در فصول مختلفش مطرح خواهد شد. آن روز است که با حضور دین بر مبنای غدیر زمینه گناهان برچیده می‌شود و نفوذ شیطان قطع می‌گردد، و معنای وسیع دین برای همه معلوم می‌شود و انسان‌ها لذت دینداری را می‌چشند.

## زمینه های بحثِ «تجلی غدیر در عصر ظهور»: محمدباقر انصاری

### چکیده

۱. تلخی روزگارِ سقیفه، امید به ظهور را چند برابر کرده است.

۲. سؤالاتِ زمینه سازِ بحثِ «تجلی غدیر در ظهور»

۳. خصوصیات علمی در بحثِ «تجلی غدیر در ظهور»

۴. ورودی های بحثِ درباره «تجلی غدیر در ظهور»

۵. منابع بحثِ درباره «تجلی غدیر در ظهور»

### مقدمه

همه آنان که با شنیدن نام غدیر تا عرش پر می کشند، از تحقق نیافتن آن در روزگار بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله به خروش می آیند و تا عمق جانشان می سوزد. این دل سوختگان پس از آنکه لعن و تنفر و انزجار خود را نثار سد کنندگان راه غدیر می نمایند، از خود می پرسند: اگر در آن روزهایی که حقّ غدیر بود مانع آن شدند، آیا امیدی هست که



روزی بر این کره خاکی نامی جز غدیر و امامش شنیده نشود و آن بهشت موعود را با تمام وجود خود احساس کنیم؟

### تلخی روزگارِ سقیفه، مشوق امید به ظهور

#### اشاره

با یادآوری نام مبارک حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام، روزگار شیرین تر از عسلی را پیش بینی می کنیم که غدیر در آن به صورت تمام عیار تحقق یافته، و ولایت تمام عیار امامت الهی بر سراسر گیتی سایه گسترده است.

ارتباط بین غدیر و ظهور حضرت مهدی علیه السلام، مبحثی عمیق است که تاکنون به تفصیل آن پرداخته نشده، و نیاز به تحقیقی جامع و تحلیل و پردازشی علمی و منطقی دارد که نقاط ابهام آن را راز گشایی کند.

بنابراین می توان ادعا کرد مسئله «تجلی غدیر در عصر ظهور» موضوعی بکر و در آغاز راه تحقیق است، که فروع بسیاری را در خود جای داده است؛ و هر چه بیشتر به مباحث آن پرداخته شود ابواب جدیدی به روی ما باز خواهد شد. مقاله حاضر به عنوان معرفی و شناسایی پیش زمینه های این بحث تنظیم شده است، که در چهار بخش تقدیم می گردد:

الف . سؤالات زمینه ساز این بحث.

ب . خصوصیات علمی و منطقی این بحث.

ج . ورودی های این بحث

د . منابع این بحث.

### سؤالات زمینه ساز بحث «تجلی غدیر در ظهور»

رشد و فراگیری هر بحثی در گرو تعدد سؤالاتی است که بر اساس فرضیه های علمی درباره آن مطرح می شود. درباره موضوع «تجلی غدیر در ظهور» می توان چهارده سؤال زیر را مطرح کرد، که پاسخ به هر یک از آنها زاویه ای از مطلب را روشن می نماید:

۱. نقطه ارتباط غدیر با مهدویت در کجاست؟
۲. آیا تجلی غدیر در مهدویت به طور کلی است یا فقط به عصر ظهور اختصاص دارد؟
۳. مگر غدیر تجلی نداشته که باید در عصر ظهور متجلی شود؟
۴. تاکنون چه مقدار در این باره کار علمی شده است؟
۵. اگر کلام صریحی درباره تحقیق عینی غدیر در عصر ظهور نداشته باشیم، آیا با استفاده از کلیات و تطبیق آنها می توانیم ادعا کنیم آنچه در غدیر انتظارش می رفت در عصر ظهور محقق می شود؟
۶. اهداف تصریح شده غدیر کدام است؟
۷. اهداف تصریح شده عصر ظهور کدام است؟
۸. در اثر عدم تحقق غدیر چه اتفاقی افتاد که با ظهور جبران می شود؟
۹. فرق امام غدیر با امام سقیفه در چیست که باید در ایام ظهور فقدان ۱۴۰۰ ساله اش جبران شود؟
۱۰. آیا بین غدیر و عدالت گستری حضرت مهدی علیه السلام ارتباطی وجود دارد؟
۱۱. فرق فضای حاکم بر اجتماعی بر مبنای حکومت غدیر، با فضای حاکم بر اجتماعی بر مبنای حکومت سقیفه چیست؟

۱۲. چه سرنخ‌هایی از روایات می‌تواند به بحث ارتباط غدیر و مهدویت کمک کند؟

۱۳. چه منابعی و کدام دسته از موضوعات حدیثی می‌تواند مطالب مربوط به غدیر در عصر ظهور را در بر داشته باشد؟

۱۴. آیا مباحث براءت و لعن چه اندازه در روشنگری مسئله تحقق غدیر در عصر ظهور راهگشا است؟

### **خصوصیات علمی در بحث «تجلی غدیر در ظهور»**

قبل از ورود به کار علمی درباره «تجلی غدیر در ظهور» باید متوجه ابعاد دقیق علمی اعتقادی در این مسئله باشیم؛ تا در تحلیل‌های اعتقادی به بیراهه نرویم. مهم‌ترین جهات این دقت‌ها چهار نقطه است:

۱. بحثی است که تاکنون به صورت تخصصی درباره آن کار نشده است.

۲. به طور مستقیم و صریح در این باره مطلبی در روایات نیامده است.

۳. از جمع بندی چند گروه از روایات می‌توانیم در این باره به نتایجی دست یابیم.

۴. باید مواظب تحلیل و جمع بندی و پردازش‌ها باشیم که از حد معقول به استحسانات کشیده نشود.

### **ورودی‌های بحث درباره «تجلی غدیر در ظهور»**

برای جستجو در منابع اعتقادی و حدیثی و تاریخی درباره بحث «تجلی غدیر در ظهور» باید دریچه‌های فکری مرتبط با مسئله را شناسایی کنیم، و گمشده خود را از لابلای متون استخراج نماییم. نه مدخل برای ریزیافته‌های بحث مزبور معرفی

می شود، با اذعان به اینکه در ضمن کار علمی هر محققى ممکن است به ورودى هاى جدیدى دست یابد.

۱. اخبار غدیر و اهداف بلندی که در این برنامه عظیم ترسیم شده، دریچه ای به سوى تطابق آن با ایام ظهور است.

۲. اخبار عصر ظهور و آنچه به طور کلی و جزئی در زمان ظهور محقق می شود، دریچه ای برای تطبیق آنها با اهداف غدیر است.

۳. آنچه درباره مقام امامت و شؤون و خصوصیات آن در احادیث داریم، نشانگر آن است که اگر امام غدیر حاکم بود اوضاع جهان به صورت ریشه ای فرق می کرد، که در عصر ظهور این مسئله به فعلیت خواهد رسید.

۴. بررسی وقایع رخ داده در اثر عدم اجرای غدیر و عدم حضور امام غدیر، دریچه ای است به سوى دریافت معکوس آنکه با غدیر محقق می گردد، و معلوم می کند که اگر غدیر محقق می شد چه اتفاقی می افتاد.

۵. در نظر گرفتن اهداف فکری و عملی اسلام و مجرد تحقق همان ها آن گونه که خدا گفته، کافی است که تأسف ما را برانگیزد که چرا با آمدن سقیفه آن اهداف به نتیجه نرسید و شوق ما را زنده کند که آن اهداف با ظهور به نتیجه خواهد رسید.

۶. بشارت های مربوط به پیامبر و امامان و حضرت مهدی علیه السلام در کتب انبیاء علیهم السلام، می تواند دریچه ای برای تطبیق غدیر بر مهدویت به عنوان ادامه یک مسیر باشد که از انبیاء آغاز شده و تا پیامبر صلی الله علیه و آله و سپس امامان علیهم السلام ادامه یافته، و آنگاه محقق کننده تمام عیار آن حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود.

۷. آنچه به عنوان عدالت حضرت مهدی علیه السلام با ابعاد گسترده آن مطرح است، می تواند دریچه ای به تقارن غدیر با عصر ظهور باشد.

۸. باید توجه داشت که چه اهداف غدیر و چه اهداف ظهور بر اساس منافع دنیا و آخرت بشر تنظیم شده و هر دو باید کنار هم در نظر گرفته شود.

### منابع بحث درباره «تجلی غدیر در ظهور»

معرفی منابع مربوط به بحث «غدیر و ظهور»، گذشته از شناسایی کتب حدیثی و تاریخی، باید پیش زمینه ای از نظر جایگاه فکری این موضوع در متون داشته باشیم که هفت موقعیت زیر معرفی می شود:

۱. روایات مربوط به شؤن حضرت مهدی علیه السلام.

۲. روایات مربوط به وقایع عصر ظهور از نظر انتقام و دادخواهی.

۳. روایات مربوط به کیفیت زندگی مردم در عصر ظهور از نظر دینی و دنیایی.

۴. روایات مربوط به مقام امامت مثل زیارت جامعه و حدیث امام رضا علیه السلام در مرو.

۵. روایات مربوط به لعن و مطاعن اهل سقیفه.

۶. دعاها و زیارات مربوط به امام زمان علیه السلام.

۷. دعاها و زیاراتی که جرم دشمنان و مظلومیت اهل بیت علیه السلام را بیان کرده است.

با اذعان به اینکه بحث «تجلی غدیر در عصر ظهور» در آغاز راه است، نوشته حاضر امیدوار است توانسته باشد کلیدی برای شروع مباحث عمیق در این باره باشد.

نتیجه این مبحث آن است که دل های به انتظار نشسته غدیریان را مسرور کنیم؛ و آنان که با کامی تلخ از سقیفه، هر صبح و شام ظهور غدیر را با حضور امامش حضرت مهدی علیه السلام لحظه شماری می کنند، نیک بدانند که منتظر کدامین بهشت موعود هستند، مطمئن شوند که حقیقتاً ارزش انتظار را دارد.

## ظهور، پاسخ به فطرت غدیری انسان ها : سید محمود میر دامادی بحر العلوم

### چکیده

۱. غدیر که طرح وصایت است با فطرت همخوانی دارد.
۲. غدیر پاسخ منجی گرایی و پاسخ به سؤال «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» بشریت است.
۳. ظهور روز تحقق حقایق پنهان غدیر است.
۴. برای بقای اسلام غدیر لازم است.
۵. غدیر شاقول افکار در طول تاریخ اسلام است.
۶. غدیر برای همیشه بنا شده و با امثال سقیفه محو نمی شود.
۷. غدیر ترسیم هندسی فکر و عمل بشریت است.
۸. روزگار ظهور زمان ظاهر شدن مبانی غدیر است، تا پایه های صحیح فکری در دین روشن گردد.
۹. غدیر روز رشد عقول است.

## مقدمه

انتخاب موضوع «تجلی غدیر در عصر ظهور» چه انتخاب شایسته و زیبایی است. قبل از هر چیز باید بدانیم که مهندسِ حصنِ حصین اسلام، بیشتر و بهتر از دیگران به بقا و جاودانگی این دین آسمانی پرداخته است.

## همخوانی غدیر با فطرت

طراح رسالتِ مُنذر، نه فقط به طرح پیامبری و قوانین و لوازم آن پرداخت، که برای وصایت و رهبری بعد از پیامبر اسلام علیه السلام نیز قانون گذاشت.

خدایی که می گوید: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (۱)، هم «منذر» منتخب دارد و هم «هادی» منصوب. هم به علت محدثه نظر دارد و هم به علت مبقیه به خوبی می پردازد. در جهت تشریح موضوع به دو نکته می پردازیم:

۱. غدیر که طرح وصایت و علت مبقیه اسلام است، با فطرت هم خوانی دارد و پاسخ منجی گرایی و سوال «اهدنا» ی بشریت محسوب می گردد.

۲. عصر ظهور روز ظهور حقائق پنهان غدیر است. غدیر که تدریس نظری پیرامون بزرگی حکومت انسان کامل است، روز ظهور عملاً به نمایش در می آید. در آن روز «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (۲) و «وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ» (۳) اجرا می گردد.

## غدیر پاسخ منجی گرایی بشریت

بحث منجی گرایی نه فقط در کتب و آثار پیشینیان و ادیان آسمانی آمده، که در کتاب تکوین و آفرینش هم مشهود و محسوس است.

۱- رعد: ۲۷.

۲- صف: ۹.

۳- صف: ۸.

طفل صغیری که وقت گرسنگی و یا بیماری می‌گیرید، و یا غریق و مضطرب که برای نجات فریاد می‌زند، دلیل تطبیق اصل منجی‌گرایی کتب ادیان با کتاب تکوین است. روی آوردن مردم به پیامبران الهی، مانند توجه کودک به پدر و مادر خویش، جنبه منجی‌گرایی دارد.

در قرآن کریم به آیه «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (۱) برخورد می‌کنید. قرآن کریم همان‌طور که به احسان نسبت به پدر و مادر جسمانی نظر دارد، به احسان نسبت به پدر و مادر الهی نظر برتر و بالاتری دارد.

تصور کنید کودکی در یک بیابان گم شده و در حالی که تشنه است فریاد می‌زند. علت فریاد و گریه این کودک چیست؟ تشنه و گرسنه است و خواهان نجات است. چه کسی به او گفته و القا نموده که باید برای نجات گریه کنی و فریاد بزنی؟ کتاب تکوین این مسئله را به او القا کرده است؛ و چه کسی دلسوزتر از پدر و مادر؟! اگر صدای کودک به گوش پدر و مادر برسد چه خواهند کرد؟

«قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» (۲) بشریتی که در بیابان خشک و لم یزرع جهالت و نادانی سرگردان است، آیا می‌داند چه می‌خواهد؟ آدرس کجا و چه کسی را می‌طلبد؟ گاهی خودش نمی‌داند آب می‌خواهد و نمی‌داند که آب هم برای پیشگیری مفید است و هم برای درمان به کار می‌آید. «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا، لِنُحْيِيَ بِهِ بَلَدَهُ مَيِّتًا» (۳)

۱- نساء: ۶۲، بقره: ۸۳.

۲- ملک: ۳۰.

۳- فرقان: ۴۸.



کودک در کتاب تکوین وقتی گریه می کند به او شیر و آب می رسانند، ولی کودک در کتاب تشریح اگر خواهان غذا و آب است باید دست از کودکی بردارد و به مدرسه ادب و اخلاق قدم نهاده آدم شود تا آبرسان الهی به او عنایت کند.

### ظهور روز تحقق حقایق پنهان غدیر

پس حال بشر در طول اعصار و قرون گذشته و آینده حال کودکی است که دنبال پدر و مادر می گردد، و غذا و آب می طلبد. سؤال دارد، و آدرس خانه سعادت را جستجو می کند.

بنابراین «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»<sup>(۱)</sup> گفتن و آدرس خانه سعادت و مدینه فاضله را سؤال کردن، فقط کار پیروان پیامبر خدا حضرت محمد مصطفی علیه السلام نیست، بلکه پیروان همه مکاتب الهی و غیر الهی طلب هدایت داشته و دارند.

مسئله ای که جواب از سؤال مقدر است، این است که انسان ها غالباً در پاسخ طلب درونی «إِهْدِنَا» آدرس را نادرست و انحرافی گرفته اند و به همین اکتفا کرده اند. کودکی را تصور کنید که در طلب شیر سالم مادر گریه می کرده، اما نامادری بی عاطفه او را با چیزی که کمترین شباهت با شیر مادر نداشته سیر نموده است، و این کودک دیگر دست از طلب برداشته و به این فریب و مکر عادت کرده است.

نامادری های بشر، منحرفین از توحید خداوند متعال، جواب «إِهْدِنَا»ی درونی بشر را با ترویج گاو پرستی و آفتاب پرستی و فرعون پرستی و هوی پرستی پاسخ داده اند، و پاسخ درست و موافق با حقیقت انبیاء را نادیده گرفته اند.

دانشمندان منحرف و امرای ظالم و ستمگر بشر را در جهل و غفلت نگه داشته، و با ایجاد اشتباه و انحراف در راه سعادت جویِ انسان ها، انحطاط و سرگردانی و اضطراب و بدبختی را به ارمغان آورده اند.

پس ندای «اهدنا» را همه بشریت داشته و دارند، به تعبیر دیگر هیچ انسانی نمی تواند ماتریالیست باشد. مرحوم محقق عظیم الشان میرداماد فرموده است: «الحمد لله الذی من انکره انکر ما بذهنه تصوّر». ماتریالیست تصور ذهنی خودش را منکر شده است، چرا که انکار خدای قادر متعال ممکن نیست.

کدامین انسان از سعادت گریزان است؟ گریز از سعادت یعنی بی عقلی، در حالی که بشر عقل و خرد دارد. توجه انسان ها به خالق و «اهدنا» گفتن آنان، همان سعادت خواهی فطری و درونی آنان است. «فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (۱)

اینکه خداجویی و سعادت طلبی از درون انسان سرچشمه می گیرد نشانه اش این است که علامت سؤال نمی پذیرد. آیا شما می توانید بگویید: چرا کودک گریه می کند و شیر می طلبد؟ چرا انسان به عاطفه نیاز دارد؟ «چرا» گفتن در مورد خداجویی انسان مثل چرا گفتن در مورد سلامت انسان است!

اگر بگویید: چرا انسان در طلب مدینه فاضله و صلح و صفاست؟، مثل این است که بگویید چرا انسان می خواهد سالم باشد؟ آنچه علامت سؤال می پذیرد کسالت و مرض انسان است. این کسالت برای چیست؟ این درد از کدامین علت سرچشمه می گیرد؟ این سؤال عقلانی است، زیرا اصل سلامت انسان است، و اینجا خلاف اصل پیش آمده است.

خدای سمیع و مهربان در پاسخ «اهدنا»ی بشر، انبیاء و جانشینان آنها را فرستاد. انبیا و اوصیای آنان معلمین هدایت و مربیان راه سعادت هستند. پاسخ استسقای انسان ها به وسیله پیامبران و خلفای آنها داده شده است. ولی همان طور که نبی درونی بشر - یعنی عقل - با انحراف علمای منحرف و امرای ستمگر رو به رو گردید، انبیای الهی و جانشینان آنها با پیشوایان کفر و فرزندان منحرف آنان رو به رو شدند. سران کفر و قدرت های استکباری همواره بر فطرت ها سرپوش نهاده، به مبارزه با پیامبران الهی و اوصیای آنها کمر بسته اند. ارسال رسل و انزال کتب با ترتیبی که دارد مانند کلاس های مدرسه و دانشگاه هر کدام رتبه ای را دارد.

### لزوم غدیر برای بقای اسلام

استسقای بیشتر بشر و اصرار بر اهدنا گفتن باعث گردیده که خدای متعال دین حنیف اسلام را به وسیله حضرت ابراهیم علیه السلام نازل فرماید. خدای متعال در طریق ابراهیم علیه السلام و مکتب او و نیز در نسلش نورانیت و الگو شدن را قرار داد. امتحان ابراهیم علیه السلام فراتر از امتحان آدم ابوالشرعیه السلام و مقام او بالاتر از بسیاری از انبیاست.

کلماتی که ابراهیم علیه السلام بدان امتحان گردید بیش از کلمات مورد امتحان آدم علیه السلام بوده است. مجاهده بزرگ ابراهیم علیه السلام در راه توحید و پاکی و صفای باطن آن حضرت باعث گردید که آن وجود مطهر امام مردم گردد، و خدای متعال در پاسخ طلب هدایت مردم رهبری و حکومت الهی را در آل ابراهیم علیهم السلام قرار داد.

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ. فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» (۱) پدر معنوی مردم، هدایت و امنیت را به ارمغان آورده و

امام خلق شده است. آل ابراهیم یعنی بنی اسماعیل - که دارای کتاب و حکمت بودند - بنا به تقدیر الهی پرچم دار رهبری بشریت گردیدند.

پاکی و صداقت بنی اسماعیل باعث گردید تشکیل حکومت الهی با این خانواده باشد، و اینان الگوی هدایت بشریت قرار گیرند؛ آنجا که می فرماید: «وَ اجْنُبْنِي وَ بَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ» (۱) حکومت و امامت الهی به رهبری ابراهیم و آل اسماعیل در مکان مقدسی به نام مکه و «عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ» (۲) طلب می کرد قلوب مردم شیدای آنان گردد. می بینیم که این مطلب مثل درخواست اصل امامت برای این خاندان در آیه «وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي»، در دعای حضرت ابراهیم علیه السلام آمده است که عرضه می دارد: «فَاجْعَلْ أَفْنَدَهُ مِنَ النَّاسِ تَهْوَى إِلَيْهِمْ» (۳).

در حکومت الهی امام منصوب حق تعالی است، ولی پاکی و صفای باطن امام او را محبوب القلوب می کند. محبت مردم نسبت به اولیای دین حاکی از همان فطرت حقیقت جو و هدایت خواه است. حکومت آل ابراهیم علیه السلام از یک طرف الهی است، و از طرف دیگر ریشه در قلوب صاحبان فطرت و روح سلیم دارد.

آنگاه راه و روش ابراهیم علیه السلام و کلاس والای توحیدی او، برای همه موخیدان - حتی فرزندان صالح و معصومش - الگو قرار گرفته و سنت های او جاودانی شده است. البته آفت های همیشگی جوامع بشری یعنی دانشمندان منحرف و امرای ستمگر، مردم نادان را از مسیر توحید ابراهیمی باز داشته و به شرک و نفاق سوق داده است.

۱- ابراهیم: ۳۵.

۲- بقره: ۱۲۴.

۳- ابراهیم: ۳۷.

اینجا پرچم داری انبیاء و پیامبرانی مانند حضرت موسی و حضرت عیسی علیهما السلام در مبارزه با شرک و ظلم هویدا می گردد، و اصرار درونی انسانی در گفتن «اهدنا» با مجاهده این رسولان بزرگ و اوصیای آنان پاسخ داده می شود.

مقدمه چینی ابراهیم علیه السلام برای حکومت «ذریه معصوم»، چه در دعایش و چه در مشخص نمودن جای حکومت و چه در طلب محبوب القلوب شدن ذریه و چه در جهانی شدن و جاودانگی امامت، همه اینها اوج درخواست بشر نسبت به هدایت را می رساند.

### غدیر شاقول افکار در طول تاریخ اسلام

این همه الطاف الهی مگر می تواند بی مورد و بیهوده باشد. مورد این الطاف و مکان نزول این باران رحمت - که همان جعل امامت از طرف حق تعالی است - فطرت های پاک و قلوب پاکیزه مردم موحد است.

«وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (۱) استسقای بشر و «اهدنا» گفتن انسان ها هر چه بیشتر گردد الطاف الهی و آب رسانی آسمانی و هدایت ربانی بیشتر می شود.

گویا پیام بزرگتری هنوز باقی مانده است و کلاس برتر و جامع تری باید برای بشریت تشکیل گردد. به ابوجهل ها و بدتر از آنان اصحاب سقیفه نگاه نکنید. بلکه سلمان را ببینید که تا اوج آسمان «مِنَّا اهل البيت» (۲) پیش می رود. لطف خداوند است که می فرماید: «وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ» (۳) ولی از نسل ابراهیم علیه السلام بزرگ ترین رسول و بزرگ ترین وصی و هادی را ارسال می فرماید.

۱- جن: ۱۶.

۲- کافی: ج ۲ ص ۳۹۶.

۳- سبأ: ۱۳.

اکنون وقت «اِقْرَأْ» (۱) و ابلاغ اوامر بالا و والا رسیده، تا به «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ» (۲) می رسد. چه امری از امر جانشینی بالاتر، و چه کاری از هدایت خلق به سوی امام و هادی مهم تر؟

دیگر وقت تمام می شود! ممکن است بشریت در نادانی نسبت به امامت بماند. اگرچه امامت بارها گفته شده، ولی در یک مجمع عمومی باید از این مهم ترین کار پرده برداری شود؛ و گرنه رسالت ناتمام و بدون فایده می شود. اینجاست که دستور می آید: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» (۳).

قرار خداوند با رسول الله صلی الله علیه و آله ابلاغ جانشینی و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام است. ولی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از بیان این مطلب در یک مجمع عمومی می ترسد! از چه کسی؟ از منافقین!! و خداوند او را دلداری می دهد: «وَاللَّهُ يَعَصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» (۴).

غدیر شناسان از زمان القای خطبه غدیر تا ظهور، باید روی دو نکته بیشتر توجه کنند:

اول: اگر غدیر از اسلام منها گردد رسالتی و قرآنی و دستور العملی باقی نمی ماند، چنانکه می فرماید: «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» (۵). آنچه می ماند دستور العمل کعب الاحبار یهودی وزیر فرهنگ سقیفه و احادیث ابوهریره وزیر ارشاد دستگاه منافقین است! پس برای بقای اسلام غدیر لازم است، و بقای غدیر و جشن و چراغانی و مدیحه و سخنرانی و کنفرانس و کتاب و سایت و ماهواره درباره آن، همت بالا و خلوص لازم دارد.

۱- علق: ۱.

۲- حج: ۹۴.

۳- مائده: ۶۷.

۴- مائده: ۶۷.

۵- مائده: ۶۷.

دوم: مجاهد در مسیر غدیر تا ظهور و قیام قیامت، مشمول دعای «اللَّهُمَّ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ» می شود و «وَاللَّهُ يَعْصِي مَمْرًا مِنَ النَّاسِ» (۱) حافظ اوست.

نتیجه اینکه در پاسخ «اهدنا» گفتن بشر «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْتِي مَوْلَاهُ» آمد، و خداوند متعال به وعده «أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (۲) با خطبه نورانی غدیر عمل فرمود. این یعنی تشنه را به سوی غدیر و سرچشمه آب حیات می برند!

مگر تشنه حقائق در هر زمان نبوده و نیست؟ مگر به خاطر آنان که «كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ» (۳) یعنی آنان که از غدیر گریزانند، باید دست از کار برداشت؟ مگر کسانی که «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» (۴) می توانند غدیریان را محکوم نمایند؟ پس نصرت خداوند متعال چه می شود؟

غدیر امتحان بزرگ الهی در فراز و نشیب تاریخ، و میزان اعمال و شاقول افکار بوده است. مردی که دستش در دست پیامبر خداصلی الله علیه وآله و بزرگ عالمیان است، مصداق «يُدُّ اللَّهُ فَوْقَ آيْدِيهِمْ» است.

همان را می گوئیم که یاور آدم، نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام گردید، و محمد حبیب خداصلی الله علیه وآله را در بدر، احد، خندق و خیبر نصرت داد. همان که منتخب خداوند است و نامش از نام او مشتق گردیده است. او که به اذن خدا کار خدایی می کند. نه فقط در غدیر دست در دست پیامبر خداصلی الله علیه وآله دارد، که از اول خلقت همراه او بوده است. مگر آیه «وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا» (۵) را فراموش کرده ایم، که انبیاء در شب معراج محور رسالت خود را ولایت رسول الله و امیرالمؤمنین علیهما السلام بیان داشتند. (۶)

۱- مائده: ۶۷.

۲- غافر: ۶۰.

۳- محمد صلی الله علیه و آله : ۹.

۴- بقره: ۱۰.

۵- فتح: ۱۰.

۶- بحارالانوار: ج ۱۸، ص ۳۹۴. الصراط المستقیم: ج ۱، ص ۲۴۴.

**غدیر با سقیفه محو نمی شود**

اما رهیافتگان دسته دسته به مدرسه اهل البیت علیهم السلام وارد شده به غدیر و صاحب آن پاسخ مثبت می دهند. باید غربال شدن مردم پیش بیاید، تا معلوم شود چه کسی عبد خداست و چه کسی اجیر وابستگان سقیفه است.

منکرین غدیر از صلب سامری ها و یهودند. سقیفه به نام سنت بدعت ایجاد کرد تا غدیر را بکوبد؛ ولی غدیر منشور حکومت الهی فردا و فرداهای انسان شد که به اراده خدا ایجاد شده و با اراده اصحاب بزدل و پشه صفت سقیفه محو نمی گردد. "اَیْرِیدُونَ لَیْطَفِیْئُوا نَوْرَ اللّٰهِ بِأَفْوَاحِهِمْ وَ اللّٰهُ مُتِمُّ نَوْرِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْکَافِرُونَ". (۱)

بوستان رسالت پیامبر خداصلی الله علیه و آله به گل نشست. غدیر گل این بوستان بود، ولی برای بشریت چنان که باید شکفته نشده است. اگر چه همه معصومین علیهم السلام از این گل زیبا و معطر گفته و یاد کرده اند، ولی غدیر تدریس عملی می خواهد و عظمت حکومت انسان معصوم فقط در زمان ظهور معلوم می شود.

انسان در آخر الزمان غریب واقع شده است، چون دستش از حجت خدا کوتاه و خرما بر نخیل است. با این حال اگر خوب فکر کند و تدبیر لازم را داشته باشد، می تواند راه را از چاه تشخیص بدهد. البته همه می دانند که طلب و تشنگی اساس کار است. یعنی بصیرت استبصار می خواهد! مستبصرینی که به بصیرت الهیه رسیده اند تشنه غدیر شده از آبشار خطبه النبی صلی الله علیه و آله سیراب شده اند.

**غدیر ترسیم هندسی فکر و عمل بشریت**

غدیر آب حیات بشریت و مدرس حیات طیبه انسان است. این آب حیات تا ظهور



«إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» (۱) جریان دارد. اندیشمندان مؤمن، به آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ» (۲) با نگاه «أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا» (۳) می نگرند.

غدیر مستند شقیقیته (۴) و فریادهای مولای عظیم الشأن انسان ها علی علیه السلام است، و در مقابله با منافقین از شمشیر ذوالفقار تیزتر و کشنده تر است. آنها که می گویند: چرا علی علیه السلام شمشیرش را در روز سقیفه غلاف نمود، چرا از احتجاج های آن حضرت چیزی نمی گویند؟ چرا خطبه های فاطمی را که به استناد غدیر بیان گردیده نمی شنوند؟

غدیر ترسیم هندسی فکر بشریت و نقشه زندگی انسانیت است. مبنای فکری صلح الحسن علیه السلام و قیام الحسین علیه السلام بر حجیت غدیر تکیه زده است. استراتژی صلح و قیام، خانه نشینی تا بیان احکام، بر محور تأییدیه الهی «ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وُلْدِهِ إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» (۵) دور می زند.

چه خوش است روزی که خطبه الغدیر را بر سر در مسجد الحرام و کعبه با آب طلا- بنویسند، و ورود منافقین را به زادگاه امیرالمؤمنین علیه السلام ممنوع اعلام دارند. و آن روز دیر نیست! روزی که اقامه صلاه در نظام حکومتی آخرین مطلوب غدیر بر پا گردد: «رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ...» (۶).

۱- حدید: ۱۷.

۲- مائده: ۶۷.

۳- فرقان: ۴۸.

۴- نهج البلاغه: خطبه ۳.

۵- خطبه غدیر.

۶- ابراهیم: ۳۷.

## روزگار ظهور زمان ظاهر شدن مبانی غدیر

روزی که غدیر خم از تدریس نظری پیرامون عظمت حکومت امام معصوم علیه السلام به روز تدریس عملی و ظهور آن برسد، دیر نیست. روزی که «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (۱) مصداق پیدا کند و به سؤال «فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» (۲) پاسخ داده شود.

می دانید عصر ظهور روز ظهور مبانی غدیر است؟ روز مودت که پروانه شدن مردم را بر گرد شمع وجود خاتم الاوصیاء علیه السلام ترسیم می کند؟ روز ظهور اکمال دین است تا فقیه و مُتَفَقِّه اصل اصول یعنی امام شناسی را واجب و اهم بدانند.

روز ظهور اکمال دین، یعنی روز ظهور بزرگی های قرآن و عترت، و روز پشیمانی آنها که فقه ولایت و مهدویت را به فقه بافندگی های عرفان نمایانه خود تفسیر کرده، و شناخت و یافتن حقائق را در یافتن مطالب معرفی کردند!!

روز ظهور وعده خدا و روز حکومت جهانی امام معصوم، به معنای روز وصول زمینه و آمادگی زمان برای تحقیق امن و امان است. روز حکومت ابراهیمیان از نسل اسماعیل است، که «وَمِنْ ذُرِّيَّتِي» (۳) بر آن گواهی می دهد. روز حکومت «مطهرین» است که ابراهیم علیه السلام برای آنان طلب طهارت کرده است: «وَاجْتَنِبِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ». (۴) روز تحقیق «وَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ» (۵) است، که ارتباط قلبی و مودت انسان با مبدأ ایمان و امام زمان علیه السلام به اوج خود می رسد.

۱- صف: ۹.

۲- ملک: ۳۰.

۳- بقره: ۱۲۴.

۴- ابراهیم: ۳۷.

۵- بقره: ۱۲۴.

## غدیر روز رشد عقول

در کنار مودت و رأفت و محبت و مهرورزی مطلوبِ غدیر، که ظهور تام و تمام آن در روز ظهور است؛ علم و بصیرت و آگاهی و بینش هم در آن روز نورانی به اوج خود می رسد. پیامبر صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر فرمود: «مَعَاشِرَ النَّاسِ، النُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَسْلُوكٌ فَيَثُمَّ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ...».

در روز ظهور، این نور و بصیرت الهی در مأموم تأثیر می کند و کُلِّ عقول بدون مانع به رشد خود می رسد، و همه جا از عطر مودت و مهرورزی بر اساس بینش هر دانش آموزی پر می شود.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم

۲. بحار الانوار، علامه مجلسی، ناشر: اسلامیه، تهران، سال چاپ: مختلف، نوبت چاپ: مکرر.

۳. شواهد التنزیل، حسکانی عیید الله بن احمد، تحقیق: محمد باقر محمودی، ناشر: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۱ ه.ق.

## ظهور برای احیای غدیر: محمد صادق امیدواری خراسانی

### چکیده

۱. عالم با غدیر آغاز شده، و با غدیر ادامه دارد، و با غدیر پایان می یابد.
۲. منظور از غدیر، ولایت و محبت آل محمد علیهم السلام است.
۳. مهمترین رسالت رسولان در طول تاریخ، ابلاغ پیام غدیر بوده است.
۴. امام عصر علیه السلام با پیام غدیر برمی خیزد، و با پیام غدیر حرکت می نماید، و با پیام غدیر به پایان می برد.
۵. آغاز ظهور، نابود کردن ضد غدیر و طرفدارانش است

### آغاز و ادامه و پایان عالم با غدیر

آفرینش، با روح و ملکوتِ غدیر که همان ولایت و مودت و محبت آل عصمت علیهم السلام

است آغاز شده و با همان حقیقت پایان خواهد پذیرفت. هیچ کدام از ما افراد بشر، نه شاهد آفرینش عالم بوده ایم، و نه منبع مطمئن و آگاهی برای دانستن چگونگی آفرینش داریم، جز کلام بزرگوارانی که عصمت و پاکی و درستی گفتارشان را آفریدگار عالم تأیید فرموده (۱)، که همانان گواه آفرینش بوده اند و گفتارشان سند مستند است.

حضرت باقرالعلوم علیه السلام می فرماید: «لَقَدْ خَلَقَ اللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ - لَيْلَةَ الْقَدْرِ أَوَّلَ مَا خَلَقَ الدُّنْيَا...» (۲): «پروردگار که ذکرش جلیل و با عظمت است، شب قدر را در همان ابتدای آفرینش دنیا خلق فرمود...».

امام صادق علیه السلام در پاسخ شخصی که پرسید: فضیلت شب قدر چیست؟ فرمود: «نَزَلَتْ وَلايَهُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيهَا» (۳): «ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام در آن شب نازل شده است».

دوباره پرسید: در همان شب قدری که در ماه مبارک رمضان ما امید می بریم؟ فرمود: «نَعَمْ، هِيَ لَيْلَةُ قُدْرَتِ فِيهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ قُدْرَتِ وَلايَهُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيهَا» (۴): «آری، شب قدر همان شبی است که در آن آسمان ها و زمین آفریده شده و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام در آن شب مقدر شده است».

۱- امام زین العابدین علیه السلام در دعای روز دوشنبه می فرماید: «الحمد لله الذي لم يشهد احدا حين فطر السماوات و الارض و لا اتخذ معينا حين برأ السموات». صحیفه ثانیه سجادیه، شیخ حر عاملی: ص ۵۶؛ الصحیفه السجادیه الجامعه: ص ۵۴۴، دعاء رقم ۲۳۸؛ البلد الامین: ص ۱۱۶؛ المصباح للكفعمی: ص ۱۱۳؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، چاپ بیروت، ج ۸۷، ص ۱۷۶، و مفاتیح الجنان مرحوم محدث قمی.

۲- تفسیر نور الثقلین: ج ۵ ص ۶۳۶.

۳- همان: ج ۵ ص ۶۱۷ ح ۲۳، نقل از معانی الاخبار شیخ صدوق.

۴- همان: ج ۵ ص ۶۱۷ ح ۲۳.

در زیارت شریفه جامعه کبیره که عصاره ای مختصر و در عین حال گویا و جامع از فضائل خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام است، به تعلیم و آموزش حجت بالغه حق حضرت امام هادی علیه السلام چنین عرضه می داریم: «... بِكُمْ فَتَبَحَّ اللَّهُ...» (۱): «به وجود شما خداوند آفرینش را گشوده و آغاز نمود».

در حدیث شریف کساء چنین آمده است: «هنگام تجمّع خمسّه طیبه علیهم السلام در زیر کساء، پروردگار متعال به فرشتگان چنین خطاب فرمود: «يَا مَلَائِكَتِي وَ يَا سَيِّدَاتِي سَمَاوَاتِي، اِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَبِيئَةً وَ لَا اَرْضًا مِدْحِيَةً وَ لَا قَمَرًا مُنِيرًا وَ لَا شَمْسًا مُضِيئَةً وَ لَا فَلَكَآ يَدُوْرُ وَ لَا بَحْرًا يَجْرِي وَ لَا فَلَكَآ يَسْرِي اِلَّا فِي مَحَبَّةِ هٰؤُلَاءِ الْخَمْسَةِ الَّذِيْنَ هُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ...» (۲): «ای ملائکه من و ای ساکنان آسمان های من! نیافریدم آسمانی بنا شده، و نه زمینی گسترده شده، و نه ماهی نور دهنده، و نه خورشیدی روشنایی دهنده، و نه فلکی که دور زَند، و نه دریایی که جاری شود، و نه کشتی که سیر نماید، مگر در محبت این پنج نفر که در زیر کساء قرار دارند...».

### ابلاغ غدیر مهمترین رسالت رسولان

مهم ترین رسالت رسولان در طول تاریخ، پیام و روح و ملکوت غدیر یعنی «ولایت» بوده است. به این احادیث توجه فرمایید:

امام صادق علیه السلام فرمود: «وَلَا يُتَنَّا وَلَا يَهُ إِلَهُ الَّتِي لَمْ يُبْعَثْ نَبِيٌّ قَطُّ إِلَّا بِهَا» (۳): «ولایت ما ولایت الهی است، که هیچ پیامبری جز به این ولایت فرستاده نشده است».

- 
- ۱- من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۶۱۵؛ عيون اخبار الرضا عليه السلام: ج ۲ ص ۵۷۶؛ تهذيب الاحكام: ج ۶ ص ۹۹؛ المزار الكبير: ص ۷۵۳؛ بحار الانوار: ج ۹۹ ص ۱۲۷، چاپ بيروت و مستدرک الوسائل: ج ۱۰ ص ۴۱۶.
  - ۲- عوالم العلوم و المعارف، شيخ عبدالله بحراني: ج ۱۱ ص ۹۳۳؛ منتخب طريحي: ص ۲۵۹ و احقاق الحق: ج ۲ ص ۵۵۵.
  - ۳- بحار الانوار، علامه مجلسی: ج ۲۷ ص ۱۳۶.

و نیز فرمود: «ما مِنْ نَبِيٍّ جَاءَ قَطُّ إِلَّا بِمَعْرِفِهِ حَقًّا وَ تَفْضِيلِنَا عَلَيَّ مِنْ سِوَانَا»<sup>(۱)</sup>: «خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نفرمود مگر همراه با معرفت و شناخت حق ما و تفضیل و برتری ما بر دیگران».

امام باقرعلیه السلام فرمود: «ما تَكَامَلَتِ النَّبِيُّؤُهُ لِنَبِيِّ حَتَّى أَقَرَّ بِفَضْلِهَا وَ مَحَبَّتِهَا، يَعْنِي الصَّدِيقَةَ الطَّاهِرَةَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءَ عَلَيْهَا السَّلَام»<sup>(۲)</sup>: «نبوت و پیامبری برای هیچ پیامبری کامل نشد تا آنگاه که به برتری و محبت حضرت فاطمه زهراعلیها السلام اقرار نمود».

### قیام و حرکت امام عصر علیه السلام با پیام غدیر

چون ظهور دولت فرخنده حضرت ولی عصر امام زمان علیه السلام - که جانمان فدایش باد - فرا رسد، حضرتش دارنده و کامل کننده پیام تمامی پیامبران و جانشینان در رساندن «پیام غدیر» یعنی «ولایت» خواهد بود. بر این اساس آن حضرت با پیام غدیر بیا می خیزد، و با پیام غدیر حرکت می نماید، و با پیام غدیر پایان می برد.

همان گونه که تا ویروس ها و بیماری ها از پیکر یک فرد نابود نشود، ویتامین ها و تقویت ها مؤثر و نافع واقع نخواهد شد، همین طور تا از پیکره دین الهی ویروس های پلید و میکروب های مخرب دور نشود، دین پروردگار جلوه نخواهد کرد و نمی تواند آن گونه که هست چهره بنماید مگر آنکه ویروس های مخرب دین نابود شوند.

بر همین اساس، قبل از هر گونه گزارش از تلاش های حضرت ولی عصر علیه السلام که جهت گسترش «پیام غدیر» انجام می دهند، گزارشی جالب از دفع ویروس ها و پلیدی های مخرب شریعت توسط آن حضرت ملاحظه می نمایم، که از راه های گوناگون وارد دین شده است.

۱- الکافی، کلینی: ج ۱ ص ۴۳۷ .

۲- دلائل الامامه، طبری شیعی؛ مدینه المعجز، سید هاشم بحرانی؛ فاطمه الزهراء علیه السلام همدانی، ص ۸۶ .

باید بدانیم که در هر مرحله از اصول دین، اول نفی و سپس اثبات آمده است. در توحید، اول «لا إلهَ» و نفی آلِهه و خدایان دروغین، و سپس «الَّـلَّهُ» آمده است. در رسالت هم، نخست نفی پیامبران دروغین نظیر مُسَیلمه ها و سجاح ها، و سپس شهادت به نبوت حضرت خاتم علیه السلام آمده است. در امامت نیز، اول نفی خلفای دروغین و غاصب، و سپس اقرار به امامت امامان راستین امیرالمؤمنین و اولاد معصومش علیهم السلام وارد شده است.

### آفرینش با غدیر پایان می یابد

آفرینش با حقیقت ولایت اهل بیت علیهم السلام پایان خواهد یافت، همان گونه که در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: «بِکُمْ یُخْتَمُ...» (۱): «به شما آفرینش پایان خواهد یافت».

امام کاظم علیه السلام در تفسیر آیه مبارکه «إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابُهُمْ، ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ» (۲): «سپس البته بازگشت آنان به سوی ماست، و آنگاه حساب و جزای اعمال نیک و بد آنها بر ما خواهد بود»، فرمود: «یا سَمَاعَهُ، إِلَيْنَا إِيَابُ هَذَا الْخَلْقِ وَ عَلَيْنَا حِسَابُهُمْ...» (۳): «ای سماعه، بازگشت این خلق به سوی ماست و حسابشان بر ماست...».

امام زین العابدین علیه السلام در تفسیر آیه "كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ، وَ بَاقِيَ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ" (۴): «هر کس که روی زمین است دستخوش فنا و مرگ است و وجه پروردگارت باقی می ماند که صاحب جلال و عظمت و اکرام است»؛ حضرت فرمود:

۱- زیارت جامعه کبیره.

۲- غاشیه: ۲۵، ۲۶؛ تفسیر نور الثقلین: ج ۵ ص ۵۶۸ ح ۳۰، چاپ علمیه قم.

۳- کافی: ج ۸ ص ۱۶۲.

۴- الرحمن: ۲۶، ۲۷.



«نَحْنُ الْوَجْهُ الَّذِي يُؤْتِي اللَّهُ مِنْهُ» (۱): «ما هستیم آن وجه و جهتی که به سوی خدا از آن وجه و جهت باید آمد».

امام صادق علیه السلام فرمود: «نحن وجه الله» (۲): «وجه الهی ما هستیم».

در فرمایش دیگر امام صادق علیه السلام به شیوه شعر فرمود:

لِكُلِّ أُنَاسٍ دَوْلَةٌ يَرْقُبُونَهَا \*\*\* وَ دَوْلَتُنَا آخِرَ الدَّهْرِ يَظْهَرُ (۳)

«برای هر گروهی از مردم دولتی است، که آن را انتظار می برند، و دولت ما در آخر روزگار ظاهر خواهد شد».

از عقائد حقه و باورهای یقینی ما اعتقاد به رجعت است، یعنی بازگشت امیرالمؤمنین و امام حسین علیهما السلام و عده ای از شهداء و مؤمنین که قبل از قیام قیامت خداوند با قدرت قاهره اش آنان را زنده فرماید، تا دولت حق تشکیل داده و حکومت فرماید؛ و مخالفین آن پاکان و قاتلین آنها را نیز برای سزای اعمالشان زنده خواهد نمود. به امید آن روز ...

### منابع و مأخذ

۱. احقاق الحق و ازهاق الباطل، قاضی نور الله شوشتری، ناشر: مکتبه آیه الله المرعشی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ه. ق.

۲. امالی، شیخ صدوق، ناشر: اعلمی، بیروت، چاپ پنجم، ۱۴۰۰ ق.

۳. بحار الانوار، علامه مجلسی، ناشر: اسلامیه، تهران، سال چاپ: مختلف، نوبت

۱- تفسیر نور الثقلین: ج ۵ ص ۱۹۲ ح ۲۵، چاپ علمیه قم.

۲- همان، ذیل حدیث ۲۲.

۳- امالی صدوق، ص ۴۸۹ ح ۳؛ روضه الواعظین: ص ۲۳۴ و ۲۹۳، بحار الانوار: ج ۵۱ ص ۱۴۳.

چاپ: مکرر.

۴. البلد الامين و الدرع الحصين، عاملی، کفعمی، ابراهيم بن علی.

۵. تفسير نور الثقلين، عروسی حویزی عبد علی بن جمعه، ناشر: انتشارات اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق.

۶. تهذيب الاحكام، طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، ناشر: دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ه. ق.

۷. حلیه الابرار فی احوال محمد و آله الاطهار علیهم السلام، بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، ناشر: مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.

۸. دلائل الامامه، طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، ناشر: بعثت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

۹. روضه الواعظین، قتال نیشابوری، ناشر: انتشارات رضی، قم، چاپ اول.

۱۰. عوالم العلوم و المعارف و الاحوال، بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نور الله، محقق و مصحح: موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، ناشر: مؤسسه الامام المهدي عليه السلام، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ش.

۱۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، ناشر: نشر جهان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸ ق.

۱۲. کلیات مفاتیح الجنان، قمی، عباس، ناشر: اسوه، قم.

۱۳. مدینه معجز الائمہ الاثنی عشر علیهم السلام، بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، ناشر: مؤسسه المعارف الإسلامیه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

۱۴. المزار الكبير، مشهدی، حائری، محمد بن جعفر، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.

۱۵. مستدرک الوسائل، نوری، محدث، میرزا حسین، ناشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۰۸ ه. ق.

۱۶. المصباح للكفعمی، عاملی، کفعمی، ابراهيم بن علی، ناشر: دار الرضی (زاهدی)، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ ه. ق.

۱۷. من لا يحضره الفقيه، قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ناشر: دفتر

انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق.

۱۸. مهدی موعود، ترجمه جلد سیزدهم بحار، علامه مجلسی، مترجم علی دوانی، ناشر: دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۷۸ ش.

## غدیر، حلقه اتصال بعثت رسول و ظهور موعود: مهدی باقری سیانی

### چکیده

۱. سه رخداد مهم بشری: بعثت، غدیر، ظهور.
۲. سه تعبیر مهم قرآن درباره رخداد‌های فوق به تعبیر مَنت خدا، اکمال دین، اشراق ارض.
۳. مقایسه ای بین بعثت و ظهور.
۴. جایگاه غدیر در اتصال بین بعثت و ظهور.
۵. مقایسه ای بین قبل و بعد بعثت و بین قبل و بعد ظهور.
۶. رشد علم و دانش، عدالتِ جهانشمول.
۷. مشترکات بعثت و غدیر و ظهور.

### بعثت، غدیر، ظهور، سه رخداد مهم بشری

### اشاره

سه رخداد مهم بشری عبارت است از «بعثت»، «غدیر» و «ظهور موعود». خدای

هستی بخش در آخرین کتاب هدایت آفرین خویش از این سه رخداد با سه تعبیر مهم یاد می کند:

از بعثت با تعبیر «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (۱).

از غدیر با تعبیر «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» (۲).

از دوران ظهور موعود منتظر با تعبیر «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» (۳).

همچنان که با تابش نور وجود خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و بعثت آن بزرگوار، تیرگی ها رخت بر می بندد و جهان با اشعه حیاتبخش محمدی روشن و منور می گردد، با ظهور خاتم اوصیاء نیز جهان تاریک و ظلمانی پس از فترتی طولانی، به واسطه بارقه الهی مهدوی سراسر نور و حیات و تکاپو می گردد، و حلقه اتصال این دو خیزش و رستاخیز عظیم معنوی همانا غدیر است. برخی از موضوعاتی که در این نوشتار پرداخته شده از این قرار است:

الف . مقایسه ای اجمالی بین بعثت حضرت خاتم صلی الله علیه و آله و ظهور منجی عالم علیه السلام.

ب . ترسیم جایگاه والای غدیر خم و ولایت و امامت امام امیرالمؤمنین علیه السلام در اتصال و ارتباط بخشی بین بعثت و ظهور.

ج . مقایسه ای بین دوران قبل و بعد از بعثت با دوران قبل و بعد از ظهور موعود منتظر در موضوعاتی چون رشد علم و دانش پس از بعثت و پس از ظهور؛ تلاش در جهت عدالت گستری، عام و جهان شمول بودن دعوت رسول الله و دعوت بقیه الله علیهما السلام.

د . مشترکات بعثت، غدیر ، ظهور موعود.

۱- آل عمران: ۱۶۴.

۲- مائده: ۳.

۳- زمر: ۶۹.

شروع دعوت رسول الله صلی الله علیه وآله از مکه و از کنار بیت الله با ندای «قولوا لا اله الا الله» و دعوت عمومی و اعلان ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام از غدیر خم و مکه با جمله «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» بوده و دعوت موعود نیز از کنار خانه کعبه و با ندای «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ» (۱) خواهد بود؛ و در هر سه تأیید الهی وجود دارد «وَوَصَّيْتَهُ بِالرُّعْبِ» (۲) و «وَاللَّهُ يَعِصُكُمْ مِنْ النَّاسِ» (۳).

### الف: برخی مشترکات بین بعثت و عصر ظهور

#### اشاره

وجوه مشترک بین بعثت و ظهور به سه جهت باز می گردد که ذیلاً به آنها می پردازیم:

#### اول: حضرت عیسی علیه السلام مبشر پیامبر صلی الله علیه وآله و مؤید حضرت مهدی علیه السلام

خداوند حکیم در قرآن کریم از زبان حضرت مسیح علیه السلام چنین می فرماید: «أَتَى رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ» (۴).

در برخی از کتاب های فریقین با این روایت روبرو می شویم که حضرت قائم علیه السلام پیشنماز حضرت عیسی بن مریم علیه السلام می شود، و با اقتدای حضرت عیسی علیه السلام به ایشان آن حضرت از ناحیه حضرت مسیح علیه السلام تأیید می شود و حجت بر مسیحیان تمام گشته و آنان در زمره گروندگان به امام عصر علیه السلام قرار می گیرند. متن حدیث چنین است:

۱- نور الثقلین: ج ۲ ص ۳۹۲.

۲- دعای ندبه.

۳- مائده: ۶۷.

۴- صف: ۶.

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ أَخْبَرَ الْأَيْمَةَ بِخُرُوجِ الْمَهْدِيِّ، خَاتِمِ الْأَيِّمَةِ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَأَنَّ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يَنْزِلُ عَلَيْهِ وَقَتَّ خُرُوجِهِ وَظُهُورِهِ وَيُصَلِّيَ خَلْفَهُ.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقول است که آن حضرت امامان را از خروج مهدی علیه السلام خبر داد، همان خاتم امامان که زمین را همان گونه که از ظلم و جور پر شده از قسط و عدل پر می سازد، و خبر داد که عیسی علیه السلام به هنگام خروج و ظهورش نزد وی فرود می آید و پشت سر وی نماز می گزارد.

در روایت دیگری آمده است:

عیسی علیه السلام پس از شروع قیام مهدی علیه السلام برای نماز فرود آید و مهدی علیه السلام پشت سر می آید تا عیسی علیه السلام پیش افتد، لکن عیسی علیه السلام دست خود را میان کتف های آن حضرت می نهد و به او می گوید: «پیش باش».

فرود آمدن او به هنگام نماز بامداد است و پشت سر مهدی علیه السلام نماز می گزارد.... (۱)

### دوم: تأیید پیامبر و امام زمان علیهما السلام با ملائکه

خداوند بخشایشگر بخشاینده درباره پیامبر عزیز خویش صلی الله علیه و آله چنین فرمود:

فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا. (۲)

در دعای افتتاح توصیف حضرت بقیه الله علیه السلام را چنین می یابیم:

۱- نجفی، هادی؛ اندوخته خداوند، ترجمه جویا جهانبخش، تهران، حروفیه، ۱۳۸۲ ش، ص ۳۳۳ ح ۳۷.

۲- توبه: ۴۰.

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ ، حُفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَيْدُهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ .

### سوم : تصریح و تلویح به دو نعمت نبوت و ظهور موعود

قرآن صریحاً نعمت نبوت را و تلویحاً نعمت وجود و ظهور امام عصر علیه السلام را بیان نموده که در هر دو حاکمیت صالحان بر زمین و شکست ستمگران و متمردان محقق خواهد شد. آیات آغازین سوره قصص می فرماید:

إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ . وَ نُريدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ . وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ . (۱)

### ب : نگاهی گذرا به سه رخداد: بعثت، غدیر، عصر ظهور

#### اول : بعثت

بعثت در هنگامه ای رخ می نماید که انسان ها شتابان و با سرعت هر چه بیشتر بیراهه های جهل و نادانی را می پیمایند و در مقابل خدایان ساخته شده از سنگ و چوب سجده می کنند و از قتل ها و غارت ها و بیدادگری ها با افتخار یاد می نمایند. زمانی که دختران خویش را زنده در گور می نهند و عواطف بشری در سطح اجتماع در پایین ترین مراحل است.



**دوم : غدیر خم**

غدیر خم و عظمت آن هنگامی ملموس تر خواهد بود که بدانیم دشمنان نبوت و امامت از سال ها قبل دلخوش بودند که رسول خاتم صلی الله علیه و آله را فرزند پسری نیست و تلاش وی پس از رحلت از این جهان مادی ناتمام خواهد ماند. جالب اینکه این پندار موهوم را تنها در دل نهان نداشتند و بر زبان آوردند تا آنجا که خالق هستی بخش پیامبر عزیز خویش را چنین تسلا داد و تأیید نمود: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ، فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ، إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» (۱).

در دوران آغازین بعثت یگانه بی همتا در ترسیم آن روزگاران فرمود: «وَ إِذِ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ...» (۲).

در زلال جاری غدیر، استمرار نبوت سید الانبیاء با امامت سید الاوصیاء تحقق یافت؛ و دین مبین به کمال رسید و نعمت الهی بر بشریت تمام یافت که «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (۳).

**سوم : ظهور موعود منتظر**

ظهور موعود در زمانی است که مردمان از ظلم و جور به ستوه آمده، و همگی یک دل و یک زبان مصلح هستی را از خدای خویش می طلبند. در آن هنگام است که از کنار خانه کعبه مولایمان مردمان را به خدا دعوت نماید، و گلبانگ «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ» از بیت الله به گوش جهانیان رسد و مشام جان همگان را نوازش دهد، و با برافراشتن پرچم فتح و پیروزی قسط و عدل را در سراسر گیتی حاکم سازد.

---

۱- کوثر: ۱- ۳.

۲- انفال: ۳۰.

۳- مائده: ۳.

## ج: معرفی «دوران قبل از بعثت» و «دوران قبل از ظهور»

## ۱. دوران قبل از بعثت

امیرالمؤمنین علیه السلام روزگار عرب پیش از بعثت را چنین ترسیم می نماید:

إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَذِيرًا لِلْعَالَمِينَ وَآمِينَ عَلَى التَّنْزِيلِ؛ وَ أَنْتُمْ مَعْشَرَ الْعَرَبِ عَلَى شَرِّ دِينٍ وَ فِي شَرِّ دَارٍ مُنِيخُونَ بَيْنَ حِجَارِهِ حُشْنٍ وَ حَيَاتٍ صُمٌّ تَشْرَبُونَ الْكَدِرَ وَ تَأْكُلُونَ الْجَشِبَ وَ تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَ تَقْطَعُونَ أَرْحَامَكُمْ، الْأَصْنَامُ فِيكُمْ مَنصُوبَةٌ وَ الْأَتَانُ بِكُمْ مَعْصُوبَةٌ. (۱)

خداوند محمد صلی الله علیه و آله را بیم دهنده جهانیان و امین وحی و کتاب خود مبعوث کرد در حالی که شما گروه عرب در بدترین آیین و بدترین جاها به سر می بردید. در میان سنگلاخ ها و مارهای ناشنوا اقامت داشتید. آب های لجن را می آشامیدید و غذاهای خشن می خوردید و خون یکدیگر را می ریختید و از خویشاوندان دوری می کردید. بت ها در میان شما سر پا بود و از گناهان اجتناب نمی کردید.

سپس روزگار بقیه مردم را پیش از بعثت را چنین ترسیم می نماید:

وَ أَهْلُ الْأَرْضِ يَوْمَئِذٍ مَلَلٌ مُتَفَرِّقَةٌ وَ أَهْوَاءٌ مُنْتَشِرَةٌ، وَ طَرَائِقُ مُتَشَتَّتَةٌ بَيْنَ مُشَبِّهِهِ لِلَّهِ بِخَلْقِهِ أَوْ مُلْحِدٍ فِي اسْمِهِ، أَوْ مُشِيرٍ إِلَى غَيْرِهِ فَهَدَاهُمْ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ أَنْقَذَهُمْ بِمَكَانِهِ مِنَ الْجَهَالَةِ. (۲)

مردم آن روز دارای مذهب های گوناگون و بدعت های مختلف و طوایف متفرق بودند. گروهی خداوند را به خلقش تشبیه می کردند و برخی در اسم

۱- نهج البلاغه: خطبه ۲۶.

۲- سید رضی؛ نهج البلاغه، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق: ص ۳ خ ۱.

او تصرف می کردند و جمعی به غیر او اشاره می کردند. خداوند آنان را به وسیله رسول اکرم صلی الله علیه وآله هدایت کرد و به معارف الهی آشنا ساخت.

## ۲. دوران قبل از ظهور

باب مدینه علم النبی صلی الله علیه وآله در قسمت های گوناگون کلام گهربار خویش و به هنگام بیان ملاحم و فتن به ترسیم دوران جامعه بشری در عصر قبل از ظهور موعود پرداخته اند، که در این قسمت تنها به نقل گوشه ای از کلام آن حضرت اکتفا می کنیم:

امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: «حَتَّى تَقُومَ الْحَرْبُ بِكُمْ عَلَى سَاقٍ، بَادِيًا نَوَاجِدُهَا، مَمْلُوءَةً أَخْلَافُهَا، حُلُوءًا رِضَاعُهَا، عَلَقَمًا عَاقِبَتُهَا»<sup>(۱)</sup>.

حضرت پیش بینی می کند که قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام آشوب عجیب و جنگ های بسیار مهیب و خطرناکی در دنیا اتفاق می افتد. می فرماید: «جنگ روی پای خودش می ایستد. دندان های خودش را نشان می دهد مثل یک درنده ای که دندان نشان می دهد. شیر پستان خودش را نشان می دهد. یعنی آن ستیزه جویان و آتش افروزان جنگ نگاه می کنند می بینند این پستان جنگ خوب شیر می دهد؛ یعنی به نفعشان کار می کند، اما نمی دانند که عاقبت این جنگ به ضرر خودشان است.

## د : معرفی دوران پس از بعثت و پس از ظهور

### ۱ : دوران پس از بعثت

خداوند مهربان دوران قبل و بعد از بعثت را به ترتیب چنین بیان می کند: «وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ...»<sup>(۲)</sup>: «شما در اوج دشمنی با هم و بر لبه پرتگاه آتش بودید.

۱- سید رضی؛ نهج البلاغه، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق: ص ۶۰ خ ۱۳۸ .

۲- آل عمران: ۱۰۳ .

خداوند به واسطه نعمت بعثت رسول خاتم صلی الله علیه وآله عداوت را به اُلفت و ضلالت را به هدایت تبدیل نمود».

با تأملی در این آیه و فراز پیشین کلام امیرالمؤمنین علیه السلام تصویری روشن از دوران پس از بعثت نیز به دست می آید.

## ۲: دوران پس از ظهور

امیرالمؤمنین علیه السلام در ادامه کلامش می فرماید: «أَلَا وَفِي غَدٍ وَ سَيَأْتِي غَدٌ بِمَا لَا تَعْرِفُونَ» (۱): «بدانید که فردا دنیا آبستن چیزهایی است که هیچ پیش بینی نمی کنید و نمی شناسید و آگاه نیستید، ولی بدانید که هست و فردا با خود خواهد آورد».

«يَأْخُذُ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عُمَّالَهَا عَلَى مَسَاوِي أَعْمَالِهَا» (۲): «اول کاری که آن والی الهی می کند این است که عُمَّال و حکام را یک یک می گیرد، و اعوان خود را اصلاح می کند و دنیا اصلاح می شود».

«وَتُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضَ أَفَالِيدَ كَبِدِهَا»: «زمین پاره های جگر خود را بیرون می دهد». یعنی زمین هر موهبتی که در خود دارد از هر معدنی و هر استعدادی که شما تصور کنید، همه را بیرون می دهد.

«وَتُلْقَى إِلَيْهِ سَلْمًا مَقَالِيدَهَا»: «زمین می آید مثل یک غلام در حالی که تسلیم است و کلیدهای خود را در اختیار او قرار می دهد». یعنی سِتْرِی در طبیعت باقی نمی ماند مگر اینکه به دست او کشف می شود و مجهولی در طبیعت باقی نمی ماند مگر اینکه در آن دوره مکشوف می گردد.

۱- نهج البلاغه: خطبه ۱۳۸.

۲- نهج البلاغه: خطبه ۱۳۸.

«فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدِلُ السَّيْرَةِ»: «آن وقت او به شما نشان خواهد داد که عدالت واقعی یعنی چه؟! نشان خواهد داد که این همه که دم از اعلامیه حقوق بشر و آزادی می زدند همه دروغ بود و این همه که دم از صلح می زدند همه اش دروغ و نفاق و جُور فروشی و گندم نمایی بود.

«وَيُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ»: «قوانین کتاب و سنت را که متروک مانده و به حسب ظاهر مرده و از میان رفته زنده خواهد کرد».

و نیز فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ...». هر یک از امامان ما لقبی دارد و امام زمان علیه السلام لقبی مخصوص به خود دارد که از مفهوم قیام گرفته شده است: «القائم» یعنی آنکه در جهان قیام می کند. ما حضرت مهدی علیه السلام را به قیام و عدالت می شناسیم. هر امامی به یک صفت شناخته می شود و این امام به قیام و عدالت شناخته می شود.

«وَأَرْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ»: «در روزگار او جور و ظلمی در کار نیست».

«وَأَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ»: «همه راه ها امن می شود». چون منشأ این ناامنی ها، ناراحتی ها و بی عدالتی هاست. وقتی که عدالت برقرار شود، چون فطرت بشر فطرت عدالت است و دلیلی بر ناامنی وجود ندارد.

«وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بُرُكَاتِهَا»: «و زمین تمام برکات خود را بیرون می آورد».

«وَلَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعًا لِيَصِدَّقَهُ وَلَا بَرَّهُ... وَهُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ». آیا می دانید ناراحتی مردم آن وقت چیست؟! ناراحتی مردم فقط این است که اگر بخواهند صدقه ای بدهند و یا کمکی به کسی نمایند، فقیر و مستحق پیدا نمی کنند.

درباره توحید الهی می فرماید: «حَتَّىٰ يُؤَخِّدُوا اللَّهَ وَلَا يُشْرِكْ بِهِ شَيْئًا»: «تا اینکه همه خدا را یگانه خواهند دانست و ذره ای به او شرک نخواهند ورزید».

درباره «امنیت» می فرماید: «وَتَخْرُجُ الْعَجُوزَةُ الضَّعِيفَةُ مِنَ الْمَشْرِقِ تُرِيدُ الْمَغْرِبَ لَا يُؤْذِيهَا أَحَدٌ»: «یک پیرزن ناتوان از مشرق تا مغرب دنیا را مسافرت می کند بدون آنکه کسی او را اذیت کند».(۱)

غدیر در زمانی است که دشمنان برای خاموشی این چراغ فروزان ترفندها به کار برده و در پی قتل و تبعید و زندانی کردن برآمده اند، اما از این همه جز رسوایی طرفی بر نبسته اند، که خالق هستی می فرماید: «وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ...».(۲)

پس از گذشت زمانی چند، زبان طعنه کینه توزان دراز گشته و جسارت از حد گذرانیده، رسول خاتم را ابتر خوانده و دل در گرو رفتن وی نهاده که پس از وی به امیال خویش خواهیم رسید!! اما هستی بخش توانا این گونه دردانه هستی را مورد مهر و ملامت قرار داد که «ما به تو کوثر ارزانی داشتیم ... و دشمنت را ابتر نمودیم».(۳) و نیز فرمود: «با اعلام وصایت و امامت سید اوصیاء، دین را بر تو کامل گردانیده و نعمت را تمام نموده و کینه و کید دشمنان را خنثی و نقش بر آب نمودیم».(۴)

ظهور موعود منتظرعلیه السلام استمرارِ منویات رسول الله صلی الله علیه وآله در بعثت و فتح مکه و غدیر خم و نیز تلاش امامان معصوم علیهم السلام در دوران پس از رحلت نبی خاتم صلی الله علیه وآله تا فرا رسیدن دوران غیبت کبرای امام عصرعلیه السلام و جامه فعلیت پوشاندن و عملی ساختن آن منویات

۱- سیری در سیره ائمه اطهار علیه السلام: ص ۱۳ .

۲- انفال: ۳۰ .

۳- کوثر: ۳۱ .

۴- اشاره به آیه ۳ سوره مائده.

است. کسی درك صحيح و واقعي از موعود و عصر طلايی ظهور دارد که حلقه اتصال بعثت و ایام پر شکوفه ظهور را در غدیر جستجو نماید.

### منابع و مأخذ

۱. قرآن مجید.
۲. ابن طاووس، سید علی بن موسی؛ إقبال الأعمال، ترجمه محمد روحی، قم، سماء قلم، چاپ ششم، ۱۳۸۵ ش.
۳. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم، بوستان کتاب، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۸۷ ش.
۴. سید رضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغه، تحقیق محمد دشتی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۵. طبرسی، امین الاسلام؛ إعلام الوری بأعلام الهدی، قم، آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۷ ق.
۶. نجفی، هادی، اندوخته خداوند، ترجمه جویا جهانبخش، تهران، حروفیه، ۱۳۸۲ ش.

## زمینه سازی غدیر برای عصر ظهور : علی اکبر مهدی پور

### چکیده

۱. حکومت واحد جهانی حضرت بقیه الله ارواحنا فداه، جلوه ای از صوت العداله الانسانیه امیرالمؤمنین علیه السلام است که در روز عید سعید غدیر پی ریزی شد.
۲. در روز غدیر، ولایت حضرت امیرعلیه السلام بر آسمان و زمین عرضه شد، که در عصر ظهور تبلور پیدا می کند.
۳. آیه شریفه «بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» در روز غدیر نازل گردید، در عهد ظهور تبلیغ جهانی می گردد.
۴. آیه کریمه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» که در روز غدیر نازل شد، تمکن عملی آن «وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى» در عصر ظهور تحقق می یابد.
۵. رسول اکرم صلی الله علیه وآله روز غدیر در میان صد و بیست هزار نفر اخوت ایجاد کرد، و اخوت حقیقی در میان جهانیان در عصر ظهور برقرار می گردد.



۶. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در روز غدیر برای حضرت امیرعلیه السلام از همگان بیعت گرفت، و در عصر ظهور همگان در برابر آن حضرت خضوع می کنند.

۷. منافقان در روز غدیر ریاکارانه بانگ «أَصْبَحَتْ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ» سر دادند، ولی در عصر ظهور همگان از سویدای دل مُنقاد می شوند.

۸. مولای متقیان در روز غدیر در زمان خلافت ظاهریشان بیست و هشت ویژگی برای روز غدیر برشمردند، که همه آنها در عصر ظهور تحقق پیدا می کند.

۹. امام رضا علیه السلام در یک حدیث نورانی چهل ویژگی برای روز غدیر بیان فرمودند، که همه آنها در عصر ظهور جلوه گر می گردد.

۱۰. برخی از صفات مولی از قبیل «دَابَّة الْأَرْضِ» بودن و برخی از تجلیات آن حضرت، از قبیل تجلی در قرص خورشید، در عصر ظهور تحقق می یابد.

## مدخل

حساس ترین فراز تاریخ اسلام، روز هجدهم ذیحجه الحرام سال دهم هجری در سرزمین غدیر خم، در کنار برکه ای به پهنای جهان رخ داد. این رخداد مهم تاریخی با قلم زرین بر تارک صفحات تاریخ نقش بست و به عنوان «عید سعید غدیر» با کَلک قضا بر پیشانی آفرینش رقم خورد.

خلافت، وصایت، امارت و امامت مولای متقیان، در حضور ۱۲۰۰۰۰ تن از اصحاب توسط رسول اکرم صلی الله علیه وآله اعلام گردید. جایگاه و ویژگی های مولی و فضایل آن حضرت در ۱۱۰ فراز از خطبه تاریخی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به طور شفاف بیان گردید.

طی سه روز از فرد حاضران برای ولایت امیرالمؤمنین و یازده فرزندش علیهم السلام بیعت گرفته شد. در ۲۰ فرآز از این خطبه پیرامون حضرت بقیه الله ارواحنا فداه سخن رفت.

بررسی شرایط و ظروف هنگامه غدیر به روشنی به ما خبر می دهد که داستان غدیر زمینه مناسبی برای پی ریزی حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت است، که به دست فرزند برومند مولای متقیان علیه السلام تأسیس خواهد شد.

در این نوشتار جلوه هایی از حادثه غدیر را در عصر موفور السرور ظهور آخرین امام نور بررسی می کنیم.

### ۱: تجلی آیات غدیر در عصر ظهور

یکی از آیاتی که در روز عید سعید غدیر نازل گردید، آیه زیر است: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»<sup>(۱)</sup>: «امروز دین شما را کامل کردم، و نعمت خود را برای شما به اتمام رساندم و اسلام را به عنوان دین برای شما پسندیدم».

بر اساس شماری از آیات قرآن، این آیه شریفه در عصر ظهور تحقق پیدا می کند، که به یک نمونه اشاره می کنیم:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا. (۲)

۱- مائده: ۳.

۲- نور: ۵۵.

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده عمل صالح کنند، وعده داده که آنها را در روی زمین جانشین قرار دهد، همان گونه که پیشینیان را جانشین قرار داده است. آنها را از دینی که پسندیده است، متمکن نماید و ترس آنها را به امنیت مبدل کند. تا مرا بپرستند و چیزی را به من شریک قرار ندهند.

در احادیث فراوان آمده است که این آیه در مورد حضرت مهدی علیه السلام و یاران آن حضرت نازل شده است. (۱) روز غدیر خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام اعلام شده و در این آیه خلافت حضرت صاحب الزمان علیه السلام مطرح شده است. روز غدیر اعلام شده که اسلام دین مرضی پروردگار است و در این آیه از وعده تمکن آن حضرت از دین مرضی خداوند سخن رفته است.

در آیه تبلیغ از شر دشمنان سخن رفته: «وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» (۲): «خداوند تو را از شر مردم نگه می دارد». در این آیه نیز از برداشته شدن خوف و هراس و تبدیل آن به امنیت سخن رفته است.

از بررسی آیات غدیر و آیات ظهور به این نتیجه می رسیم که تجلی آیات غدیر در روزگار ظهور خواهد بود، و ایام ظهور مصداق بارز و تجلی کامل وعده های پروردگار در روز غدیر می باشد.

## ۲: تجلی خطابه های غدیر در عصر ظهور

### اشاره

سه خطبه تاریخی برای روز غدیر خم در تاریخ ثبت شده، که هر یک دارای فرازهای مهمی است، که همه آنها در عصر ظهور تجلی خواهد نمود.

۱- نعمانی، الغیبه: ص ۲۴۷؛ شیخ طوسی، الغیبه: ص ۱۷۶.

۲- مائده: ۶۷.

۱. خطبه رسول اکرم صلی الله علیه وآله در سرزمین غدیر خم.

۲. خطبه امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از سال های خلافت ظاهری آن حضرت، که روز غدیر با روز جمعه مصادف شده بود.

۳. خطبه حضرت امام رضا علیه السلام به نقل سید ابن طاووس

در این بخش گوشه ای از جلوه های خطبه غدیر را در عصر ظهور بررسی می کنیم.

### **الف: جلوه هایی از خطبه غدیر در عصر ظهور**

جالب ترین و جاذب ترین و جامع ترین خطبه های غدیر، خطبه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است، که آن را در سرزمین غدیر خم، در حضور بیش از ۱۲۰۰۰۰ نفر ایراد کرده، به معارف والای اسلام به تفصیل اشاره نموده است. شماری از حقایق والای طرح شده در خطبه غدیر به شرح زیر است:

۱. بررسی صفات جلالی و جمالی پروردگار ۱۱۰ مورد.

۲. سخن از ولایت مولای متقیان علیه السلام ۵۰ مورد.

۳. گفتگو از فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام ۲۰ مورد.

۴. سخن از جایگاه شیعیان ۲۵ مورد.

۵. گفتگو از حلال و حرام ۲۰ مورد.

۶. نام نامی و یاد گرامی امیرالمؤمنین علیه السلام ۴۰ مورد.

۷. سخن از جایگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله ۱۰ مورد.

۸. گفتگو از بیعت با امامان علیهم السلام ۱۰ مورد.

۹. سخن از قرآن و تفسیر آن ۱۲ مورد.

۱۰. گفتگو از حضرت ولی عصر علیه السلام ۲۰ مورد.

**ب : سیمای موعود در خطبه غدیر**

- ۱ . آگاه باشید که پایان بخش امامان، مهدی قائم علیه السلام از ماست.
- ۲ . آگاه باشید که او بر همه ادیان پیروز می گردد.
- ۳ . آگاه باشید که او از ستمگران انتقام می گیرد.
- ۴ . آگاه باشید که او قلعه ها را می گشاید و از بین می برد.
- ۵ . آگاه باشید که او بر هر تیره ای از مشرکان پیروز می شود و آنها را هدایت می کند.
- ۶ . آگاه باشید که او انتقام خون همه اولیای خدا را می گیرد.
- ۷ . آگاه باشید که او یاور دین خداست.
- ۸ . آگاه باشید که او جرعه نوش دریای بیکران است.
- ۹ . آگاه باشید که او هر صاحب فضیلتی را با فضیلتش نشانه می گذارد.
- ۱۰ . آگاه باشید که او برگزیده خداست.
- ۱۱ . آگاه باشید که او وارث همه علوم و محیط به همه بینش هاست.
- ۱۲ . آگاه باشید که او از پروردگارش خبر می دهد و به آیات او هشدار می دهد.
- ۱۳ . آگاه باشید که او هدایت یافته و استوار است.
- ۱۴ . آگاه باشید که امور همگان به او تفویض شده است.
- ۱۵ . آگاه باشید که همه پیشینیان به ظهور او بشارت داده اند.
- ۱۶ . آگاه باشید که او تنها حجت باز مانده از حجج الهی است، و پس از او حجتی نیست، و هیچ حقی جز با او و هیچ نوری جز در نزد او نیست.
- ۱۷ . آگاه باشید که هرگز احدی بر او چیره نمی شود.

۱۸. آگاه باشید که او ولی خدا در روی زمین، داور خدا در میان مردمان و امین خدا در آشکار و نهان است. (۱)

---

۱- طبرسی، الاحتجاج: ج ۱ ص ۶۳.

۱۹. هان ای مردمان! نور خدا با من، سپس با علی بن ابی طالب علیه السلام، سپس در تبار او تا قائم مهدی علیه السلام است، همان قائم که همه حقوق خدا و حقوق ما را باز می ستاند. (۱)

۲۰. من مامور هستم که از شما بیعت بگیرم، در مورد آنچه از خداوند درباره علی امیرالمؤمنین و امامان پس از او بگیرم که مهدی قائم از آنهاست، تا روز قیامت که او داوری به حق می کند. (۲)

### ج: سیمای امیر در خطبه غدیر

بیشترین پیام خطبه غدیر در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام است، که پنجاه بار از ولایتش سخن رفته، چهل بار نامش بر زبان پیامبر صلی الله علیه و آله جاری شده، بیست مورد از فضایل بیکرانیش سخن به میان آمده است.

پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله در نخستین پیام غدیر می فرماید: سه بار جبریل امین بر من نازل شده، و از سوی خداوند جلیل فرمان آورده که من در این جایگاه بایستم و به سیاه و سفید اعلام کنم که علی بن ابی طالب برادر من، وصی من، جانشین من و امام پس از من است. جایگاه او نسبت به من همانند جایگاه هارون نسبت به موسی است، جز این که پس از من پیامبری نخواهد بود. او پس از خدا و رسول خدا، ولی شماست. (۳)

دقیقاً هفتاد روز پس از ایراد این خطبه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شهادت رسید، و غاصبان فدک همه فضایل مولا را انکار کردند و حق او را غصب نمودند. پس از ۲۵ سال که حق به حقدار رسید، تلاش فراوان برای تضعیف حقوق آن حضرت از هر سو به عمل آمد، و جنگ های جمل و صفین و نهروان به وقوع پیوست؛ و آن جایگاه رفیع اعلام

۱- همان: ص ۶۱.

۲- همان: ص ۶۵.

۳- طبرسی، الاحتجاج: ج ۱ ص ۵۹.

شده هرگز برای آن حضرت فراهم نشد. در عصر ظهور، مولای متقیان رجعت می کند و به مدت ۴۴۰۰۰ سال بر سراسر جهان فرمانروایی می کند. (۱)

#### د: جایگاه رفیع مولا در خطبه غدیر

پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه وآله در فرازهایی از خطبه غدیر به جایگاه رفیع حضرت امیرعلیه السلام اشاره کرده می فرماید: «هان ای مردمان! علی را مقدم بدانید، که خداوند او را برتری داده است». (۲)

در ادامه می فرماید: «هان ای مردمان! علی را مقدم بدانید، که او پس از من از هر مرد و زنی برتر است. خداوند به وسیله ما بر مردمان روزی نازل می کند، و مردمان به وسیله ما زنده است. هر کس این سخن مرا رد کند از رحمت خدا به دور است و مورد غضب خداست». (۳)

عقیده قطعی ما این است که مولای متقیان از همه انبیای پیشین برتر است. در این رابطه کتاب های مستقلی نیز تألیف شده است. (۴) ولی غاصبان فدک همه اوصاف آن حضرت را غصب کردند، و پیروان مکتب خلافت دیگران را بر آن حضرت مقدم داشتند، اما جایگاه واقعی آن حضرت در عصر ظهور بر همگان روشن خواهد شد.

#### ه: سپاه سفیانی در خطبه غدیر

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در ضمن فرازی از خطبه غدیر این آیه کریمه را تلاوت فرمودند:

۱- حسن بن سلیمان، مختصر البصائر: ص ۸۶ ح ۹۲.

۲- طبرسی، الاحتجاج: ج ۱ ص ۶۰.

۳- طبرسی، الاحتجاج: ج ۱ ص ۶۰.

۴- شیخ مفید، ابوالفتح کراچکی، ابوطالب انباری، ابن ماهویه قزوینی، علامه مجلسی و سید هاشم بحرانی، التفضیل، تفضیل امیرالمؤمنین و تفضیل علی علیه السلام.



«مَعَاشِرَ النَّاسِ! آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ» (۱) و «النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ» (۲) «مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا» (۳): «هان ای مردمان! به خدا و رسول خدا و نوری که همراه او نازل شده ایمان بیاورید، پیش از آنکه بر چهره هایی بزینم و آنها را به پشت سرشان برگردانیم» (۴).

این آیات در مورد سپاه سفیانی و خسف سرزمین بیداء است، که از علائم حتمی است. هنگامی که سپاه سفیانی به سرزمین بیداء می‌رسند، جبریل امین با پای خود بر زمین می‌کوبد و زمین دهان باز می‌کند و همه آنها را در کام خود فرو می‌برد، به جز دو تن گزارشگر: یکی به نام بشیر و دیگری به نام نذیر، که هر دو از قبیله جهینه اند (۵)، که خداوند صورتشان را به پشت سرشان برمی‌گرداند (۶). طبق این بیان این فراز از خطبه، مربوط به عصر ظهور و خسف سرزمین بیداء است.

### و: اصحاب صحیفه در خطبه غدیر

روز عید غدیر پس از بیعت با امیرالمؤمنین علیه السلام، بشیر بن سعید و اسید بن حضیر و معاذ بن جبل با دو نفر دیگر از اصحاب سقیفه با یکدیگر به رایزنی پرداختند و قرار گذاشتند که پیش از ورود به مدینه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به قتل برسانند (۷).

این عده در طول اقامت سه روزه در صحرای غدیر خم، نه تن دیگر را با خود همراه کرده برای قتل پیامبر صلی الله علیه و آله پیمان بستند و صحیفه ای را امضا کردند. اسامی این ۱۴

۱- نساء: ۱۳۶.

۲- اعراف: ۱۵۷.

۳- نساء: ۴۷.

۴- طبرسی، الاحتجاج: ج ۱ ص ۶۱.

۵- طبری، جامع البیان: ج ۲۲ ص ۷۳؛ طبرسی، مجمع البیان: ج ۸ ص ۶۲۲.

۶- شیخ مفید، الاختصاص: ص ۲۵۶؛ عیاشی، التفسیر: ج ۱ ص ۴۰۲.

۷- سید ابن طاووس، اقبال الاعمال: ج ۲ ص ۲۴۹.

نفر که در تاریخ به «اصحاب صحیفه» شهرت یافته اند، در بحار الانوار آمده است. (۱) این گروه در مسیر خود به مکه بر فراز کوهی به نام «هرشی» کمین کردند، تا به هنگام عبور پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله شتر آن حضرت را رم دهند. چون به پرتگاه رسیدند، یک لحظه برق زد و چهره توطئه گران مشاهده گردید و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله آنها را با نامشان فرا خواندند. (۲) جالب توجه است که پیش از وقوع این حادثه، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در خطبه غدیر آنها را به عنوان «اصحاب صحیفه» یاد کردند. (۳)

### ز: نور فراگیر

در خطبه غدیر از نور فراگیر رسول خدا صلی الله علیه وآله، امیرالمؤمنین علیه السلام، سایر امامان علیهم السلام، و سرانجام جان جنان حضرت صاحب الزمان علیه السلام سخن رفته است. (۴)

امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر آیه «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ» (۵): «خداوند هر کس را بخواهد به نور خود هدایت می کند»، فرمود: "منظور از آن نور مهدی قائم علیه السلام است". (۶)

حضرت امام کاظم علیه السلام در تفسیر آیه «وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ» (۷): «خداوند، نور خود را به اتمام خواهد رسانید»، فرمود: «خداوند با ولایت قائم علیه السلام نور خود را به اتمام می رساند». (۸)

۱- مجلسی، بحار الانوار: ج ۲۸ ص ۱۰۰، ۱۱۱، ۱۱۷، ۱۲۴.

۲- سید ابن طاووس، اقبال الاعمال: ج ۲ ص ۲۵۰.

۳- طبرسی، الاحتجاج: ج ۱ ص ۶۲.

۴- طبرسی، الاحتجاج: ص ۶۱.

۵- نور: ۳۵.

۶- بحرانی، البرهان: ج ۷ ص ۸۸.

۷- صف: ۸.

۸- کلینی، الکافی: ج ۱ ص ۴۳۲ ح ۹۱.

حضرت امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»<sup>(۱)</sup>: «زمین با نور صاحبش منور گردید»، فرمود: «چون قائم ما قیام کند زمین با نور صاحبش منور می گردد. مردم از نور خورشید بی نیاز می شوند و تاریکی از بین می رود»<sup>(۲)</sup>.

جالب توجه است که این مضمون در کتب عهدین نیز آمده است: «دیگر شب نخواهد بود و احتیاج به چراغ و نور آفتاب نخواهد بود، زیرا خداوند برایشان روشنایی می بخشد»<sup>(۳)</sup>.

### ح: میراث پیامبر صلی الله علیه و آله

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ادامه می فرماید: «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَ وِرَاثَةً فِي عَقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»: «هان ای مردمان! ما آن پیمان را به عنوان امامت و وراثت در فرزندان خود تا روز رستاخیز ودیعه می نهم»<sup>(۴)</sup>.

خداوند مَنان در این رابطه می فرماید: «وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ»<sup>(۵)</sup>: «خداوند آن را کلمه پایدار در نسل او قرار داد»، یعنی: خداوند امامت را عهدی پایدار در نسل حضرت ابراهیم علیه السلام قرار داد. سُدی می گوید: «منظور از نسل حضرت ابراهیم علیه السلام آل محمد علیهم السلام است»<sup>(۶)</sup>.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرمود: «امامت تا روز قیامت در نسل حضرت ابراهیم علیه السلام قرار دارد»<sup>(۷)</sup>.

۱- زمر: ۶۹.

۲- شیخ مفید، الارشاد: ج ۲ ص ۳۸۱.

۳- کتاب مقدس، عهد جدید، مکاشفه یوحنا: ۲۴ / ۲۱.

۴- طبرسی، الاحتجاج: ج ۱ ص ۶۲.

۵- زخرف: ۲۸.

۶- ابن شهر آشوب، المناقب: ج ۱ ص ۳۰۷.

۷- ابن شهر آشوب، المناقب: ج ۱ ص ۳۰۷.

**ط: ضرورت اطلاع رسانی**

رسول اکرم صلی الله علیه وآله در مورد لزوم تبلیغ خطبه غدیر خطاب به حاضران فرمود: «فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»<sup>(۱)</sup>: «حاضران به غایبان خبر دهند و هر پدری تا روز قیامت به فرزند خود تبلیغ نماید».

بسیار جالب توجه است که مخاطب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فقط حاضران نبودند و فقط نسل موجود نبود، بلکه این اطلاع رسانی تا روز قیامت و به طور طبیعی تا عصر ظهور ادامه دارد.

افراد ناآگاه خیال می کنند مسئله امامت یک موضوع تاریخی است و در زمان ما نیازی به بازگو کردن ندارد، در حالی که رسول عالمیان به همه جهانیان امر فرموده که هر نسلی آن را به نسل بعدی ابلاغ نماید.

**ی: بیعت با خدا**

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله سه روز تمام حاضران را در سرزمین غدیر خم نگه داشت، تا همگان با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت کنند.<sup>(۲)</sup> در ضمن برای دیگر امامان نیز بیعت گرفتند. باشکوهترین بیعت جهان آفرینش نیز به هنگام ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه واقع خواهد شد.

«نخستین کسی که با آن حضرت بیعت می کند جبرئیل امین است».<sup>(۳)</sup> «آنگاه یاران حضرت بین رکن و مقام با آن حضرت بیعت می کنند».<sup>(۴)</sup>

۱- طبرسی، الاحتجاج: ج ۱ ص ۶۲.

۲- طبرسی، الاحتجاج: ج ۱ ص ۶۶.

۳- مجلسی، بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۸۵.

۴- گنجی شافعی، البیان: ص ۲۱۰، ۲۱۸.

### ک: امام هدایتگر

رسول اکرم صلی الله علیه وآله در این خطبه از امیرالمؤمنین صلی الله علیه وآله به عنوان «تقی» و «نقی» و «هادی» و «مهدی» یاد کرده است. (۱) همه این صفات از القاب حضرت بقیه الله علیه السلام است، به ویژه لقب «مهدی» که برای آن حضرت عَلَم بالغلبه شده است.

### ۳: جلوه هایی از خطبه امیر علیه السلام در عصر ظهور

#### اشاره

پس از خطبه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله خطبه امیر بیان، پیشوای پارسایان، امیرالمؤمنین علیه السلام است، که در ایام خلافت ظاهری آن حضرت روز غدیر با روز جمعه مصادف شد. خطبه بسیار باشکوهی ایراد فرمود، که فرازهایی از آن نقل می شود:

#### الف: سیمای غدیر در سخنان امیر علیه السلام

۱. امروز روزی بلند جایگاه است.
۲. گشایش در آن پدید آمد.
۳. مقام شایستگان بالا رفت.
۴. امروز براهین الهی آشکار گردید.
۵. امروز روز آشکار شدن حق و پرده برداری از جایگاه امامت است.
۶. امروز روز اکمال دین است.
۷. امروز روز عهد و پیمان است.
۸. امروز روز گواهی و گواه گرفتن است.
۹. امروز روز آشکار شدن پیمان های مستور در زیر پرده های کفر و نفاق است.
۱۰. امروز روز بیان حقایق ایمان است.

۱۱. امروز روز راندن شیطان است.
۱۲. امروز روز اقامه برهان است.
۱۳. امروز روز جدایی حق و باطل است.
۱۴. امروز روز بلند جایگاهی است که در آن مخاصمه می کردید.
۱۵. امروز روز نبأ عظیمی است که از آن روی بر می تافتید.
۱۶. امروز روز ارشاد و هدایت است.
۱۷. امروز روز آزمایش بندگان است.
۱۸. امروز روز راهنمایی رهپویان است.
۱۹. امروز روز آشکار شدن اسرار درون و رازهای اشرار دون است.
۲۰. امروز روز نص صریح بر شایستگان و اولیای خاص خداست.
۲۱. امروز روز امنیت کامل است.
۲۲. امروز روز اظهار سرّ مکنون است.
۲۳. امروز روز آشکار شدن اسرار نهان و آزمایش دل هاست. (۱)

بر اهل تحقیق پوشیده نیست که همه این ویژگی ها در عصر ظهور تجلّی کامل پیدا می کند، به ویژه فرازهای دوم: «فیه وَقَعَ الْفَرَجُ»: «فرج و گشایش جهان آفرینش در عصر ظهور است. ششم: «يَوْمُ كَمَالِ الدِّينِ» که در عصر ظهور تمکّن کامل برای پیاده شدن تعالیم دینی و معارف اسلامی فراهم خواهد شد. دهم: «يَوْمُ الْبَيَانِ عَنِ حَقَائِقِ الْاِيْمَانِ» که بدون ترس و واهمه حقایق ایمانی در عرصه جهانی بیان خواهد شد. یازدهم: «يَوْمُ دَحْرِ الشَّيْطَانِ» که در عصر ظهور مدت مهلت ابلیس به سر می رسد و مولای متقیان امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از رجعت های خود با وی نبرد می کند. (۲)

---

۱- شیخ طوسی، مصباح المتعجد: ص ۷۵۵

۲- حسن بن سلیمان، مختصر البصائر: ص ۸۵ ح ۹۲.

مؤمنان شیطان را سنگسار می کنند(۱)؛ و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله او را به هلاکت می رساند.(۲) البته به روایتی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه او را گردن می زند.(۳) و به نقلی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله او را سر می برد.(۴)

### ب: رهبران گمراه در خطبه امیرعلیه السلام

امیر بیان در فرازی از خطبه غدیر به رهبران ضالّ و مُضَلّ اشاره نموده، آیه کریمه را تلاوت فرمودند: «از پیروی گمراهان بر حذر باشید که قرآن کریم آنها را نکوهش کرده فرموده است: «ما از سر کرده های خود پیروی کردیم، پس ما را گمراه ساختند. بار خدایا! عذاب آنها را دو چندان فرما و آنها را به لعن و غضب شدید خود گرفتار کن».(۵)

به هنگام ظهور، جایگاه سر کرده های گمراه معلوم می شود، و پیروان گمراهشان از آنها بیزاری می جویند. و آن هنگامی است که حضرت ولی عصر علیه السلام پیکر دو بت بزرگ قریش را از دل خاک بیرون آورده، با همان هیزمی که روز تهاجم به خانه وحی آورده بودند، که حضرت علی و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین علیهم السلام را به آتش بکشند، طعمه حریق می سازد.(۶)

### ج: روز امن و امان

مولای متقیان علیه السلام در فرازی از خطبه غدیر در مورد روز غدیر فرمود: «هذا يوم

۱- شیخ صدوق، معانی الاخبار: ص ۱۳۹.

۲- حسن بن سلیمان، همان.

۳- عیاشی، التفسیر: ج ۲ ص ۲۴۲.

۴- علی بن ابراهیم، تفسیر قمی: ج ۲ ص ۲۴۵.

۵- احزاب: ۶۷، ۶۸.

۶- طبری، دلائل الامامه: ص ۴۵۵ ح ۴۳۵.

الامن و الامان»: «امروز روز امن و امان است»<sup>(۱)</sup>.

همان گونه که خداوند منان شهر مکه را بلد امن قرار داده، ولی رسول عالمیان در آن شهر امنیت نداشت، روز غدیر را نیز روز امن و امان قرار داده، ولی صاحب غدیر در آن روز امنیت نداشت. در همان روز اصحاب صحیفه گرد آمدند و پیمان بستند و در روز سقیفه پیمان خود را به اجرا نهادند، و این امنیت در سطح جهانی برای همه انسان ها، حتی برای همه جانداران در عصر ظهور تحقق پیدا می کند.

در احادیث آمده است: «در عصر ظهور ظلم و ستم رخت بر می بندد، و راه ها امن می شود و کسی به کسی ستم نمی کند»<sup>(۲)</sup>.

در کتب عهدین از آشتی کردن درندگان و همزیستی گرگ و بزّه، پلنگ با بزغاله و شیر با گوساله سخن رفته است<sup>(۳)</sup>.

#### ۴: جلوه هایی از خطبه امام رضاعلیه السلام در عصر ظهور

##### اشاره

سومین خطبه ای که در مورد غدیر خم به دست ما رسیده، خطبه بسیار پربرابر حضرت امام رضاعلیه السلام است، که نکات برجسته ای از ویژگی های غدیر خم را برای ما بیان فرموده اند. فرازهایی از این خطبه در عصر ظهور تجلی می کند، که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱- شیخ طوسی، مصباح المتعجد: ص ۷۵۶.

۲- شیخ مفید، الارشاد: ج ۲ ص ۳۸۴؛ شیخ صدوق، الخصال: ج ۲ ص ۴۱۹.

۳- عهد عتیق، کتاب اشعیاء نبی علیه السلام: ۹ \_ ۶ \_ ۱۱.



**الف: به خاک مالیده شدن بینی شیطان**

در فرازی از این خطبه آمده است: «وَإِنَّهُ لَيَوْمُ الْكَمَالِ وَيَوْمُ مُرْغَمَةِ الشَّيْطَانِ»<sup>(۱)</sup>: «آن روز، روز کمال دین و به خاک مالیدن شدن بینی شیطان است».

بی گمان مصداق روشن این معنی در عصر ظهور اتفاق می افتد، که دوران مهلت ابلیس به سر می آید، و دیگر احدی از او پیروی نمی کند. معارف حقّه به همه می رسد، و همگان با توحید کلمه به سوی کلمه توحید روی می آورند. اسلام بر همه ادیان پیروز می شود و همگان از عبادت خالص متمکن می شوند.

**ب: روز رهایی از غم و اندوه**

امام رضا علیه السلام در فرازی از خطبه غدیریه می فرماید: «و هو يَوْمُ تَنْفِيسِ الْكَرْبِ»<sup>(۲)</sup>: «غدیر روز رها شدن از غم و اندوه است».

بیگمان تا رژیم های فاسد در روی زمین هستند غم و اندوه بر جاست. تنها هنگامی غم و اندوه از سرتاسر جهان زدوده می شود، که رهایی بخش جهان ظهور نماید.

بود آن روز بر ما عید مطلق\*\*\* که به جنبش در آید پرچم حقّ

جالب توجه است که در برخی از احادیث از روز ظهور به عنوان «روز رهایی» و «یوم الخلاص» تعبیر شده است. جالبتر اینکه در انجیل نیز همان تعبیر در مورد «روز ظهور» آمده است.<sup>(۳)</sup>

۱- سید بن طاووس، اقبال الاعمال: ج ۲ ص ۲۶۰.

۲- همان: ص ۲۶۱

۳- نگارنده، روزگار رهایی: ج ۱ ص ۵۶۱، به نقل از رساله به عبرانیان.

**ج: روز نشر دانش**

در فراز دیگری از این خطبه آمده است: «و یوم نشر العلم»: «آن روز، روز نشر علم است». (۱)

علم و دانشی که قرار است در اختیار انسان ها قرار بگیرد، به تعبیر احادیث ۲۷ حرف است. مجموع علوم می که توسط انبیاء به انسان ها تعلیم شده، و دانشمندان در طول تاریخ با تلاش و تجربه آن را توسعه داده و خواهند داد، دو حرف است، و ۲۵ حرف دیگر آن را حضرت بقیه الله ارواحنا فداه می آورد. (۲) یعنی دوازده و نیم برابر دانش موجود!!

اصلاً برای ما قابل تصور نیست که چهره دنیا پس از افزوده شدن ۵/۱۲ درصد برابر حجم موجود دانش چگونه خواهد بود؟! امام کاظم علیه السلام فرمود: «پسرم! عقل های شما از درک آن ناموفق است و مغزهای شما قدرت ادراک آن را ندارد، بلی، اگر آن روز را درک کنید خواهید فهمید». (۳)

**د: روز بشارت**

در فراز دیگری از این خطبه در مورد روز غدیر «روز بشارت» تعبیر شده است. (۴) رسول گرامی اسلام علیه السلام در خطبه غدیر پیرامون حضرت مهدی علیه السلام می فرماید: «أَلَا إِنَّهُ قَدْ بُشِّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ» (۵): «آگاه باشید که همه پیشینیان از قرن ها پیش به او بشارت داده اند».

۱- نگارنده، روزگار رهایی: ج ۱ ص ۵۶۱، به نقل از رساله به عبرانیان.

۲- قطب راوندی، الخرائج و الجرائح: ج ۲ ص ۸۴۱.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین: ج ۲ ص ۳۶۰.

۴- سید بن طاووس، همان .

۵- طبرسی، الاحتجاج: ج ۱ ص ۶۴.

جالبتر اینکه در حدیث آمده است: «به هنگام ظهور مردگان در قبرها به دیدن یکدیگر می روند. به یکدیگر بشارت می دهند که حضرت ولی عصر علیه السلام ظهور کرده است»<sup>(۱)</sup>.

بر این اساس روشن ترین مصداق روز بشارت، روز ظهور موفور السرور آن حضرت است، که خطبه غدیر نیز حاوی چندین بشارت در مورد آن روز است.

## ۵: روز خرسندی

در فرازی از خطبه امام رضا علیه السلام از روز غدیر به روز خرسندی و خشنودی تعبیر شده است: «و یوم الرضا»<sup>(۲)</sup>: «روز رضایتمندی». روز غدیر روز رضایتمندی خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و مؤمنان بود، اما روز ظهور روز خرسندی و خشنودی همگان است، چنان که در حدیث شریف آمده است: «اهل زمین و آسمان، حتی پرندگان هوا از خلافت او خشنود می شوند»<sup>(۳)</sup> و در حدیث دیگری فرمود: «زمین را پر از عدل و داد کند، همان گونه که پر از جور و ستم شده است. ساکنان آسمان و زمین از او خشنود شوند. مال را به طور مساوی تقسیم می کند و دل های امت محمد صلی الله علیه و آله را آکنده از بی نیازی می کند»<sup>(۴)</sup>.

## ۵: جلوه هایی از رخدادهای غدیر در عصر ظهور

### مؤاخات

### اشاره

یکی از رخدادهای مهم روز غدیر مؤاخات و برادری میان امت است. قرآن کریم

۱- شیخ صدوق، کمال الدین: ج ۲ ص ۶۵۳.

۲- سید بن طاووس، همان.

۳- بشرویه، فردوس الاخبار: ج ۴ ص ۴۹۶.

۴- متقی هندی، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۶۲ ح ۳۸۶۵۳.

مؤمنان را برادر یکدیگر خوانده و فرموده: «أَنَّما الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»<sup>(۱)</sup>: «به راستی مؤمنان برادر یکدیگرند».

رسول گرامی اسلام علیه السلام چندین بار در میان مسلمانان به ایجاد عقد اخوت اقدام نموده، که از آن جمله است:

۱. در مکه معظمه در میان اصحاب و مسلمانان اولیه.

۲. در مدینه منوره در میان مهاجران و انصار.

۳. در مدینه منوره در میان خواص اصحاب<sup>(۲)</sup>.

۴. در سرزمین غدیر خم در میان امت اسلامی<sup>(۳)</sup>.

در همه این موارد هر فردی را با فردی متناسب با او برادر نموده، مثلاً ابوبکر را با عمر<sup>(۴)</sup>، سلمان را با ابوذر، زبیر را با کعب بن مالک، حمزه را با زید، ابوظحله را با ابوعبیده، عوف بن مالک را با صعّب بن جثامه و عبدالرحمن بن عوف را با سعد بن ربیع<sup>(۵)</sup> ولی هرگز امیرالمؤمنین علیه السلام را با احدی از اصحاب برادر نکرده، بلکه خطاب به او فرموده: «أَنْتَ أَخِي وَ صَاحِبِي»: «تو برادر و یار و یاور من هستی»<sup>(۶)</sup>.

### الف: منابع حدیث مؤاخات

همه محدثان، مورخان، سیره نویسان و تراجم نگاران، حدیث مؤاخات را نقل کرده اند، که از آن جمله است:

۱- حجرات: ۱۰.

۲- تلمسانی، الجوهره: ص ۶۴.

۳- شیخ عباس قمی، فیض العلام: ص ۱۲۵.

۴- ابن صباغ، الفصول المهمه: ص ۳۸.

۵- ابن ابی شیبّه، المصنف: ج ۶ ص ۲۶۵.

۶- همان: ج ۷ ص ۵۰۷.

۱. ابن ابی شیبہ، متوفای ۲۳۵ ق. (۱).

۲. احمد حنبل، متوفای ۲۴۱ ق. (۲).

۳. ابن عبدالبر، متوفای ۴۲۶ ق. (۳).

۴. ابن مغازلی، متوفای ۴۸۳ ق. (۴).

۵. اخطب خوارزم، متوفای ۵۶۸ ق. (۵).

۶. ابن بطریق، متوفای ۶۰۰ ق. (۶).

۷. تلمسانی، متوفای بعد از ۶۴۵ ق. (۷).

۸. سبط ابن جوزی، متوفای ۶۵۴ ق. (۸).

۹. گنجی شافعی، متوفای ۶۵۸ ق. (۹).

۱۰. محبّ الدین طبری، متوفای ۶۹۴ ق. (۱۰).

محدث بحرانی تصریح فرموده که حدیث مؤاخات بین علمای تشیع و تسنن متواتر است.

محدث قمی به هنگام شمارش حوادث روز غدیر می نویسد: رسول اکرم صلی الله علیه وآله در روز غدیر بین اصحاب خود عقد اخوت بست. (۱۱)

---

۱- همان.

۲- احمد حنبل، فضائل الصحابه: ج ۲ ص ۸۲۴.

۳- ابن عبدالبر، الاستیعاب: ج ۳ ص ۲۰۲.

۴- ابن مغازلی، مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام: ص ۳۷.

۵- خوارزمی، المناقب: ص ۱۴۰.

۶- ابن بطریق، العمده: ح ۲۶۲.

۷- تلمسانی، الجوهره فی نسب علی و آله: ص ۶۴.

۸- سبط، تذکره الخواص: ج ۱ ص ۲۱۸.

۹- گنجی، کفایه الطالب: ص ۱۹۳.

- ١٠- طبري، ذخائر العقبى: ج ١ ص ٣٠٣.
- ١١- محدث قمي، فيض العلام: ص ١٢٥.

**ب: اوج اخوت و برادری**

دقیقاً هفتاد روز پس از عید غدیر، به دنبال شهادت رسول اکرم صلی الله علیه وآله مهاجران و انصار در سقیفه گرد آمده، برای کسب قدرت اخوت و برادری را به بوته فراموشی سپردند و با شعار «مِنَّا امیرٌ و مِنکُم امیرٌ» به جنگ و ستیز برخاستند. ولی تجلی این اخوت و برادری در عصر ظهور خواهد بود، چنان که در احادیث واصله از پیشوایان معصوم علیهم السلام بر آن تاکید شده است. زید زَرَاد از اصحاب امام صادق علیه السلام به محضر آن حضرت عرضه داشت: می ترسم که ما مؤمن نباشیم! فرمود: برای چه؟! گفت: برای اینکه در میان ما کسی پیدا نمی شود که برادر ایمانی اش در نزد او از درهم و دینار عزیزتر باشد، بلکه در میان ما درهم و دینار گرامی تر است از برادر ایمانی که ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام بین ما و او اخوت و برادری ایجاد کرده است.

فرمود: «نه شما مؤمن هستید، لکن ایمان شما به حدّ کمال نمی رسد جز هنگامی که قائم ما خروج کند. در آن هنگام خداوند عقل های شما را کامل می کند و مؤمن کامل می شوید».<sup>(۱)</sup>

در پایان، به هنگام شمارش ویژگی های مؤمنان در عصر ظهور می فرماید: «و المّوَاسات لِلاخوان فی حال الیسر و العسر»<sup>(۲)</sup>: «مواسات با برادران ایمانی در حالت توانمندی و تنگدستی» بر اساس این روایت و دیگر احادیث واصله از پیشوایان معصوم علیهم السلام آن اخوت و برادری که رسول گرامی اسلام در روز عید سعید غدیر در میان امت اسلامی ایجاد نمود، در عصر موفور السرور ظهور آن امام نور تحقق پیدا خواهد کرد و آن ایثار و مواسات و آن مؤاخات مورد نظر رسول عالمیان آن روز تجلی خواهد کرد.

۱- زید زَرَاد، اصل زید زراد، در ضمن: الاصول الستة عشر: ص ۶.

۲- همان: ص ۷.

## ۶. دیگر رخدادهای

### یک:

آیه شریفه «بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ» (۱)

روز غدیر نازل شد و در عصر ظهور در سطح جهانی تبلیغ می شود.

### دو:

آیه شریفه «الْيَوْمَ يَنْسَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ» (۲)

روز غدیر نازل شد و در عصر ظهور تحقق پیدا می کند.

### سه:

روز غدیر از همه حاضران برای ولایت مولی بیعت گرفته شد و در عصر ظهور همگان در برابرش خاضع می شوند.

### چهار:

امیر بیان علیه السلام در خطبه غدیر ۲۸ ویژگی برای روز غدیر بیان فرمود که در عصر ظهور تجلی پیدا می کند.

### پنج:

امام هشتم علیه السلام در خطبه غدیر به اش ۴۰ ویژگی برای روز غدیر بیان کرد که در عصر ظهور تحقق می یابد.

## منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.

۲. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، ناشر: مرتضی، مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.

۳. الاختصاص، شیخ مفید، ناشر: کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

۴. الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ابو عمر یوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر م ۴۶۳، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دار الجیل، طبع الاولی، ۱۹۹۲ م، ۱۴۱۲ ق.





۵. الاقبال بالاعمال، حلی، سید ابن طاووس، رضی الدین، علی، ناشر: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۶. بحار الانوار، علامه مجلسی، ناشر: اسلامیه، تهران، سال چاپ: مختلف، نوبت چاپ: مکرر.
۷. البرهان فی تفسیر القرآن، بحرانی سید هاشم، ناشر: بنیاد بعثت، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
۸. البیان، گنجی شافعی، تهران، نبأ،
۹. تذکره الخواص، سبط ابن جوزی،
۱۰. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، چاپخانه علمیه تهران، ۱۳۸۰ هجری قمری.
۱۱. تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، ناشر: دار الکتب، مکان چاپ: قم، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش.
۱۲. جامع البیان فی تفسیر القرآن، طبری ابو جعفر محمد بن جریر، ناشر: دار المعرفه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۱۳. الجواهره فی نسب علی و آله علیه السلام، تلمسانی، بیروت،
۱۴. حلیه الابرار فی احوال محمد و آله الاطهار: بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، ناشر: مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
۱۵. الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، مؤسسه امام مهدی علیه السلام، قم، ۱۴۰۹ هجری قمری.
۱۶. الخصال، شیخ صدوق، ناشر: جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش.
۱۷. دلائل الامامه، محمد بن جریر طبری، دار الذخائر للمطبوعات، قم.
۱۸. ذخائر العقبی، محب الدین احمد بن عبد الله الطبری، دار الکتب الاسلامی، قم، ۱۴۲۸ ق، ۲۰۰۷ م، ۱۳۸۶ ش.
۱۹. روزگار رهایی، علی اکبر مهدی پور، آفاق، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.

٢٠. العمده، ابن بطريق يحيى بن حسن حلى، انتشارات جامعه مدرسين قم، ١٤٠٧ هجرى قمرى.
٢١. الغيبه للحجه، شيخ طوسى، ناشر: دار المعارف اسلامى، قم، چاپ اول، ١٤١١ ق.
٢٢. الغيبه للنعمانى، محمد بن ابراهيم نعمانى، ناشر: نشر صدوق، تهران، چاپ اول، ١٣٩٧ ق.
٢٣. فردوس الاخبار، بشرويه، دارالكتاب العربى، بيروت، ١٤٠٧ ق، ١٣٦٦ ش.
٢٤. الفصول المهمه، ابن صباغ، مؤسسه دار الحديث الثقافيه، قم، ١٤٢٢ ق، ١٣٨٠ ش .
٢٥. فضائل الصحابه، احمد حنبل، تهران، ١٤٢٥ ق.
٢٦. فيض العلام، شيخ عباس قمى، انتشارات صبح پيروزى، قم، ١٣٨٥ ش .
٢٧. الكافى، محمد بن يعقوب كلينى، ناشر: اسلاميه، تهران، چاپ دوم، ١٣٦٢ ش.
٢٨. كتاب مقدس، عهد جديد، مكاشفه يوحنا.
٢٩. كفايه الطالب، ابو عبد الله محمد بن يوسف بن محمد قرشى كنجى شافعى،
٣٠. كنز العمال، متقى هندی، دار الكتب العلميه ١٤٢٠ ق بيروت.
٣١. كمال الدين و تمام النعمه، شيخ صدوق، ناشر: اسلاميه، تهران، چاپ دوم، ١٣٩٥ ق.
٣٢. مجمع البيان فى تفسير القرآن، فضل بن حسن طبرسى، ناشر: انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ١٣٧٢ ش.
٣٣. مختصر البصائر، حسن بن سليمان، قم جامعه مدرسين، ١٤٢١ ق.
٣٤. مصباح المتهجد، شيخ طوسى، ناشر: مؤسسه فقه شيعه، بيروت، چاپ اول، ١٤١١ ق.
٣٥. المصنف، ابن ابى شيبه، نشر بمبئى، دار السلفيه.
٣٦. معانى الاخبار، شيخ صدوق، ناشر: جامعه مدرسين، قم، چاپ اول، ١٤٠٣ ق.

٣٧. مناقب الإمام علي بن ابي طالب عليه السلام، ابن مغازلي شافعي، ناشر: دار الاضواء، بيروت، چاپ سوم، ١٤٢٤ ق.

٣٨. مناقب آل ابي طالب عليه السلام، ابن شهر آشوب مازندراني، مؤسسه انتشارات علامه قم، ١٣٧٩ هجري قمری.

٣٩. المناقب، خوارزمي، قم: ١٤٣٢ ق.

## ظهور، روز قابلیت انسان برای غدیر : حامد نواب

### چکیده

۱. هدف از خلقت، توحید و یکتاپرستی زیر چتر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است.
۲. این هدف از آغاز خلقت پایه گذاری شد تا در غدیر رسماً اعلام شد.
۳. مردم باید این قابلیت را در خود احساس کنند که به امام معصوم نیاز دارند که مظهر غدیر است.
۴. ظالمین مانع از درک بشر برای نیاز به امام شدند و برای درک بشر تا هنگام ظهور وقت لازم است.
۵. امتحان خدا اقتضا می کند که امام غدیر سراغ مردم نرود، بلکه مردم احساس نیاز به غدیر کنند و سراغ امام غدیر بیایند.
۶. با ظهور حضرت بقیه الله علیه السلام، توحید به معنای واقعی در سراسر گیتی گسترده شده و هدف غدیر در آن زمان تحقق خواهد یافت.

## مقدمه

با بررسی متون کتب آسمانی و یافته های وحیانی و با بشارت آنها به رسالت آخرین فرستاده خداصلی الله علیه وآله و جانشینی مطلق وصی ایشان امیرالمؤمنین علیه السلام به این نکته خواهیم رسید که هدف از خلقت جهان هستی، همانا توحید و یکتاپرستی تمام مردم زیر چتر ولایت و معرفت امیرالمؤمنین علیه السلام است، که همایش عظیم آن در روز غدیر خم متجلی شد

## عدالت یکپارچه با تحقق غدیر

در صورت تحقق غدیر دنیا به سوی عدالت یکپارچه و دوری از ظلم و ستم می رفت. ولی به حسب آیه کریمه «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (۱): «آیا مردم پنداشته اند که چون بگویند ایمان آوردیم، رها شوند و دیگر آزمایش نشوند؟» حکمت پروردگار متعال بر امتحان بشر است و دست همه در انتخاب ایمان یا کفر باز است. از سوی دیگر طبق فرمایش رسول خداصلی الله علیه وآله «مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ إِذْ تُوتَى وَلَا تَأْتِي» (۲)، مردم باید این قابلیت را در خود احساس کنند که احتیاج به امام معصوم علیه السلام دارند.

## جبت و طاغوت مانع تحقق غدیر

لذا دست طغیان جبت و طاغوت با استفاده از جهل و نادانی مردم، مانع تحقق هدف غدیر گشته و دنیا را از عدالت و قسط به ظلم و جور کشانده است. همین امر باعث شده که تحقق یکتاپرستی در جهان به تأخیر انجامد، تا زمانی که بشر از جهل به در آید و فقر و نیاز خود را به امام معصوم علیه السلام احساس کند که تحقق آن طبق فرموده

۱- عنکبوت: ۲.

۲- اصول کافی: ج ۳ ص ۷۹.

رسول خداصلی الله علیه وآله و ائمه هدی علیهم السلام در عصر ظهور حضرت بقیه الله الاعظم حجه بن الحسن علیه السلام خواهد بود.

### پایه گذاری هدف غدیر از آغاز خلقت

انسان به فکر فرو می رود که این جهان هستی و این مخلوقات از کجا آمده و به کجا ختم می شود، و اصلاً همه این موجودات بالاخص انسان برای چه آفریده شده و پا به عرصه وجود گذاشته اند؟ ولی کسی نمی تواند پاسخگوی این سؤال باشد مگر خدای تبارک و تعالی، چرا که او خالق و آفریدگار همه هستی است.

با مراجعه به متون کتب آسمانی و نصوص وارده از جانب حجج الهی به این جواب خواهیم رسید که «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (۱): «جَنِّ و انس را نیافریدم جز برای این که عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند)! پس مهم ترین هدف خلقت یکتاپرستی و توحید و بندگی خدای متعال است.

خداوند بشر را با عقل و فطرتی که به آنها بخشیده تنبیه داده و با قرار دادن پیامبران الهی آنها را به سوی کمال و یکتاپرستی راهنمایی می فرماید. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (۲): «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند».

یکی از خواص فرستادن پیامبران این است که برای کسی عذر باقی نمانده و حجت بر ایشان تمام می شود. «مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لِيَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ» (۳):

۱- ذاریات: ۵۶.

۲- حدید: ۲۵.

۳- نساء: ۱۶۵.

«پیامبرانی که بشارت دهنده و بیم دهنده بودند، تا بعد از این پیامبران حجتی برای مردم بر خدا باقی نماند». به امید آنکه همه مردم یکتاپرست شده و جهان هستی یکپارچه عدالت شود.

### بشارت انبیاء علیهم السلام به بنیانگذار غدیر

نکته قابل توجه اینکه پیامبران عظیم الشأن جوامع بشری را به ظهور پیامبر خاتم حضرت محمد بن عبد الله صلی الله علیه وآله بشارت می دادند؛ چرا که رسالتش جهانی و مکتبش تا قیام قیامت ادامه خواهد یافت.

«وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ» (۱): «به یاد آورید (هنگامی را که عیسی بن مریم گفت: ای بنی اسرائیل! من فرستاده خدا به سوی شما هستم در حالی که تصدیق کننده کتابی که قبل از من فرستاده شده تورات می باشم، و بشارت دهنده به رسولی که بعد از من می آید و نام او احمد است!» و این پیامبر خاتم است که دینش همیشگی و در رسالت او عدالت جهانی گسترده خواهد شد.

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (۲): «او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند!»

بعد از آنکه رسول خدا صلی الله علیه وآله رسالتشان را در طی ۲۳ سال به صورت ظاهر به مردم معرفی فرمودند و مردم را به دین دعوت کردند از جانب حق خطاب آمد: «يَا أَيُّهَا

۱- صف: ۶.

۲- صف: ۹.



الرَّسُولُ بَلَّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» (۱)؛ یعنی ای پیامبری که رسالتت هدف از خلقت و جهان هستی و بشارت همه انبیاست! ابلاغ کن آنچه به تو نازل کردیم چرا که در غیر این صورت رسالتت را ابلاغ نکرده‌ای، و اگر این امر عظیم را ابلاغ نکنی تمام هدف الهی به هدر رفته و تبلیغ رسالت نشده است.

### ابلاغ هدف خلقت در غدیر

پس آن امر عظیم که سبب تحقق هدف خلقت است، می‌بایست به تمام مردم ابلاغ شود. پیامبر صلی الله علیه و آله از اول بعثت مکرراً به این مسئله اشاره می‌فرمودند، ولی در روز غدیر اعلام همگانی گذاشته و مردم را فراخوان عمومی کردند که «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»؛ یعنی قبول ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله در گرو قبول ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است.

### چرا هدف خلقت در غدیر تحقق نیافت؟

ولی پس از این همه مقدمات سؤالی که به ذهن می‌آید این است که چرا هدف غدیر تحقق نیافت؟! چرا پس از غدیر دنیا به سوی عدالت یکپارچه نرفت؟! چرا یکتاپرستی در دنیا محقق نشد!؟

جواب این سؤال را از فرمایش صدیقه کبری حضرت فاطمه زهرا علیها السلام که از پدر بزرگوارشان رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل فرمودند استفاده می‌کنیم که حضرت فرمودند: «مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ، إِذْ تُؤْتَى وَلَا تَأْتِي» (۲): «امام مثل کعبه است که مردم باید به سوی او آیند نه آنکه او به سوی مردم برود».

پس خدا راه را نشان داد و سرمایه نجات بشر را به آنها معرفی فرمود. اکنون وظیفه مردم است که به دنبال او بروند، چرا که حکمت پروردگار متعال بر امتحان بشر است و

۱- مائده: ۶۷ .

۲- الانصاف فی النص علی الائمه علیهم السلام با ترجمه رسولی محلاتی، متن عربی: ص ۱۸۱.

دست همه در اختیار ایمان یا کفر باز است. پس اگر بشر مشتاق سعادت و عدالت است، راه سعادت در صراط علی علیه السلام و اطاعت از ایشان است.

### مردم باید نیاز به غدیر را احساس کنند

خداوند تبارک و تعالی فرمودند: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (۱): «آیا مردم گمان کردند همین که بگویند ایمان آوردیم، به حال خود رها می شوند و آزمایش نخواهند شد؟!»

در سوره جن می فرماید: «وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (۲): «اگر اهل شهرها و آبادی ها ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم». پس مردم باید این قابلیت را در خود احساس کنند که نیاز به امام معصوم علیه السلام دارند و به او ایمان مستحکم آورند.

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند: «يَعْنِي لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى وَ لَآئِهِ عَلِيٌّ بِنِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهِ وَ قَبِلُوا طَاعَتَهُمْ فِي أَمْرِهِمْ وَ نَهَيْهِمْ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (۳): «اگر آنها (جن و انس) در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می کنیم!»

حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: «اما و الله لو تركوا الحق على اهله و اتبعوا عتره نبيهم لَمَا اختلف في الله تعالى اثنان، و لورثها خلف عن سلف و خلف بعد خلف» (۴): «به خدا قسم اگر حق را برای اهلش رها می کردند و از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله تبعیت می نمودند

۱- اعراف: ۹۶ .

۲- جن : ۱۶ .

۳- اصول کافی: ج ۱ ص ۲۲۰ .

۴- الانصاف فی النص علی الائمه علیهم السلام با ترجمه رسولی محلاتی، متن عربی: ص ۱۸۱ .

یکتاپرستی در جهان تحقق می یافت و دو نفر با هم در توحید اختلاف پیدا نمی کردند و پیوسته در طول دوران این یکتاپرستی را برای همدیگر به ارث می گذاشتند.

سپس فرمودند: «وَلَكِنْ قَدَّمُوا مَن آخَرَهُ اللَّهُ وَآخَرُوا مَن قَدَّمَهُ اللَّهُ»<sup>(۱)</sup>: «لکن مقدم کردند کسی را که خدا او را مؤخر کرده بود و مؤخر کردند کسی را که خدا او را مقدم کرده بود».

### مردم در جستجوی مصلح کل

این برنامه ادامه دارد تا زمانی که بشر از خواب غفلت به در آید و فقر و نیاز خود را به مصلح کل و امام معصوم علیه السلام احساس کند و به جستجوی او برخیزد و روز و شب را به انتظار او سپری کند.

طبق فرموده رسول خداصلی الله علیه وآله و ائمه هدی علیهم السلام که «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا»<sup>(۲)</sup>، زمین به توانایی حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام پر از عدل و داد می شود و در زمان ظهور به برکت ایشان توحید به معنای واقعی در سراسر گیتی گسترده شده و هدف غدیر در آن عصر محقق خواهد گشت. بنابراین تجلی غدیر در ظهور امام زمان علیه السلام است.

### منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم

۲. اعلام الوری بأعلام الهدی

۳. اصول کافی

۴. الانصاف فی النص علی الائمه علیهم السلام با ترجمه رسولی محلاتی

۱- الانصاف فی النص علی الائمه علیهم السلام با ترجمه رسولی محلاتی، متن عربی: ص ۱۸۱.

۲- اعلام الوری بأعلام الهدی: ص ۴۲۵.



## اهداف و موانع تجلی غدیر در عصر ظهور: علی اصغر رضوانی

### چکیده

۱. در غدیر برای مبین دین همانند مؤسس آن، مقام عصمت اعلام شد.

۲. اهداف تجلی غدیر در ظهور عبارتند از:

- پیاده کردن اسلام از کانال صحیح معصومین علیهم السلام

- تحقق حکومت جهانی عدل گستر.

- رفع اختلاف بین امت اسلامی.

۳. موانع تحقق اهداف غدیر.

- کسانی که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله مانع ایجاد می کردند.

- کسانی که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله موانع ایجاد کردند.

۴. تحقق غدیر در عصر ظهور با استناد به دو آیه از غدیر و یک آیه از مهدویت: آیه تبلیغ و آیه کمال به ضمیمه آیه

لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ.

**مقدمه**

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای بیان سنت همه انبیاء و تکلیف جامعه اسلامی بعد خود، به امر خدا جانشینان بعد از خود رامعرفی فرمودند.

اگرچه اهل سنت می گویند: بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله احتیاج به وصی نداریم و سراغ صحابه و تشکیل شوری می روند؛ ولی ما معتقدیم هر پیامبری گرچه یک وظایفی دارد، اما کافی نیست. مخصوصاً پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که از بیست و سه سال دوران رسالت خویش، سیزده سال در مکه بودند که فرصتی برای تبلیغ و تبیین کامل دین پیدا نشد؛ و مدت ده سال هم در مدینه در اوج گرفتاری ها، جنگ ها و غزوات گذشت. لذا پس از او، برای صیانت آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله آورده بود و نیز تبیین ریز مسائل دین، وجود وصی عالم و معصوم و قابل اطمینان ضروری می نمود.

باید دقت داشت همان طوری که مؤسس دین باید معصوم باشد، مبین دین هم باید دارای عصمت باشد و این مسئله در غدیر محقق گردید.

**اهداف تجلی غدیر در عصر ظهور****اشاره**

برای درک کامل از مسئله تجلی غدیر در عصر ظهور باید اهداف آن را شناسایی کرد.

**هدف اول: پیاده کردن اسلام از کانال صحیح**

پیاده کردن اسلام و تطبیق آن از کانال صحیح که همان معصومین علیهم السلام باشند، یکی از اهداف و تجلیات غدیر در عصر ظهور است.

یکی از اهداف مهم پیامبر صلی الله علیه و آله از غدیر و تعیین جانشینی، پیاده کردن اسلام از کانال صحیح و در سطح کل کره زمین بوده است. با توجه به اینکه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خاتم الانبیاء و دینش نیز خاتم الادیان است، پس پیام آور برای کل بشر بوده و مبعوث برای

عالمیان است. همچنان که فرموده: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (۱): «ما تو را جز رحمت برای جهانیان نفرستادیم». با اینکه مدت رسالت آن حضرت بیست و سه سال بوده، اما عمده فرصتی که پیامبر صلی الله علیه و آله برای پیاده کردن این امر مهم در سطح کلّ کره زمین داشته تقریباً حدود ده سال آن هم در مدینه بوده است.

بعد از هر پیامبری احتیاج به تطبیق و تبیین دین داریم. دین باید پیاده شود و جا بیفتد. البته اهل سنت این دیدگاه را ندارند و قائلند بعد از پیامبر به امامان و اوصیاء معصوم احتیاجی نداریم. لذا بین آنها اختلاف افتاده حتی در وضو و نماز!! (۲) چرا؟ زیرا بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله دین و سنت نبوی را از کسانی گرفتند که در بین خودشان نیز اختلاف بود. بین عایشه و زوجات پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه اختلاف افتاد، و این بیانگر نیاز به حلال مشکلات است. یعنی همان اصل تبیین دین و اصل پیاده شدن دین، تا دین جا بیفتد.

این مسیری است که برای شیعه ترسیم شده؛ یعنی بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله اهل البیت علیهم السلام یکی پس از دیگری تا سال ۲۵۵ هجری آمدند و دین را تبیین و پیاده نمودند. قرآن می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (۳): «او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند»!

با توجه به آیه، هدف پیامبر صلی الله علیه و آله گسترش دین اسلام بر کل کره زمین و غلبه آن بر کل ادیان بوده است. اما آیا این هدف در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله تحقق پیدا کرد؟ مسلماً نه. پس باید کسانی بیایند و این هدف را در خارج تحقق دهند. بنابراین هدف اعلای پیامبر صلی الله علیه و آله از مسئله غدیر و تبیین جانشینانش، این است که اسلام و تبیین اسلام ناب از طریق

۱- انبیاء: ۱۰۷.

۲- الاجابه لایراد ما استدر کته عائشه علی الصحابه، بدر الدین زرکشی.

۳- توبه: ۳۳، صف: ۹.

صحیح و از طریق معصومان در سطح کل کره زمین پیاده گردد. اما متأسفانه منافقین فرصت طلب نگذاشتند این هدف بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله پیاده شود.

### هدف دوم: تحقق حکومت جهانی عدل گستر الهی

یکی دیگر از اهداف پیامبر صلی الله علیه و آله تحقق حکومت جهانی عدل گستر بود، که اگر می گذاشتند محقق شود خیلی زود عصر ظهور و حکومت عدل گستر توحیدی در سراسر گیتی گسترده می شد. اما بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله نگذاشتند حکومت جهانی عدل الهی تحقق پیدا کند و نتیجه این شد که فرمودند: «مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ أَوْ مَسْمُومٌ» (۱). لذا این برنامه تأخیر افتاد و خدا دوازدهمین امام معصوم علیه السلام را برای زمان مناسب که عصر ظهور است، نگه داشت.

### هدف سوم: رفع اختلاف بین امت اسلامی

یکی دیگر از اهداف غدیر رفع اختلاف بین امت اسلامی است. پیامبر صلی الله علیه و آله علم غیب داشته و از اختلاف امت خبر دارد. احادیث ۷۳ فرقه شدن این امت، که متواتر معنوی بین شیعه و سنی است و روایات دیگری که از اختلاف بر سر مسئله خلافت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله را خبر می دهد به ما می فهماند که پیامبر از آینده امت خبر داشتند. اکنون سؤال این است که آیا پیامبر صلی الله علیه و آله برای رفع این اختلافات در مسئله جانشینی و حکومت پس از خود هیچ کاری نکرده است؟

پاسخ این پرسش از این سه حالت خارج نیست:

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ موضعگیری نسبت به این مسئله نداشته و هیچ اقدام عملی انجام نداده باشد، ولی این خلاف سیره همه پیامبران است.



۲. پیامبر صلی الله علیه وآله این امر را به شورا واگذار کرده باشد که این هم نمی شود؛ زیرا آن حضرت از وضعیت قبائلی عرب آن روز و اختلافات آنها با خبر بودند و این واگذاری عاقلانه نیست. مانند ماجرای نزاع و جنگ بنی المصطلق در نصب حجر الاسود که در نهایت پیامبر صلی الله علیه وآله آن را حل کردند.

۳. فرض سوم این است که پیامبر صلی الله علیه وآله باید کسی را به عنوان جانشین و حاکم سیاسی بعد از خویش معرفی نماید. این دو بعد از ابعاد ولایت کبری الهی است که مظهر و تجلیش امام معصوم است. پس «من كنت مولاه...» را فقط حاکمیت سیاسی نگیریم، بلکه ولایتی که به معنای قرب الی الله است و از آثار آن مرجعیت دینی و سیاسی است.

### موانع تحقق اهداف غدیر

عده ای می دانستند که پیامبر صلی الله علیه وآله چه هدف بلندی دارد و نیز می دانستند که این هدف باید از کانال ائمه معصومین علیهم السلام پیاده گردد. بنابراین بخش اول موانع را اینها تشکیل دادند و در همان زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه وآله و لحظات آخر عمر شریفشان شروع به ممانعت تراشی کردند. از جمله بر هم زدن خطبه پیامبر صلی الله علیه وآله در سرزمین منا، تخلف از جیش اسامه، و آن هنگام که حضرت در لحظات پایانی در بستر درخواستِ قلم و دوات کردند. بخش دوم موانع بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه وآله است که در بُعد تبلیغ ظاهر شد.

### موانع غدیر در حیات پیامبر صلی الله علیه وآله

#### اشاره

نمونه هایی از موانع غدیر در حیات پیامبر صلی الله علیه وآله چنین است:

#### ۱: بر هم زدن خطبه پیامبر صلی الله علیه وآله در منا

چرا پیامبر صلی الله علیه وآله مسئله غدیر را در مکه بیان نکردند؟ چرا در سرزمین منا بیان

نفرمودند؟ مگر آنجا در ملاً عام نبود؟ مگر مردم مکه و مدینه و یمن و غیره آنجا حاضر نبودند؟ چرا در شلوغ ترین محل یعنی سرزمین عرفات که افراد فارغ البال هستند بیان نشد؟ و چرا بعد از حج در سرزمین غدیر خم ما بین مکه و مدینه خطبه ایراد کردند؟

یکی از موانع در راستای تبلیغ ولایت امیرالمؤمنین و ائمه معصومین علیهم السلام شروع آن از حجه الوداع پیامبر صلی الله علیه و آله در سرزمین عرفات بود. پیامبر صلی الله علیه و آله در آنجا خطبه غرائی داشتند. در کتاب صحیح مسلم و بخاری می گوید: در سرزمین منا پیامبر صلی الله علیه و آله در خطبه اش به اینجا رسید که فرمود: «يَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا (خليفةً ، اماماً)» (۱): «ای مردم بعد از من دوازده امیر (یا خلیفه یا امام) خواهد آمد». اما عده ای که در کمین بودند شلوغ کردند و جلسه را بر هم زدند.

مسند حنبل از قول جابر می نویسد: پیامبر صلی الله علیه و آله بین سخنانش فرمود: «ای مردم! بعد از من دوازده امام خواهد آمد»، و تا پیامبر صلی الله علیه و آله این سخن را فرمود برخی از جمعیت ضجه زدند. عده ای هم تکبیر گفتند و برخاستند و نشستند و جلسه به هم خورد.

خود اهل سنت می گویند که عمر در آن هنگام از این طرف به آن طرف و از آن طرف به این طرف می رفت و جابجا می شد و جلسه به هم خورد. و جابر بن سمره می گوید: من همراه پدرم نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم. من از او سؤال کردم که پیامبر صلی الله علیه و آله چه فرمودند که این اتفاق افتاد؟ گفت: فرمودند: «وَ كَانَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ». بنابراین عرفات که بهترین موقعیت برای ابلاغ ولایت بود توسط منافقین به هم خورد. پیامبر صلی الله علیه و آله صلاح ندید دیگر این مسئله را مطرح کند.

قبایل قریش - خصوصاً بنی امیه - در کمین بودند که این هدف انجام نشود و لذا پیامبر صلی الله علیه و آله مجبور شدند از مکه بیرون بیایند و به جایی رسیدند که باید ابلاغ می کردند. حال برای اینکه توطئه ای که آنجا انجام شده بود اینجا تکرار نشود، حضرت در غدیر بر فراز منبری از سنگ روی جهاز شتران دست حضرت علی علیه السلام را بالا گرفتند که اگر منافقین شلوغ هم کردند حداقل مردم این صحنه را ببینند و کار ابلاغ رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله ناتمام نماند.

## ۲: دوات و قلم

یکی دیگر از اقدامات منافقین، قصه دوات و قلم و جلوگیری از نوشتن وصایت پیامبر صلی الله علیه و آله بود، که جلوی کتابت را گرفتند و نگذاشتند مکتوب شود.

ابن عباس می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من شما را وصیت می کنم به سه چیز: مشرکین را از جزیره العرب بیرون کنید. به قبائل اجازه ورود دهید چنان که من اجازه دادم. و سومین آنها را فراموش کرده ام»!!<sup>(۱)</sup> به نظر می رسد ابن عباس در مورد وصیت سوم تقیه کرده و می ترسیده نکته حساس را بگوید.

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه مناظره ای را نقل می کند که ابن عباس می گوید: من عمر را در کوچه دیدم و به او گفتم: چه کردی؟ گفت: هنوز علی بن ابی طالب مدعی است که حق با او بوده؟ گفتم: بله، پدرم شاهد این مطلب بوده است.

عمر گفت: «... وَ قَدْ كَانَ يَرِيْعُ فِي أَمْرِهِ وَقْتاً مَّيًّا وَ لَقَدْ أَرَادَ فِي مَرَضِهِ أَنْ يُصَيِّرَ رَحَّ بِاسْمِهِ فَمَنْعَتْ مِنْ ذَلِكَ إِشْفَاقاً وَ حَيْطَةَ عَلِيٍّ الْإِسْلَامِ...»<sup>(۲)</sup> یعنی من می دانستم آن موقعی که پیامبر صلی الله علیه و آله می خواست نامه ای رابنویسد چه می خواهد بنویسد. او می خواست به نام

۱- شرح نهج البلاغه: ج ۱۲ ص ۵۵، ج ۱۳ ص ۳۱.

۲- شرح نهج البلاغه: ج ۱۲ ص ۲۱.

علی بن ابی طالب علیه السلام تصریح کند. من جلوی او را گرفتم از روی دلسوزی و برای حفظ اسلام؛ که اینجا دایه مهربان تر از مادر شده است!

### ۳: جیش اسامه

پیامبر صلی الله علیه و آله در بستر بیماری اصرار داشتند که مردم در جیش اسامه مشارکت کنند و فرمودند: «لَعَنَ اللَّهُ مَنْ تَخَلَّفَ عَنِ جَيْشِ أُسَامَةَ» (۱).

صاحب ملل و نحل نقل می کند: اصرار زیادی بود که همه مردم بیرون بروند حتی اولی و دومی، ولی از روی جهاتی آنها می خواستند برگردند و یک چیزهایی را می دانستند. مسلماً اگر این اتفاق افتاده بود مدینه از منافقین خالی می شد و امر وصایت به نتیجه می رسید. لکن آن دو برگشتند و مانع از تحقق این هدف مهم گشتند.

### تحقق غدیر در عصر ظهور

#### اشاره

دو آیه در مورد غدیر و یک آیه درباره مهدویت را کنار هم بگذاریم تا تجلی اهداف غدیر که همان بُعد حاکمیتی است ثابت شود. حاکمیت همه ارزش ها که در عصر ظهور به ثمر خواهد رسید.

آیه تبلیغ: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (۲).

آیه اکمال: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» (۳).

۱- الاحتجاج: ج ۱ ص ۲۹۹، ۳۰۳.

۲- مائده: ۶۷.

۳- مائده: ۳.

آیه استخلاف: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ». (۱)

### مطلب اول:

صدر آیه را با آیات مربوط به امیرالمؤمنین علیه السلام تطبیق می کنیم. در سوره بینه آیه ۷ می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» در ذیل این آیه، روایات متواتری آمده و از لحاظ مضمون تقویت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «یا علی! أَنْتَ وَشِيعَتُكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي الْجَنَّةِ». (۲)

پس مراد از «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ»، شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام هستند. از این مطلب می توان در آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ» نیز استفاده کرد و گفت: در اینجا هم منظور از این آیه همان شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام هستند.

### مطلب دوم:

در ادامه آیه مهدویت می فرماید: «وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ» یعنی: ما به اینها مکتب و امکانات می دهیم تا آن دینی که مورد رضای خدا بوده است در کل کره زمین پیاده شود.

آن دین که مورد رضای خدا بوده کدام دین است؟ آیه اکمال آن را مشخص کرده: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا». (۳) مسلماً

۱- نور: ۵۵.

۲- البرهان: ۵ ص ۷۱۹. الدر المشثور: ج ۶ ص ۳۷۹.

۳- مائده: ۳.

منظور از «الیوم» یعنی روزی که دین در آن کامل شده روز غدیر است. البته دینی که مورد رضایت خداوند است.

سؤال این است که چه عاملی باعث تکمیل دین و خداپسندانه شدن آن شده است؟ در این مطلب شکی نیست که منظور از دین کامل و مورد پسند خداوند دینی است که از کانال صحیح و از طریق جانشینان معصوم و راستین پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده باشد، چرا که این اکمال و رضایت در روز غدیر یعنی روز اعلان ولایت و جانشینی اتفاق افتاده و آیه مربوط به این حادثه عظیم است.

با استفاده از آیه مهدویت این نتیجه به دست می آید که ای شیعیان! ما به شما مکتب می دهیم تا دینی را که مورد رضایت ماست و از کانال ولایت اهل البیت علیهم السلام به شما رسیده در سطح کل کره زمین پیاده کنید. لذا با جمع این دو آیه استفاده می شود که دین اسلام و مذهب تشیع است که در سطح کل کره زمین پیاده خواهد شد.

در ادامه آیه می فرماید: «وَلَيَبْئُذُنَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي...». یعنی بعد از خوفی که اهل ایمان و عمل صالح - یعنی شیعیان - در طول تاریخ داشته اند، این خوف را تبدیل به امنیت می کنیم.

در ذیل آیه تبلیغ روایاتی از شیعه و سنی نقل کرده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله از ابلاغ مسئله ولایت خوف داشتند. البته نه خوف برای خویشتن، بلکه خوف بر دین و خطر توطئه منافقان بر علیه اسلام و ولایت؛ چرا که دشمنان حاضر بودند برای رسیدن به مطامع خویش و جاه و مقام دست به هر کاری بزنند، تا آنجا که در گردنه کوه در صدد کشتن پیامبر صلی الله علیه و آله برآمدند.

پیامبر صلی الله علیه و آله درباره دین اسلام و وحدت امت اسلامی خوف داشت. در روز ظهور خوف پیامبر صلی الله علیه و آله و به تبع خوف امیرالمومنین علیه السلام و خوف اهل البیت عصمت و

طهارت علیهم السلام و به تبع اینها خوف شیعیان آنها در مورد تحقق اهداف غدیر در روز ظهور تبدیل به امنیت خواهد شد: «وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا».

مسئله رجعت هم در همین راستاست. فلسفه رجعت تحقق همان هدف اعلاّی پیامبر صلی الله علیه و آله است که در غدیر تحقق پیدا نکرد. لذا بعد از ظهور امام زمان علیه السلام امامان یکی پس از دیگری می آیند و این هدف عالی به توسط امامان در عصر ظهور تحقق پیدا خواهد کرد. پس مسئله رجعت هم در راستای پیاده شدن اهداف غدیر است





## ظهور یعنی اعاده حق غدیر : محمد حسین رحیمیان

### چکیده

۱. ظهور انتهای تفصیلی صراط مستقیم غدیر است.
۲. ظهور تجلی کامل تعالی بشر است.
۳. اسلام بدون غدیر بی محتواست، و غدیر بدون ظهور تجلیگاه جهانی نخواهد داشت.
۴. برای جبران غدیر از دست رفته توسط سقیفه باید دست بیعت با وارث غدیر برای عصر ظهور داد.
۵. در عصر ظهور معلوم خواهد شد که مردم چقدر به غدیر نیاز داشتند و چه چیزی را پشت پا انداختند.
۶. غدیر نشان داد که انسان ها وقتی آزاد باشند باز هم خوب را که غدیر است بر نمی گزینند و بد را که سقیفه است انتخاب می کنند.
۷. غدیر مایوس کردن دشمنان از نابودی دین خدا بود.
۸. غدیر بشارت کمال دین و تمام نعمت و رضایت خدا و اهانت به شیطان و ناامیدی ستمگران بود.

۹. امام غدیر آن پیشوای هدایتگری است که رسالت جهانی ختم نبوت را بر عهده دارد.
۱۰. انسان راهرو کمال است با برنامه مدون غدیر.
۱۱. غدیر استمرار حلقه پیوند انسان با آفریدگار اوست.
۱۲. غدیر بهترین شیوه بهره برداری از جهان هستی را در اختیار انسان قرار می دهد.
۱۳. مردم چاره ای جز بازگشت به سوی غدیر ندارند که معنای آن حرکت به سوی ظهور است.
۱۴. غدیر نماد حق است که در عصر ظهور خود را نشان خواهد داد.
۱۵. خط غدیر در پی عدالت فراگیر و همه جانبه در جهان است.
۱۶. مردم به خاطر قطع ارتباط با امام غدیر به انواع گناهان آلوده شدند و گناهان را با فقر و سختی تاوان دادند.
۱۷. با ظهور صاحب غدیر رفاه همگانی مردم جهان را فرا می گیرد.
۱۸. غدیر آغاز ظهور است و ظهور پایان غدیر.

#### مقدمه

غدیر ابتدای راه مستقیمی است که انتها و تفصیل آن ظهور است. آفریدگار هستی بخش غدیر را از آن روی پدید آورد تا انسان را در بستر تعالی و تکامل قرار دهد و دوران سعادت و رستگاری بشریت را در دوران ظهور رقم زند و تجلی کامل آن را به جهان هستی نشان دهد.

غدیر آغاز راهی است که پایان آن ظهور خواهد بود. اسلام بدون غدیر بی محتوا خواهد بود، و غدیر بدون ظهور تجلیگاه جهانی و آرمانی نخواهد داشت.

کوتاهی و عدم وفای به عهد الهی در روز غدیر، موجب محرومیت جهان بشری از این فیض بزرگ الهی شد. برای جبران این رفتار، بایستی دست بیعت با وارث غدیر

داد؛ چرا که ظهور شکوهمند او آخرین و شیرین ترین مرحله طراحی آفرینش است. ظهور او پایان همه ناکامی ها، نابسامانی ها و تلخی های زندگی انسان است.

فقط در دوران طلایی ظهور حقیقت غدیر برای جهانیان جلوه گر خواهد شد؛ و انسان ها در خواهند یافت که در تمام دوران هستی خود چه قدر بدان نیاز داشتند؛ و در آن عصر درمی یابند که طعم شیرین زندگی راستین انسانی در کوثر غدیر نهفته بوده که لذت غدیر در زمزم زلال و گوارای ظهور تجلی کرده است.

## واژگان کلیدی

غدیر، ظهور، آزمون الهی، وفای به عهد، حق، عدالت، سیره علوی، رفاه همگانی، ولایت علوی.

## مقدمه

آخرین پیام آور الهی در یک مأموریت خطیر، در آخرین روزهای رسالت خویش از جانب خدای سبحان مأمور می شود که امر مهم امامت و ولایت را در آخرین جایگاه اعلام عمومی به جهانیان برساند. روز غدیر یادآور امامت امیرالمؤمنین علیه السلام و انتصاب آن حضرت بر این مقام والاست.

به راستی آن حضرت کدامین گاه امام نبوده تا از انتصابش بر این جایگاه رفیع در غدیر یا دیگر زمان ها سخن گوییم؟ او از عالم نور امام و جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود؛ چرا که امامت عهد و پیمانی به سان نبوت و رسالت به دست خدای تواناست، و هیچ کس بدان مقام رفیع نایل نمی گردد مگر کسی که او اراده فرموده باشد.

غدیر فراخوان فراگیر خدایی، ولایت کبری، آراستن و کامل ساختن دین، و نهایت بخشیدن به نعمت و خشنودی و رضامندی پروردگار جهانیان است. غدیر قضیه سرنوشت ساز و حساس تاریخ بشری است که حرکت فکری مهمی را پیش روی میلیون ها انسان قرار می دهد، تا با الهام از این واقعه حیاتی و با آیین عقل و دین، راه فضیلت و برتری را پیش گیرند و مراحل سیادت شکوه و عظمت خویش را طی کنند، و به سر منزل رستگاری و کمال انسانی نایل گردند.

غدیر سر منزل کمال و سرآغاز پرتوافشانی انوار الهی است، و همین آغاز برابر همه رسالت پایانی خاتم پیامبران و پیام آوران پیشین است.

غدیر ابتدای راه مستقیمی است که انتها و تفصیل آن ظهور است. آفریدگار هستی بخش غدیر را از آن روی پدید آورد تا انسان را در بستر تعالی و تکامل قرار دهد، و دوران سعادت و رستگاری بشریت را در دوران ظهور رقم زند و تجلی کامل آن را به جهان هستی نشان دهد

### غدیر و آزمون الهی

غدیر آن آزمون الهی است که در بستر آزادی و انتخاب انسان شکل گرفت، و همان شاهراه هدایت است که «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا» (۱) را معنا بخشید تا انسان با کمال آزادی در انتخاب راه مستقیم و سعادت، غدیر را برگزیند یا راه سقیفه و گمراهی و شقاوت و بدبختی را.

پیمان غدیر در شرایطی بسته شد که شیاطین و منافقانی به کمین نشسته بودند که همچون خفاشان شب پرست منتظر غروب آفتاب رسالت بودند، تا عرصه را از دست

آفتاب ولایت بر بایند و دنیا را در ظلمت جهل و عناد و گمراهی خویش فرو برند و دوران تاریک غیبت و حرمان از مولای مهربان را شکل دهند.

اما پدید آورنده غدیر خدای مهربان در آن روز، کفرورزان را از دین حقّ که همان ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است، ناامید و مأیوس کرد و فرمود: «الْيَوْمَ يَتَسَّ الْأَذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ»<sup>(۱)</sup>: «امروز آنان که کفر ورزیدند از دین شما مأیوس گشتند».

در آن روز خدای متعال رهپویان غدیر را با پنج مژده مسرور ساخت: اکمال دین؛ اتمام نعمت؛ رضا و خشنودی خدای رحمان؛ اهانت به شیطان؛ ناامیدی و یأس منکران.

البته حقیقتِ یأس کفرورزان در عصر ظهور تحقق خواهد یافت. جابر می گوید: امام باقر علیه السلام در ذیل این آیه شریفه فرمود: «يَوْمَ يَقُومُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَتَسَّ بَنُوأُمِّيَّةَ؛ فَهَمُّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَتَسُوا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ»<sup>(۲)</sup>: «آن روز روز ظهور قائم آل محمد علیه السلام است که بنی امیه نومید می شوند. آنها هستند که کفر ورزیدند و از آل محمد علیه السلام نومید می گردند».

بنابر آنچه گفته شد، غدیر همان آغاز یک راه است که پایان آن ظهور خواهد بود، و اسلام بدون غدیر بی محتوا خواهد بود، و غدیر بدون ظهور تجلیگاه جهانی و آرمانی نخواهد داشت.

### غدیر و رسالت جهانی

غدیر آن پیشوای هدایتگری است که رسالت جهانی خاتم پیامبران را به عهده گرفت و امت را امامت کرد، تا هدف غایی خدای بزرگ از ارسال رسولش را محقق

۱- مائده: ۳.

۲- بحار الانوار: ج ۵۱ ص ۵۴ ح ۳۹؛ تفسیر عیاشی: ج ۱ ص ۲۹۲ ح ۱۹.

سازد. آنجا که فرمود: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (۱): «او کسی است که رسولش را با هدایت و آئین حق فرستاد، تا آن را بر همه آئین ها پیروز گرداند، گرچه شرک و رزان کراهت داشته باشند».

در این آیه نکاتی چند در نگاه ابتدایی قابل تأمل و اندیشه است:

۱. خدای سبحان از لطف بی پایانش برای کمال و سعادت انسان، پیامبر خویش را فرستاد.

۲. او پیامبر و فرستاده خویش را انتخاب فرمود.

۳. دو هدف مهم و حیاتی عبارتند از:

الف. هدایت انسان به کمال آفرینشی خود.

ب. آیین حق که آیین های باطل و نسخ شده الهی را کنار زند و مکاتب بشری را بیرون سازد.

۴. پیروزی در برابر همه آیین های الهی نسخ شده و مکاتب بشری.

۵. منکران حق، یا کفرورزانند یا مشرکان، که تمام گروه های باطل را در بر می گیرد.

امام کاظم علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»، چنین می فرماید:

هُوَ الَّذِي أَمَرَ رَسُولَهُ بِالْوَلَايَةِ لَوْصِيَّتِهِ، وَ الْوَلَايَةُ هِيَ دِينُ الْحَقِّ - لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ يُظْهِرُهُ عَلَىٰ جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ يَقُولُ اللَّهُ: «وَ اللَّهُ مُتَمِّمٌ نُورِهِ: وَ لَوَايَةُ الْقَائِمِ، وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (۲).

۱- توبه: ۳۳.

۲- کافی: ج ۱ ص ۴۳۲ ح ۹۱.

اوست که رسولش را به ولایت وصیّش امر کرد، و ولایت همان دین حقّ است. تا آن را بر هر دینی پیروز گرداند، یعنی آن را در زمان قیام قائم علیه السلام بر همه دین ها پیروز سازد. خدا می فرماید: «و خداوند تمام کننده نور خود است، یعنی ولایت قائم علیه السلام، اگرچه کافران به ولایت علی علیه السلام کراهت داشته باشند.

در سخن دیگری ابوبصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «وَاللَّهِ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ وَلَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ. فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَلَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ...» (۱): «به خدا سوگند این آیه تحقق نیافته و تحقق نمی یابد تا روزی که قائم علیه السلام ظهور کند. هنگامی که او ظهور کند هیچ کافر به خدای بزرگ و یا مشرک به امام نمی ماند مگر آنکه ظهور او را دوست نخواهد داشت...».

### عصر ظهور و بازگشت به غدیر

خدای مهربان در نظام حکیمانه و والای خویش، در طراحی آفرینش انسان و جهان محتوایی متقن و اصیل دارد. انسان راهرو کمال است؛ اما با برنامه مدوّن دین حقّ.

عامل اصلی و عنصر اساسی در این نقشه الهی همان وجود راهنماست، که در واقع حلقه واسطی است که حلقه های دیگر این مجموعه را به هم پیوند می دهد؛ و هم او به آفرینش جهان و عبادت انسان معنا می بخشد و نظام هستی را هدفمند می سازد.

بنابراین غدیر استمرار حلقه پیوند انسان با آفریدگار و خدای مهربان است، و این سنّت تغییر ناپذیر خداوند متعال در جهان و لازمه اختیار و انتخاب انسان است. از

این رو انسان با اختیار خود با غدیر و امام معصوم آن یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت می کند؛ از او پیروی می نماید؛ در پرتو مکتب او تربیت می شود؛ در راستای اهداف و آرمان های الهی این مکتب فداکاری می نماید؛ و بر عهد و پیمان خود پایبند است.

در نتیجه آفریدگار او نیز به عهد و پیمان خود وفا می کند، و سعادت دنیا و جهان آخرت را به او ارزانی می دارد که می فرماید: «أَوْفُوا بِعَهْدِي أَوْفٍ بِعَهْدِكُمْ» (۱): «به عهد من وفا کنید من نیز به عهد شما وفا می نمایم».

سَمَاعَهُ می گوید: امام صادق علیه السلام در ذیل این آیه شریفه می فرماید: «بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامِ أَوْفٍ لَكُمْ بِالْحِجَّةِ» (۲): «به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام وفا کنید، من نیز برای شما به عهد بهشت وفا می کنم».

با عنایت به این روایت نورانی، غدیر با دوران ظهور فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام یعنی حضرت صاحب الامر علیه السلام ارتباط مستقیمی دارد. غدیر در دو بُعد جلوه گر شد: بُعد معنوی؛ بُعد دنیایی.

در بُعد معنوی، انسان را در مراتب ایمان و کمال و رشد و تکامل روحی به سوی قرب حضرت حق بالا می برد. در بُعد دنیایی بهترین شیوه بهره برداری از جهان هستی را در اختیار انسان قرار می دهد و او را عظمت می بخشد.

همه این موارد با اختیار انسان رقم می خورد و آنگاه که انسان با غدیر بیعت نکرد و یا بیعت آن را شکست و سالار آن را تنها گذاشت، دوران غیبت و محرومیت از راهنمای پیوند دهنده نظام هستی با آفریدگار و انسان شکل گرفت، و پرده ای میان او و راهنمای مهربان و مربی هدایتگر افکنده شد، و آفتاب عالمتاب غدیر در پشت

۱- بقره: ۴۰.

۲- کافی ج ۱ ص ۴۳۱؛ بحار الانوار: ج ۲۴ ص ۳۵۸



ابره‌ای سیاه جهل و عناد و کفر و نفاق ماند، و سراسر گیتی را با حکومت غاصب حبتری (۱) سیاهی فرا گرفت، و اسرار و رازهای غدیر همچنان در سینه صاحب آن امیر عالم هستی ماند که فرمود: «كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سِرٌّ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا قَلِيلٌ ... وَ لَوْلَا طُغَاءُ هَذِهِ الْأُمَّةِ لَبَثَّتْ هَذَا السِّرُّ» (۲): «پیامبر خداصلی الله علیه وآله رازی داشت که جز اندکی آن را نمی دانستند ... و اگر طاغوت های این امت نبودند، این راز را فاش و منتشر می کردم».

آری، این اسرار جز برای تعداد اندکی از بزرگان و نزدیکترین دوستان امیرالمؤمنین علیه السلام فاش نشد، چرا که مردم توان پذیرش و درک حقایق معنوی را نداشتند. این شیوه در میان معصومین علیهم السلام ادامه داشت تا آنگاه که آخرین وصی امیرالمؤمنین علیه السلام یعنی حضرت مهدی علیه السلام قیام نماید که خدای سبحان می فرماید: «وَ اللَّيْلُ إِذَا يَسِرُّ» (۳): «سوگند به شب آنگاه که سپری شود».

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه کریمه می فرماید: «هِيَ دَوْلَةُ حَبْتَرٍ، فَهِيَ تَسْرِي إِلَى قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (۴): «منظور از شب همان دولت حبتراست که تا قیام قائم علیه السلام ادامه می یابد».

و آنگاه که انسان در پایان دوران غیبت به خود آمد و به عهد خود وفا کرد، ظهور تحقق خواهد یافت. به سخن دیگر، اگر مردم به سوی غدیر و آرمان های آن بازگشتند و با نخستین امام معصوم عهد و پیمان دوباره بستند و غدیر در همه جا فراگیر شد، ظهور خواهد شد.

به راستی اگر انسان امروزی به ویژه مسلمانان که در دنیای لبریز از ستم و تباهی و فساد زندگی می کنند، و چنین دنیایی نتیجه دوری از مکتب غدیر و پیمان شکستن با

۱- «حبترا» کنایه از نخستین غاصب حق خلفای الهی است. ر. ک: بحار الانوار: ج ۳۵ ص ۳۳۶.

۲- بحار الانوار: ج ۹۲ ص ۳۰۷.

۳- فجر: ۴.

۴- بحار الانوار: ج ۲۴ ص ۷۸.

صاحب آن و ولایت است از این دنیا خسته و آزرده اند، چاره ای جز بازگشت به غدیر و پیمان مجدد با صاحب ولایت ندارند، که نتیجه این اقدام خردمندانه حرکت به سوی ظهور خواهد بود که تحقق بخشنده به آرمان های غدیر است. امام عصر علیه السلام در این زمینه می فرماید:

وَ لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لِطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ... (۱)

اگر شیعیان ما که خداوند به طاعت خویش موفقتشان بدارد در وفا به پیمانی که با ما دارند یکپارچه و همدل می شدند، هرگز ملاقات ما و سعادت حضور در محضر ما با معرفت حقیقی به تأخیر نمی افتاد و به زودی نصیبشان می شد.

آری، کوتاهی و عدم وفای به عهد و پیمان الهی در روز غدیر، موجب محرومیت جهان بشری از این فیض بزرگ الهی شد. اینک برای جبران این رفتار، بایستی دست بیعت با وارث غدیر داد؛ چرا که ظهور شکوهمند او آخرین و شیرین ترین مرحله طراحی آفرینش است. ظهور او پایان همه ناکامی ها و نابسامانی ها و تلخی های زندگی انسانی است.

فقط در دوران طلایی ظهور حقیقت غدیر برای جهانیان جلوه گر خواهد شد، و انسان ها درخواهند یافت که در تمام دوران هستی خود چه قدر بدان نیاز داشتند، و آنگاه در آن عصر درمی یابند که طعم شیرین زندگی راستین انسانی در کوثر غدیر نهفته بود، که لذت غدیر در زمزم زلال و گوارای ظهور تجلی کرده است، و هم اینک رازهای سینه دروازه دانش نبوی حضرت مرتضی علی علیه السلام از زبان ترجمان الهی، حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام رازگشایی می شود، آنجا که به کمیل می فرماید:

يَا كَمِيلُ! إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَدَّبَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ أَدَّبَنِي، وَأَنَا أُؤَدِّبُ الْمُؤْمِنِينَ وَأُورِثُ الْأَدَبَ الْمُكْرَمِينَ. يَا كَمِيلُ! مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَأَنَا أَفْتَحُهُ وَمَا مِنْ سِرٍّ إِلَّا وَالْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْتِمُهُ. (۱)

ای کمیل! به راستی خداوند متعال رسول خداصلی الله علیه وآله را تربیت کرد و هم او به تربیت من پرداخت و من نیز مؤمنان را تربیت می کنم و آداب زندگی را برای مردم گرامی به ارث می گذارم. ای کمیل! هیچ دانشی نیست مگر آنکه من آن را آغاز کنم و هیچ رازی نیست مگر آنکه قائم علیه السلام پرده از آن برداشته و آن را به پایان می رساند.

آری، در آن زمان، انسان خود و جهان هستی را خواهد فهمید؛ و در آن دوران شکوهمند ساکنانِ باغِ سرسبز و پرتراوت ظهور خواهند فهمید که شجره طیبه آفرینش به بار نشسته است، گرچه باغبانِ مهربان از همان آغاز در بیابان های گرم و سوزان غدیر، انسان ها را از کویر گرم و کشنده گمراهی و تباهی شیطان ها و طاغوت ها آگاه ساخت و به این باغِ زندگی بخش و روح افزا فراخواند.

### جلوه هایی از غدیر در عصر ظهور

#### اشاره

اکنون در چند محور به جلوه هایی از غدیر در عصر ظهور نگاهی گذرا داریم:

#### ۱: غدیر نماد حق

در جهان هستی دو راه پیش روی انسان قرار دارد که در مسیر زندگی خود با اختیار خویش یکی را برمی گزینند: راه حق؛ راه باطل.

حق در لغت به معنای ثبوت، استحکام، صحت و مطابقت است؛ و هر چه ثابت باشد و هیچ شکی در آن راه نداشته باشد از آن به حقّ تعبیر می نمایند. از طرفی حقّ نقیض باطل است و هر چیز زایل شونده و نابود شدنی را باطل گویند. بنابراین باطل نابود است و حقّ ثابت و ماندنی که هرگز از بین نمی رود و عوض نمی شود و همواره محفوظ است. قرآن کریم می فرماید: «فَمَا ذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ»<sup>(۱)</sup>: «بعد از حق چیزی جز ضلالت و گمراهی وجود ندارد».

غدیر نماد کامل حق را پس از پیامبر خداصلی الله علیه و آله به جهانیان عرضه کرد. در حدیث شریف که بیش از ۲۰ صحابی آن را از پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله نقل کرده اند و بین شیعه و سنی قطعی است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «عَلَيْتُمْ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ»<sup>(۲)</sup>: «علی همراه با حق است و حق همراه علی است». جلوه کامل این نماد حق آنگاه خواهد بود که امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

إِذَا نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: أَنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ عَلَى أَفْوَاهِ النَّاسِ وَيَشْرَبُونَ ذِكْرَهُ فَلَا يَكُونُ لَهُمْ ذِكْرٌ غَيْرُهُ.<sup>(۳)</sup>

آنگاه که منادی آسمانی بانگ برآورد: به راستی حق با آل محمدعلیهم السلام است، نام مقدس مهدی علیه السلام بر سر زبان ها می افتد و مهر و محبت او در دل ها جای می گیرد و کاری جز یاد او نخواهند داشت.

و در این هنگام این آیه کریمه تأویل خواهد شد که «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»<sup>(۴)</sup>: «حق آمد و باطل نابود شد؛ به یقین باطل نابود شدنی است».

۱- یونس: ۳۲.

۲- الاحتجاج: ج ۱ ص ۷۵.

۳- الملاحم والفتن: ص ۵۹؛ منتخب الاثر: ج ۲۱۵ ح ۶۶.

۴- اسراء: ۸۱.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَهَبَتْ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ»<sup>(۱)</sup>: «آنگاه که حضرت قائم علیه السلام قیام کند دولت باطل نابود خواهد شد».

آری چرخ گردون همواره به کام ستمگران نخواهد چرخید و کابوس خفقان و اختناق برای همیشه زندگی انسان ها را تیره و تار نخواهد ساخت؛ و به زودی روزگاری فراخواهد رسید که در آن روزگار طومار ستم در هم خواهد پیچید و پرچم حق بر فراز پهنه گیتی به اهتزاز در خواهد آمد. باش تا صبح دولتش بدمد ...

## ۲: غدیر و عدالت علوی

قرآن کریم به هنگام سخن از هدف از بعثت انبیاء عدالت و دادگری را مطرح می کند و می فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»<sup>(۲)</sup> «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب آسمانی و میزان شناسایی حق از باطل فرو فرستادیم، تا مردم به عدالت قیام کنند».

برنامه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز که سرآمد و خاتم پیامبران الهی است، اجرا و پیاده کردن قسط و عدل در بین مردم بود؛ که با تحقق گلوازه عدالت و دادگری در بُعد فردی و اجتماعی، انسان گمشده خود در تمام قرون و اعصار را به دست می آورد.

عدالت نبوی با همه ابعادش به وسیله خداوند متعال توسط رسول اکرم صلی الله علیه و آله به نفس نفیس ایشان حضرت علی علیه السلام واگذار شد و به طور عملی و نظری با همه ابعادش به دست جانشینان معصوم علیه السلام - هر چند محدود - استمرار یافت، تا در عصر ظهور با دست توانای حضرت امام مهدی علیه السلام عدالت و دادگری به طور کامل در پهنای گیتی اجرا و پیاده شود، و زمین و زمان از عدالت و دادگری لبریز گردد؛ و انسان آن عصر با تمام

۱- کافی: ج ۸ ص ۲۸۸؛ بحار الانوار: ج ۲۴ ص ۳۱۳.

۲- حدید: ۲۵.

وجود عدالت حقیقی را که همواره در زلال فطرت خود با آن آشنا بوده اما در هیچ دورانی آن را ندیده بود، احساس و ادراک کند.

عملکرد حکومت های باطل پس از پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله و عدم پیروی از سنت و روش آن حضرت، جامعه مسلمانان را به مسیری سوق داده بود که دست عدل الهی امیرالمؤمنین علیه السلام را بسته بود، و به جهت عدم کشش جامعه حضرتش از این روند گله و شکوه می نمودند. شیخ کلینی در این زمینه سخنرانی بسیار جانسوزی را از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کند. (۱)

اما با این وصف در سخنی زیبا، پیامبر خداصلی الله علیه و آله عدل علوی را چنین بازگو می کند و خطاب به جانشین خود می فرماید:

أَنْتَ أَوْلُهُمْ إِيْمَانًا وَ أَوْفَاهُمْ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ أَقْوَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ وَ أَقْسَمُهُمْ بِالسَّوِيَّةِ وَ أَعْدَلُهُمْ فِي الرَّعِيَّةِ. (۲)

تو نخستین کسی بودی از آنان که ایمان آوردی و به عهد الهی از همه آنان باوفاتر و در انجام دستورات الهی از همه پایدارتری و در تقسیم بیت المال از همه بیشتر مساوات را در نظر می گیری و نسبت به رعیت عادل تر هستی.

عدالت و دادگری امیرالمؤمنین علیه السلام در دوران چند ساله حکومت ظاهری خود ضرب المثلی برای نسل های بعد شد، اما خط سقیفه و باطل گرایان تا روز ظهور راه عدل و داد را مسدود کردند؛ و در سایه ظلم و جور و بیداد چیزی جز تباهی انسان و انحراف او از صراط مستقیم و دگرگونی هویت راستین انسان به جهان ارائه ندادند.

۱- برای آگاهی بیشتر ر.ک: روضه کافی: ص ۵۸ ح ۲۱.

۲- الخصال: ج ۲ ص ۳۶۳.

غافل از آنکه خط راستین غدیر که در پی عدل الهی است، رستگاری و نیکبختی و کمال را برای انسان ها رقم می زند، و پایان آن نیز مرحله ای زیبا و شیرین و دیدنی خواهد بود.

از این رو خلف صالح امیرالمؤمنین علیه السلام آن ذخیره الهی و معرفی شده در روز غدیر، با پرچم عدل و داد علوی ظهور خواهد کرد؛ و عدالت فراگیر و همه جانبه را در جهان هستی برقرار خواهد کرد. در این زمینه روایات و دعاهای فراوانی رسیده که مهدویت و عدالت قرین یکدیگرند.

به سخن دیگر، مهدی علیه السلام یعنی عدالت، و عدالت همه جانبه و فراگیر یعنی مهدی علیه السلام. امام مهدی علیه السلام همان حاکم معصوم و دادگر در پهنه گیتی و آخرین پناه انسان در جهانی لبریز از ظلم و ستم است، که مردم خسته از این دوران به او پناه می آورند.

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در توصیف عدالت در زمان فرزندش حضرت امام مهدی علیه السلام می فرماید:

تَأْوِي إِلَيْهِ أُمَّتُهُ كَمَا يَأْوِي النَّحْلُ إِلَى يَعْسُوبِهَا، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا حَتَّى يَكُونَ النَّاسُ عَلَى مِثْلِ امْرِئِهِ الْأَوَّلِ، لَا يَوْقُظُ نَائِمًا وَلَا يُهْرَقُ دَمًا. (۱)

مردم به مهدی مهر می ورزند و به او پناه می برند؛ آن سان که زنبوران عسل به ملکه خود پناه می برند. او عدالت را در سراسر گیتی می گستراند چنان که از ستم پر شده باشد؛ به گونه ای که صفا و صمیمیت دوران آغاز اسلام را به آنها باز می گردد. هیچ خفته ای را بی جهت بیدار نمی کنند و هیچ خونی به ناحق ریخته نمی شود».

به راستی روزگار رهایی و درخشان ظهور حضرت امام مهدی علیه السلام دیدنی است. امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف آن روزگار با شکوه و تقابل آن با روزگار ناهمگون مدعیان عدالت و باطل گرایان به ناحق، درباره دادگری فرزندش می فرماید:

يَعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهَوَى، وَيَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ ... فَتُرِيكُمْ كَيْفَ عَدَلَ السَّيْرَةِ؛ وَيُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ. (۱)

آنگاه که دیگران هوای نفس را بر هدایت مقدم بدارند او امیال نفسانی را به هدایت بر می گرداند، و هنگامی که دیگران قرآن را با رأی خود تفسیر کنند او آراء و افکار را به قرآن باز می گرداند، و به شما مردم نشان می دهد که چه نیکو می توان به عدالت رفتار نمود. او آموزه های فراموش شده قرآن و سنت را زنده می نماید.

در سخن دیگر امام باقر علیه السلام در توصیف دادگری مهدی اهل بیت علیه السلام می فرماید: «إِذَا قَامَ قَائِمُ أَهْلِ الْبَيْتِ قَسَمَ بِالسَّوِيَّةِ، وَ عَدَلَ فِي الرَّعِيَّةِ، فَمَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ...» (۲): «هنگامی که قائم اهل بیت علیهم السلام قیام کند مال را به طور مساوی تقسیم می کند و عدالت را میان رعیت و مردم اجرا می نماید. هر کس از او اطاعت کند در واقع از خدا اطاعت کرده و هر کس از او نافرمانی کند در واقع از خدا نافرمانی کرده است.

روشن است که سخن درباره عدالت حضرت امام مهدی علیه السلام و جلوه آن در عصر شکوهمند امام مهربانی ها، فراوان است که در جای خود به تفصیل بایستی در عرصه

۱- نهج البلاغه: خطبه ۱۳۸؛ بحار الانوار: ج ۳۱ ص ۵۴۹، ج ۵۱ ص ۱۳۰.

۲- الغیبه، نعمانی: ص ۲۴۳؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۵۱.



نظری از نظر ماهیت، مبانی، ابعاد، شاخص ها، آثار و ... و در عرصه عملی از نظر شیوه های اجرا، نمونه ها و مصادیق آن مورد پژوهش و بررسی قرار گیرد.

### ۳: عصر ظهور و جلوه هایی از سیره علوی

تردیدی نیست که دوران ظهور حضرت امام مهدی علیه السلام در واقع استمرار حرکت پیامبران و امامان و اهداف و آرمان های آنان، همان اهداف و آرمان های پیامبران الهی و پیشوایان معصوم علیهم السلام است.

به تعبیر دیگر، حضرت امام مهدی علیه السلام ادامه دهنده راه حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله، علی مرتضی، فاطمه زهرا و دیگر ائمه اطهار علیهم السلام است، و در یک سخن استمرار نبوت و امامت است.

از این روست که در روایات فراوانی از سیره و روش هدایتگری حضرت امام مهدی علیه السلام سخن به میان آمده و سیره آن حضرت همان سیره رسول خدا و علی مرتضی علیه السلام بیان شده است. در روایتی بسیار زیبا امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی می فرماید: «أَنْ يَسِيرَ فِيهِمْ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ يَعْمَلَ فِيهِمْ بِعَمَلِهِ...»<sup>(۱)</sup>: «مهدی علیه السلام در میان آنان به سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفتار می کند و راه و روش او را انجام می دهد».

در سخن دیگری حَمَاد بن عثمان می گوید: پیشوای ششم حضرت امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: «إِنَّ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِذَا قَامَ لَبَسَ ثِيَابَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ سَارَ بِسِيرَةِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ»<sup>(۲)</sup>: «هنگامی که قائم ما اهل بیت علیهم السلام قیام کند همچون علی علیه السلام لباس خواهد پوشید و به سیره و روش علی علیه السلام رفتار خواهد کرد».

۱- الارشاد، شیخ مفید: ص ۳۹۱؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۳۷.

۲- کافی: ج ۱ ص ۴۱۱؛ بحار الانوار: ج ۴۰ ص ۳۳۶.

بنابر روایت دیگر، حتی شیوه زندگی حضرت علی علیه السلام در عصر ظهور در زندگی حضرت امام مهدی علیه السلام جلوه می‌کند. در حدیثی آمده است: «يَسِيرُ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلَا يَعِيشُ إِلَّا عَيْشَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام» (۱): «او از سیره جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله پیروی می‌کند، ولی شیوه زندگی او همچون شیوه زندگی امیرالمؤمنین علیه السلام است».

#### ۴: رفاه همگانی و نزول برکات آسمانی

به راستی اگر همه مردم دنیا با اختیار خود غدیر را می‌پذیرفتند و از امیرالمؤمنین علیه السلام و یازده فرزند آن بزرگوار پیروی می‌کردند، جهان هستی امروزه جلوه دیگری داشت. مردم در یک مسیر مستقیم الهی به سوی کمال و سعادت دنیا و آخرت حرکت می‌کردند و خیر و نیکی زندگی آنان را فرا می‌گرفت.

چرا که در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَ أَصْلَهُ وَ فَرَعَهُ وَ مَعْدِنَهُ وَ مِرْأَاهُ وَ مُنْتَهَاهُ» (۲): «آن‌گاه که سخن از خیر و نیکی شود، شما آغاز آن و اصل و فرع و معدن و جایگاه و پایان آن هستید».

در آن دوران، از فقر و گناه و ستم و جور و ذلت و سرکشی خبری نخواهد بود. مردم هر زمان با امام در ارتباط بوده، و برکات از آسمان بر آنان فرو خواهد ریخت و زمین برکات خود را بر مردم آشکار خواهد ساخت. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در این زمینه در سخن گهرباری می‌فرمایند:

و تَاللَّهِ لَوْ مَالُوا عَنِ الْمَحَجَّةِ اللَّائِيحَةِ وَ زَالُوا عَنِ قَبُولِ الْحُجَّةِ الْوَاضِحَةِ لَرَدَّاهُمْ إِلَيْهَا وَ حَمَلَهُمْ عَلَيْهَا وَ لَسَارَ بِهِمْ سِيرًا سُجْحًا ... وَ لَبَانَ لَهُمُ الزَّاهِدُ مِنَ الرَّاغِبِ،

۱- روزگار رهایی: ج ۱ ص ۵۰۲.

۲- فرازی از زیارت جامعه کبیره.

وَالصَّيَادِقُ مِنَ الْكَاذِبِ «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (۱)

به خدا سوگند! اگر تمام امت از راه سعادت منحرف شده و از پذیرش راه روشن خودداری می کردند، امیرالمؤمنین علیه السلام همه آنان را به راه می آورد و به آرامی و صحیح و سالم به سعادت و خوشبختی می کشاند؛ به گونه ای که نه خود خسته شود و نه آنان ملول گردند. در نهایت آنان را به سرچشمه آبی گوارا و مطلوب و عاری از هر خس و خاشاک می رساند و سیراب باز می گرداند و در پنهان و آشکارا آنها را نصیحت می نمود ... در آن هنگام زاهد از دنیا طلب و راستگو از دروغگو تمیز داده و شناخته می شد. (خداوند می فرماید: «اگر مردم شهرها و آبادی ها ایمان می آوردند و پرهیزکاری پیشه می کردند، البته درهای آسمان را به رحمت و برکات به روی آنان می گشودیم و به زمین اجازه می دادیم تا خیر و برکات خود را برون اندازد، ولی مردم آیات الهی را تکذیب کردند و به اعمال زشت پرداختند، ما نیز آنان را به کیفر زشتشان مجازات کردیم.» (۲))

أسفا که مردم - جز اندکی - غدیر را نپذیرفتند و از فرمان پیامبر او درباره امیرالمؤمنین علیه السلام و هدایتگران پس از او اطاعت نکردند و دروازه شهر علم نبوی را بستند و جهان هستی را با ایجاد ابرهای سیاه در برابر آفتاب امامت به تاریکی نشانند. هدایتگران را پس از پیامبر رحمت خانه نشین نمودند، و جوامع بشری را به صورت آشکار از بهره گیری از این انوار محروم ساختند و دوران آخر الزمان را تشکیل دادند که در آن دوران مردم به علت قطع ارتباط با امام زمانشان به انواع و اقسام گناهان و آلودگی ها مبتلا هستند و در زندگی خویش گناهان را با فقر و بیماری و سختی تاوان می دهند.

۱- اعراف: ۹۶.

۲- الاحتجاج، شیخ طبرسی: ج ۱ ح ۵۰؛ بحار الانوار: ج ۴۳ ص ۱۵۹.

اما در عصر ظهور این ایده امیرالمؤمنین علیه السلام و این آرمان غدیری به منصفه ظهور و بروز می رسد، و به دست با کفایت فرزند برومندش امام مهدی علیه السلام رفاه همگانی سراسر جهان را فرا می گیرد. جهان آباد می گردد و مردم از همه مواهب الهی برخوردار می شوند و در سایه آن به کمالات عالی می رسند.

امام باقرعلیه السلام در سخن زیبایی از امام حسین علیه السلام در وصف آن عصر چنین نقل می کند:

وَلَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَعْمَى وَلَا مُقْعِدٌ وَلَا مُبْتَلَى إِلَّا كَشَفَ اللَّهُ عَنْهُ بَلَاءَهُ بِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ وَ لَيَنْزِلَنَّ الْبَرَكَهَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ حَتَّى أَنْ الشَّجَرَةَ لَتَقْصِفُ بِمَا يُرِيدُ اللَّهُ فِيهَا مِنَ الثَّمَرِهِ ... وَ ذَلِكُ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (۱)

در آن دوران در روی زمین نابینا و زمین گیر و مبتلا-یی نخواهد بود، مگر اینکه خداوند به وسیله ما اهل بیت بلا- را از او برطرف می کند، و چنان برکت از آسمان به زمین نازل می شود که شاخه درخت از زیادی میوه می شکند ... و این است معنای گفتار خداوند متعال که می فرماید: «اگر مردم شهرها و آبادی ها ایمان می آوردند و پرهیزکاری پیشه می کردند؛ البته درهای آسمان را به رحمت و برکات به روی آنان می گشودیم، و به زمین اجازه می دادیم تا خیر و برکات خود را برون اندازد، ولی مردم آیات الهی را تکذیب کردند و به اعمال زشت پرداختند. ما نیز آنان را به کیفر زشتشان مجازات کردیم» (۲)

۱- اعراف: ۹۶ .

۲- الخرائج: ج ۲ ص ۸۵۰؛ بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۶۳ .

در سخن دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ، لَا يَدْعُ السَّمَاءَ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئاً إِلَّا صَيَّبَهُ مِدْرَاراً، وَلَا يَدْعُ الْأَرْضَ مِنْ نَبَاتِهَا شَيْئاً إِلَّا أَخْرَجَتْهُ حَتَّى يَتَمَنَّى الْأَحْيَاءُ الْأَمْوَاتَ لِيَرَوْا الْعَدَلَ...» (۱).

ساکنان زمین و آسمان به او خشنود می شوند، آسمان بارانش را فرو می فرستد، زمین گیاهان خود را می رویاند، تا جایی که زنده ها آرزو می کنند: ای کاش! مردگان آنها زنده بودند و عدالت را مشاهده می کردند».

## ۵: فراخوان به ولایت علوی

از مسائل مهم و حیاتی که به طور کامل در عصر باشکوه ظهور حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام تجلی می کند، مسئله امامت و ولایت علی علیه السلام و بیزاری از دشمنان آن بزرگوار است. مسئله امامت و ولایت جزء برنامه تبلیغی پیامبران الهی و از مهم ترین مأموریت های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود.

این مسئله سرنوشت ساز از عالم نور تا روز انداز و از روز انداز تا روز غدیر، در جای جای رسالت الهی پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله قرار داشت و آن بزرگوار در هر فرصت و موقعیت و در میان هر گروه و جماعت و در هر جنگ و نبردی از این حقیقت پرده بر می داشت و با عبارات و کلمات مختلف آن را به دیگران می رساند.

ارزش و جایگاه این مسئله مهم آنگاه روشن می شود که ملاحظه می کنیم خدای سبحان با سنجش الهی خویش تمام رسالت پیامبر خود را در کفه ای از ترازو قرار می دهد و مسئله امامت و ولایت علی علیه السلام را در کفه دیگر قرار داده، و اعلام می دارد در

۱- التشریف بالمنن: ص ۱۴۶ ح ۱۷۵، بحار الانوار: ج ۵۱ ص ۱۰۴.

صورتی که پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر این مسئله مهم را به صورت رسمی و علنی در اجتماع باشکوه مسلمانان اعلام نکند، رسالت او بی ثمر باقی خواهد ماند.

البته پیشوایان معصوم علیه السلام نیز در طول دوران امامت خویش اهتمام ویژه ای به این امر مهم و حیاتی داشتند؛ به گونه ای که در دوران غیبت نیز جرعه نوشان خم غدیر رسالت مهمی را در این باره به دوش داشته و نسل به نسل این فرهنگ اصیل الهی را زنده و پابرجا نگاه داشته و بدین وسیله با امام زمان خویش ارتباط معنوی برقرار می کنند.

اما اوج این مسئله آنگاه خواهد بود که در عصر ظهور، امام مهدی علیه السلام مردم را به طور عموم و فراگیر به این مسئله مهم فراخواهد خواند. امام باقر علیه السلام در سخنی طولانی به بخشی از برنامه های حیاتی امام مهدی علیه السلام در عصر ظهور می پردازد و با تعبیر بسیار لطیفی می فرماید:

وَاللَّهِ لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ وَقَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجَرِ ثُمَّ يَنْشُدُ اللَّهُ حَقَّهُ ... فَيَدْعُو النَّاسَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّتِهِ نَبِيِّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ وَ الْوَلَايَةِ لِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّهِ. (۱)

گویی می بینم او را که به حجر الاسود تکیه داده و مردم را به حق خود سوگند می دهد ... او مردم را به سوی کتاب خدا، سنت پیامبر او، ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و بیزاری از دشمنان او فرا می خواند.

به راستی اگر مردم در همان فراخوانی غدیر، ولایت و امامت را با جان و دل و از روی اختیار می پذیرفتند، دیگر دوران غیبت شکل نمی گرفت و این همه لکه های ننگ در صفحه تاریخ در اثر جنایات سقیفه نشینان باقی نمی ماند.

۱- تفسیر عیاشی: ج ۲ ص ۵۷؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۴۲.

## غدیر و ظهور و منتظران

اینک سخن پایانی با ره پویان غدیر و منتظران ظهور آخرین نور غدیر است. غدیر از همان زمان همچون چشمه ای در بیابان می جوشد، و ما باید برای رساندن پیام حیاتبخش این چشمه جوشان، چون رودهای خروشان بخروشیم؛ و در ابلاغ آن به مردمان با تمام توان از دل و جان بکوشیم، و پیام آسمانی پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله را ابلاغ کنیم. آن حضرت با تأکید بسیار و نهایت اصرار فرمود: «فَلْيَبْلُغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»<sup>(۱)</sup>: «هان ای مردمان! این پیام و اعلام مرا درباره ولایت علی علیه السلام باید هر که حاضر است به آنکه غایب است و هر پدری به فرزندش تا دامنه قیامت برساند».

آنگاه با شناخت به نخستین حجت الهی یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام تا آخرین حجت الهی یعنی صاحب الزمان علیه السلام، کمر همت به یاری آنان ببندیم؛ چرا که غدیر آغاز ظهور است و ظهور پایان غدیر!

بیعت با ظهور همان بیعت با غدیر است که منتظر ظهور می گوید: ای آخرین یادگار غدیر و ای امام مهربانی ها! در دوران دردناک هجران شما چشم دل ما به نور الهی شما روشن است. ما با همان نور غدیر در پی ظهور خواهیم بود و برای فرا رسیدن دوران شکوهمند ظهور تلاش خواهیم کرد، تا از چشمه ساران زلال ولایت غدیر و ظهور بهره مند شویم، ان شاء الله.

## منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم

۲. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، ناشر: مرتضی، مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.

۳. الارشاد، شیخ مفید، ناشر: کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

۱- الاحتجاج، طبرسی: ج ۱ ص ۶۲؛ بحار الانوار: ج ۳۷ ص ۲۱۱.

۴. بحار الانوار، علامه مجلسی، ناشر: اسلامیه، تهران، سال چاپ: مختلف، نوبت چاپ: مکرر.

۵. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه وآله، ابن شعبه حرانی، ناشر: جامعه مدرسین، مکان چاپ: قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.

۶. التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن (المعروف بالملاحم و الفتن)، رضی الدین ابی القاسم علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس، قم: موسسه فرهنگي حضرت صاحب الامر علیه السلام.

۷. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، چاپخانه علمیه تهران، ۱۳۸۰ ق.

۸. الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، مؤسسه امام مهدی علیه السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.

۹. الخصال، شیخ صدوق، ناشر: جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش

۱۰. روزگار رهایی، علی اکبر مهدی پور، آفاق، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.

۱۱. روضه کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ناشر: انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، نوبت چاپ: اول، بی تا.

۱۲. الغیبه للحجه، شیخ طوسی، ناشر: دار المعارف اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.

۱۳. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ناشر اسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش.

۱۴. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ناشر: اسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق.

۱۵. نهج البلاغه، سید رضی.



## ظهور، تجلی اهداف خلقت با تحقق غدیر: محمد حسین یوسفی

### چکیده

۱. هدف از خلقت، معرفت به مبدأ آفرینش و عبودیت و پرستش و شکر خدا و موفقیت در آزمایش الهی است.
۲. رسیدن به اهداف مذکور جز با تعلیم معصومین علیهم السلام میسر نیست.
۳. طبع انسان گرایش به شهوت پرستی دارد. اکثر انسان ها با تشکیل کلاس هایی که تعالیم الهی دارد مخالفت می کنند، چرا که تحقق آن اهداف مقاصد شهوت پرستان را به خطر می اندازد.
۴. بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله برای تحقق همه آن چیزی بود که ظالمین در طول تاریخ مانع می شدند، چرا که می فرماید: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ...».
۵. عدم تحقق غلبه بر همه ادیان در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله لازمه اش اعلام غدیر و مژده تحقق آن در آینده بود.
۶. پیامبر صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر وقتی به انتها می رسد با کلماتی واضح و مفصل از منجی عالم یاد می کند که همه خبر از فتح است.

۷. حقیقت چیزی جز این نبود که رهبری معصوم با اداره امور دین و دنیای مردم، آنان را به سعادت برساند.

۸. اهدافی که در عصر ظهور تحقق می یابد بر اساس «إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» است، که حیات مادی و معنوی بشر در گرو آن است.

۹. حیات عصر ظهور در سایه چند چیز است:

- نشر علم حقیقی بین همه مردم.
- کمال عقول برای درک تربیت الهی.
- برچیدن افکار و عقاید و ادیان باطل.
- به حاکمیت رسیدن پاکان و نیکان.
- قدرت بر عمل صالح به بهترین وجه.
- قبولی در امتحان الهی به آسانی.

## مقدمه

خلقت انسان دارای اهدافی بلند و عالی است، که به این اهداف در متن آیات قرآن اشاره شده است:

۱. رسیدن به علم و معرفت، آشنا شدن با مبدأ آفرینش، آموختن رسم و رسوم عبودیت و فراگرفتن رمز و راز بندگی. (۱)
۲. پرستش حق و کرنش در برابر خالق هستی، عبادت پروردگار و شکر نعمت های خداوند، سر ستودن به آستان مولای حقیقی و عمل کردن به وظایف بندگی؛ و در نتیجه رسیدن به رحمت خاص خداوند و بهره مند شدن از الطاف خاصه او. (۲)

۱- در این باره خداوند می فرماید: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا». طلاق: ۱۲.

۲- خداوند در این زمین-ه می فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ». الذاری-ات: ۵۶؛ و نی-ز می فرماید: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ، إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ». هود: ۱۱۸ - ۱۱۹

۳. موفق گشتن در آزمون های خداوند، نمره قبولی آوردن در تمام امتحانات آفریدگار و پیروزی در میدان عمل و بهترین عمل را تحویل خالق هستی دادن است. (۱)

رسیدن به این اهداف بلند، بدون تعلیم و تعلم و شرکت در کلاس های تربیتی خاص که از سوی مریبان پاک و معصوم برگزار می گردد، برای احدی میسر نیست.

### رسالت انبیاء و اهداف خلقت

علاوه بر هدف خلقت، یکی از مهمترین اهداف خداوند از نازل نمودن کتب آسمانی و فرستادن انبیاء و رسولان الهی، دست یافتن انسان به چنین امور ارزشمندی است، اما با توجه به این که طبع بشر گرایش به تن پروری، شهوت رانی، و جمع ثروت و طلب ریاست دارد.

در طول تاریخ ظهور انبیاء و اوصیاء، اکثر انسان ها با تشکیل چنین کلاس ها و تحقق چنین تربیت هایی در جامعه بشریت مبارزه می کردند و مانع از به ثمر نشستن زحمات طاقت فرسای انبیا و اوصیا می شدند؛ چرا که تحقق این اهداف در آحاد مردم، منافع حکام جور و مطامع ثروت اندوزان بی درد و شهوت رانان حیوان صفت را به خطر می انداخت. بدین خاطر با تمام وجود به جنگ خدا و رسولان پاک او برمی خاستند و از ظهور یافتن اهداف خلقت در جامعه و محقق گشتن اغراض نبوت و امامت در آحاد مردم جلوگیری می کردند.

این وعده قطعی خداوند در تمام کتب آسمانی است که روزی بر بشر خواهد گذشت که این اهداف جامه عمل پوشیده و حکومت عادلانه و واحده در کره زمین پیاده

---

۱- در این باره خداوند می فرماید: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ» ملک: ۲.

شود، و در سایه آن حکومت و سلطنت اهداف خلقت یکی پس از دیگری عملی گردد.

### هدف از بعثت پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله

پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله برترین پیامبر مرسل و کامل ترین فرد بشر، و دین اسلام کامل ترین دین الهی و قرآن کریم جامع ترین کتاب آسمانی است. اهداف یاد شده در این کتاب آسمانی بیش از سایر کتب مورد تأکید قرار گرفته و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله بهترین گزینه و آخرین فرستاده خداوند برای تحقق این اهداف معرفی می گردد؛ آنجا که می فرماید: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ» (۱): «محمد صلی الله علیه وآله پدر هیچیک از مردان شما نیست، ولی رسول خدا و خاتم همه پیامبران است».

هدف خداوند از فرستادن چنین پیامبری پیروز گشتن و حاکم شدن دین اسلام بر تمام ادیان شمرده شده، آنجا که می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (۲): «اوست خدایی که رسول خود را با اسباب هدایت (که در اختیارش قرار داده) و دینی که حق است، به سوی مردم فرستاده تا او را بر همه ادیان غالب و پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند».

در این آیه، خداوند رسولش را با این هدف به سوی مردم می فرستد که دین اسلام را بر تمام ادیان غالب و پیروز گرداند و حکومت پیامبرش وسیله ای باشد برای سرکوب قدرتمندان و جباران و گردن کشان، تا بتواند اهداف خداوند از آفرینش

۱- احزاب: ۴۰.

۲- توبه: ۳۳.

انسان را جامعه عمل بپوشاند و بشریت را به غرض غایی خلقت علم و معرفت و بندگی و عبادت و انجام بهترین عمل با موفقیت و دست یابی انسان به رحمت خداوند برساند.

از سویی با در نظر گرفتن موقعیت اجتماعی زمان بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله که بعد از طی شدن دوره فترت (۱) بود، دست یافتن به قدرت و حکومتی که توان اجرای اهداف یاد شده را داشته باشد، غیر ممکن می ساخت. علی الخصوص که بنای اولیه خداوند و سیره مستمره رسول او بر پیشبرد طبیعی دین اسلام و بیان تدریجی احکام بود.

بر این اساس، هدف دنبال شده از بعثت و رسالت که غلبه دین خدا بر تمام ادیان و تحقق حکومت عادلانه واحد بود، به خاطر نخواستن اکثریت مردم محقق نشد. هر چند این هدف به صورت جزئی و مقطعی در منطقه جزیره العرب محقق شد، اما هدف اصلی غلبه دین اسلام در همه کره زمین بر تمام ادیان بود که عملی نگردید. هر چند پیامبر صلی الله علیه و آله از تمام این وقایع باخبر بود، اما طبق وظیفه الهی خویش می بایست تلاش خود را بکند تا هم عذری در برابر خداوند از محقق نشدن هدف یاد شده داشته باشد، و هم حجتی باشد در برابر مردمی که زیر بار نرفته بودند و با او به جنگ برخاسته بودند.

### تعیین خلیفه و اهداف خلقت

یکی از تلاش های پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله برای تحقق این هدف به طور کامل، تعیین خلیفه و جانشین برای خود بود که تمام توانمندی های علمی و عملی پیامبر صلی الله علیه و آله را دارا

---

۱- «فترت» چند سال بعد از حضرت عیسی علیه السلام که وحیی بر مردم نازل نشد و پیامبری در میان مردم نبود و مردم به افکار جاهلیت و اوهام بربریت برگشته بودند.

باشد. به تعبیر قرآن در آیه مباحله (۱) نفس پیامبر صلی الله علیه و آله بوده، و تمام صفات کمالیه آن بزرگوار در وجودش به کمال رسیده باشد.

پس غرض اصلی خدا و رسول صلی الله علیه و آله از تعیین جانشین برای کامل ترین پیامبر صلی الله علیه و آله، انتخاب شخصی است که بتواند اهداف خلقت و اغراض نبوت و رسالت را در عالم محقق سازد؛ و این مطلبی است که از متن آیات قرآن و صریح کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله استفاده می شود.

در صحرای غدیر، آنگاه که پیامبر صلی الله علیه و آله در آخرین سال عمر خویش به معرفی رسمی جانشین خود می پردازند، اولین مطلبی را که بعد از بیان دستور و تأکید خداوند نسبت به معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام گوشزد مردم می کنند، مسئله ولایت کلیه مطلقه آن حضرت است، که بعد از ولایت خدا و رسول صلی الله علیه و آله در قرآن مطرح شده و او را ولی مطلق خدا بر بندگان و صاحب سلطنت و حکومت بر اموال و انفس خلائق می شمارد آنجا که می فرماید:

ای مردم! ... جبرئیل سه مرتبه بر من نازل شده و از طرف خداوند پس از ابلاغ سلام پروردگارم - که او سلام است - مرا مأمور کرد که در این اجتماع بپاخیزم و به هر سفید و سیاه اعلام کنم که علی بن ابی طالب برادر و وصی و جانشین من در امتم و امام بعد از من است. نسبت او به من همانند نسبت هارون به موسی است، جز این که پیامبری بعد از من نیست، و او صاحب اختیار شما بعد از خدا و رسول است. و خداوند در این مورد آیه ای از کتابش بر من نازل کرده است: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ

۱- خداوند در قصه مباحله پیامبر صلی الله علیه و آله با نصارای نجران، در آیه ۶۱ سوره آل عمران، امیرالمؤمنین علیه السلام را نفس پیامبر صلی الله علیه و آله شمرده و می فرماید: «فَمَنْ حَيَّجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ».

الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ»(۱): «همانا ولی و سرپرست و صاحب اختیار شما خدا و رسول او و کسانی هستند که ایمان به خدا آورده باشند، همان ها که نماز را بپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند». و علی بن ابی طالب علیه السلام است که نماز را بپا داشته، و در حال رکوع زکات داده و در هر حال خدا را قصد می کند.(۲)

در چند فراز بعد از این می فرماید: «مَعَاشِرَ النَّاسِ لَا تَصَلُّوا عَنْهُ وَ لَا تَنْفِرُوا مِنْهُ وَ لَا تَسْتَنْكِفُوا عَنْ وِلَايَتِهِ، فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَ يَعْمَلُ بِهِ وَ يَزْهِقُ الْبَاطِلَ وَ يَنْهَى عَنْهُ وَ لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ»: «ای مردم! از علی به سوی دیگری گمراه نشوید، و از او روی برنگردانید و از ولایت او سرباز نزنید، اوست که به حق هدایت نموده و به آن عمل می کند، و باطل را ابطال نموده و از آن نهی می نماید، و در راه خدا سرزنش هیچ ملامت کننده ای مانع او نمی شود».(۳)

### اهداف خلقت در سایه ولایت و حکومت امام

در فرازهای بعد از این، آنگاه که به معرفی فرزندان معصوم از نسل امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره می کند، در مقام معرفی مقام و شخصیت آنان چنین می فرماید:

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ عَلِيًّا وَ الطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ وَ الْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مُنْبِئِي عَنْ صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ. هُمُ أَمَنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُكْمَاؤُهُ فِي أَرْضِهِ.

۱- مائده: ۵۵ .

۲- روضه الواعظین: ج ۱ ص ۸۹؛ الاحتجاج: ج ۱ ص ۶۶؛ الیقین: ص ۳۴۳ باب ۱۲۷.

۳- الاحتجاج، طبرسی: ج ۱ ص ۶۰.

ای مردم، علی و پاکان از فرزندانم از نسل او ثقل اصغرند، و قرآن ثقل اکبر است. هر یک از این دو از دیگری خبر می دهد و با آن موافق است. آنها از یکدیگر جدا نمی شوند تا بر سر حوض کوثر بر من وارد شوند. آگاه باشید که آنان امین های خداوند بین مردم و حاکمان او در زمین هستند. (۱)

در این فرازها پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، توجه مردم را به این نکته فرا می خواند که علی بن ابی طالب و فرزندان پاک او امامانی هستند، که ولایت و حکومت و سلطنت بر نفوس و اموال مردم بعد از او حق آنان است.

آری، در سایه ولایت و حکومت ولی معصوم است که جامعه انسانی با رسوم عبودیت آشنا شده، از ظلمت جهل و نادانی نجات یافته و به نور علم و معرفت دست می یابد. از تاریکی کفران و دوگانه پرستی رهیده و به روشنایی یکتاپرستی و خداشناسی رو می آورد. از جهنم گمراهی و منجلاب فسادهای اخلاقی رها گشته و به راه روشن هدایت و سعادت و بهشت کرامت های اخلاقی راه می یابد.

### امام عصر علیه السلام وارث غدیر و مجری ولایت امیر علیه السلام

اما با توجه به اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به تعلیم خداوند می داند که منافقان سقیفه نشین و پیروان افکارشان، چنین فرصتی را به خلفای او نمی دهند، تا با کمک حق خدادادی و مقام خلافت الهی خویش مردم را با اهداف خلقت آشنا سازند، و به عبودیت خالص خداوند وادارند، و دنیا را تبدیل به مدینه فاضله و بهشت برین سازند؛ بلکه این کار تنها به دست آخرین بازمانده خداوند و دوازدهمین وصی و جانشین او انجام می پذیرد.



به همین خاطر، به فرازهای نهایی خطبه غدیر که می‌رسد با بیانی روشن تر و توضیحی بیشتر به معرفی آخرین فرزند معصومش پرداخته و مناصب اصلی امامت را در وجود آخرین یادگار غدیر منحصر می‌سازد و او را تنها بازمانده خداوند برای محقق ساختن غرض خلقت خوانده، و در حضور قریب صد و بیست هزار جمعیت در صحرای غدیر فریاد می‌زند:

أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيْمَةِ مَنَا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ. بدانید که آخرین امامان، مهدی قائم از ماست.

أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ. آگاه باشید که او غالب بر ادیان است.

أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ. بدانید که او انتقام گیرنده از ظالمین است.

أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الحُصُونِ وَ هَادِمُهَا. آگاه باشید که او فاتح قلعه‌ها و منهدم کننده آنهاست.

أَلَا- إِنَّهُ غَالِبٌ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشَّرْكِ وَ هَادِيهَا. آگاه باشید که او پیروز بر هر قبیله‌ای از اهل شرک و هدایت کننده آنان است.

أَلَا إِنَّهُ المُدْرِكُ بِكُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ. بدانید که او گیرنده انتقام همه خون‌های اولیای خداست.

أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدينِ اللَّهِ. بدانید که او یاری دهنده دین خداست.

أَلَا إِنَّهُ العَرَّافُ مِنَ بَحْرِ عمیقِ. بدانید که او استفاده کننده از دریای عمیق است.

أَلَا إِنَّهُ يَسُمُّ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَ كُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ. بدانید اوست که هر صاحب فضیلتی را به قدر فضلش و هر صاحب جهالتی را به قدر جهلش نشانه می‌دهد.

أَلَا إِنَّهُ خَيْرُهُ اللَّهُ وَ مُخْتَارُهُ. آگاه باشید که او انتخاب شده و اختیار شده خداوند است.

أَلَا إِنَّهُ وَاوْرَثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ الْمُحِيطُ بِكُلِّ فَهْمٍ. آگاه باشید که او وارث هر علمی و احاطه دارنده به هر فهمی است.

أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنِ رَبِّهِ تَعَالَى وَ الْمُشِيدُ لِأَمْرِ آيَاتِهِ. بدانید که اوست خبر دهنده از پروردگارش، و بالا برنده آیات الهی.

أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدَ السَّيِّدَ. آگاه باشید که او هدایت یافته محکم بنیان است.

أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ. بدانید که اوست که کارها به او سپرده شده است.

أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ مِنَ الْقُرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ. آگاه باشید اوست که پیشینیان به او بشارت داده اند.

أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّهً وَ لَا حُجَّهَ بَعْدَهُ وَ لَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَ لَا نُوْرَ إِلَّا عِنْدَهُ. آگاه باشید که او به عنوان حجت باقی می ماند و بعد از او حجتی نیست. اوست که هیچ حقی نیست مگر همراه او و هیچ نوری نیست مگر نزد او.

أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَ لَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ. بدانید او کسی است که غالبی بر او نیست و کسی بر ضد او یاری نمی شود.

أَلَا إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حَكَمُهُ فِي خَلْقِهِ وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ. آگاه باشید که اوست ولی خدا در زمینش و حاکم او در میان خلقتش و امین او در نهان و آشکارش. (۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از آنکه آخرین معصوم را کاملاً معرفی می کند، برای اتمام حجت و تأکید بر مطلب می فرماید:

۱- روضه الواعظین: ج ۱ ص ۸۹؛ الاحتجاج: ج ۱ ص ۶۶؛ الیقین: ص ۳۴۳ باب ۱۲۷.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، اِنِّي قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ وَ اَفْهَمْتُكُمْ، وَ هَذَا عَلَيَّ يَفْهَمُكُمْ بَعْدِي. ای مردم، من برایتان روشن کردم و به شما فهمانیدم، و این علی است که بعد از من به شما می فهماند. (۱)

آنگاه مردم را برای بیعت با خود و سپس با علی علیه السلام نسبت به آنچه برای آنها بیان فرمود، فرا می خواند و از آنها با دست و زبان و قلب بیعت می گیرد.

### نتیجه

از مجموع آنچه بیان گردید چنین نتیجه می گیریم:

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله با این بیان در صحرای غدیر که روز تعیین جانشین و خلیفه بلافصل رسول خداست، اشاره به این نکته دارد که حقیقت غدیر از منظر پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، در عصر ظهور آخرین امیر عالم تبلور می یابد. زیرا غرض اصلی خلقت و هدف نهایی بعثت و رسالت و مقصود حقیقی از تعیین خلیفه برای منصب امامت عبارت است از «گسترش علم و معرفت، تحقق بندگی و عبادت، انجام بهترین عمل با موفقیت، و در نهایت غلبه دین خدا بر تمام ادیان و گسترش عدل و داد و رحمت خداوند در سرتاسر گیتی». همه این اهداف تنها در عصر ظهور امام عصر علیه السلام تحقق پیدا می کند.

حقیقت غدیر چیزی جز این نبود که رهبر و پیشوایی معصوم و الهی، برای اداره امور دین و دنیای مردم، از طرف پروردگار تعیین گردد؛ و مردم هم با او بیعت کنند و فرمانش را گردن نهند تا بتواند سعادت دنیا و آخرت آنان را تأمین کرده، تمام آحاد جامعه را با رسوم عبودیت آشنا سازد؛ و عدالت و صداقت را در زندگی فردی و اجتماعی انسان ها برقرار سازد؛ تا ابر رحمت پروردگار بر سر و رویشان بیارد.

این حقیقت با توجه به آنچه گذشت، بذرش در صحرای غدیر توسط بزرگترین باغبان هستی رسول گرامی صلی الله علیه و آله افشاند شد، و برداشت محصول و نمود و ظهورش در عصر شکوهمند ظهور امام عصر ارواحنا فداه آشکار خواهد گشت

### اهداف خلقت و تحولات عصر ظهور!

توجه کوتاه به مدارک بیانگر تحولات عصر ظهور روشن کننده تبلور اهداف غدیر در ظهور آخرین امیر است.

خداوند اجابت دعوت رسولش در صحرای غدیر را مایه رسیدن به حیات و زندگی جاودانه در دنیا و آخرت می شمارد و می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»<sup>(۱)</sup>: «ای مؤمنان، زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله شما را فرا می خواند به سوی چیزی که شما را زنده و جاوید می سازد، دعوت خدا و رسول را اجابت کنید». سپس تحقق این حیات جاودانه را در عصر ظهور آخرین ولیش شمرده می فرماید: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»<sup>(۲)</sup>: «بدانید که خداوند زمین را بعد از مردنش زنده می کند. ما نشانه ها و آیات (قدرت خود) را بیان می کنیم، شاید شما (اشارات) آنها را بفهمید».

### حیات زمین و اهلیش به حضور امام و یارانش

ابن عباس حیات زمین را در عصر ظهور و به واسطه امام عصر ارواحنا فداه تفسیر کرده، و مرگ زمین را جور و ستم اهل آن شمرده، و آیات را تفسیر به علائم و نشانه هایی می کند که به واسطه امام قائم علیه السلام در سطح کره زمین محقق می شود.<sup>(۳)</sup>

۱- انفال: ۲۴ .

۲- حدید: ۱۷ .

۳- الغیبه، شیخ طوسی: ص ۱۴۲ .

در جایی که خداوند زمین مرده را در عصر ظهور ولّیش زنده می کند، پر واضح است که سرزمین دل های بندگانش را با ایمان و معرفت و محبت خود و ولّیش به مراتبی برتر و والاتر احیاء و زنده می سازد. امام حسین علیه السلام در سخن پربراری می فرمایند:

از ما اهل بیت دوازده مهدی (هدایت یافته) خواهد بود. اولین آنها امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و آخرین آنها نهمین از فرزندان من است. و او امام قیام کننده به حقی است که خداوند به واسطه او زمین را بعد از مرگش زنده می کند و به واسطه او دین حق (اسلام) را بر تمام ادیان غالب و پیروز می گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

برای او غیبتی است که گروه هایی در زمان غیبت او مرتد شده و گروه های دیگر بر دین حق ثابت می مانند. آنگاه ثابت قدمان مورد ایذاء و آزار مرتدان قرار گرفته، به آنها گفته می شود: «کجاست این وعده ای که می گفتید، اگر شما از راستگویانید؟ آگاه باشید، به راستی، صبر کننده در غیبت او بر آزار و تکذیب منکران، به منزله کسی است که با شمشیر پیش روی رسول خداصلی الله علیه و آله جهاد کرده باشد. (۱)

امام باقر علیه السلام نیز در سخن گهرباری در تفسیر آیه «اعلموا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» (۲) می فرمایند: «خداوند زمین را بعد از کفر اهلش زنده می کند و کافر (در واقع) مرده است. خدا زمین را به وسیله امام قائم علیه السلام زنده می کند. پس در زمین به عدالت رفتار کرده، هم زمین را زنده می کند و هم اهل زمین را، بعد از آنکه به کفر مرده باشند». (۳)

۱- کمال الدین، شیخ صدوق: ص ۳۱۷.

۲- حدید: ۱۷.

۳- تأویل الآیات الظاهره: ج ۲ ص ۶۳۸.

## عوامل پدید آورنده حیات جاودانه در عصر ظهور

### اشاره

دست یافتن به این حیات در عصر ظهور، بر سه پایه استوار است که خلقت انسان بر اساس آن پی ریزی شده است و فرستادن انبیاء و اوصیاء نیز برای اجرا و تحقق آن بوده است:

۱. علم و معرفت.

۲. بندگی و عبادت و رسیدن به رحمت.

۳. انجام بهترین عمل با موفقیت.

### علم و معرفت

یکی از مهم ترین تحولات در عصر ظهور آخرین سفیر الهی، این است که علم و دانش در سطح گسترده ای، سر تا سرگیتی را فراگرفته، مردم با انواع علوم آشنا شده و بهترین معرفت را در حق خداوند و احکام و دستورات او پیدا کرده و با ولی حق و مقامات علمی و معنوی او آشنا می شوند. امام صادق علیه السلام در سخن گهرباری می فرماید:

الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حُرْفَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَاِذَا قَامَ قَائِمُنَا اَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ وَضَمَّ اِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبْثُهَا سَبْعَةً وَعِشْرِينَ حَرْفًا. (۱)

علم بیست و هفت حرف است. آنچه را که هر یک از پیامبران آوردند دو حرف است و تا امروز مردم غیر از آن دو حرف را نشناخته اند. آنگاه که قائم ما قیام می نماید بیست و پنج حرف دیگر را خارج ساخته و در میان مردم منتشر می سازد و دو حرف دیگر را به آنها می افزاید تا تمام بیست و هفت حرف علم را در میان مردم منتشر نماید.

۱- بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۳۶؛ نوادر الاخبار: ص ۲۷۸.

از این سخن حکیمانه امام صادق علیه السلام استفاده می شود: علم و دانش در میان همه افراد جامعه منتشر می شود و تمام آحاد مردم به مدارج علمی دست می یابند، در حالی که تا قبل از قیام آن حضرت علم و دانش اختصاص به گروهی اندک داشت، علاوه که آنان نیز به هر علمی راه نیافته بودند. اما در عصر شکوهمند ظهور، تمام علوم (بیست و هفت حرف علم) در میان مردم منتشر می شود.

از این گذشته، نکته دیگر کلام گهربار امام این است که حقیقت هر علمی در عصر ظهور در میان مردم آشکار می شود نه علوم ظاهر فریب و بی پایه ای که بر اساس فرضیه و تئوری به خورد دانش آموزان داده می شود، و پس از گذشت زمان بطلان و نادرستی تمام یا بخشی از آن آشکار می شود. بلکه حقیقت هر علمی و واقعیت هر دانشی به صورت یک فرهنگ عظیم و تکامل یافته در میان همه افراد جامعه منتشر می شود، علومی که باعث تکامل عقل ها و رشد باورها می گردد. و این یکی از جهاتی است که باعث فهم روایاتی می گردد که چگونه خداوند با نهادن دست و لیش بر سر بندگانش خردهای آنان را به کمال رسانده و عقول آنها را بارور می سازد. اگر امام باقر علیه السلام می فرمایند:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ، فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ، وَ أَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ. (۱)

هرگاه قائم ما قیام کند دست خود را بر سر بندگان خدا می گذارد و به این وسیله خردهای آنان را جمع و متمرکز می سازد و اخلاق آنها را کامل می کند.

بی شک یکی از عوامل تکمیل عقل انسان و بالا رفتن خرد و فهم او، افزایش علم و دانش و بالا رفتن سطح آگاهی های اوست.

تردیدی نیست با علومی که ولی خدا در عصر ظهور بین مردم منتشر می سازد و کلاس های تربیتی که آن بزرگوار با همیاری اصحاب و یاورانش در سطح کره زمین دائر می کند، سطح فکر و فهم مردم بالا رفته، خردهای آنان کامل گشته و از شعور بی نظیری در تاریخ بشریت برخوردار می گردند.

این یکی از اهدافی است که خداوند در خلقت انسان از ابتدای آفرینش مد نظر داشته و با همین هدف انبیاء و کتب آسمانی را به سوی آنان فرو فرستاده است، اما جاهلان شهوت پرست و دنیا دوستان ریاست طلب با اخلال در کار آنان مانع از به ثمر رسیدن زحمات آنان گردیدند.

بی جهت نیست که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در صحرای غدیر یکی از امتیازات امیرالمؤمنین علیه السلام خلیفه بلافصلش را علم و دانش بی نظیر او در میان همه اصحاب شمرده فرمایند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضَّلُوهُ . مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ ، وَ كُلُّ عِلْمٍ عُلِّمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ ، وَ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ عُلِّمْتُهُ عَلَيْنَا. (۱)

ای مردم، علی را برتر از دیگران بدانید. هیچ علمی نیست مگر آنکه خداوند آن را در من جمع کرده است، و هر علمی را که آموخته ام در امام المتقین جمع نموده ام، و هیچ علمی نیست مگر آنکه آن را به علی آموخته ام.

سپس امام عصر ارواحنا فداه را وارث تمام آن علوم معرفی کرده و می فرماید: «إِلَّا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ الْمُحِيطُ بِكُلِّ فَهْمٍ» (۲): «آگاه باشید، فرزندم مهدی وارث هر علمی و در برگیرنده هر فهمی است».

۱- روضه الواعظین: ج ۱ ص ۸۹؛ الاحتجاج: ج ۱ ص ۶۶؛ الیقین: ص ۳۴۳ باب ۱۲۷.

۲- همان.



## بندگی و عبادت

دسته دوم از مدارکی که بیانگر تحولات عصر ظهور است نظر به تحقق هدف دوم خلقت، یعنی تحقق عبودیت خداوند در سطح کره زمین دارد. در بعضی از روایات چنین آمده است:

امام عصر علیه السلام تمام صاحبان مذاهب مختلف، از یهود و نصاری و مجوس و آتش پرستان و هندو و بوداییان و بت پرستان و دیگر ملت های غیر مسلمان را جمع کرده و از آنها می خواهد که خداشناس و یکتاپرست گردند و همگی خدای یگانه یکتای بی نیاز و بدون شریک را پرستند. هر کس پذیرفت در امان است و هر کس نپذیرفت از دم شمشیر حضرت و یارانش می گذرد.

اوضاع مردم از نظر اعتقادی به گونه ای می گردد که جز خداپرستِ موخّید کسی باقی نمی ماند، و همگی با معرفتی که از کلاس های درس امام و یاورانش دریافت می کنند خدا را خالص می پرستند و به عبادت خدای یکتا مشغول می شوند.

ابن بُکیر می گوید: از حضرت ابوالحسن از تفسیر این آیه پرسیدم که خدا می فرماید: «وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ» (۱): «تمام موجودات زمین و آسمان به میل و رغبت یا اکراه و اجبار تسلیم او خواهند شد و به سوی او بازگردانده خواهند گشت». فرمود: «در باره قائم علیه السلام نازل شده، آنگاه که یهودیان و مسیحیان و آتش پرستان و زندیقان و مرتدان و تمامی کافران در شرق و غرب عالم را محاکمه کرده و اسلام را بر آنها عرضه می کند، هر کس با میل و رغبت اسلام را برگزیند او را به نماز و زکات و آنچه که هر مسلمانی به آن امر می شود و به آنچه که خدا دوست دارد امر می کند؛ و هر کس اسلام نیاورد گردنش را می زند، به

گونه ای که در شرق و غرب عالم کسی باقی نمی ماند مگر این که موحد گشته و خداپرست می شود».

ابن بُکیر گوید: گفتم: "مولای من! فدایت شوم، به راستی، مردم بیش از آنند (که امام فرصت دعوت همه آنها را پیدا کند)! فرمود: «خدا وقتی اراده کند کاری را انجام دهد زیاد را کم و کم را زیاد می کند».(۱)

در حدیث زیبای دیگری که از علی بن اسباط روایت شده می گوید: اصحاب ما در تفسیر این آیه که خداوند می فرماید: «الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ»(۲): «پادشاهی و سلطنت امروز حق و از آن خداوند رحمان است». می گویند: «ملک و سلطنت امروز و دیروز و فردا در همه دوران از آن خداوند رحمان بوده و هست و خواهد بود. ولی هنگامی که امام قائم علیه السلام قیام کند شرایطی پیش می آید که جز خدا پرستیده و عبادت نمی شود».(۳)

از امثال این روایات روشن می گردد که سطح دانش و معرفت مردم به حدی بالا می رود و عقل ها تا آنجا اوج می گیرد که خود به خود از هر گونه بت پرستی و کج اندیشی و انحراف فکری درباره خدا پرهیز کرده و همگی یکدل و یک زبان به توحید و یگانه پرستی و عبادت و بندگی خدا روی می آورند. و این همان هدف خلقتی است که خدا انسان را برای رسیدن به آن آفریده، و انبیاء و اوصیاء را برای آشنا ساختن مردم و سوق دادن آنان به سوی آن فرستاده است. ولی این هدف تنها، به دست آخرین وصی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله در کره زمین عملی می گردد. پس نتیجه غدیر در روز روشن ظهور آشکار گشته و به ثمر می نشیند. بی جهت نیست که امیرالمؤمنین علیه السلام در

۱- منتخب الاثر: ص ۵۸۷ ح ۱.

۲- فرقان: ۲۶.

۳- منتخب الاثر: ص ۵۸۷ ح ۲.

سخنی پربار و جامع در مقام ترسیم خیرات و برکات صادر شده از فرزندش مهدی علیه السلام در عصر ظهور چنین می فرماید:

آنگاه مهدی علیه السلام امیران و فرماندهانش را به سایر شهرها می فرستد، تا به عدالت بین مردم رفتار کنند، عدالتی که آثارش در میان حیوانات هم آشکار شده، گوسفند و گرگ در کنار هم در یک مکان می چرند. بچه ها با مارها و عقرب ها بازی می کنند و حیوانات متعرض آنها نگشته و ضرری به آنها نمی رسانند. هر نوع بدی و شرّی از میان مردم کوچ کرده و می رود، و هر نوع خیر و خوبی در میان آنان باقی می ماند. رباخواری از جامعه رخت می بندد و مردم به عبادات و شرع و دیانت و خواندن نمازهایشان در جماعت ها روی می آورند. (۱)

### انجام بهترین عمل با موفقیت

از مهم ترین برکات وجودی امام عصر ارواحنا فداه تحقق سومین هدف خلقت در کره زمین است. چه آنکه خدا بندگانش را آفریده تا آنها را بیازماید و بنگرد کدامین بنده بهترین عمل را تحویل مولایش داده و برترین تقوا را در زندگی خویش پیاده می کند.

بی شک یکی از آثار و فوائد وجودی امام علیه السلام در دوران غیبت و عصر ظهورش، تربیت شیعیان و یاران مخلصی است که تحت اشراف تربیت های آن حضرت قرار گرفته، در آزمون های گوناگون ولیّ خدا شرکت کرده و موفق به انجام بهترین عمل و دریافت برترین مدال افتخار از دست حجت خدا گشته اند. اینها همه از برکت معرفتی است که به آن ذات مقدس پیدا کرده و در سایه آن معرفت به محبت و اطاعت آن بزرگوار دست یافته و از این طریق به مقام عبادت و انس با خدا و معرفت و طاعت

پروردگار رسیده اند؛ معرفت و طاعتی که منشأ تمام خوبی ها و سررشته همه کمالات و مقامات معنوی است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در سخنی تکان دهنده به گوشه ای از کمالات یاران فرزندش مهدی علیه السلام اشاره کرده و می فرماید:

وَيَحَا لِطَالِقَانِ! فَإِنَّ لِلَّهِ عِزًّا وَجَلًّا بِهَا كُنُوزًا لَيْسَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ وَلَكِنْ بِهَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَهُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ.

خوشا بر احوال طالقان و رحمت خدا بر آن باد! چه آنکه برای خدای عز و جل در آنجا گنج هایی است که از طلا و نقره نیست، لکن در آن سرزمین مردان با ایمانی هستند که خدا را به حق معرفت شناخته اند و آنها یاوران مهدی علیه السلام در آخر الزمان هستند. (۱)

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (۲): «به راستی ما بعد از ذکر (تورات) در زبور داود نوشتیم که (روزی خواهد آمد که) بندگان صالح من زمین را به ارث خواهند برد». می فرماید: «صالحان اصحاب مهدی علیه السلام در آخر الزمان هستند». (۳)

بی شک یاران امام زمان علیه السلام در بُعد اعتقادی، بهترین معرفت را به حق داشته و در بُعد عملی به برترین صلاح و درستکاری دست یافته، و مهر قبولی را از امام خویش دریافت کرده اند، که این گونه در لسان خدا و اولیائش مدح و تعریف می شوند!

۱- ینابیع الموده: ج ۳ ص ۳۹۳، ۲۹۸؛ کشف الغمه، اربلی: ج ۳ ص ۲۷۹؛ کتاب الفتوح، احمد بن اعثم کوفی: ج ۲ ص ۳۲۰.

۲- الانبیاء: ۱۰۵.

۳- بحار الانوار: ج ۱۵ ص ۱۷۸.

واضح است که تا کسی در میدان امتحان های غیبت موفق و پیروز نگشته باشد، پرونده اعتقاد و عملش این گونه بی قید و شرط مورد امضای خدا و ولی او قرار نمی گیرد، که هم مدال پر افتخار معرفت به پروردگار - آن هم به حق معرفت - و هم نشان بی مثال صلاح در عمل را از خدای خویش دریافت نماید.

با این بیان، به خوبی روشن می گردد که چگونه حقیقت غدیر در عصر ظهور آخرین امیر یعنی امام عصر علیه السلام تجلی پیدا می کند؛ و تمام اهداف خلقت و اغراض بعثت و رسالت و مقصود خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله از تعیین امام برای منصب امامت به دست توانای آخرین وصی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله عملی می گردد.

به امید آن روز، دست به دعا برداشته و با اشک و آه هر روز و هر شب تکرار می کنیم: «اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ».

### منابع و مأخذ

۱. روضه الواعظین
۲. الاحتجاج
۳. یقین
۴. الغیبه، شیخ طوسی
۵. کمال الدین، شیخ صدوق
۶. تأویل الآیات الظاهره
۷. بحار الانوار
۸. نوادر الاخبار
۹. منتخب الاثر
۱۰. ینابیع المودّه
۱۱. کشف الغمّه، اربلی
۱۲. کتاب الفتوح، احمد بن اعثم کوفی



## ظهور، تجلی غلبه حق غدیر بر باطل ها : علی نظری منفرد

### چکیده

۱. اهداف غدیر: تعیین سرنوشت مردم بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله با ولایت، تعیین تکلیف رسالت با ولایت، اتحاد ملت اسلام با ولایت.

۲. موانع تحقق غدیر: کینه های بدر و احد، اخذ به آراء، پیروی از شهوات.

۳. عصر ظهور زمان تحقق غدیر: غلبه حق بر باطل، بیداری و آگاهی و تکامل عقل ها، حاکمیت حق و خاتمه دادن به حاکمیت ظلم، تجلی ارزش های انسانی، استخلاف مؤمنین به وعده الهی

### مقدمه

عصر ظهور عصر غلبه حق بر باطل و از میان رفتن باطل است؛ که «جاء الحقُّ وَ زَهَقَ الباطِلُ إِنَّ الباطِلَ كانَ زَهُوقاً» (۱).

## دگرگونی های عصر ظهور

عصر ظهور عصر بیداری، آگاهی، تکامل خردها و عقول بشری است. چنان که عصر ظهور عصر حاکمیت حق و خاتمه دادن به حاکمیت ظلم و بیدادگری است.

عصر ظهور عصر نوید عدل و داد، امن و امان و برچیده شدن بساط ظلم و جور و عدوان است. عصر ظهور عصر تجلی ارزش های انسانی، پدیدار شدن مدینه فاضله و سقوط استکبار و مستکبران است.

عصر ظهور عصر حکومت شایستگان و صالحین است. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (۱).

عصر ظهور عصر به قدرت رسیدن مستضعفان خواهد بود. «وَأُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (۲).

عصر ظهور عصر تحقق وعده الهی به مؤمنان خواهد بود. «وَعِيدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (۳).

## غدیر برای پاسداری و حفاظت از دین

دین اسلام شریعتی هماهنگ با سرشت و فطرت آدمی است. قرآن کریم در این رابطه می فرماید: «فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (۴): «فطرت خدایی که انسان ها را بر آن فطرت آفرید و در

۱- انبیاء: ۱۰۵.

۲- قصص: ۵.

۳- نور: ۵۵.

۴- روم: ۳۰.



آفرینش تغییری نیست، و این است دین حق و درست و لکن بیشتر انسان ها نمی دانند».

هنگامی که دین هماهنگ با فطرت باشد و فطرت آدمی تغییر ناپذیر، آئین دیگری نمی تواند جای اسلام را بگیرد؛ مگر اینکه فطرت آدمی تغییر یابد و آیین مطابق با فطرت تغییر یافته جایگزین آن شود. بدیهی است که تغییر فطرت آدمی امری محال و غیر ممکن است؛ و دین هماهنگ با فطرت نیز تغییر نخواهد یافت، همان طور که در روایات آمده که امام صادق علیه السلام فرموده اند: «حَلَالٌ مُّحَمَّدٍ حَلَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».<sup>(۱)</sup>

بر این اساس، حفاظت و پاسداری از حریم دین و نگهداری آن شؤنی می طلبد. از جمله رهبر و پیشوایی می خواهد که این رهبری با رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پایان پذیرفت و آن بزرگوار آنچه را لازم بود ابلاغ کرد. اما حراست و نگهداری از آنچه حضرت آورده بود نیازمند به وجود پیشوایی داشت که هم تبیین و توضیح دین و تفسیر آن را به دیگران ارائه دهد، و هم حدود شریعت را از دستبرد زدن به آن پاسداری نماید. این امر تنها در صلاحیت پیشوایی بود که دارای مقام عصمت بوده و از نظر علم و سایر شرایط شایستگی لازم را دارا باشد.

### بدون غدیر رهبری امکان ندارد

با توجه به این ویژگی ها که لازمه پیشوایی و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله است، امکان نداشت که تعیین رهبر با انتخاب مردم صورت گیرد. لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز هجدهم ذی الحجه سال دهم هجرت در راه بازگشت از مکه معظمه<sup>(۲)</sup> در جمعی بالغ

۱- الکافی: ج ۱ ص ۵۸.

۲- این حج را «حججه الاسلام»، «حججه الوداع»، «حججه العام»، «حججه البلاغ» و «حججه الکمال» می نامند.

بر هفتاد هزار تا یکصد و بیست و چهار هزار نفر، در مکانی به نام غدیر خم این رسالت عظمی را به انجام رساندند، که به فرموده قرآن معادل با تمام رسالت و پیامبری ایشان بود. (۱)

در آن روز حضرت دستور دادند که رفته ها را بازگردانند و عقب مانده ها هم برسند. ظهر فرا رسید و نماز ظهر را به جماعت خواندند، و به امر حضرت منبری از سنگ و جهاز شتران درست شد.

حضرت بر فراز منبر رفتند و خطبه بسیار طولی را با حمد و سپاس الهی شروع و با «معاشر الناس» خواندند، و قبل از آن خبر از نزدیکی اجلشان دادند. بعد فرمودند: «يُوشِكُ أَنْ أُدْعَى فَأَجِيبُ»: «نزدیک است که فراخوانده شوم و اجابت نمایم». بعد از آن فرمودند: «أَلَسْتُ أَوْلَىٰ مِنْكُمْ بِأَنْفُسِكُمْ؟» مردم گفتند: بلی یا رسول الله! بعد حضرت دست حضرت علی علیه السلام را گرفت و فرمود: «هر کس من امیر و مولای او هستم علی امیر و مولای اوست».

این جریان غدیر به طور مختصر مورد اتفاق شیعه و سنی است، و از اصحاب ۱۱۰ نفر آن را نقل نموده اند؛ که هیچ خبری مانند غدیر این طور قوی نیست که از اصحاب رسول خدا علیه السلام نقل کرده باشند.

سؤال این است: با توجه به اینکه اسلام یک دین ابدی است، حکومت اسلامی که تشکیل شده بود آیا بایستی بماند یا نماند؟ در پاسخ باید گفت: گرچه طلوع اسلام با بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز شد، اما این دین همیشگی و فراگیر و برای همه ملل است، و از نظر عمود زمان هم تا روز قیامت ادامه دارد، چنانکه امام صادق علیه السلام فرمودند: «حَلَالٌ مُحَمَّدٌ حَلَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا يَكُونُ غَيْرُهُ وَ

۱- «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ». مائده: ۶۷.

لا يَجِيءُ غَيْرُهُ» (۱) در آیه شریفه هم می فرماید: «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (۲).

ما حق داریم این سؤال را از خودمان داشته باشیم که آیا این دینی که پیامبر صلی الله علیه و آله آورده و خود او خاتم الانبیاء است، و این دین بایستی برای همیشه بماند و نسل ها بایستی از این دین پیروی کنند، آیا حافظ و نگهدارنده می خواهد یا نمی خواهد؟

با کمترین اندیشه و اندکی فکر، پاسخ مثبت است؛ یعنی نمی شود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله این حکومت بیست و سه ساله که ده سال آن را در مدینه با شدائد و مشکلات پشت سر گذاشته، تا این درخت تنومند اسلام را بارور کرده و اکنون موقع بازدهی این درخت است، رها کند و بگوید: من رفتم خدا حافظ، شما را هم به خدا سپردم و شما هم هر کاری می خواهید بکنید!!

ما اگر سراغ غدیر هم نرویم و به خرد و عقل خود مراجعه کنیم، انسان نمی تواند باور کند که پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را بلا تکلیف گذاشته است.

## اهداف غدیر

### یک:

تعیین سرنوشت مردم بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله

پیامبر صلی الله علیه و آله نور و هدایت است، و قرآن مجید از ایشان تعبیر به شمس و سراج منیر می کند. آیا ممکن است مردم را در ابهام و شک و اضطراب و بلا تکلیفی بگذارد و برود؟!!!!

### دو:

تعیین تکلیف رسالت که تا روز قیامت بایستی ادامه پیدا کند.

۱- کافی: ج ۱ ص ۵۸.

۲- آل عمران: ۸۵.

سه :

تعیین تکلیف با مسئله ولایت، به معنای اکمال دین و اتمام نعمت.

چهار :

دستیابی به اسلام راستین.

حضرت صدیقه طاهره علیها السلام در خطبه فدکیه می فرمایند: «اسلام را دگرگون کردند» به این معنا که اسلام راستین را از منبع اسلام که صاحب ولایت بود نگرفتند.

پنج :

اتحاد امت.

حضرت زهرا علیها السلام می فرمایند: «وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمَلَّةِ وَ إِمَامَتَنَا أَمَاناً لِلْفُرْقَةِ»<sup>(۱)</sup>: «خداوند امامت ما را قرار داد تا امت نظم پیدا کنند و از تفرقه و تشتت در امان باشند».

همچنین حضرت زهرا علیها السلام در کلام دیگری می فرمایند: «وَ اللَّهُ لَوْ تَرَ كُوا الْحَقَّ عَلَى أَهْلِهِ، وَ اتَّبَعُوا عِتْرَةَ نَبِيِّهِ، لَمَا اخْتَلَفَ فِي اللَّهِ اثْنَانِ، وَ لَوْرَثَهَا سَيْلَفٌ عَنْ سَيْلَفٍ، وَ خَلَفَ بَعْدَ خَلْفٍ، حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا، التَّيَّاسُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ»<sup>(۲)</sup>. در این حدیث تصریح شده که اگر حق به اهلش واگذار می شد، هرگز این تشتت و اختلاف در امت اسلامی به وجود نمی آمد.

### موانع تحقق غدیر

باید بدانیم که ائمه معصومین علیهم السلام چه نکات و مطالب دقیقی را فرموده اند؟ چه چیزی باعث شد که اهداف غدیر تحقق پیدا نکند؟

در فرازی از دعای ندبه که از معصوم علیه السلام رسیده می فرمایند: «أَحْقَاداً بَدْرِيَّةً وَ خَيْبَرِيَّةً وَ حُنَيْنِيَّةً وَ غَيْرَهُنَّ»<sup>(۳)</sup>. مانع تحقق غدیر حقد و کینه هایی بود که در جنگ بدر و خیبر و حنین داشتند، و اینها بود که نمی گذاشت غدیر تحقق پیدا کند.

۱- خطبه فدکیه .

۲- الانصاف فی النص علی الأئمه علیهم السلام ، با ترجمه رسولی محلاتی: ص ۴۱۲ .

۳- دعای ندبه .

حضرت زهرا علیها السلام می فرماید: «وَاللَّهِ لَوْ تَرَكَوا الْحَقَّ عَلَى أَهْلِهِ، وَاتَّبَعُوا عِتْرَةَ نَبِيِّهِ، لَمَا اخْتَلَفَ فِي اللَّهِ اثْنَانِ»<sup>(۱)</sup>؛ و سپس در ذیل آن موانع تحقق اهداف غدیر را بیان می فرماید که با صراحت کامل بیان نموده اند: «الْمَ يَسْمَعُوا اللَّهَ يَقُولُ: «وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ، بَلْ سَمِعُوا»»<sup>(۲)</sup>.

اینها شنیده و آگاه بودند. پس چه موانعی را به وجود آوردند که اهداف غدیر پیاده نشد؟ می فرماید: «وَلَكِنْ أَخَذُوا بِأَرَائِهِمْ وَاتَّبَعُوا شَهَوَاتِهِمْ».

اینها رأی خودشان برایشان ملاک بود. متابعت از امیال و جاه طلبی و قدرت و خود را مطرح کردن و علاقه به مقام بود. پس آنچه مانع تحقق اهداف غدیر شد - با استناد به دعای ندبه - حقد و کینه بود، آنجا که می فرماید: «أَحْقَاداً بَدْرِيَّةً وَ خَيْبَرِيَّةً وَ حُنَيْنِيَّةً وَ غَيْرَهُنَّ»، و با استناد به فرمایش حضرت صدیقه طاهره علیها السلام پیروی از شهوات بود.

### منابع و مأخذ

۱. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ناشر اسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش.
۲. الانصاف فی النص علی الأئمه علیهم السلام، سید هاشم بحرانی، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش.

۱- بحار الانوار: ج ۳۶ ص ۳۵۳.

۲- الانصاف فی النص علی الأئمه علیهم السلام، ترجمه رسولی محلاتی: ص ۴۱۲.



## تجلی امامت الهی غدیر در عصر ظهور: اصغر منتظر القائم

### چکیده

۱. امامت غدیر مبتنی بر جانشینی پیامبران در قرآن است.

۲. جایگاه برتر امام غدیر از طرف خدا اعلام می شود.

۳. علم امام غدیر ریشه اکتسابی ندارد و از طرف خداست.

۴. امامت غدیر مبتنی بر عصمت است که جز خدا و رسول صلی الله علیه و آله نمی تواند او را بشناسد.

۵. امام غدیر قدرت انحصاری خود را با ادعا به دست نمی آورد؛ بلکه از طریق فرمان خدا و رسول صلی الله علیه و آله است.

۶. پیامبر صلی الله علیه و آله در خطابه غدیر ۲۶ بار تأکید کردند که ولایت علی علیه السلام از جانب من نیست، بلکه از جانب خداست.

۷. امامان غدیر در هر فرصتی اعلام می کردند که امامت ما از طرف خداست.

۸. امامان غدیر با غدیر زدایی مقابله کرده اند و مقام الهی خود را یادآور شده اند.

۹. در عصر ظهور، امام زمان علیه السلام مثل سایر امامان از حقّ منصوصی خود دفاع می نماید، چه از نظر گفتمان و چه در اجرا.

۱۰. غدیر از زمان وقوع تا ظهور به صورت گفتمان بوده، و در زمان ظهور گذشته از گفتمان به صورت اجرا تحقّق می یابد.

### امامت غدیر مبتنی بر جانشینی پیامبران

بنیان فکری امامت در تشیع، مبتنی بر جانشینی پیامبران در قرآن است، که خداوند آن را در یکی از فرزندان ذکور و یا برادر قرار داده است، همان گونه که درباره نوح و ابراهیم علیهما السلام خداوند جانشینی را در فرزندانشان قرار داد. (۱) حضرت موسی علیه السلام از پروردگار خود تقاضا کرد: «از خاندانم کسی را وزیر و معاون من قرار ده: برادرم هارون را، و به او پشتم را محکم کن و او را در امر رسالت من شریک ساز». (۲)

در آیاتی دیگر، خداوند به داوود خلیفه خود بر روی زمین سلیمان را عطا کرد و سلیمان وارث داوود شد. (۳) همچنین حضرت زکریا علیه السلام از خداوند ذریه ای پاک تقاضا کرد و خداوند نیز درخواست وی را اجابت کرد؛ و فرشتگان در نماز به وی ندا دادند که خداوند تو را به یحیی بشارت می دهد، در حالی که او به کلمه خدا گواهی دهد و او خود پیشوا و پارسا و پیامبری از شایستگان است. (۴)

بدین سان خداوند مسئله جانشینی پیامبران را در خاندان آنان قرار داد، در حالی که باید شایستگی اخلاقی و مقام عصمت و علم را داشته باشند. آن گونه که درباره

۱- حدید: ۲۶؛ عنکبوت: ۲۷؛ انعام: ۸۴.

۲- طه: ۲۹ - ۳۲.

۳- ص: ۳۰؛ نمل: ۱۶.

۴- آل عمران: ۳۸، ۳۷.



حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: «عهد من به ستمکاران نخواهد رسید».<sup>(۱)</sup>

در آیاتی از سوره بقره خداوند به بنی اسرائیل می فرماید: «به شما نعمت دادم».<sup>(۲)</sup> با مقایسه این آیات با آیه ۱۵۰ سوره بقره و آیه سوم و ششم سوره مائده بر ما روشن می گردد که منظور از نعمت امامت است که خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «نعمت خود را بر شما تمام کردم».<sup>(۳)</sup> و اکمال نعمت بر آن حضرت در غدیر خم با معرفی امام علی علیه السلام به امامت صورت گرفت.

### جایگاه برتر امام غدیر از طرف خدا

از مقایسه امتیازات خاندان پیامبران پیشین و اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله در قرآن جایگاه برتر آنان بر ما روشن می گردد، زیرا علاوه بر آنکه مزد رسالت آن حضرت را دوستی اهل بیت قرار داده<sup>(۴)</sup> بخشی از خمس و غنایم و قسمتی از فیء<sup>(۵)</sup> را به خاندان رسول الله صلی الله علیه و آله اختصاص داده و آنان را از هر پلیدی پاکیزه گردانیده است.<sup>(۶)</sup>

بدین گونه علم امام ریشه اکتسابی ندارد و لدنی و افاضه ای و فراتر از آموخته های مدرسه است. امامان اعلم معاصران خود هستند و آگاه ترین مردم و حافظ و نگهبان شریعت بوده و اطاعت از آنان همچون اطاعت از خدا و رسول الله صلی الله علیه و آله است. اولی الامر امامان دوازده گانه هستند که خداوند به اطاعت از آنان فرمان داده است.<sup>(۷)</sup>

۱- بقره: ۱۲۴.

۲- بقره: ۴۰، ۴۷، ۱۲۲.

۳- مائده: ۳.

۴- شوری: ۲۳.

۵- انفال: ۴۱؛ حشر: ۷.

۶- احزاب: ۳۳.

۷- نساء: ۵۹.

## امامت غدیر مبتنی بر عصمت

یکی از آموزه های قرآنی شیعیان عصمت امام است. از این رو امام باید از جانب خدا تعیین شده باشد (۱)، چرا که امام معصوم را کسی جز خدا نمی تواند بشناسد، آن گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «الْأَمْرُ إِلَى اللَّهِ يَضَعُهُ حَيْثُ يَشَاءُ» (۲): «این کار به دست خدا است هر جا که بخواهد آن را قرار خواهد داد».

## قدرت انحصاری امام غدیر از طرف خدا

رسول خدا صلی الله علیه و آله با فرمان های گوناگون جانشینان و حاملان میراث و نور نبوت را به مردم معرفی کرده است. چنین امامی قدرت انحصاری خود را با دعاوی سیاسی به دست نمی آورد، بلکه انتخاب او از طریق فرمان خداوند و رسول خدا صلی الله علیه و آله صورت گرفته و پس از وی نیز هر امامی می بایست پیش از رحلت خود جانشینش را معرفی و منصوب کند. آن گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «جانشینان من دوازده نفرند که همگی آنان از قریش هستند» (۳).

در روایت دیگر فرمودند: «إِنَّ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَاءِي وَحُجَجَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي إِثْنَا عَشَرَ، أَوْلَهُمْ عَلِيٌّ وَآخِرُهُمْ وَلَدِي الْمَهْدِيُّ» (۴) در حدیث جابر نیز نام امامان را به اسم معرفی کردند.

در آیات دیگری خداوند به وراثت مقام الهی پیامبران در خاندان آنان اشاره کرده، و پیوستگی نسلی انبیاء را به شکل وصایت موروثی بیان داشته است، آن گونه که در

۱- نهج الحق و کشف الصدق: ص ۲۲۹.

۲- سیره ابن هشام: ج ۲ ص ۷۲۷.

۳- صحیح بخاری: ج ۶ ص ۲۶۴۰.

۴- ینابیع الموده، قندوزی: ج ۳ ص ۲۶۶.

سوره آل عمران آیات ۳۴ و ۳۳، و سوره انفال آیه ۷۵، و سوره نساء آیه ۱۶۴، آن را مورد تأکید قرار داده است.

### جانشین الهی امام علی علیه السلام

رسول خداصلی الله علیه و آله چندین روایت متواتر را بر ولایت امام علی علیه السلام بیان داشته اند، که از آن جمله حدیث یوم الانذار به روایت بُریده بن حَصَّیب است که فرمودند: «یا بُریده! لا تَقَعْ فی عَلَیِّ؛ عَلَیِّ مِنِّی وَ اَنَا مِنْهُ وَ هُوَ وَ لَیْسَ بِکُمْ بَعْدَی» (۱): «ای بریده! درباره علی شکایت نکن که علی از من است و من از او هستم، و او ولی شما پس از من است».

حدیث سفینه نوح (۲) و حدیث متواتر ثقلین (۳) و سرانجام در غدیر خم در میان نمایندگان قبایل و شهرهای اسلامی در بازگشت از حجه الوداع در یک سخنرانی مفصل ۲۶ بار تأکید کردند ولایت علی علیه السلام از جانب من نیست و از جانب خداوند است و پس از بیان فضایل امام علی علیه السلام و حدیث ثقلین فرمودند: «مَنْ کُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِیٌّ مَوْلَاهُ؛ اَللّٰهُمَّ وَاِلٰهَ وَاِلٰهَ مَنْ عَادَ مِنْ عَادَةٍ» (۴): «هر که را من مولای اویم، علی مولای اوست. خدایا هر کس او را دوست بدارد دوست بدار، و هر که او را دشمن بدارد دشمن بدار».

### استشهاد امامان علیهم السلام به امامت الهی

امامان شیعه از هر فرصتی برای تبیین جایگاه منصوسی خود استفاده می کردند، از آن جمله امام علی علیه السلام فرمود: «من اگر حق خود را می خواهم، خدا و رسول مرا به این

۱- بحار الانوار: ج ۳۸ ص ۳۲۶.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج ۲ ص ۲۷.

۳- بحار الانوار: ج ۲ ص ۱۰۰.

۴- خطبه غدیر.

مقام برگزیده اند و شما مرا از آن محروم می کنید و میان من و خلافت فاصله می اندازید. بار خدایا! مرا بر قریش یاری کن زیرا آنان رحم مرا قطع کردند و حَقَم را پایمال کردند و مقام بزرگ مرا تحقیر نمودند، و در نزاع و جنگ با من متحد شدند. آنها مقامی را که شایسته من بود، از من گرفتند» (۱).

### مقابله امامان غدیر با غدیر زدایی

امیرالمؤمنین علیه السلام در چندین مورد برای مبارزه با غدیر زدایی متعرض واقعه غدیر شده و به استناد با آن به مقام الهی خود استناد کرده اند. از آن جمله در میدان بزرگ کوفه بود که ۱۲ نفر از صحابه بدری شهادت دادند که حدیث غدیر را از رسول خداصلی الله علیه و آله شنیده اند (۲).

همچنین امام علی علیه السلام در مسجد النبی صلی الله علیه و آله بپاخاست و مهاجران و انصار را بر فضایل خود و حدیث غدیر گواه گرفت و اصحاب حاضر شهادت دادند این حدیث را از رسول خداصلی الله علیه و آله شنیده اند (۳).

حضرت زهراعلیها السلام نیز در خطبه خود در مسجد النبی صلی الله علیه و آله متعرض امامت اهل بیت علیهم السلام شده فرمودند: «امامت ما اهل بیت علیهم السلام موجب نظم شریعت و مصونیت از تفرقه می گردد» (۴).

امام حسن مجتبی علیه السلام در نامه ای به معاویه به حقوق الهی خود اشاره داشته می فرمایند: «ما به راستی از کسانی که در ربودن حق ما بر ما یورش بردند در شکفتیم!

۱- نهج البلاغه: خطبه ۱۲۷ .

۲- تاریخ مدینه دمشق: ج ۲ ص ۸ .

۳- نفحات الازهار: ج ۳ ص ۲۴۲ .

۴- خطبه فدکیه حضرت زهرا علیها السلام .

زیرا خلافت رسول الله صلی الله علیه وآله را که حق مسلم ماست از چنگ ما ربودند» (۱).

همچنین امام حسین علیه السلام در نامه ای به بزرگان بصره می نویسد: «ما خاندان رسالت جانشینان رسول خدا صلی الله علیه وآله و وارثان وی بودیم، و از همه مردم نسبت به جایگاه وی شایسته تریم» (۲).

آن حضرت در محل «ذو حسم» در برابر سپاه حرّ بن یزید ریاحی فرمود: «ای مردم! ما خاندان رسول خدا صلی الله علیه وآله به کار خلافت شما از این مدعیان ناحق که با شما رفتار ستمگرانه دارند شایسته تریم. مگر نمی بینید که به حق عمل نمی کنند و از باطل باز نمی دارند؟ به راستی مؤمن باید مشتاق دیدار خدا باشد. من مرگ را جز نیک فرجامی نمی دانم و زندگی با ستمگران را جز ذلت نمی بینم» (۳).

امام علی بن الحسین علیه السلام نیز در بیداری وجدان جامعه و آشنایی مردم به حقوق الهی خاندان رسالت در قالب دعاهای گوناگون تلاش وسیعی کرده اند، و از جمله در دعای عرفه فرموده اند: «پروردگارا! بر پاکان اهل بیت رحمت فرست که آنان را برای امر خود برگزیدی، تا کلید داران خزائن علم تو و نگهبانان دین و خلفای تو در روی زمین و حجت های فروزان تو بر بندگانت باشند. تو آنان را از پلیدی ها بر کنار داشته ای و مقرر فرموده ای که میان تو و بندگان تو وسیله ای باشند و به سوی بهشت تو راه بنمایند» (۴).

به همین سبب تلاش گسترده امام زین العابدین علیه السلام در دعاهای گوناگون این بود که مردم را به حقوق اهل بیت علیهم السلام آشنا سازد. امام باقر علیه السلام نیز در تبیین امامت در مکتب اهل بیت علیهم السلام تلاش وسیعی را آغاز کردند و با استناد به روایات رسول خدا علیه السلام درباره

۱- مقاتل الطالیین: ص ۶۵.

۲- تاریخ طبری: ج ۴ ص ۲۶۶.

۳- تاریخ طبری: ج ۴ ص ۳۰۳.

۴- مفاتیح الجنان، دعای عرفه: ص ۲۰۰.

امامت فرمودند: «هر کس بدون امام بمیرد به جاهلیت مرده است»<sup>(۱)</sup> و فرمودند: «امامت یکی از ستون های عمده اسلام است، و امامان حافظ و هادی مؤمنان بوده و اطاعت آنان واجب است. آنان اهل ذکر و خزائن علم الهی و نوری هستند که مؤمنان را به راه راست هدایت می کنند و دل های آنان را روشنایی می بخشند. قرآن به آنان به میراث داده شده و آنها مفسران وحی و راسخان در علم هستند»<sup>(۲)</sup>.

امام صادق علیه السلام نیز در تبیین نظریه امامت، شناسایی امام را بر هر مؤمنی واجب می دانست و فرمود: «مَنْ مَاتَ وَ لَا يَعْرِفُ اِمَامَهُ مَاتَ مِثَّةً جَاهِلِيَّةً»<sup>(۳)</sup> آن حضرت با انتخاب سیاست تقیه و تبیین آن، از ادعای امامت الهی خود دست برداشت و در مراسم عرفه از امامت رسول الله صلی الله علیه و آله و اجداد طاهرینش سخن گفت و فرمود: «رسول الله صلی الله علیه و آله امام بود، سپس علی بن ابی طالب، و سپس حَسَنَ بنین و پس از آن علی بن الحسین و محمد بن علی علیهما السلام و سپس من امام هستم»<sup>(۴)</sup>.

داعیه امامت و رهبری الهی بر جامعه اسلامی از سوی امام موسی بن جعفر علیه السلام در پاسخ سؤال هارون در تعیین حدود فدک بود، که آن حضرت ادعای خلافت بر جهان اسلام را طرح کردند و فرمودند: «يَكُ حُدَّ اَنْ عَدَنَ، حُدَّ دِيْكَرَ سَيَمْرُقَنْدَ وَ حُدَّ دِيْكَرَ اِفْرِيقِيَّةَ وَ حُدَّ چَهَارْمَ اَنْ اَرْمِيْنِيَّةَ اسْت»<sup>(۵)</sup>.

### پیوند توحید و امامت

امام رضاعلیه السلام نیز پس از آنکه ناگزیر به قبول ولایتعهدی گردید در خطبه ای فرمود:

- ۱- اصول کافی: ج ۱ ص ۳۷۱.
- ۲- اصول کافی: ج ۲ کتاب الحجج.
- ۳- اصول کافی: ج ۳ ص ۴۰.
- ۴- فروع کافی: ج ۴ ص ۴۶۶.
- ۵- مناقب ابن شهر آشوب: ج ۴ ص ۳۲۰.

«ما را به واسطه رسول الله صلی الله علیه وآله بر شما حقی است و شما را نیز به خاطر رسول خدا بر ما حقی است. هر گاه شما حقی ما را پرداختید بر ما واجب است حقی شما را ادا کنیم»<sup>(۱)</sup>.

آن حضرت در نیشابور با بیان حدیث سلسله الذهب فرمود: «كَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي؛ فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي آمِنَ مِنْ عَذَابِي. سپس فرمود: «بِشُرُوطِهَا وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا»: «کلمه توحید شروطی دارد و من یکی از این شروط هستم»<sup>(۲)</sup>.

بدین ترتیب امام رضا علیه السلام این مسئله اساسی را برای مردم تبیین می کنند که توحید با امامت برگزیدگان خداوند در پیوند است؛ چرا که اسماء و صفات خدا در وجود انسان کامل، یعنی امام تجلی می یابد؛ و به وسیله امام راه توحید شناخته می شود. شاید این سخن بی تأثیر نباشد که کلمه «لا اله الا الله» دوازده حرف است و امامت نیز در قرآن ۱۲ مرتبه آمده است! (۱۷ هود، ۱۲ یس، ۱۲ احقاف، ۱۲ توبه، ۵ قصص، ۷۲ انبیاء، ۲۴ سجده، ۷۴ فرقان، ۱۲۴ بقره، ۷۰ اسراء، ۷۹ حجر و ۴۱ قصص).

لذا امام رضا علیه السلام فرمود: خداوند می فرماید: «کلمه "لا اله الا الله" دژ من است». آن حضرت در مسجد جامع مرو در تبیین مسئله امامت شئون گوناگون آن را تبیین فرمودند:

امامت از منازل انبیاء و ارث اوصیاست. امامت خلافت خداوند و رسول اکرم صلی الله علیه وآله و امیرالمؤمنین علیه السلام و میراث حسن و حسین علیهما السلام است. امامت زمام دین و نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مؤمنین و ریشه اسلام و شاخه بلند آن است.<sup>(۳)</sup>

۱- مقاتل الطالبيين: ص ۴۵۵.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج ۱ ص ۱۴۳.

۳- عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج ۱ ص ۱۹۷.

همچنین امام علی بن محمد علیه السلام در زیارت جامعه کبیره که از مشهورترین و معتبرترین زیارات فرهنگ شیعه است، طرح اساسی مسئله امام شناسی و معارف عمیق توحیدی و ولایی و فضایل انسان کامل را در انداختند؛ و امام را به عنوان حجت خدا و معدن اسرار الهی و خزانه علم خداوند و رهبر سیاسی و فکری جامعه اسلامی معرفی نمودند.

### دفاع امام زمان علیه السلام از حق منصوصی خود در گفتمان و اجرا

بدین سان بر ما روشن می گردد مسئله امامت در قرآن، به عنوان وصایت و جانشینی انبیاء و حاصل میراث پیامبران در فرزندان ذکور و یا برادر به شرط علم و عصمت تحقق پیدا می کند.

تعیین امام از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله بر عهده خداوند گذاشته شده و مسئله منصوصی آن تأکید شده و غدیر خم تجلی نص امامت و جانشینی آن حضرت است.

طرح امامت منصوصی و استشهاد به آن به عنوان حقی که خداوند بر عهده امامان گذاشته از سوی آنان تصریح شده است، و هر کدام از امامان شیعه به نحوی به تبیین وظایف و شئون و اختیارات امام در خطبه ها و نامه ها و زیارات و روایات خود به آن تصریح کرده اند و بیشتر آنان به شکل های گوناگون، داعیه امامت و رهبری الهی خود را بیان داشته اند.

به همین سبب، ریشه گفتمان منصوصی امامت در قرآن است و پایه و اساس آن بر غدیر نهاده شده، و هر کدام از امامان به تبیین آن پرداخته اند. بنابراین در عصر ظهور امام زمان علیه السلام، ایشان نیز مثل دیگر اهل بیت علیهم السلام از حق خود دفاع نموده و آنچه در غدیر بیان گردیده را محقق می نمایند؛ هم در گفتمان منصوصی و هم در اجرا، تمام آن شئون و اختیارات را به امر خداوند بدون هیچ مانعی طبق وعده الهی انشاء الله به ظهور



خواهند رسانند». در زمان غدیر و زمان اهل بیت علیهم السلام تا زمان ظهور امام زمان علیه السلام، فقط گفتمان بوده و در جاهایی خاص به اجرا در آمده است، و لکن در زمان ظهور امام زمان علیه السلام هم گفتمان منصوصی است و هم در اجرا به ظهور می رسد.

### منابع و مأخذ:

۱. قرآن مجید.
۲. ابن شهر آشوب سروی؛ مناقب آل ابی طالب، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ ق.
۳. ابن هشام، عبدالملک؛ السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، مصر، مطبعه مصطفی البابی الحلبی، ۱۳۷۵ق
۴. ابن حنبل، احمد؛ مسند، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۵. ابن عساکر، شافعی دمشقی؛ ترجمه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام من تاریخ دمشق، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، بیروت، مؤسسه المحمودی، ۱۳۹۸ ق.
۶. اصفهانی، ابوالفرج؛ مقاتل الطالبیین، تحقیق احمد صقر، بیروت، منشور الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.
۷. اصفهانی، ابونعیم؛ ذکر اخبار اصفهان، تحقیق سید حسن کسروی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
۸. بخاری، اسماعیل؛ صحیح بخاری، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۹. بغدادی، ابن طیفور؛ بلاغات النساء، تحقیق برکات یوسف هبود، بیروت، المکتبه العصریه، ۱۴۲۱ق.
۱۰. ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد؛ الغارات، تحقیق عبدالزهراء الحسینی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۷ق.
۱۱. دینوری، ابن قتیبه؛ عیون الاخبار، تحقیق یوسف علی طویل، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.

- ۱۲ . صدوق، محمد بن بابويه؛ عيون اخبار الرضا عليه السلام، بيروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ق.
- ۱۳ . طبرسی ، احمد بن علی؛ الاحتجاج، تهران، انتشارات اسوه، ۱۳۷۵ش.
- ۱۴ . طبری، محمد بن جریر؛ تاریخ الرسل و الملوك، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ق.
- ۱۵ . عسقلانی، ابن حجر؛ الاصابه فی تمييز الصحابه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ۱۶ . علی بن ابی طالب علیه السلام؛ نهج البلاغه، جمع آوری شریف رضی، تحقیق و ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات مشرقین، ۱۳۷۹ش
- ۱۷ . امام علی بن الحسین علیه السلام؛ صحیفه سجادیه، روایت حسین بن اشکب، تصحیح سید احمد سجادی، اصفهان، مؤسسه فرهنگي الزهراء علیها السلام، ۱۳۸۳ ش.
- ۱۸ . قندوزی، سلیمان بن ابراهیم حنفی؛ ینابیع الموده، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
- ۱۹ . کلینی رازی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی، ترجمه و شرح محمد باقر کمرهای، تهران، انتشارات اسوه، ۱۳۷۲ش.
- ۲۰ . کلینی رازی، محمد بن یعقوب؛ فروع کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
- ۲۱ . نیشابوری، حاکم؛ المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق

## تجلی عدالت غدیر در عصر ظهور: حسین تهرانی

### چکیده

۱. دو نکته مهم در خطبه غدیر: تعیین امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان اولین امام، معرفی حضرت مهدی علیه السلام به عنوان آخرین امام.
۲. امیرالمؤمنین علیه السلام عدالت را چگونه برقرار کرد و حضرت مهدی علیه السلام چگونه برقرار می کند.
۳. نمونه هایی از عدالت امیرالمؤمنین علیه السلام از زوایای مختلف.
۴. نمونه هایی از جوانب عدالت حضرت مهدی علیه السلام.
۵. زدودن پیرایه ها از دین توسط امام زمان علیه السلام.

### مقدمه

واقعه غدیر خُم یکی از مهم ترین حوادث تاریخ اسلام است، که در واپسین روزهای زندگی نبی اکرم صلی الله علیه وآله به وقوع پیوست. در عظمت این روز همین بس که خداوند کریم درباره آن چنین می فرماید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ

نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» (۱): «امروز دین شما را کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان آیین (جاودانه) شما پذیرفتم».

### تواتر حدیث غدیر

به اعتراف بسیاری از مورخان و علمای اهل سنت، این آیه در روز غدیر حُم نازل شده است. (۲) حدیث غدیر نه تنها معتبرترین سند در میان اسناد احادیث را داراست و غالب علمای اهل سنت به آن تصریح کرده اند، بلکه باید گفت که هیچ حدیثی در این حدّ از تواتر بر پایه حدیث غدیر نرسیده است. (۳)

۱- مائده: ۳.

۲- تفسیر الدرّ المنثور، جلال الدین عبدالرحمن بن ابوبکر السیوطی: ج ۲ ص ۲۵۹؛ تاریخ بغداد، خطیب بغدادی: ج ۸ ص ۲۹۰، ترجمه حبشون بن موسی الحلال، رقم ۴۳۹۲؛ تاریخ مدینه دمشق، ترجمه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ابن عساکر: ج ۴۲ ص ۲۳۳؛ تفسیر ابن کثیر: ج ۲ ص ۴۹۱؛ مناقب خوارزمی: ص ۸۰؛ تذکره الخواص، سبط بن جوزی، ص ۳۰؛ فرائد السمطين: ج ۱ ص ۷۳ باب ۱۲ ح ۳۹ و ج ۱ ص ۳۱۵ باب ۵۸ ح ۲۵۰؛ مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، ابن مغازلی شافعی: ص ۱۹؛ النور المشتعل من کتاب ما نزل من القرآن فی علی علیه السلام، ابی نعیم، ص ۵۶؛ ینابیع المودّه، قندوزی حنفی: ص ۱۱۵ باب ۳۸، الاتقان: ج ۱ ص ۷۵؛ الامالی الخمیسیه: ص ۱۴۶؛ ما نزل من القرآن فی علی علیه السلام، ابن مردویه: ص ۲۳۲؛ تفسیر طبری: ج ۶ ص ۱۰۲؛ تفسیر الماوردی: ج ۱ ص ۴۴۶؛ تفسیر المحرر الوجیز: ج ۲ ص ۱۵۴.

۳- گروه زیادی از علمای اهل سنت به صحت حدیث غدیر و تواتر آن اعتراف نموده اند. ر.ک: صحیح ترمذی: ج ۲ ص ۲۹۸؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری: ج ۳ ص ۱۰۹؛ البدایه و النهایه، ابن کثیر دمشقی: ج ۵ ص ۲۸۸؛ الصواعق المحرقة، ابن حجر مکی: ص ۴۲ و ۴۳؛ الاستیعاب، ابن عبد البر: ج ۲ ص ۳۷۳؛ السیره الحلبيه، علی بن برهان الدین الحلبي: ج ۳ ص ۲۷۴؛ تذکره الخواص، سبط ابن جوزی: ص ۱۸؛ فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، ابن حجر عسقلانی: ج ۷ ص ۶۱؛ مشکل الآثار، ابوجعفر احمد بن سلامه طحاوی: ج ۲ ص ۳۰۸؛ تفسیر روح المعانی، ابوالفضل شهاب الدین محمود الآلوسی: ج ۶ ص ۶۱؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید: ج ۹ ص ۱۶۶؛ مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، ابن مغازلی شافعی: ص ۲۶؛ کفایه الطالب، حافظ ابو عبد الله گنجی شافعی، ص ۶۱؛ العروه لاهل الخلوه، شیخ ابوالمکارم علاء الدین سمنانی: ص ۴۲۲؛ سرّ العالمین، ابو حامد غزالی: ص ۲۱؛ المواهب اللدنیّه، شهاب الدین قسطلانی: ج ۳ ص ۳۶۵؛ اسعاف الراغبین، ابوالعرفان صبان شافعی: ص ۱۵۳؛ مجمع الزوائد، حافظ نور الدین هیثمی: ج ۹ ص ۱۰۴، ۱۰۹؛ وسیله المآل فی مناقب الآل، شیخ احمد بن باکثیر مکی، ص ۱۱۷، ۱۱۸؛ السنّه، ابن ابی عاصم: ج ۲ ص ۵۶۶؛ تلخیص المستدرک، شمس الدین ذهبی: ج ۳ ص ۶۱۳، ح ۶۲۷۲؛ المرقاه فی شرح المشکاه، شیخ نور الدین هروی قاری حنفی: ج ۱۰ ص ۴۶۴ ح ۶۰۹۱؛ رساله فی طرق حدیث من کنت مولاه، شمس الدین ذهبی: ص ۱۱؛ نزل الابرار، میرزا محمد بدخشی: ص ۵۴.

با وجود این همه اسناد و مدارک اگر کسی در واقعه غدیر تشکیک ایجاد کند و آن را نپذیرد، باید گفت: هیچ واقعه ای در اسلام برای وی قابل اثبات نیست.

## دو نکته مهم در خطبه غدیر

### اشاره

خطبه ای که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در غدیر ایراد کرد، حاوی نکات ارزنده و مهمی است که از جمله آنها دو نکته زیر است:

#### ۱: تعیین امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان جانشین

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این روز طی خطبه ای غزّا به معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام پرداخت و او را به عنوان جانشین پس از خود به مردم معرفی کرد و فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»: «هر کس که من مولا- و سرپرست او هستم، این علی پس از من همان جایگاه را خواهد داشت».

اهل سنت اصل «حدیث غدیر» را پذیرفته و بر صحت آن اتفاق نظر دارند، اما برای فرار از واقعیت، موضوع «جانشینی» امیرالمؤمنین علیه السلام در فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را که فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»، حمل بر «دوستی آن حضرت» می نمایند، غافل از اینکه «مولی» در عبارت مورد نظر به معنای «اطاعت و فرمانبرداری» است.

بر فرض که بگوییم «مولی» به معنای «دوستی» است، حقیقت دوستی و محبت چیزی نیست جز اطاعت و فرمانبرداری از فردی که ما ملزم به دوست داشتن او شده ایم. ابن اثیر در کتاب «النهایه» کلمه «مولی» در عبارت «من كنت مولاة...» را این گونه معنا

کرده است: «أَيُّ مَنْ أَحَبَّنِي وَتَوَلَّانِي فَلْيَتَوَلَّهُ»<sup>(۱)</sup>: «هر کس مرا دوست داشته باشد و از من اطاعت می نماید، او (علی علیه السلام) را نیز دوست بدارد و از وی اطاعت نماید».

پس معلوم شد «مولی» در عبارت «من کنت مولاه فهذا علیّ مولاه» به معنای دوستی توأم با متابعت است، نه فقط دوستی؛ و این همان نظر و اعتقاد شیعه است، که خوشبختانه عده ای از علمای اهل سنت جسته و گریخته به آن اشاره نموده اند.

در مورد «آیه غار»<sup>(۲)</sup> که نه اسم ابوبکر در آن ذکر شده و نه از نظر ظاهر دلالتی به یار غار بودن ابوبکر دارد، عجیب این است که اهل سنت به طور قطع و یقین می گویند یار غار ابوبکر بوده و این آیه را یکی از فضیلت های وی به شمار می آورند! اما در مورد حدیث «غدیر» با توجه به اعترافی که در مورد صحت سند و تواتر آن نموده اند و با عنایت به اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله در مقابل هزاران نفر دست امیرالمؤمنین علیه السلام را گرفت و بلند کرد و او را به مردم نشان داد که فردا مردم به اشتباه سراغ علی دیگری نروند و با صراحت تمام فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»، چنین حقیقت واضح و آشکاری را نمی پذیرند و در مقام توجیه می گویند: مراد از مولی دوستی است.

یکی از بزرگان می فرمود: اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر کلمه «مولی» را به کار نمی برد، و به جای آن لفظ «خلیفه» را استعمال می کرد و می فرمود: «این علی بعد از من خلیفه است»، باز اهل سنت در مقام توجیه بر می آمدند و می گفتند: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده که علی علیه السلام بعد از من خلیفه است و امیرالمؤمنین علیه السلام هم بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله خلیفه شد و ما هم او را به عنوان خلیفه چهارم قبول داریم، زیرا مراد حضرت از استعمال کلمه «خلیفه» اخبار بوده نه انشاء، یعنی حضرت خواسته خبر از آینده بدهد که این

۱- النهایه، ابن اثیر: ج ۵ ص ۲۲۸ .

۲- «ثَانِي اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا». توبه: ۴۰.

علی بعد از من خلیفه خواهد شد و از فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله استفاده ای نمی شود که آن حضرت فرموده باشد  
امیرالمؤمنین علیه السلام خلیفه بلا فصل من است؟!!!!

بنابراین موضوع و مفاد خطبه غدیر، تعیین امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان خلیفه و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله است و مطرح نمودن چنین شبهاتی در این باره چیزی جز القایات شیطانی و گاه از سر هوا و هوس نیست؛ زیرا آن حضرت به شهادت تاریخ و به دلیل دارا بودن جمیع فضائل و کمالات و شایستگی ها، بهترین فرد به عنوان خلیفه و جانشین بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است.

## ۲: معرفی حضرت مهدی علیه السلام به عنوان آخرین امام

پیامبر صلی الله علیه و آله در فراز دیگر خطبه، به معرفی آخرین امام و خلیفه و جانشین خود می پردازد و می فرماید: «أَلَا وَ إِنَّ خَاتَمَ الْأَيْمَةِ مِنَّا الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (۱) و در فراز دیگر می فرماید: «التَّوْرُ مِنَ اللَّهِ فِيَّ ثُمَّ فِي عَلِيٍّ ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (۲).

## معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندان او در غیر غدیر

معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندان بزرگوارش به عنوان خلیفه و جانشین، اختصاصی به روز هجدهم ذی الحجه و واقعه غدیر خم ندارد؛ بلکه پیامبر صلی الله علیه و آله در موارد عدیده به معرفی خلیفه بلا فصل خود امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر جانشینان خود تا حضرت مهدی علیه السلام پرداخته است؛ که این حدیث در اصطلاح محدثین، معروف و مشهور به حدیث «اثنی عشر» است، و عامه و خاصه این حدیث را با الفاظ و عبارات مختلف نقل نموده اند.

۱- احتجاج، طبرسی: ج ۱ ص ۶۳.

۲- کتاب الولایه، طبری، بنا به نقل الغدیر: ج ۱ ص ۲۱۴.

از جمله حَمَوینی در فرائد السمطین و قندوزی حنفی در ینابیع الموده حدیث مورد نظر را بدین شکل نقل نموده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ أَوْلِيَاءِي وَ أَوْصِيَاءِي وَ حُجَّجُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ، أَوْلَاهُمْ أَخِي وَ آخِرُهُمْ وَ لَدِي. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ أَخَوَكُ؟ قَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ. قِيلَ: فَمَنْ وُلِدُكَ؟ قَالَ: الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا» (۱): «خلفاء و اوصیاء من و حجت های خدا بر خلق بعد از من دوازده نفر خواهند بود، که نخستین آنان برادرم و آخرین آنان فرزندم است.

گفته شد: یا رسول الله، برادر شما کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب؟ گفته شد: فرزند شما کیست؟ فرمود: مهدی همان کسی که دنیا را از عدل و داد پر نماید، هم چنان که از جور و ستم پر شده باشد.

در این حدیث شریف، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دوازده نفر بودن خلفاء و اوصیاء بعد از خود تصریح کرده و اشاره به نام اولین و آخرین آنها نموده است.

حال به مناسبت موضوع این مقاله، بحث ما پیرامون این مسئله است که امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان خلافت ظاهری خود عدالت اجتماعی را چگونه برقرار کرد و امام زمان علیه السلام نیز به چه کیفیت عدل و داد را در زمان ظهور خود برقرار می کند.

### عدالت اجتماعی در عصر امیرالمؤمنین علیه السلام

در زمان خلافت عثمان به خاطر بی عدالتی ها و تبعیض ها که توسط وی صورت پذیرفت، موج نارضایتی بین مردم بالا گرفت، در حدی که مردم اقدام به کشتن او نمودند. بعد از کشته شدن عثمان، در صدد برآمدند که با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت نمایند. حسن اتفاق عجیبی که در تکرار تاریخ رخ داده آن است که جریان غدیر خم و ابلاغ

۱- فرائد السمطین، حموی: ج ۲ ص ۳۱۲ شماره ۵۶۲؛ ینابیع الموده، قندوزی حنفی: ص ۵۳۶ باب ۷۸.



امامت از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در روز ۱۸ ذی حجه بوده است، و بعد از گذشت ۲۵ سال از این واقعه، پیشامد قتل عثمان و درخواست بیعت مردم با امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان خلیفه مسلمین، نیز مصادف با همین روز یعنی ۱۸ ذی حجه بوده است.

سرانجام آن حضرت با اصرار و بیعت آزادانه امت اسلامی روی کار آمد، اما از همان ابتدای خلافت و امامت جامعه اسلامی، بارها فرمود: مرا رها کنید و سراغ دیگری بروید، چرا که اگر من وزیر شما باشم بهتر از آن است که امیر شما باشم، زیرا که اگر امارت را بپذیریم اسلام واقعی را که متخذ از قرآن و سنت نبوی و اجتهاد خودم است، به طور حقیقی به اجرا خواهیم گذاشت و ملاحظه کسی را نخواهم کرد، و همه حقوق تزییع شده را به مالکان اصلی شان بر خواهیم گرداند، اگرچه در کابین همسرانتان باشد. «وَاللَّهِ لَوْ وَجِدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِالنِّسَاءِ، وَ مُلِكَ بِالإِمَاءِ، لَرَدَدْتُهُ» (۱): «به خدا سوگند! آنچه از عطایای عثمان و آنچه بیهوده از بیت المال مسلمین به این و آن بخشیده - اگر بیابم - به صاحبش باز می گردانم؛ اگرچه زنانی را به آن کابین بسته و یا کنیزانی را با آن خریده باشند!»

آن حضرت از همان آغاز حکومتش به شعارهای خود جامه عمل پوشاند و عدالت را پایه و مبنای کار خود قرارداد. و به قول مورخان: «قَسَمَ بِالسَّوِيَّةِ وَ عَدَلَ فِي الرَّعِيَّةِ» (۲).

امیرالمؤمنین علیه السلام به خاطر اجرای دقیق عدالت، در محراب عبادت به شهادت رسید. عدالت آن حضرت زبانه‌زد عام و خاص شده و پس از آن حضرت هم دیگر، جامعه رنگ و بوی عدالت را آن گونه که باید و شاید به خود ندید، تا زمانی که خداوند اراده کند و عدالت گستر جهان، حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان روحی و

۱- نهج البلاغه: خطبه ۱۵.

۲- حیاة الصحابه: ج ۲ ص ۱۱۳.

ارواح العالمین لثراب مقدمه الفداه تشریف فرما شوند و جهان را پر از عدل و داد نمایند.

### عدالت اجتماعی در عصر مهدی موعود علیه السلام

آن عدالت اجتماعی که پیامبر صلی الله علیه و آله در طول ۲۳ سال با تحمل رنج و شکنجه در جامعه ای دور از تمام فضایل انسانی ایجاد کرد، متأسفانه به خاطر عدم پذیرش خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام رنگ باخت و با شهادت اسوه عدالت در محراب مسجد کوفه عدالت اجتماعی نیز در خاک پنهان شد.

قتل علی علیه السلام یعنی عدم آمادگی مردم برای پذیرش عدالت. بنابراین با همان شمشیری که علی بن ابی طالب علیه السلام ضربت خورد بیکر امامت نیز دو نیم شد! قتل علی بن ابی طالب علیه السلام یعنی عدم پذیرش عدالت اهل بیت معصوم پیامبر صلی الله علیه و آله در میان مردم و دوباره خانه نشین شدن همه امامان. قتل علی بن ابی طالب علیه السلام یعنی اعلان جنگ با عدالت موعود. این بود که ائمه طاهریین علیه السلام به حاشیه برده شدند و یاری رسانی به آنان در مسیر اهداف بلندشان، تا روز ظهور موعود تعطیل شد و بشریت از عدالت خاندان وحی محروم گردید.

پس از شهادت امام عسکری علیه السلام، ستمگران قصد جان موعود امم حضرت بقیه الله الأعظم علیه السلام را داشتند، اما خدای متعال آن یگانه گوهر واپسین امامت را در پشت پرده غیبت مصون داشت، تا با پیدایش انسان هایی والا گهر، آن عدالت بی نظیر در جهان شکل گیرد. از این رو وقتی مهدی آل محمد علیهم السلام قیام کند عدل و داد را جهانگیر می کند و دامنه عدالت او همه جا را فرا می گیرد و چنان عدالتی را می آورد که جهان نظیرش را ندیده باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصف آن حضرت می فرماید: «أَوَّلُ الْعِدْلِ وَ آخِرُهُ»<sup>(۱)</sup>: «او آغاز عدالت و هم فرجام آن است». در خطبه غدیر در وصف حضرت مهدی علیه السلام فرمودند:

توجه کنید! خاتم امامان مهدی از ماست. آگاه باشید! چیره شونده بر همه ادیان اوست؛ انتقام گیرنده از ظالمان اوست. فاتح و منهدم کننده دژها اوست. اوست که سراسر قبایل اهل شرک را نابود می سازد. اوست که خون بهای تمام اولیای حق را می گیرد. اوست که از دریای ژرف (دانش) می نوشاند. اوست که هر کسی را بر اساس شایستگی عنوان می دهد. او برگزیده و منتخب خداوند است. او وارث همه علوم و محیط بر آنهاست.

اوست که از خداوند گارش خبر می دهد و از حقایق ایمان به او آگاهی می دهد. اوست که دارای رشد و استواری در رأی و عمل است. امور دین به او واگذار شده و پیامبران قبل و امامان پیشین به او مژده داده اند. او حجت باقی است و بعد از او حجتی نیست. حقی نیست مگر با او و نوری نیست جز نزد او، کسی بر او غالب و پیروز نمی شود. او ولی خداوند و حاکم الهی بر خلائق و امین خداوندگار در ظواهر و اسرار است.<sup>(۲)</sup>

همچنین در روایت دیگری رسول خدا صلی الله علیه و آله مهدی موعود علیه السلام را چنین توصیف می کند:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ فِيهِ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي يُوَاتِيهِ اسْمُهُ اسْمِي يَمْلَأُهَا عِدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»<sup>(۳)</sup>: «اگر نماند از

۱- مکیال المکارم، محمد تقی موسوی اصفهانی: ج ۱ ص ۱۴۸، به نقل از کمال الدین شیخ صدوق.

۲- الاحتجاج، ابومنصور احمد طبرسی: ج ۱ ص ۶۳ - ۶۴.

۳- این حدیث با الفاظ و عبارات مختلف در منابع زیر آمده است: مسند، احمد بن حنبل: ج ۱ ص ۹۹ طبع مصر، سال ۱۳۱۳ ه.ق؛ سنن ترمذی: ج ۲ ص ۴۶، طبع دهلی، سال ۱۳۴۲ ه.ق؛ سنن ابی داود: ج ۴ ص ۱۰۷، طبع مصر؛ نور الابصار، شبلینجی: باب ۲ ص ۱۵۴؛ ینایع الموده، { قندوزی حنفی، ص ۴۳۲؛ تذکره الخواص، سبط بن جوزی: ص ۴۸۸؛ عقد الدرر فی اخبار الامام المنتظر علیه السلام، یوسف بن یحیی دمشقی: ص ۵۶، منتخب کنز العمال: ج ۵ ص ۴۰۴؛ کمال الدین، شیخ صدوق: ج ۱ ص ۵۳۷، طبع دار الحدیث سال ۱۳۸۰ ش؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری: ج ۴ ص ۵۵۸؛ مسند ابی یعلی: ج ۲ ص ۲۷۴، ح ۹۸۷؛ صحیح ابن حبان: ج ۸ ص ۲۹۰، ۲۹۱ ح ۶۸۷۴؛ المصنف، ابن ابی شیبہ، باب ۳۲۱؛ بحار الانوار: ج ۵۱ ص ۸۲، باب ۱ ح ۲۲.

عمر روزگار مگر یک روز، خداوند آن را طولانی می کند تا مردی از اولاد من خروج کند که اسم او اسم من است. زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد».

در این روایت پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره به ایجاد عدالت اجتماعی بر روی کره زمین به دست حضرت بقیه الله علیه السلام دارد.

امام صادق علیه السلام در مورد عدالت فراگیر حضرت مهدی علیه السلام می فرماید: «وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقَرُّ»<sup>(۱)</sup>: «به خدا سوگند، عدالت او در خانه هایشان وارد می شود چنان که گرما و سرما داخل می گردد».

در حکومت موعود مردم طعم شیرین عدالت را خواهند چشید و در میان همگان داد و دادگری حاکم می شود، و حکم داودی در میان افراد جاری می گردد. حاکمان و دوستان رعیت، و رعیت دلبستگان فرمانروایان می گردند. نیکان عزیز می شوند و شروران خوار. صالحان سربلند می گردند و فاسدان بدنام. باورمندان آبرومند می شوند و دوچهرگان بی آبرو.

در حکومت موعود تمام حقوق پایمال شده ملت ها باز ستانده می شود. حق هر صاحب حقی باز پس داده می شود، گرچه به دست گذشتگان غصب شده باشد. امام ششم حضرت صادق علیه السلام در این باره فرمودند:

---

۱- کتاب الغیبه، محمد بن ابراهیم نعمانی: ص ۲۹۷ .

لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّىٰ يَخْرُجَ وَاحِدٌ مِّنِّي يَحْكُمُ بِحُكُومِهِ آلَ دَاوُودَ وَلَا يَسْأَلُ عَن بَيْتِهِ؛ يُعْطَى كُلَّ نَفْسٍ حُكْمَهَا. (۱)

این جهان به اتمام نخواهد رسید مگر آنکه مردی از تبار من خروج می کند. او به سان حکومت داوودی حکم می کند و مدرک و سند نمی طلبد و حکم هر کسی را به حق عطا می فرماید.

این سخن بدان معنی است که اگر حق فردی بر باد رود و تمام مدارک نابود شود و کسی به شهادت به سود وی حاضر نباشد، مهدی موعود علیه السلام با دانش بیکران الهی و الهام یزدانی حق را از ناحق می شناسد، اگرچه شاهد و گواهی نباشد. آن حضرت به حق فرمان می دهد و داد مظلومان ستمدیده را از ستمگران باز می ستاند؛ گرچه حق زن نسبت به شوهر یا حق پدر بر فرزند یا حق حاکم بر رعیت و حق رعیت بر حاکم باشد.

البته شایان ذکر است که دوران غیبت و طول زمان آن عصر، آزموده شدن مردم برای تحمل چنان عدالتی است که گردن نهادن بدان کاری بس دشوار است؛ چون عموم مردم، طالب اجرای عدالت در مورد دیگرانند و از حکم عدالت در مورد خود سخت بیم دارند.

از این رو باید شیعه در عصر غیبت امام علیه السلام خود را در مسیر عدل و داد تربیت کند و نفس خویش را به فشارها و تازیانه های ادب رام کند و آماده تحمل عدالت مهدوی شود؛ چنان که فرموده اند:

إِنْ رَأَيْتَ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ يُعْطَى كُلَّ مَا فِي بَيْتِ الْمَالِ رَجُلًا وَاحِدًا فَلَا يَدْخُلَنَّ فِي قَلْبِكَ شَيْءٌ فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَعْمَلُ بِأَمْرِ اللَّهِ. (۲)

۱- بصائر الدرجات، محمد بن حسن صفار: ص ۲۵۸.

۲- وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی: ج ۹ ص ۵۲۰.

اگر دیدی که صاحب این امر (یعنی حضرت مهدی علیه السلام) تمام بیت المال را به یک نفر داد در دلت شک و شبهه ای وارد نشود؛ زیرا که او در تمام کارهایش به فرمان خدا عمل می کند.

آن حضرت مرکز حکومت خود را مسجد کوفه قرار می دهد؛ همان جایی که امیرالمؤمنین علیه السلام بنای گسترش عدل خویش را نهاد. این شهر به عنوان پایتخت کشور جهان خواهد بود و حکومت واحد جهانی از این شهر اداره می شود. گستره این کلانشهر فرسنگ ها خواهد شد، و همگان آرزو خواهند کرد که ای کاش در این شهر زندگی می کردند.

### زدودن پیرایه ها از دین

از آنگاه که مسیر خلافت اسلامی از جایگاه اصلی خویش منحرف شد، دوره به دوره دستگاه خلافت غاصب و مدافعان آن بر دین پیرایه ها بستند، و آیین خدا را از آن استواری و زلالی و سادگی با قوانین نوظهور و فرمان های شگفت خویش منحرف کردند، و بشریت را از روی آوری به آیین مطابق با فطرت و سرشت سالم بازداشتند. عمر در دوران خلافت خویش اعلام کرد: «دو متعه یکی متعه حج و دیگری متعه نکاح ممنوع است!»<sup>(۱)</sup>

همچنین همه احکام و مسائل و اصول اعتقادی را دگرگون کردند؛ از توحید گرفته تا معاد و از کتاب الطهاره گرفته تا کتاب الديات. اینکه بعضی ها می گویند: ما با اهل سنت مشترکات زیادی داریم تا جایی که مدعی شده اند که اشتراکات ما با عامه

---

۱- الاستغاثه، علی بن احمد کوفی: ص ۴۴؛ البیان و التبيين، جاحظ: ج ۲ ص ۱۹۳؛ شرح تجرید، قوشچی، مبحث امامت: ص ۴۸۴؛ کنز العرفان: ج ۲ ص ۱۵۸؛ سنن نسائی: ج ۵ ص ۱۵۳؛ مسند، احمد بن حنبل: ج ۱ ص ۵۲؛ تفسیر کبیر فخر رازی: ج ۱۰ ص ۵۱.

۹۵ درصد است و فقط در پنج درصد مسائل ما با اهل سنت اختلاف داریم، مردود است.

شافعی در کتاب معروف «الأُتم» از وهب بن کیسان نقل می‌کند: «كُلُّ شَيْءٍ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَدْ غُيِّرَتْ حَيْثِي الصَّلَاةُ»<sup>(۱)</sup>: «تمام سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را تغییر دادند حتی نماز را». از ابوحنیفه نقل شده که گفت: «من نمی‌دانم جعفر بن محمد (امام صادق علیه السلام) در سجده نماز چشمان خود را می‌بندد یا باز نگه می‌دارد! برای اینکه در این مسئله هم با او مخالفتی کرده باشم به پیروانم دستور می‌دهم که در سجده نماز یک چشم خود را ببندند و چشم دیگر را باز نگه دارند!»<sup>(۲)</sup>

یعنی از روز اول بنای دشمنان اهل بیت علیهم السلام رویارویی با خاندان رسالت علیهم السلام و تغییر همه مسائل و ضروریات دین بوده است. لذا یکی از رسالت‌های امام زمان علیه السلام پیراستن اسلام از این آلودگی‌ها و خرافات و پیرایه‌هاست، و به تعبیر دیگر نوسازی بنای شکوهمند اسلام است. از این رو در پاره‌ای از روایات از این نوسازی تعبیر به «دین جدید» شده است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا خَرَجَ يَقُومُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ سُنَّةٍ جَدِيدَةٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ»<sup>(۳)</sup>: «هنگامی که قائم خروج کند امر جدید و کتاب جدید و روش جدید و داوری جدیدی با خود می‌آورد».

و عن عبد الله بن عطاء قال: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ: إِذَا خَرَجَ الْمَهْدِيُّ بَائِي سِيرَهُ يَسِيرُ؟ قَالَ: يَهْدِمُ مَا قَبْلَهُ، كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيدًا»<sup>(۴)</sup>.

۱- الام: ج ۱ ص ۲۶۹ .

۲- الكنى و الالقاب: ج ۱ ص ۵۰ .

۳- اثبات الهداه، شيخ حرّ عاملی: ج ۵ ص ۱۶۵ .

۴- عقد الدرر فی اخبار الامام المنتظر علیه السلام ، يوسف به يحيى دمشقى، باب سوم: ص ۲۸۷ .

عبدالله بن عطاء از امام باقر علیه السلام سؤال کرد: سیره مهدی علیه السلام به هنگام خروجش چیست؟ امام علیه السلام در جواب فرمود: «سیره مهدی علیه السلام سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله است. به این صورت که آنچه ما قبلش از بدعت‌ها هست نبود می‌کند و دوباره اسلام را جدیداً به سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله برپا می‌کند». یعنی در آن زمان اسلام را چنان از لابلای انبوه خرافات و تحریف‌ها و تفاسیر نادرست بیرون می‌آورد، که گویی بنایی کاملاً نو و جدید بنا می‌نهد. در همین رابطه در دعای ندبه می‌خوانید:

أَيْنَ الْمُدَّخَرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالشُّنَنِ؟ أَيْنَ الْمُتَخَيَّرِ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ؟ أَيْنَ الْمُؤَمَّلِ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ؟ أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلِهِ؟ (۱)

کجاست آنکه ذخیره شده برای تجدید واجبات و مستحبات؟ کجاست آنکه اختیار شده برای برگردانیدن آیین و شریعت؟ کجاست آنکه آرزو می‌رود برای زنده کردن قرآن و حدود آن؟ کجاست زنده کننده آثار دین و اهل دین؟

به امید آن روزی که منتقم حقیقی به امر پروردگار عالم ظاهر شود و انتقام خون شهیدان را بگیرد، و ظالمین را به سزای اعمالشان برساند و سراسر گیتی را پر از عدل و داد نماید، و پیرایه‌ها را از دین بزدايد و دین واقعی را به مردم ارائه نماید!

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلِهِ كَرِيمِهِ تُعَزُّبُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النُّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ فِي سَبِيلِكَ.

### تکمیل راه امیرالمؤمنین علیه السلام به دست امام زمان علیه السلام

هنگامی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه پایه‌های حکومت خود را بنا می‌نهاد، کوشید تا



فرهنگ جدید و الهی را جایگزین فرهنگ جاهلی نماید. مردم را از ظلمات به نور آورد و دل های زمینی آنان را آسمانی کند. آن زمان هم که آهنگ رحلت به جهان باقی و جایگاه ابدیت نمود، در روز هجدهم ذی حجه در مکانی به نام غدیر خم، به فرمان خداوند، دست امیرالمؤمنین علیه السلام را بالا آورد و در جمع مردم، با فریاد بلند ندا داد که پس از او زمامدار و کاروان سالار امت اسلام علی علیه السلام است. از او پیرو کنید تا به سعادت برسید و نهال نوپای اسلام تنومند و قوی گردد و به بار بنشیند.

اما مردم پس از شهادت آن بزرگوار، به سمت و سویی دیگر رفتند، و پس از بیست و پنج سال در روز هجدهم ذی حجه ای دیگر به خلیفه حقیقی روی آوردند تا زعامت و امامتش را بپذیرند و از تصمیم قبلی خود اظهار ندامت نمایند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در حکومت پنج ساله اش که سرشار از شرارت های منافقان و دشمنان داخلی بود، کوشید جامعه ای بر پایه عدالت بنا نهد و مردم را با حکومت عادلانه خدایی آشنا سازد، اما حیف که باز هم مردم نخواستند و در محراب نماز به جرم عدالت به شهادتش رساندند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه غدیریه، آنگاه که از آخرین امام حضرت حجت بن الحسن علیه السلام سخن می گوید، از جمله کارهای مهمی را که به دست حضرت صورت می گیرد، گسترش خانه به خانه عدل برمی شمارد. اعتقاد ما بر آن است که حضرت مهدی علیه السلام راه نیمه تمام جدّ بزرگوارش امیرالمؤمنین علیه السلام را به پایان خواهد برد و طعم عدالت را به همه مردم جهان خواهد چشانند. به امید آن روز.

## منابع و مأخذ

١. قرآن.
٢. نهج البلاغه.
٣. اثبات الهداه، محمد بن حسن حرّ عاملی، ناشر: اعلمی، بیروت، چاپ اول، ١٤٢٥ق.
٤. استفاده ابزاری از دین، میکائیل صفایی.
٥. إسعاف الراغیین، محمدالصبان.
٦. الاتقان، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، مکه، ١٩٩٨ م، ١٤١٨ق.
٧. الاحتجاج علی اهل اللجاج، احمد بن علی ابو منصور طبرسی، ناشر: مرتضی، مشهد، چاپ اول، ١٤٠٣ ق.
٨. الاستغاثه فی بدع الثلاثه، علی ابوالقاسم کوفی، تهران، اعلمی، ١٣٧٣ ش .
٩. الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ابو عمر یوسف ابن عبدالبرّ، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دار الجیل، طبع الاولی، ١٤١٢ق.
١٠. الامالی الخمیسیه، المرشد باللّه الشجری، دلیل ما، قم، ١٣٨٩ ش .
١١. البدايه والنهایه، ابوالفداء اسماعیل بن عمرو بن کثیر دمشقی، مکتبه المعارف، بیروت، ١٤٠٨ ق .
١٢. البیان والتبیین، ابو عثمان عمرو بن بحر جاحظ، مطبعه الاستقامه، قاهره، ١٣٦٦ ق.
١٣. السنه، ابو عاصم.
١٤. السیره الحلبیه، علی بن برهان الدین الحلبي، دار احیاء التراث العربی، بیروت و دارالفکر، بیروت.
١٥. العروه لاهل الخلوه، شیخ ابو المکارم علاء الدین سمنانی، تهران.
١٦. الغیبه، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم النعمانی، ناشر: نشر صدوق، تهران، چاپ اول، ١٣٩٧ق.
١٧. المواهب اللدنیه، شهاب الدین قسطلانی.

- ١٨ . النور المشتعل من كتاب ما نزل من القرآن في على عليه السلام، ابو نعيم.
- ١٩ . النهايه، مجد الدين ابى السعادات بن الاثير الجزرى، دار ابن جوزى، رياض، ١٤٢١ ق .
- ٢٠ . بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الاثمه الاطهار عليهم السلام، مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، ناشر: دار إحياء التراث العربى، بيروت، چاپ دوم، ١٤٠٣ ق.
- ٢١ . بصائر الدرجات، ابو جعفر محمد بن الحسن الصفّار، محقق و مصحح: كوچه باغى، محسن بن عباسعلى، ناشر: مكتبه آيه الله المرعشى النجفى، قم، چاپ دوم، ١٤٠٤ ق.
- ٢٢ . تاريخ ابن خلدون، عبدالرحمن بن خلدون المغربى.
- ٢٣ . تاريخ الاسلام و وفیات المشاهير والاعلام، شمس الدين محمد بن احمد الذهبى، دار الكتاب العربى، بيروت، ١٤٢٤ ق.
- ٢٤ . تاريخ بغداد، ابوبكر احمد بن على الخطيب البغدادى، مكتبه الخانجى، اهره، ب المكتبه العرييه، ١٣٤٩ ق .
- ٢٥ . تاريخ مدينه دمشق، ابوالقاسم بن حسن ابن عساكر، دارالفكر، بيروت ١٩٩٥ م.
- ٢٦ . تذكره الخواص، يوسف بن قزغلى سبط ابن الجوزى، منشورات الشريف الرضى، قم، ١٤١٨ ق .

- ٢٧ . تفسير ابن كثير، ابوالفداء اسماعيل بن عمرو ابن كثير دمشقى، تحقيق: محمد حسين شمس الدين، ناشر: دار الكتب العلميه، منشورات محمد على بيضون، بيروت، چاپ اول، ١٤١٩ ق.
- ٢٨ . تفسير الماوردى، ابى الحسن ماوردى.
- ٢٩ . تفسير المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز، قاضى عبدالحق ابن عطيه اندلسى، تحقيق: عبدالسلام عبدالشافى محمد، ناشر: دارالكتب العلميه، بيروت، چاپ اول، ١٤٢٢ ق.
- ٣٠ . تفسير الدرّ المنثور، جلال الدين عبدالرحمن بن ابى بكر السيوطى، ناشر: كتابخانه آيه الله مرعشى نجفى، قم، سال ١٤٠٤ ق.

۳۱. تفسیر روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، شهاب الدین محمود الآلوسی، تحقیق: علی عبدالباری عطی، ناشر: دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۳۲. تفسیر طبری، ابوجعفر محمد بن جریر طبری، ناشر: دار المعرفه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۳۳. تفسیر کبیر فخر رازی، فخر الدین محمد بن عمر الرازی، اساطیر، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۳۴. تلخیص المستدرک، شمس الدین محمد بن احمد الذهبی.
۳۵. حیاة الصحابه، محمد یوسف کاندهلوی، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۲۰ق.
۳۶. در فجر ساحل، محمد حکیمی، طباطبائی، قم، ۱۳۴۸ ش.
۳۷. دعائم الاسلام، ابوحنیفه قاضی نعمان بن محمد تمیمی مغربی، محقق و مصحح: فیضی، آصف، ناشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق.
۳۸. رساله فی طرق حدیث من کنت مولاه، شمس الدین محمد بن احمد الذهبی.
۳۹. سرّ العالمین ابوحامد غزالی، تهران، ۱۳۰۵ق.
۴۰. سنن ابی داود، سلیمان بن اشعث سجستانی، دارالفکر، بیروت.
۴۱. سنن النسائی"، احمد بن شعيب نسائی.
۴۲. سنن ترمذی، محمد بن عیسی ترمذی، دارالفکر، بیروت.
۴۳. سیری در صحیحین، محمد صادق نجمی.
۴۴. شرح نهج البلاغه عزالدین ابوحامد بن ابی الحدید، محقق و مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، ناشر: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۴۵. صحیح ابن حبان، علاء الدین علی بن بلبان.
۴۶. صواعق المحرقة، ابوالعباس احمد بن محمد بن حجر الهیثمی.
۴۷. عقد الدرر فی أخبار الإمام المنتظر، یوسف بن یحیی مقدسی شافعی سلمی، نصایح، قم، ۱۳۷۴ش.



۴۹. فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، شهاب الدین احمد بن حجر العسقلانی، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۵۰. فرائد السمطین، ابراهیم بن محمد الجوبینی الخراسانی، داوود، تهران، ۱۳۷۸.
۵۱. فرهنگ و تمدن جهان در عصر ظهور، دکتر جلال برنجیان.
۵۲. کتاب الولایه، ابو جعفر محمد بن جریر طبری.
۵۳. کفایه الطالب، ابو عبدالله محمد بن یوسف الکنجی الشافعی.
۵۴. کمال الدین و تمام النعمه، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، ناشر: اسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق.
۵۵. الکنی و الالقاب، حاج شیخ عباس قمی، چاپ تهران.
۵۶. منازل من القرآن فی علی علیه السلام، حافظ ابو نعیم اصفهانی.
۵۷. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، نور الدین علی بن ابی بکر بن سلیمان الهیثمی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۲ ق.
۵۸. مرقاه المفاتیح فی شرح المشکاه المصابیح، ملا علی بن سلطان محمد قاری.
۵۹. مستدرک علی الصحیحین، محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، بیروت.
۶۰. مسند ابی یعلی الموصلی، احمد بن علی بن المثنی التمیمی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۹۸ م.
۶۱. مسند، احمد بن محمد بن حنبل شیبانی.
۶۲. مشکل الآثار، ابو جعفر طحاوی، دائره المعارف، هند، طبعه ۱۳۳۳ ق.
۶۳. مصنف ابن ابی شیبه، عبدالله بن محمد بن ابی شیبه، دار السلفیه، بمبئی.
۶۴. مکیال المکارم، محمد تقی موسوی اصفهانی، اصفهان: مهر قائم؛ تهران: انتشارات دارالثقلین؟، ۱۳۹۰ ق.
۶۵. مناقب الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ابن مغازلی شافعی، رستگار، مشهد، ۱۳۸۷ ش.
۶۶. المناقب، الموفق بن احمد حنفی خوارزمی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.

۶۷ . منتخب كنز العمال، علاء الدين على متقى هندی.

٦٨. نزل الابرار بما صح من مناقب اهل البيت الاطهار عليهم السلام، حافظ محمد بدخشي حارثي.

٦٩. نور الابصار في مناقب آل النبي المختار صلى الله عليه وآله، مؤمن بن حسن الشبلنجي الشافعي، ذوى القربى، قم، بي تا بي نا.

٧٠. وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، محمد بن حسن حرّ عاملي، دار احياء التراث العربى، بيروت، ١١٠٤ ق.

٧١. وسيله المآل في مناقب الآل، شيخ احمد بن باكثير مكى.

٧٢. ينابيع الموده لذوى القربى، سليمان بن ابراهيم القندوزى الحنفى، الشريف الرضى، قم.



## تجلی علم و هدایت غدیر در عصر ظهور : محمد مهدی خلیلی

### چکیده

۱. غدیر، چشمه علم، بلکه سرچشمه هدایت و علم صحیح است.
۲. قرآن علم کل شیء است که کلید آن در دست صاحب غدیر است.
۳. از علم صحیح به هدایت صحیح می رسیم که به دست امام علیه السلام است.
۴. بیان کننده علم امام، غدیر است که بدون او علم بدون تبیین و نامعلوم است.
۵. کسی بدون تبیین امام نمی تواند از علم منفعتی ببرد، زیرا خداوند علم آن را فقط به ایشان داده است.
۶. بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله امام غدیر هدایت کننده با قرآن است.
۷. عصر ظهور امام زمان علیه السلام دوران تجلی علوم آل محمد علیهم السلام است.

غدیر در ظاهر به محل هایی در بیابان ها که در آن آب باران و سیلاب ها جمع شود می گویند (۱)، ولی در باطن و حقیقت غدیر برکه و آبگیر نیست؛ غدیر چشمه ای جاری است و بلکه سرچشمه است!

بهترین و خالص ترین آب ها آبی است که از سرچشمه برداشته شود؛ و البته آب وقتی از چشمه جاری شد به همان اندازه که از سرچشمه فاصله گرفت میزان ناخالصی و کدورت آن زیاد می گردد. ناخالصی هایی که گاه سبب تغییر ماهیت آب می شود و آن را غیر قابل استفاده و مضر می کند.

اصل و حقیقت علم صحیح هم مانند آب خالص آن چیزی است که برای انسان نافع باشد، و آن علمی است که نزد پروردگار است: «قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ» (۲): «بگو: آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسانند؟ جز این نیست که تنها صاحبان خرد ناب متذکر می شوند». غیر از این علم یا صحیح نیست یعنی برای انسان نافع نیست؛ و یا مثل همان آبی که از سرچشمه فاصله گرفته آنقدر ناخالصی دارد که ماهیت آن تغییر کرده و دیگر آب نیست! امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت به امام حسن علیه السلام می فرماید: «وَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَلَا يُتَنَفَعُ بِعِلْمٍ لَا يَحِقُّ تَعَلُّمُهُ» (۳): «بدان! علمی که سودمند نباشد فایده ای نخواهد داشت، و دانشی که سزاوار یادگیری نیست سودی ندارد».

### سرچشمه علم خداوند کجاست؟

سؤال اینجاست که سرچشمه و مجرای علم خداوند کجاست؟ «غدیر» همان

۱- معادل کلمه «غدیر» در زبان فارسی «تالاب» و «برکه» و «آبگیر» است.

۲- عنکبوت: ۵۰.

۳- بحار الانوار: ج ۱ ج ۲۱۹.

سرچشمه علم الهی است که در جستجوی آنیم. غدیر چشمه ای جاری است. غدیر سرچشمه علم است.

خداوند متعال قرآن کریم را که بر قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نازل شده مجرای علم خود معرفی می فرماید. در سه آیه از قرآن کریم این مطلب بسیار واضح آمده است: آیه اول: «لَكِنَّ اللَّهَ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا» (۱): «لكن خدا به آنچه بر تو نازل کرده گواهی می دهد. او آن را به علم خویش نازل کرده است و فرشتگان نیز گواهی می دهند، و گواه بودن خدا کافی است».

آیه دوم: «فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ مَا أَنْزَلَ بَعَلْمِ اللَّهِ وَ إِنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (۲): «پس اگر شما را اجابت نکردند بدانید که آنچه نازل شده به علم خدا است، و اینکه معبودی جز او نیست. پس آیا شما گردن می نهید؟»

آیه سوم: «وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ» (۳): «و این چنین ما قرآن را کتابی با حکمت و فصاحت عربی فرستادیم، و اگر با این علم و دانش که بر تو آمد باز پیرو میل جاهلانه آنها شدی دیگر مدد و نگهبانی از خدا نخواهی داشت».

در این سه آیه خداوند بیان می کند که آنچه بر پیامبر صلی الله علیه وآله نازل کرده (قرآن) از علم خودش بوده است.

### علم قرآن علم کل شیء است

نکته مهم این است که قرآن کریم و قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله ظرف تمام علم

۱- نساء: ۱۶۶.

۲- هود: ۱۴.

۳- رعد: ۳۷.

خداوند نیستند، چون علم خداوند عین ذات او و نامحدود است، بلکه علم قرآن علم کل شیء است. در این باره بیان های متعدد در آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام آمده است. به عنوان نمونه چند مورد ذکر می شود:

۱. «وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ» (۱): «روزی که از هر امتی گواهی از خودشان بر آنها برمی انگیزیم، و تو را گواه بر آنان قرار می دهیم! و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است».

در این آیه حق تعالی به پیامبرش می فرماید: «کتابی بر تو نازل کردیم که بیان کننده تمام اشیاء است»؛ و در آیه دوم می فرماید: «هیچ چیزی را در این کتاب فروگذار نکردیم».

۲. «وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَا - طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ءِ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ» (۲): «هیچ جنبنده ای در زمین و هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند، نیست مگر این که امت هایی همانند شما هستند. ما هیچ چیز را در این کتاب فروگذار نکردیم. سپس همگی به سوی پروردگارشان محشور می گردند».

شواهد روایی درباره این مطلب فراوان است، اما به دو روایت استشهاد می کنیم:

حدیث اول: امام صادق علیه السلام فرمودند:

۱- نحل: ۸۹.

۲- انعام: ۳۸.

به راستی خدای تبارک و تعالی قرآن را برای بیان هر چیز فرو فرستاده تا آنجا که به خدا قسم چیزی را وانگذاشته که بندگان بدان نیازمند باشند و تا آنجا که هیچ بنده ای نتواند بگوید کاش این هم در قرآن بود مگر این که آن را هم خدا در قرآن فرو فرستاده است. (۱)

حدیث دوم: ابوحنیفه کوفی گوید: خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدم در حالی که گروهی از نصرانیان در خدمت ایشان بودند، و ادعا کردند که مقام موسی و عیسی و محمدعلیهم السلام مساوی است چون همه آنها دارای شریعت و کتاب آسمانی هستند. امام صادق علیه السلام فرمود:

حضرت محمدصلی الله علیه وآله برتر و اعلم از آن دو است. خداوند به او آن قدر علم عطا فرموده که به دیگری نداده است. گفتند: آیا آیه ای در قرآن هست که شاهد بر این مطلب باشد؟ فرمودند: آری، این آیه «وَكُتِبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» (۲): «و برای او در الواح اندرزی از هر موضوعی نوشتیم»، و این آیه که به عیسی علیه السلام می فرماید: «وَلَا يُبَيِّنُ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ» (۳): «و آمده ام تا برخی از آنچه را که در آن اختلاف دارید روشن کنم»، و فرمایش خداوند به حضرت محمدصلی الله علیه وآله که می فرماید: «وَجِئْنَا بِكَ شَهِيداً عَلَى هَؤُلَاءِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَاناً لِكُلِّ شَيْءٍ» (۴): «تو را گواه بر آنان قرار می دهیم! و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است»، و این آیه «لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ

۱- بحار الانوار: ج ۸۹ ص ۸۱.

۲- اعراف: ۱۴۵.

۳- زخرف: ۶۳.

۴- نحل: ۸۹.

بِمَا لَدَيْهِمْ وَ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا» (۱): «تا بدانند پیامبرانش رسالت های پروردگارشان را ابلاغ کرده اند و او به آنچه نزد آنهاست احاطه دارد و همه چیز را احصا کرده است». به خدا قسم حضرت محمدصلی الله علیه وآله اعلم از هر دوی آنهاست. اگر حضرت موسی و عیسی علیهما السلام پیش من بیایند و سؤال از من بنمایند به آنها جواب می دهم، و از ایشان سؤالاتی می کنم که جواب نمی دهند. (۲).

### با قرآن چه نیازی به پیامبر است؟

در اینجا ممکن است سؤال یا شبهه ای ذهن انسان را مشغول کند: با وجود چنین کتابی - یعنی قرآن - که علم تمام اشیاء در آن است، دیگر چه احتیاجی به پیامبر و یا وصی پیامبر است؟

برای رسیدن به پاسخ بیان می کنیم:

۱. تمام مقصد قرآن تعلیم علم نیست، بلکه نهایت مقصد قرآن هدایت است. این مطلب آن قدر در قرآن واضح و صریح است که با اندک تأملی در آیات به آن پی می بریم. خداوند متعال می فرماید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا» (۳): «این قرآن به آنچه که خود پایدارتر است هدایت می نماید، و به مؤمنانی که کارهای شایسته می کنند مژده می دهد که پاداشی بزرگ برایشان خواهد بود».

در جایی دیگر فرموده است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، قُلْ أُوْحِي إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا، يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا

۱- جن: ۲۸ .

۲- بحار الانوار: ج ۱۰ ص ۲۱۵ .

۳- اسراء: ۹ .

أَحَدًا»(۱): «بگو: به من وحی شده که تنی چند از جنیان گوش فراداشتند و گفتند: راستی ما قرآنی شگفت آور شنیدیم، که به راه راست هدایت می کند. پس به آن ایمان آوردیم و هرگز کسی را شریک پروردگاران قرار نخواهیم داد».

باز می فرماید: «يا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ، يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»(۲): «ای اهل کتاب، پیامبر ما به سوی شما آمده که بسیاری از چیزهایی از کتاب آسمانی خود را که پوشیده می داشتید برای شما بیان می کند، و از بسیاری خطاهای شما درمی گذرد. برای شما از جانب خدا نور و کتابی روشنگر آمده است. خدا هر که را از خشنودی او پیروی کند به وسیله آن کتاب به راه های سلامت رهنمون می شود، و به توفیق خویش آنان را از تاریکی ها به سوی روشنایی بیرون می برد و به راهی راست هدایتشان می کند».

در واقع قرآن کتاب هدایت است و اگر خداوند این کتاب را «تَبَيَّنَّا لِكُلِّ شَيْءٍ» قرار داده، این تبیان مقدمه ای برای رسیدن به همین مقصد بوده است. دلیل این مطلب آیات فراوانی از قرآن کریم است:

آیه اول:

«وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ»(۳): «بدین گونه قرآن را به صورت آیاتی روشنگر نازل کردیم، و خداست که هر که را بخواهد هدایت

۱- جن: ۱- ۲.

۲- مائده: ۱۵- ۱۶.

۳- حج: ۱۶.

می نماید». با دقت در آیه مشخص می گردد هدایت خدا بعد از نزول آیات بینات است، یعنی آیات بینات مقدمه و وسیله هدایت هستند.

آیه دوم:

«هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ» (۱): «این قرآن برای مردم بیان است، و برای پرهیزگاران رهنمود و اندرزی است».

آیه سوم:

«وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ» (۲): «روزی را که از هر امتی گواهی از خودشان بر آنها برمی انگیزیم و تو را گواه بر آنان قرار می دهیم. و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است». دو آیه فوق نیز اشاره دارد که قرآنی که بیان و تبیان است هدایت است و هدایت می کند.

آیه چهارم:

«وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ اِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَالَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلٰى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ اَفَاَنْتَعِدُوْكُمْ مِنْهَا كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ اٰيٰتِهٖ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُوْنَ» (۳): «همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان یکدیگر بودید و میان دل های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رها کنید. این گونه خداوند نشانه های خود را برای شما روشن می کند؛ باشد که شما هدایت شوید».

۱- آل عمران: ۱۳۸ .

۲- نحل: ۸۹ .

۳- آل عمران: ۱۰۳ .



در این آیه صریحاً بیان شده که خداوند تبیین می کند تا مؤمنین هدایت شوند، و این تبیین مقدمه هدایت است.

۲. خداوندی که قرآن را تبیان برای هر شیئی معرفی کرده، فاعل این تبیین را وجود مبارک رسول اکرم صلی الله علیه وآله قرار داده است. در دو آیه ذیل کلمه تبیین به صورت فعل مخاطب آمده و مخاطب آن وجود مبارک رسول اکرم صلی الله علیه وآله است:

آیه اول:

«بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (۱): «همه پیامبران را با دلایل روشن و کتاب های آسمانی فرستادیم و قرآن را هم به سوی تو نازل کردیم به خاطر اینکه برای مردم آنچه را که به سويشان نازل شده بیان کنی و برای اینکه بیندیشند».

آیه دوم:

«وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (۲): «ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف دارند برای آنها روشن کنی، و قرآن مایه هدایت و رحمت برای مردم با ایمان است».

همان طور که ملاحظه می شود، کلمه «تُبَيِّنَ» فعل مخاطب است. یعنی خداوند متعال به حبیبش خطاب فرموده که قرآن را دفعتاً بر تو نازل کردیم تا تو برای نزول تدریجی آن تبیین کننده باشی. لذا تا پیامبر صلی الله علیه وآله در کنار این کتاب قرار نگیرد کسی نمی تواند از علوم قرآن بهره مند گردد و در نتیجه از هدایت قرآن بی بهره خواهد بود.

۱- نحل: ۴.

۲- نحل: ۴۴.

بدون پیامبر صلی الله علیه و آله نمی توان از قرآن بهره برد

برای روشن شدن این مطلب که چرا کسی از علم و هدایت قرآن به تنهایی و بدون وجود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نمی تواند بهره مند گردد، چند نکته باید بیان گردد:

نکته اول:

اصل و حقیقت قرآن کریم همان کتاب مبین (۱) است. (۲) «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الرَّ، تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ، إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (۳): «الف، لام، راء، این آیه های کتاب مبین است. ما قرآن را به زبانی عربی نازل کردیم باشد که عقل خود را به کار گیرید». «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، حَم، وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ، إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (۴): «حم. سوگند به کتاب مبین. همانا ما قرار دادیم آن را قرآنی عربی باشد که شما عقل خود را به کار گیرید».

در دو آیه فوق بیان شده که قرآن از کتاب مبین تنزیل شده است. در واقع قرآن کریم صورت تنزیلیه کل کتاب مبین است، و کتب آسمانی قبل از قرآن مثل تورات و انجیل، صورت تنزیلی بعض کتاب مبین بوده و بعضی از علم کتاب مبین نزد انبیاء گذشته و اوصیاء ایشان بوده است. (۵)

۱- البته در بعضی از آیات قرآن کریم کتاب مبین به معنی خود قرآن است، مثل آیه مبارکه پانزدهم سوره مائده که می فرماید: «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ...».

۲- کلماتی همچون «الکتاب» در بعضی آیات و یا «کتاب مکنون» و یا «ام الکتاب» و یا «لوح محفوظ» نیز در قرآن به عنوان اصل و حقیقت قرآن بیان شده، که منظور از همه همان کتاب مبین است.

۳- یوسف: ۱، ۲.

۴- زخرف: ۱، ۲، ۳.

۵- اعراف: ۱۴۵: «وَ كَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَ تَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَ أْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ»: «و در الواح تورات برای او در بعضی از موارد پندی و برای هر چیزی تفصیلی نگاشتیم. پس گفتیم: آن را به جد و جهد بگیر و قوم خود را وادار کن که بهترین آن را فرا گیرند، به زودی سرای نافرمانان را به شما می نمایانم.» { زخرف: ۶۳: «وَ لَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَ لِابْيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ - وَ أَطِيعُوا: «چون عیسی علیه السلام دلایل آشکار آورد گفت: به راستی برای شما حکمت آوردم، و تا درباره بعضی از آنچه در آن اختلاف می کردید برایتان توضیح دهم. پس از خدا بترسید و فرمانم ببرید». نمل: ۴۰: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَأَاهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي ءَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَ مَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ»: «مردی که دانشی از کتاب آسمانی داشت گفت: من پیش از آنکه دیده بگردانی آن را پیش تو می آورم. در این هنگام چون سلیمان آن را دید که به حضورش نهاده است گفت: این از فضل پروردگار من است تا مرا بیازماید که سپاس می گزارم یا ناسپاسی می نمایم، و هر کس سپاس گزارد در حقیقت به مصلحت خویش سپاس گزارده

و هر کس ناسپاسی نماید پروردگار من بی نیازی بزرگوار است». تفسیر فرات از امام باقر علیه السلام و آن جناب از پدرش نقل کرد که فرمود: «خداوند هیچ پیامبری را بر نیانگیخت مگر اینکه مقداری از علم به او داد به جز پیامبر ما که به او تمام علم را داد و در قرآن فرموده: «تَبَيَّنَّا لِكُلِّ شَيْءٍ»؛ و در آیه دیگر: «وَ كَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» و فرموده است: «الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ». نفرموده: کسی که دارای علم کتاب است، بلکه فرموده است: کسی که نزد او مقداری از علم کتاب است؛ ولی درباره حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرموده است: «أَوْزَنَّا الْكِتَابَ الَّذِيْنَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا». این بیان مربوط به تمام علم است و ما آن خانواده برگزیده هستیم که در این آیه می فرماید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تقاضای خود از خدا می گفت: «رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»: «مرا افزایش علم عنایت کن». این همان افزایشی است که در نزد ماست که در اختیار هیچ یک از اوصیای انبیاء و نه بازماندگان آنها جز ما نبوده است. با همین علم ما از بلاها، مرگ و میرها، حق و باطل ها اطلاع داریم». بحار الانوار: ج ۱۳ ص ۲۴۲ از بصائر الدرجات نقل می کند که امام باقر علیه السلام فرمود: «شیعه درباره علی و موسی و عیسی علیهم السلام چه عقیده ای دارند؟ پرسیدم: فدایت شوم از چه نظر پرسش می کنید؟ فرمود: از جهت علم، آیا آنها فضیلت یکسان دارند؟ گفتم: فدایت شوم من چه بگویم؟ فرمود: به خدا سوگند، علی علیه السلام از آن دو داناتر است. سپس فرمود: ای بنده خدا، آیا نمی دانی که علم علی علیه السلام عین علم محمد صلی الله علیه و آله است و علم محمد صلی الله علیه و آله بالاتر و افضل از همه انبیاء است؟ گفتم: آری، فرمود: خداوند تبارک و تعالی درباره موسی علیه السلام می فرماید: «ما در الواح تورات بعضی چیزها را نوشتیم و به او شناساندیم که همه امور برای او آشکار نمی شود»، اما خداوند تعالی درباره حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمود: «ما تو را بر همه امت ها و رسولان آنها شاهد می آوریم و بر تو کتابی نازل کردیم که توضیح و تبیین همه چیز است». { بحار الانوار: ج ۱۴ ص ۲۴۵ از بصائر الدرجات از ابو عبدالله بن ولید نقل می کند که می گوید: امام صادق علیه السلام از من پرسید: پیروان تو درباره امیرالمؤمنین و عیسی و موسی علیهم السلام چه می گویند و کدام یک را داناتر می شمارند؟ گفتم: ما می گوئیم هیچ کس بر پیامبران اولی العزم برتری و تقدم ندارد! حضرت صادق علیه السلام فرمود: اگر من با شما بر اساس کتاب خدا استدلال کنم، چه خواهید گفت؟ گفتم: در کجای کتاب خدا چنین مطلبی آمده است؟ حضرت صادق علیه السلام فرمود: خدای تعالی به موسی علیه السلام فرمود: «وَ كَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً»: «ما در الواح تورات برای موسی علیه السلام از پند هر چیزی نوشتیم». اما نفرمود: «علم همه چیز را نوشتیم». عیسی علیه السلام به مردم فرمود: «وَلَا يَبَيِّنُ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ»: «من آمده ام تا بعضی از موارد اختلافتان را برایتان توضیح دهم». و نفرمود: «همه چیز را برایتان بیان کنم و توضیح دهم». اما درباره امام شما فرمود: «كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»: «میان من و شما شهادت خدا و کسی که علم همه کتاب نزد اوست کفایت می کند».



علم الکتاب (کتاب مبین) نزد هر کسی باشد او می تواند علم به همه اشیاء را از قرآن استخراج کند، و می تواند مبین همه اشیاء تا روز قیامت باشد. و چه محرومیت بزرگی است برای کسی که ادعا می کند طالب علم است و خود را از این منبع و سرچشمه اصلی علم ناب و صحیح بی بهره کند.

### بعد از پیامبر صلی الله علیه وآله قرآن با کیست؟

بیان شد که این علم به صورت وحی به قلب نازنین رسول خدا صلی الله علیه وآله نازل شده (۱) و قلب مبارک ایشان همان مدینه علم و سرچشمه علوم الهی است. بعد از وجود مبارک رسول اکرم صلی الله علیه وآله قرآن موجود است، لکن این سوال مطرح است که چه کسی مبین این تبیان و معلّم این کتاب علم الهی و چه کسی هادی در کنار این کتاب هدایت است؟

---

۱- بقره: ۹۷: «قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ»: «بگو: هر کس دشمن جبرئیل باشد بداند که او آن (قرآن) را به اذن خدا بر قلب تو فرود آورد که تصدیق کننده کتاب پیش از خویش است و هدایت و مژده برای مؤمنان است». شعراء: ۱۹۵ - ۱۹۲: «وَإِنَّهُ لَنَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ . نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ . عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ . بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ»: «بی تردید این قرآن نازل شده از طرف پروردگار جهانیان است، که روح الامین آن را نازل کرده است، بر قلب تو تا از بیم دهندگان به زبان عربی روشن و گویا باشی»

چه کسی همه چیز را می داند؟ برای حل مشکلات بشر به کسی باید رجوع کرد؟ برای حل اختلافات چه کسی باید مرجع قرار گیرد؟ باب ورود به مدینه علم نبوی کیست؟

بعد از وجود مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و آله آیا بشر باید بی بهره از علم الهی باشد و به دنبال ظنّیات و وهمیّات بشری تشنگی خود را با آب گل آلود و شور و تلخ برطرف کند بلکه بیفزاید!! آبی که آنقدر آلوده است که به آن نمی توان آب گفت!

دلیل ما بر ناخالصی و صحیح نبودن این علم آن است که نتیجه علم صحیح هدایت و آشنایی با خداوند و آماده شدن برای رجوع به خدا و ملاقات با اوست. دلیل ما عدم سیرابی بشر و ازدیاد تشنگی روحشان است. دلیل ما جهانگیر شدن ظلم و جور دانشمندان ظاهری و دولت های به ظاهر پیشرفته در علم ایشان است. هر چه آنها در علم پیشرفت کرده اند از خدا دورتر شده اند و علم را وسیله ای برای قدرت قرار داده اند تا بنده و تسلیم خدا نشوند و در مقابل خدا بایستند.

هر چند ادعای ما این است که با بهره مند شدن از علم کتاب خدا، بشر از پیشرفت دور نخواهد شد و به زندگی سخت اُمم گذشته برنخواهد گشت، بلکه به اذن خدا همه هستی را تحت تسخیر خود در خواهد آورد.

آصف بن برخیا(۱) تنها یک علم از علم الکتاب را داشت و به وسیله آن تخت بلقیس را از فاصله حدود پانصد فرسخ در یک طرفه العین و کمتر از آن نزد حضرت

۱- نمل: ۴۰: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ، فَلَمَّا رَأَاهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي ءَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَ مَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ»: «مردی که دانشی از کتاب آسمانی داشت گفت: من پیش از آنکه دیده بگردانی آن را پیش تو می آورم. در این هنگام چون (سلیمان) آن را دید که به حضورش نهاده است گفت: این از فضل پروردگار من است تا مرا بیازماید که سپاس می گزارم یا ناسپاسی می نمایم، و هر کس سپاس گزارد در حقیقت به مصلحت خویش سپاس گزارده و هر کس ناسپاسی نماید پروردگار من بی نیازی بزرگوار است.»

سلیمان علیه السلام آورد. حال اگر تمام این علم مکشوف گردد آیا بشر عقب مانده و بی بهره از پیشرفت می گردد؟!

### علم پیامبر صلی الله علیه وآله به چه کسی رسیده است؟

سؤال مهم اینجاست که چه وقت آن زمان فرا خواهد رسید؟ برای رسیدن به جواب این سؤال به سؤال قبلی برمی گردیم. بعد از وجود مبارک رسول اکرم صلی الله علیه وآله قرآن موجود است؛ لکن این سؤال مطرح است که چه کسی مبین این تبیان و معلّم این کتاب علم الهی و چه کسی هادی در کنار این کتاب هدایت است؟

خوب دقت کنید، همین جا ... همین نزدیکی ها ... ماجرای غدیر ... غدیر معرفی باب مدینه علم است.

قرآن کریم در آیات متعدد و به بیان هایی راه وصل شدن به این سرچشمه را بیان کرده و فرموده: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا». (۱) «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا». (۲)

لذا اگر کسی با نیت خالص در قرآن تدبّر کند قفل های دل او باز شده و باب مدینه العلم را می یابد که امام صادق علیه السلام فرمودند: «... لَوْ تَدَبَّرَ الْقُرْآنَ شِيعَتُنَا لَمَا شَكُّوا فِي فَضْلِنَا» (۳): «اگر شیعیان ما در قرآن تدبّر می کردند؛ فضل و مقام ما را به خوبی می دانستند و در آن شک نمی کردند.

بیان شد که «علم الکتاب» به پیامبر صلی الله علیه وآله وحی شده و این مطلبی است که در آیات متعددی بیان شده است. مثلاً فرمود: «وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا

۱- محمد: ۲۴: «آیا در قرآن تدبّر نمی کنند؟ یا این که بر دل هایشان قفل زده شده است؟!»

۲- نساء: ۸۲: «آیا در قرآن تدبّر نمی کنند؟ و اگر از نزد غیر خدا می بود البته در آن اختلاف بسیار می یافتند».

۳- بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۲۶ .

لَمَّا بَيَّنَّ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ»(۱): «آنچه از آن کتاب از راه وحی به تو رساندیم، آن حقیقت است و تصدیق کننده آنچه که پیش از آن آمده است: زیرا خداوند به بندگانش البته خبرداری بیناست».

نکته قابل توجه اینکه بلافاصله در آیه بعد خداوند می فرماید بعد از وجود مبارک رسول خداصلی الله علیه وآله این علم به عده ای به ارث رسیده است: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذَنْ لِلَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ»(۲): «سپس آن کتاب را به آن عده از بندگانمان که برگزیدیم به میراث دادیم. پس بعضی از ایشان ستمکار نفس خویش است و بعضی از ایشان میانه رو، و دیگری به اجازه خداوند پیشرو در نیکی هاست. این همان فضل بزرگ است».

با دقت در آیه ملاحظه می شود که خداوند بندگان برگزیده خود را وارث علم الکتاب قرار داده است؛ همان کتابی که به پیامبرصلی الله علیه وآله وحی شده است. اما سؤال این است که بندگان برگزیده خدا چه کسانی هستند؟

قرآن کریم صریحاً ایشان را معرفی کرده، آنجا که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوْحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ، ذُرِّيَّةً بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»(۳): «خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برگزیده است. فرزندان که بعضی از آنان از نسل بعضی دیگرند، و خداوند شنوای داناست».

۱- فاطر: ۳۱.

۲- فاطر: ۳۲.

۳- آل عمران: ۳۳، ۳۴.



در این آیه، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران به عنوان بندگان برگزیده الهی معرفی شده اند. ممکن است اشکال شود که اگر همه افراد آیه فوق مصطفای الهی هستند، پس باید جمیع ایشان وارث علم الکتاب قرار گیرند، در حالی که قبلاً بیان شد که تمام علم الکتاب فقط نزد پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله است و انبیاء قبل فقط بعضی از این علم را واجد بوده اند!

در جواب بیان می گردد چون در آیه ۳۲ سوره فاطر «ثُمَّ أَوْرَثْنَا» را بعد از «وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ» در آیه ۳۱ بیان کرده، مشخص می گردد منظور آن دسته از بندگان مصطفای خدا هستند که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله می آیند. لذا حضرت آدم و نوح علیهما السلام از این دایره خارج می گردند.

همچنین با توجه به آیه «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» (۱): «یا اینکه آنها به مردم (به پیامبر و خاندانش) به خاطر آنچه خداوند از فضلش به آن ها داده حسد می ورزند؟ همانا ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و آنها را فرمانروایی بزرگی عطا کردیم»؛ مشخص می شود که بندگان برگزیده ای که خداوند ایشان را وارث الکتاب گردانده همان آل ابراهیم علیه السلام هستند. البته دلایل دیگری وجود دارد که آل عمران از این دایره خارج هستند، و ما به جهت رعایت اختصار از آن خودداری می کنیم.

### **بندگان برگزیده خدا چه کسانی هستند؟**

سؤال بعدی اینکه آل ابراهیم علیه السلام چه کسانی هستند؟ تا قبل از این سؤال به فضل خداوند اثبات شد که آن بندگان که مصطفای خدا هستند بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله وارث علم الکتاب هستند؛ همان علم کتابی که خداوند علم کل شیء را در آن قرار داده و به بیان

خود قرآن علم کل شیء را در آن احصاء کرده است. «وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا» (۱): «و حال آنکه هر چیزی را برشمرده به صورت کتابی در آورده ایم».

اما همین تعبیر «احصاء کل شیء» در مورد «امام مبین» نیز آمده است: «أَنَا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَ نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ آثَارَهُمْ وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ» (۲): «ما هستیم که مرده ها را زنده می کنیم و آثار از پیش تهیه شده آنان را می نویسیم و همه چیز را در امامی آشکار شماره کرده ایم»؛ معلوم می شود که علم الکتاب در وجود امام مبین علیه السلام احصاء شده است. اتفاقاً رسول اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه روز غدیر خم استناد نموده و فرمودند: «مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَ قَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ وَ كُلُّ عِلْمٍ عَلِمْتُهُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامٍ الْمُتَّقِينَ وَ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَ قَدْ عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ» (۳): «ای مردم، هیچ علمی نیست مگر این که خداوند آن را در وجود من احصاء و جمع فرموده و من هم تمام علمی را که دانستم در پیشوای پرهیزکاران جمع نمودم. هیچ علمی نیست الا اینکه به علی علیه السلام آموختم و او امام مبین است».

پس معلوم می شود منظور از آل ابراهیم علیه السلام که از بندگان مصطفای خدا هستند و وارث علم الکتاب، کسانی هستند که امام باشند؛ یعنی خداوند به ایشان منصب امامت داده باشد.

### حامل علم الکتاب ظالم نمی شود

در آیه «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (۴): «و به یاد آورید زمانی را که خدای ابراهیم او

۱- نبأ: ۲۹ .

۲- یس: ۱۲ .

۳- بحار الانوار: ج ۳۷ ص ۲۰۸ .

۴- بقره: ۱۲۴ .

را به اموری گوناگون امتحان کرد و او همه را به جا آورد. خداوند فرمود: من تو را امام مردم قرار دادم. ابراهیم گفت: امامت در فرزندانم نیز هست. فرمود: عهد من به ستمگران نمی رسد». خداوند بیان می کند که امامت را در آن دسته از ذریه ابراهیم قرار داده که ظالم نیستند. پس امام حتماً باید از نسل ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام باشد؛ و در نتیجه «آل ابراهیم» که «وارث الکتاب» هستند همان «ذریه ابراهیم علیه السلام» هستند که خداوند ایشان را امام قرار داده است.

ثانیاً کسی می تواند امام باشد که از اول عمر حتی برای یک لحظه ظالم نبوده باشد و از او ظلمی سر نزده باشد، چرا که الف و لام بر سر کلمه «الظالمین» الف و لام جنس است که تمام ظالمین را در برمی گیرد. یعنی اگر کسی در طول دوران زندگی، حتی فقط یک ظلم از او سر بزند نمی تواند واجد منصب امامت باشد.

اما ظلم چیست؟ قرآن کریم در موارد متعدد ظلم را تعریف کرده و ظالم را معرفی نموده است. مثلاً شریک آوردن برای خداوند متعال را بزرگترین ظلم معرفی می کند: «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»<sup>(۱)</sup>: «به یاد آور زمانی را که لقمان به فرزندش در حالی که او را موعظه می کرد گفت: پسرم! چیزی را شریک خدا قرار مده که شرک به خدا ظلم بزرگی است». در جای دیگر کافران را به عنوان ظالمان معرفی می کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةَ وَلَا شَفَاعَةَ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ»<sup>(۲)</sup>: «ای کسانی که ایمان آورده اید، از آنچه به شما روزی داده ایم انفاق کنید، پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی است و نه دوستی و نه شفاعتی؛ و کافران ستمکارانند». پس اگر کسی

۱- لقمان: ۱۳ .

۲- بقره: ۲۵۴ .

حتی برای یک لحظه کافر به خداوند باشد یا برای خدا شریک آورد، به نص قرآن او نمی تواند در منصب امامت قرار گیرد، لذا عالم به علم الکتاب نیست.

دلیل بسیار مهم دیگری در آیات قرآن وجود دارد که ارتباط بین عالم به علم الکتاب بودن و ظالم نبودن را بیان می کند: «وَ كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (۱): «در تورات برایشان مقرر کردیم که جان در ازای جان و چشم در برابر چشم و بینی در مقابل بینی و گوش در ازای گوش و دندان به جای دندان و زخم ها به مانندش، پس کسی که آن را ببخشد این کار کفاره ای برای اوست، و کسی که به حکم آنچه خدا فرو فرستاد داوری نکند پس ستمکاران همینان باشند». طبق این آیه کسانی که طبق ما انزل الله حکم نکنند ظالم هستند. پس کسی که عالم به ما انزل الله باشد می تواند بر طبق آن حکم کند و ظالم نباشد.

در بین کسانی که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله ادعای جانشینی پیامبر و امامت کردند، کدام یک می توانند ادعا کنند که برای یک لحظه کافر و مشرک به خدا نبوده اند؟! کدام یک می توانند ادعا کنند که عالم به تمام ما انزل الله هستند تا بر طبق آن حکم کنند؟! گواه تاریخ در این مورد چیست؟!

### اعلمیت امیرالمؤمنین علیه السلام

در اعلمیت امیرالمؤمنین علیه السلام به ما انزل الله بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله در هیچ کدام از فرق اسلامی تردیدی نیست. همه اذعان دارند آن کسی که بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله تمام علم الکتاب نزد اوست، کسی نیست جز امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام که خداوند صریحاً بیان فرموده تمام علم الکتاب نزد ایشان است.

«وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسِيًّا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (۱): «کسانی که کافر شدند می‌گویند: تو فرستاده نیستی. بگو: کافی است خدا و آن کس که نزد او علم کتاب است، میان من و شما گواه باشد».

### وارثان علم کتاب بعد از پیامبر صلی الله علیه وآله

همان طور که بیان شد این علم به وجود مبارک رسول خدا صلی الله علیه وآله از طریق وحی رسیده و بعد از ایشان به ائمه هدی علیه السلام به ارث رسیده که امیرالمؤمنین علیه السلام اولین ایشان و حضرت بقیه الله علیه السلام آخرین ایشان هستند. این مطلب در روایات اهل بیت علیهم السلام به وفور مشاهده می‌گردد.

ما به عنوان نمونه دو حدیث را ذکر می‌کنیم:

حدیث اول: (از شیعه)

عبد الرحمان بن کثیر از حضرت صادق علیه السلام نقل می‌کند که درباره آیه «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» فرمودند: «ما را قصد کرده و علی علیه السلام اول و افضل و بهترین ماست» (۲).

حدیث دوم: (از شیعه)

ابن بُکَیر از حضرت صادق علیه السلام نقل می‌کند و می‌گوید: من خدمت آن جناب بودم و سخن از علم سلیمان علیه السلام به میان آمد و قدرتی که به او داده شده بود. فرمود: به سلیمان بن داود علیه السلام چه چیز داده شده؟ به او یک حرف از اسم اعظم داده بودند ولی امام شما کسی است که خداوند در این آیه می‌فرماید: «قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ

۱- رعد: ۴۳ .

۲- بحار الانوار: ج ۲۶ ص ۱۷۲ .

عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ». به خدا قسم نزد علی علیه السلام تمام علم کتاب بود. عرض کردم: صحیح می فرمایید، فدایتان شوم. (۱)

حدیث سوم: (از اهل سنت)

سعید بن جبیر نقل کرده است: ابن عباس صحابی پیامبر درباره قول خداوند «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»، بیان کرد که منظور علی علیه السلام است که علم کتاب نزد اوست. (۲)

قبلاً بیان شد که جناب آصف بن برخیا وزیر حضرت سلیمان علیه السلام که آن قدرت خارق العاده را از خود نشان داد، تنها یک حرف از علم کتاب را نزد خود داشت. حال وقتی به نص قرآن کریم و روایات، امیرالمؤمنین و ائمه بعد از ایشان تمام علم کتاب نزدشان است، اگر روزی قرار شود تمام این علم را برای مردم دنیا مکشوف سازند چه اتفاقی خواهد افتاد؟!

### چرا امامان علم کتاب را ظاهر نکردند؟

سؤالات زیادی در اینجا مطرح است، مثل اینکه چرا ائمه هدی علیه السلام این علم را مکشوف نساختند؟ و آیا در این دنیا زمانی خواهد آمد که این علوم مکشوف شده و مردم از آن بهره مند گردند؟ آیا ظرف دنیا برای پذیرش آثار این علوم گنجایش دارد؟ و سؤالات فراوان دیگر ....

اینکه چرا اهل بیت علیهم السلام این علوم را مکشوف نساختند و در ظاهر از آن بهره نمی بردند، ساده ترین دلیلی که برای آن می توان بیان کرد این است که مردم ایشان را

۱- بحار الانوار: ج ۲۶ ص ۱۷۰.

۲- شواهد التنزیل لقواعد التفضیل: ج ۱ ص ۴۰۱.

رها کرده و به سراغ جاهل ترین افراد امت رفتند و خلافت آنها را پذیرفتند، و صد البته ظرفیت و توان پذیرش این علوم را نداشتند و هنوز به بلوغ فکری و قلبی پذیرش علم الهی نرسیده بودند، تا جایی که اگر کسی ادعا می کرد مثلاً یکی از ائمه علیهم السلام علم غیب می داند، مدعی و بقیه شیعیان را واجب القتل می دانستند، و اگر خود امام علیه السلام از روی تقیه انکار نمی کردند ایشان را نیز به شهادت می رساندند.

تا جایی که ائمه هدی علیهم السلام دستور به کتمان این امر داده می فرمودند: «احدی قدرت تحمل پذیرش این مطلب را ندارد جز ملائکه مقرب و انبیای مرسل و مؤمنینی که قلوبشان را خدا مورد امتحان قرار داده است».

شاهد این مطلب در روایات فراوان دیده می شود که به چند مورد اکتفا می کنیم:

حدیث اول:

وهب بن وهب قرشی گفت: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: گروهی از اهل فلسطین بر حضرت باقر علیه السلام وارد شدند و او را از مسائلی چند سؤال کردند و ایشان جواب داد. ... سپس فرمود: جدم امیر المؤمنین علیه السلام حاملانی را از برای علم خویش نیافت تا آنجا که آه سرد از سینه پر درد می کشید و بر سر منبر می فرمود: از من بپرسید پیش از آنکه مرا نیابید. در میان سینه من علم بسیاری است. آه! آه! آگاه باشید که کسی را نمی یابم که آن را تحمل کند، و آگاه باشید که من بر شما از جانب خدا حجت رسایم. پس دوست مدارید گروهی را که خدا بر ایشان خشم کرده است. آنان از آخرت نومید شده اند چنان که کافران از صاحبان قبرها که مردگانند نومید شده اند. (۱)

حدیث دوم:

امام صادق علیه السلام فرمود: روزی نزد علی بن الحسین علیه السلام سخن از تقیه پیش آمد. آن حضرت فرمودند: به خدا اگر ابوذر می دانست آنچه در دل سلمان بود او را می کشت، در صورتی که پیامبر علیه السلام میان آن دو برادری برقرار کرد! پس درباره مردم دیگر چه گمان دارید؟ همانا علم علماء صعب و مستصعب است، و جز پیامبر مرسل یا فرشته مقرب یا بنده مؤمنی که خدا دلش را به ایمان آزموده طاقت تحمل آن را ندارد. سپس فرمود: از این رو سلمان از جمله علما شد. او مردی از ما خانواده است، و از این جهت او را در ردیف علماء آوردم. (۱)

حدیث سوم:

امام صادق علیه السلام فرمود: حدیث ما صعب و مستصعب است. تحمل آن را ندارد جز سینه های نورانی یا دل های سالم یا صاحبان اخلاق نیکو. همانا خدا از شیعیان ما پیمان (به ولایت ما) گرفت، چنان که از بنی آدم (به ربوبیت خود) پیمان گرفت و فرمود: «آیا من پروردگار شما نیستم؟» پس هر که نسبت به ما (به پیمان خویش) وفا کند، خدا بهشت را به او پاداش دهد، و هر که ما را دشمن دارد و حق ما را به ما نرساند، همیشه و جاودان در دوزخ است. (۲)

حدیث چهارم:

امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حدیث آل محمد علیهم السلام صعب و مستصعب است، جز فرشته مقرب یا پیامبر مرسل یا بنده ای که خدا دلش را به ایمان آزموده، به آن ایمان نیاورد. پس هر حدیثی که از آل محمد علیهم السلام به

۱- الکافی: ج ۱ ص ۴۰۱.

۲- الکافی: ج ۱ ص ۴۰۱.



شما رسید و در برابر آن آرامش دل یافتید و آن را آشنا دیدید، بپذیرید، و هر حدیثی که دلتان از آن رمید و ناآشنایش دیدید، آن را به خدا و پیامبر و عالم آل محمدعلیهم السلام رد کنید. همانا هلاک شده کسی است که حدیثی را که تحمل ندارد برایش بازگو کنند، و او بگوید به خدا این چنین نیست! به خدا این چنین نیست! و انکار مساوی کفر است. (۱)

حدیث پنجم:

شعیب حداد گوید: از امام ششم جعفر بن محمدعلیه السلام شنیدم که می فرمود: «حدیث ما سخت است و تحمل آن را ندارد جز فرشته مقرب یا پیامبر مرسل یا بنده ای که خدا دلش را با ایمان آزموده یا مدینه حصینه (شهری که دژ و قلعه محکم دارد). عمرو شاگرد شعیب از او پرسید: ای شعیب مدینه حصینه کدام است؟ گفت: من خود معنی آن را از امام صادق علیه السلام پرسیدم. به من فرمودند: قلب مجتمع (قلبی که با قلوب دیگر بر سر ایمان به خدا و اطاعت امر او اتحاد دارد) است. (۲)

### امامان علم الکتاب را چه زمانی ظاهر می کنند؟

در پاسخ به این سؤال که این علوم در چه زمانی مکشوف خواهد شد، ارتباط اصلی غدیر و ظهور و تجلی غدیر در ظهور روشن می گردد. دوران ظهور همان دوران باشکوه ظهور علم آل محمدعلیهم السلام است که خداوند وعده آن را داده و این وعده در متن قرآن کریم بارز است:

۱- الکافی: ج ۱ ص ۴۰۱.

۲- بحار الانوار: ج ۲ ص ۱۸۳.

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (۱): «خدا به کسانی از شما که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند وعده داده که آنان را در زمین جانشین کند همان گونه که کسانی را که پیش از ایشان بودند جانشین کرد و البته دینشان را که برای آنان پسندید به مصلحت ایشان اقتدار بخشد و ترسشان را به ایمنی بدل کند تا مرا بپرستند و چیزی را شریک من نگیرند، و هر کس پس از آن کافر گشت چنین کسانی همان زشتکاران باشند».

### خلافت در علم جزئی از خلافت است

این خلافت و جانشینی برای علم خداوند نیز هست و ما این مطلب را از روایت استفاده می کنیم:

حدیث اول:

امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: خدای جلّ ذکرة شب قدر را در ابتدای خلقت دنیا آفرید و در آن شب نخستین پیامبر و نخستین وصیی که باید باشد را آفرید و حکم فرمود که در هر سال شبی باشد که در آن شب تفسیر و بیان امور تا چنان شبی در سال آینده فرود آید. هر کس آن شب را انکار کند علم خدای عز و جل را رد کرده، زیرا پیامبران و رسولان و محدثان جز به وسیله حجتی که در آن شب به آنها می رسد با حجتی که جبرئیل علیه السلام (در غیر آن شب) برای آنها می آورد، قائم نشوند و بپای نایستند (زیرا برنامه رهبری خلق و علم بدون اختلاف را در آن شب به دست می آورند).

راوی می گوید: عرض کردم: جبرئیل یا ملائکه دیگر نزد محدثان هم می آیند؟ فرمود: اما نسبت به پیامبران که شکی نیست، و نسبت به غیر ایشان ناچار باید از نخستین روز آفرینش زمین تا پایان جهان حجتی برای اهل زمین باشد که خدای تعالی تفسیر امور را در آن شب بر محبوب ترین بندگانش نازل فرماید. به خدا سوگند که جبرئیل و ملائکه در شب قدر آن امر را برای آدم آوردند، و به خدا سوگند که آدم نمرود مگر آنکه برای او وصی بود، و برای همه پیامبران پس از آدم امر خدا در شب قدر می آمد؛ و برای وصی پس از او هم مقرر شد. به خدا سوگند که هر پیامبری از آدم تا محمد صلی الله علیه و آله در آن شب مأمور می گشت که به فلان کس وصیت کند (و شخصی را وصی خود قرار دهد).

خدای عزوجل در قرآنش نسبت به خصوص والیان امر بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده کرده که در زمین جانشینان کند، چنان که پیشینیان ایشان را جانشین کرد». تا آنجا که می فرماید: «و دینی را که برای ایشان پسندیده استقرار دهد و از پی ترسشان امنیت به دل آنان آورد، تا تنها مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نسازند. آنها که پس از این کافر شوند خود گنه پیشگانند». یعنی شما را پس از پیامبران جانشین علم و دین و عبادت خود کنم، چنان که اوصیاء آدم علیه السلام پس از او جانشین می شدند تا پیامبر بعد مبعوث می گشت. «تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نسازند»، یعنی مرا عبادت کنند با ایمان به اینکه پیامبری بعد از محمد صلی الله علیه و آله نیست. کسانی که جز این گویند خودشان گنه پیشگانند. خدا هم والیان امر را بعد از محمد صلی الله علیه و آله در علم استقرار بخشید و ما هستیم آن والیان.

پس از ما بیسید، که اگر به شما راست گفتیم، اعتراف کنید؛ ولی شما اعتراف نخواهید کرد. اما علم ما ظاهر است (زیرا اگر شما از ما بیسید، دیگران می پرسند و

اگر شما از روی لجاج و عناد اعتراف نکنید، مردم بی غرض چیز فهم دیگر هستند. (و اما زمانی که دین خدا به وسیله ما در آن ظاهر گردد به طوری که میان مردم هیچ گونه اختلافی نباشد، آن را مدتی است که با گذشت شبانه روزها سپری شود، و چون وقتش رسد آشکار گردد و امر یکی شود (اختلاف از میان مردم رخت بر بندد).

به خدا سوگند که فرمان خدا جاری شده که میان مؤمنین اختلافی نباشد و به همین جهت ایشان را گواه مردم قرار داده است. بدین ترتیب که محمد صلی الله علیه و آله گواه ما باشد و ما گواه شیعیان خود و شیعیان ما گواه مردم دیگر. خدای عزوجل هرگز نخواسته که در حکم او اختلافی باشد و میان اهل علمش تناقضی وجود داشته باشد. سپس امام علیه السلام فرمودند:

برتری مؤمنی که «أَنَا أَنْزَلْنَا» را با تفسیرش باور کند، بر کسی که در ایمانش به آن سوره چون او نیست، مانند برتری انسان است بر چهارپایان! و خدای عزّ و جلّ به وسیله مؤمنان به آن سوره از منکرین آن در دنیا برمی دارد آنچه را (یعنی تسلط کفار را بر مسلمین را) که به وسیله جهاد کنندگان از خانه نشستگان بر می دارد، تا عذاب آنهایی که خدا می داند از انکار خود توبه نمی کنند در آخرت کامل باشد، و (چون سخن از جهاد به میان آمد، برای اینکه گمان نکنی در این زمان هم جهادی واجب است می گویم: «من در این زمان جهادی جز حج و عمره و همسایگی خوب سراغ ندارم».)<sup>(۱)</sup>

حدیث دوم:

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که در مورد آیه ۱۵۲ خداوند به آنانی که از شما ایمان آورده و کارهای پسندیده انجام داده اند وعده می دهد که در روی زمین

جانشینشان کند، همان طور که پیشینیان را جانشین کرد؛ و دینشان را که برای آنها پسندیده مستقر سازد، و بعد از نگرانی ها ترس آنان را به امنیت مبدل خواهد نمود. مرا بندگی کنید! هیچ چیز را شریک من قرار ندهید، و اگر کسی بعد از این کافر شود از فاسقین است»، فرمودند: این آیه درباره مهدی موعود علیه السلام و یاران او نازل شده است.

ادله و شواهد دیگری نیز بر این مطلب دلالت دارد که در زمان ظهور علوم آل الله عليهم السلام مکشوف شده و مردم به خاطر کامل شدن عقول تحمل و ظرفیت پذیرش آن را دارند(۱)، از جمله اینکه خداوند در قرآن می فرماید: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»(۲): «ما اراده کرده ایم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم».

### ائمه هدی عليهم السلام وارثان زمین

در روایات مصداق مستضعفین در زمین که خداوند اراده کرده ایشان را وارث گرداند، ائمه هدی عليهم السلام معرفی فرموده اند که این وراثت زمان ظهور شروع گشته و در زمان رجعت ادامه خواهد داشت. در غیبت شیخ طوسی از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که در تفسیر این آیه «ما اراده کرده ایم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم»، فرمودند: اینان که در زمین ضعیف گشته اند آل پیامبرند که خداوند مهدی آنها را برانگیزد تا آنان را عزیز و دشمنانشان را ذلیل گرداند.(۳)

۱- حضرت باقر علیه السلام فرمود: «چون قائم ما قیام کند خداوند دست رحمتش را بر سر بندگان گذارد پس عقولشان را جمع کند و در نتیجه خردشان کامل شود». الکافی: ج ۱ ص ۲۵.

۲- قصص: ۵.

۳- بحار الانوار: ج ۵۱ ص ۵۴.

و چه زیبا رسول اکرم صلی الله علیه و آله وجود مبارک امام مهدی علیه السلام را در خطبه غدیر وصف نمودند:

... بدانید که فرد آخرین از ما امامان قائم مهدی است. اوست که بر عموم ادیان پیروز می شود و از ستمگران انتقام می گیرد. اوست که حصار مملکت ها را فتح می کند و مرزهای کشورها را از بین می برد. اوست که هر طائفه ای از اهل شرک را می کشد، و هم اوست که برای اولیاء خدا خونخواهی می کند. یاور دین خداست و هم وی از دریای شگرف دانش مشت مشت علم برداشت می کند.

بدانید او کسی است که مقام هر صاحب فضیلتی را تثبیت می کند و هر جاهل و نادانی را در مرحله جهل خود می نشاند. اوست کسی که خدا وی را برای این مقام اختیار فرموده و وارث علم و دانش است و بر جمیع علوم احاطه دارد. اوست کسی که از طرف خدا خبر می دهد، و آگاه کننده مردم در مورد ایمان به خداست.

ای مردم! بدانید اوست رشید محکم، و امر بشریت از طرف خدا بدو تفویض شده است. عموم پیشینیان و افرادی که در زمان وی خواهند بود، مژده رسان قیام و ظهور اویند. او حجت باقی خداوند است و پس از وی حجتی نخواهد بود. حقی در جهان جز با او وجود ندارد و روشنایی و نوری در عالم جز نزد وی موجود نیست. هیچ کس بر او پیروز نمی شود، و احدی در آسیب رساندن به وی یاری نخواهد شد. او ولی خدا در کره خاک و فرماندار پروردگار در میان مردم و امین آفریننده در امور آشکار و نهان خلقت است. (۱)

### کشف علوم آل محمد علیهم السلام در عصر ظهور

به عنوان حُسن ختام روایتی از وجود مبارک باقرالعلوم علیه السلام بیان می گردد که حضرت صریحاً بیان می کنند که در زمان ظهور وجود مبارک امام مهدی علیه السلام این علوم را مکشوف خواهند ساخت.

ابی جارود می گوید: از امام باقرعلیه السلام شنیدم که می فرمود: «حدیث آل پیامبر صلی الله علیه وآله صعب مستصعب، سنگین، پوشیده، بدون زوائد و نورانی است، و تحمل آن را ندارد جز فرشته مقرب یا پیامبر مرسل یا بنده ای که خدا دلش را با ایمان آزموده یا مدینه حصینه (شهری که دژ و قلعه محکم دارد)، زمانی که قائم ما قیام کند نطق می کند و قرآن او را تصدیق می نماید».(۱)

## تجلی نظم و وحدت الهی غدیر در عصر ظهور: محمد رضا شریفی

### چکیده

۱. بعثت علت محدثه اسلام و غدیر علت مبقیه آن بود.
۲. غدیر تجلی هدایتگران در آیه «لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» بود.
۳. در غدیر با اطاعت از امامان هدایتگر، همه ملت ها تحت یک نظم و وحدت الهی به سر منزل مقصود می رسند.
۴. در معنای غدیر حضرت زهرا علیها السلام فرموده: «وَ طَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمَلَّةِ، وَ اِمَامَتَنَا اَمَانًا مِنَ الْفُرْقَةِ».
۵. بیعت غدیر به معنای دست اتحاد مسلمین بر ولایت بود.
۶. دستور ابلاغ غدیر تا قیامت به معنای اتحاد همه مسلمین در همه مکان ها بر سر ولایت است.
۷. غدیر اتمام حجت نهایی بر سعادت ابدی در سایه اطاعت از امام معصوم علیه السلام برای وحدت و نظم نوین جهان و ارتباط همه قلب ها است.



۸. با جمله «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» طعم شیرین غدیر و رسیدن به آرزوهای بشریت در کامشان تلخ گردید.

۹. سقیفه درهای رحمت گشوده را بست، و جهنم را برای مسلمین به ارمغان آورد.

۱۰. با حاکمیت جابرانه سقیفه، ائمه معصومین علیهم السلام نتوانستند غدیر از دست رفته را به کام زندگی مردم برگردانند.

۱۱. غدیر یعنی نظم و وحدت با پیروی از دین واحد و تشکیل یک حکومت واحد جهانی با مدیریت مردی آسمانی به تضمین عصمت الهی.

۱۲. با آشکار شدن صراط مستقیم غدیر در عصر ظهور و بسته شدن راه های انحرافی دین، حقیقت نظم و وحدت کلمه نمایان خواهد شد.

۱۳. با کنار گذاشتن غدیر در سقیفه، بشریت به سمت بی نظمی و تفرقه پیش رفت.

۱۴. عوامل بی نظمی و تفرقه که ریشه در فراموشی غدیر دارد عبارتند از نفاق، دنیاگرایی، حزبگرایی، بی تفاوتی، سطحی نگری، ترس و سست عنصری.

۱۵. راه های ایجاد نظم و وحدت قبل از ظهور:

- اعتقاد به غدیر.

- عمل به حدیث ثقلین.

- امتحان الهی بر مبنای امامت در امت اسلامی.

- ایمان مشروط به ولایت و اخذ دین از آنان.

- بیان حقایق اگر چه وحدت بر هم خورد.

- رجوع به خدا و رسول در اختلاف

## مقدمه

دیروز علامه امینی ها و دلسوختگان غدیر با زحمات خود، از کتب عامه اصل واقعه غدیر و تردید در آن و شبهات وارده در لفظ «مولا» را پاسخ داده و اثبات نموده اند. امروز نوبت شکافتن سرزمین نورانی و پر برکت غدیر است، که سالیان زیادی است به خاطر دشمنی با غدیر خم، گنجینه های معرفتی آن پنهان مانده و بشر از دستیابی به آن محروم شده است.

آنچه پیش رو دارید با موضوع «تجلی نظم و وحدت الهی در عصر ظهور»، بیان گوشه ای از یکی از این ارتباط هاست؛ که به محضر شهیده دفاع از غدیر، حضرت زهرا علیها السلام تقدیم می نمایم.

## انبیاء علیهم السلام بنیان گذاران وحدت بر اساس دین واحد خدا

خداوند متعال پس از خلقت آدم تا امروز رسولانی را برای هدایت بشر فرستاد، تا مردم با ایمان به آنها در راه خدا متحد شوند، و دچار ذلت و خواری تفرقه نگردند. انبیاء و رسولان نیز یکی پس از دیگری با تبلیغ دینی واحد، وظیفه خود را در راه این هدف انجام دادند، همان گونه که خداوند در قرآن می فرماید: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»<sup>(۱)</sup>: «همانا دین در نزد خدا اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است».

تا نوبت به خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله رسید، و خداوند دین ایشان را خاتم الادیان، و قرآن معجزه جاوید را قانون واحد الهی و تنها قانون نامه آسمانی برای بشریت معرفی فرمود؛ و با این بعثت بر مؤمنین منت نهاد؛ آنجا که می فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ»<sup>(۲)</sup>: «خداوند بر مؤمنان منت نهاد (و نعمت بزرگی بخشید) هنگامی که در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیخت».

---

۱- آل عمران: ۱۹ .

۲- آل عمران: ۱۶۴ .

بیست و سه سال دوره رسالت سراسر حادثه، همراه با رنج و مشقت و اذیت برای پیامبر صلی الله علیه و آله، برای دعوت همه مردم به توحید و یکتاپرستی و ترک عادات جاهلیت، در حال سپری شدن بود. همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «ما اودى نبيٌ مثلي ما اوديتُ»: «هیچ پیامبری به اندازه من مورد آزار قرار نگرفت».<sup>(۱)</sup> آخرین سال عمر شریف ایشان وقایع مهمی را در خود جای داده بود، و آن حضرت به امر الهی در حالی خود را برای سفر آخرت آماده می نمود که دو حکم الهی یکی حج و دیگری اعلان ولایت باقی مانده بود.

لذا اجرای این دو حکم با هم قرین گشته و بلافاصله پس از حجه الوداع و فراغت از آن خداوند به پیامبرش فرمود: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ»<sup>(۲)</sup>: «پس هنگامی که از آن کار مهم فارغ شدی منصوب کن».

### کنگره عظیم وحدت در سرزمین غدیر

واقعه تاریخی غدیر خم، در روز هجدهم ذی الحجه سال دهم هجری اتفاق افتاد که در واقع اعلان رمز اتحاد مسلمانان بر سر ولایت امامان معصوم علیهم السلام بود. خداوند به وسیله پیک وحی حضرت جبرئیل علیه السلام، قبولی رسالت بیست و سه ساله آن حضرت را با آن همه زحمت، در گرو انتصاب علی علیه السلام به عنوان جانشین خود قرار داد. قرآن شریف به این امر مهم اشاره نموده است، آنجا که می فرماید: «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»<sup>(۳)</sup>: «ای پیامبر! آن چه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده (به مردم) برسان! و اگر نکنی رسالت او را انجام نداده ای!»

۱- کشف الغمه فی معرفه الأئمه: ج ۲ ص ۵۳۷؛ بحار الانوار: ج ۳۹ ص ۵۶.

۲- انشراح: ۷.

۳- مائده: ۶۷.

پس از اجرای این حکم الهی، خداوند بر رسالت خاتم الاوصیاء و اسلام با علی بن ابی طالب علیه السلام مهر تأیید زد و فرمود: «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِينًا» (۱): «امروز دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آئین شما پذیرفتم»؛ و این به معنای لزوم اتحاد مسلمین بر سر دین کاملی بود که در غدیر مورد رضای ربّ تبارک و تعالی قرار گرفت.

### غدیر روز تجلی هدایتگران الهی

بیست و سه سال مردم با علت محدثه اسلام یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله آشنا شده بودند، ولی علت مبقیه اسلام حضرت علی علیه السلام را در آیه «انّما انت مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (۲): «تو فقط بیم دهنده ای و برای هر گروهی هدایت کننده ای است»، جستجو می کردند و پرسش داشتند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «اَنَا الْمُنذِرُ وَ عَلِيٌّ الْهَادِي وَ بِكَ يَا عَلِيُّ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ»: «من ترساننده امت و علی راهنمای آنان است»، و سپس فرمودند: «یا علی! توسط تو مردم به راه راست هدایت خواهند شد» (۳).

خداوند روز غدیر را زمان پاسخگویی به همه این سؤالات بشریت قرار داده، همان گونه که فرموده است: اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ: «ما را به راه راست هدایت کن» (۴). روز غدیر را روز تجلی هدایتگران الهی قرار داد، و بنابراین آیه «لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (۵) تفسیر شد و نیاز بشریت پاسخ داده شد.

۱- مائده: ۳.

۲- رعد: ۷.

۳- تفسیر ثعلبی: ج ۵ ص ۲۷۲؛ شواهد التنزیل: ج ۱ ص ۳۸۱؛ تفسیر رازی: ج ۱۹ ص ۱۴؛ تفسیر روح المعانی، آلوسی: ج ۱۳ ص ۱۰۳؛ جامع البیان طبری: ج ۱۳ ص ۷۲.

۴- فاتحه: ۶.

۵- رعد: ۷.

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله نیز به امر الهی برای متذکر شدن چنین موضوع مهم در این روز تاریخی فرموده اند: «يَوْمَ غَدِيرِ حُجْمٍ أَفْضَلُ أَعْيَادِ أُمَّتِي»<sup>(۱)</sup>: «افضل اعياد امت من روز غدیر خم است».

### خطبه غدیر یا ندای وحدت

پیامبر صلی الله علیه وآله در خطبه های مفصل با ندای «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»<sup>(۲)</sup> بشریت تشنه معارف غدیر را به زیر چتر ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام فراخوانده، تا در کنار زلال برکه غدیر سیراب گردند و با اطاعت از امامان هدایتگر همه ملت ها تحت یک نظم و وحدت الهی، به سر منزل مقصود برسند.

حضرت زهرا علیها السلام ثمره قبول ولایت و اطاعت از امام را نظم و وحدت الهی معرفی کرده و در خطبه فدکیه با صراحت می فرماید: «... وَ طَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمَلَّةِ وَ إِمَامَتَنَا أَمَانًا مِنَ الْفُرْقَةِ»<sup>(۳)</sup>: «خداوند برای سامان یافتن جامعه اطاعت و پیروی از ما اهل بیت را بر همه واجب کرده، و برای در امان ماندن از تفرقه ما را پیشوا و امام مردم قرار داده است».

امام هادی علیه السلام در متن زیارت جامعه کبیره کلام حضرت زهرا علیها السلام را تفسیر نموده و در بخشی از آن می فرماید: «... وَ بِمُؤَالَاتِكُمْ ... اتَّكَلَفْتُ الْفُرْقَةَ»، یعنی اختلاف و تفرقه با اعتقاد به امامت و دوستی اهل بیت علیهم السلام تبدیل به وحدت می گردد.

۱- امالی الصدوق: ص ۱۲۵؛ روضه الواعظین: ج ۱ ص ۱۰۲.

۲- الاحتجاج: ج ۱ ص ۵۱۱؛ اعلام الوری بأعلام الهدی: ص ۱۶۵.

۳- احتجاج: ج ۱ ص ۹۹.

## بیعت، تجلی وحدت در غدیر

پیامبر خداصلی الله علیه وآله به منظور ایجاد نظم و وحدت بین ملت های مسلمان و تداوم آن در جوامع بشری از همه مردم ۱۲۰۰۰ نفری حاضر در غدیر خم(۱)، برای حضرت علی علیه السلام و اوصیاء طاهرینشان بیعت گرفتند(۲) و در خطبه غدیر فرمودند:

أَلَا وَإِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ حُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ وَ الإِقْرَارِ بِهِ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدِي. أَلَا وَإِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ وَ عَلِيًّا قَدْ بَايَعَنِي وَ أَنَا آخِذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

آگاه باشید! پس از پایان خطبه ام شما را برای بیعت با او و اقرار به امامتش فرا می خوانم که با من و سپس با او دست بیعت دهید. آگاه باشید! همانا من با خدا بیعت نموده ام و علی با من بیعت کرده است، و من از طرف خداوند برای او بیعت می گیرم.

در روز بیستم ذی الحجه در توفقی سه روزه در سرزمین غدیر(۳)، علاوه بر مردان زنان نیز با پیامبر و علی علیهما السلام بیعت نمودند، و بر قبول ولایت علی علیه السلام بر خودشان اقرار کردند. پیامبرصلی الله علیه وآله در خطبه غدیر فرمودند:

وَ قَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ آخُذَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمْ الإِقْرَارَ بِمَا عَقَدْتُ لِعَلِيِّ مِنْ أَمْرِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الأَيْمَةِ مِنِّي وَ مِنْهُ. (۴)

۱- بحار الانوار: ج ۲۱ ص ۳۸۵، ۳۹۳، ۳۹۶؛ ج ۳۷ ص ۱۱۱، ۱۵۰. اثبات الهداه: ج ۲ ص ۱۳۶. عوالم العلوم: ج ۱۵/۳ ص ۲۹۹. الغدير: ج ۱ ص ۳۲، ۵۴۶.

۲- اليقين: ص ۳۵۷؛ بحار الانوار: ج ۲۱ ص ۳۸۸ \_ ۳۸۷؛ - ۳۷ ص ۲۱۴.

۳- اليقين: ص ۲۸۵؛ التحصين: ص ۵۳۷؛ بحار الانوار: ج ۶ ص ۵۳، ج ۲۱ ص ۳۸۸ \_ ۳۸۷؛ عوالم العلوم: ج ۱۵/۳ ص ۴۲، ۶۰، ۶۵، ۹۷.

۴- احتجاج: ج ۱ ص ۶۵.

خداوند به من فرمان داده که از زبان های شما در مورد امامت علی و امامانی که بعد از او می آیند و از نسل من و اویند اقرار بگیرم.

### غدیر، تجلی اتحاد مورد رضای خداوند

پس از واقعه غدیر و اعلان ولایت، در سایه اطاعت و پیروی از ائمه هدی علیهم السلام برای رسیدن به وحدت و نظم نوین جهانی قلب ملت ها می تپید، و بشریت سعادت غیر قابل وصف و دیدنی را پیش روی خود می دید. بنابراین تمام موجودات برای برخورداری از چنین حکومتی انتظار می کشیدند.

با کند شدن ضربان قلب رسالت انتظار می رفت با تپش دوباره ولایت پیکره بی جان اسلام روح تازه بگیرد؛ تا هیچ حقی از کسی پایمال نگشته و کسی مورد ظلم واقع نشود. این همان پیش بینی خداوند حکیم در روز غدیر بود، که با اعلان رسمی ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله تداوم نظم و وحدت را در بین مردم تضمین می کرد.

ولی طعم شیرین غدیر و رسیدن به آرزوهای حقیقی، با گفتن «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ»<sup>(۱)</sup> در کام بشریت تلخ گردید، و اهل سقیفه مردم را از رسیدن به لذت های دنیوی و آخروی محروم نمودند.

### سقیفه تجلی تفرقه و اختلاف

اهل سقیفه مانند بقیه مسلمانان در روز غدیر دستور پیامبرشان در مورد «ثقلین» را شنیدند که رمز اتحاد در اسلام بود، و متعهد شدند به سفارش آن حضرت عمل کنند، ولی نسبت به کلام ایشان و عهد خود بی اعتنا شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله روز غدیر در میان آن انبوه جمعیت فرمود:

---

۱- الالفین (ترجمه آقای وجدانی): ص ۹۲۹؛ امالی مفید: ص ۳۶ مجلس ۵؛ بحار الانوار: ج ۲۵ ص ۸۸؛ نهج الحق و کشف الصدق: ص ۲۷۳.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ عَلِيًّا وَ الطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ وَ الْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ فَكُلُّ وَاحِدٍ مُنْبِئٌ عَنِ صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ. (۱)

ای مردم! همانا علی و پاکان از فرزندان من از نسل او ثقل (۲) اصغر و قرآن ثقل اکبر است. هر یک از آن دو از دیگری خبر می دهد و موافق با اوست. آن دو هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

اهل سقیفه با عدم پذیرش ولایت الهی اهل بیت علیهم السلام تفرقه و اختلاف را آغاز کردند و با پایه گذاری دین دیگری بر ضد ولایت علی علیه السلام پرچم تفرقه بین مسلمین را برافراشتند. پیامبر صلی الله علیه و آله در خطبه مفصّل غدیر به این موضوع اشاره نموده و این آیه را قرائت فرمودند: «وَ مَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَ كَفَى بِكَ شَهِيدًا أَنِّي قَدْ بَلَغْتُ» (۳): «هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق) آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران است».

همچنان با این اعتقاد بسیاری از انسان ها در ضلالت و گمراهی به سر برده و با اطاعت و پیروی از اهل سقیفه نسبت به نعمت بزرگ الهی که ولایت الهی اهل بیت علیهم السلام است کافر شده، و سخط و عذاب الهی را برای خود فراهم نموده اند.

در صورتی که با قبول ولایت و اطاعت از امام زمانشان علی بن ابی طالب علیه السلام خداوند درهای آسمان و زمین را بر روی آنان می گشود: «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا

۱- الاحتجاج: ج ۱ ص ۶۰.

۲- به چیز گرانبها و ارزشمند ثقل گویند.

۳- الاحتجاج: ج ۱ ص ۶۱.



يَكْسِبُونَ»<sup>(۱)</sup>، تا دیگر مسلمین دچار تفرقه و بی نظمی نشوند.<sup>(۲)</sup> همچنین اگر همه مردم در قبول ولایت متفق می شدند، خداون، جهنم را خلق نمی کرد. در روایت آمده که حضرت فرمودند: «لَوْ اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَى حُبِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لَمَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ النَّارَ»<sup>(۳)</sup> «اگر مردم بر محبت حضرت علی علیه السلام اجتماع می کردند، خداوند آتش را خلق نمی کرد».

خداوند در مورد مزد رسالت بیست و سه ساله پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «فَعَلَّ لَا- أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا- الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»<sup>(۴)</sup>: «بگو: در برابر این (رسالت و تبلیغ) پاداشی از شما نمی طلبم!»

اما اهل سقیفه با دشمنی آشکار در مقابل علی علیه السلام و غضب خلافت آن حضرت و تکذیب فرمان الهی در مورد قبول وصایت و خلافت بلافضل ایشان بعد از نبی صلی الله علیه و آله، پایه های ظلم و ستم را محکم کرده و اهل بیت علیهم السلام را یکی پس از دیگری به وسیله زهر یا شمشیر به شهادت رساندند، همان گونه که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَا مِنَّا إِلَّا مَسْمُومٌ أَوْ مَقْتُولٌ»<sup>(۵)</sup>: «هیچ یک از ما (معصومین) نیست مگر آنکه یا مسموم و یا مقتول است».

### وعده وحدت الهی در عصر ظهور

با این بنیان شومی که بین مسلمین نهاده شد ائمه معصومین علیهم السلام در زمان حیاتشان به خاطر اینکه عنان حکومت ظاهری به دست آنها نبود، نتوانستند طعم شیرین و لذیذ

۱- الاحتجاج: ج ۱ ص ۱۰۹ .

۲- الاحتجاج: ج ۱ ص ۹۹ .

۳- بحار الانوار: ج ۳۹ ص ۲۴۷ .

۴- شوری: ۲۳ .

۵- کفایه الاثر: ص ۲۲۷ . بحار الانوار: ج ۴۴ ص ۱۳۹ .

غدیر خم و برکات آن را به ذائقه های مردم برگردانند. این است که در زمان ظهور امام علیه السلام به دلیل تحقق وعده الهی برای اجرای حکومت عدل گستر، هیچ ظالم و ستمگری قدرت تعرض به ایشان را نداشته و بیعتی نیز از طرف ستمکاران بر گردن آن حضرت نمی باشد. همان گونه که امام صادق علیه السلام می فرمایند: «يَقُومُ الْقَائِمُ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ عَهْدٌ وَ لَا عَقْدٌ وَ لَا بَيْعَةٌ» (۱): «در حالی ظهور می کند که از هیچ کسی در گردن او عهد و پیمان و بیعتی نباشد».

در حکومت مهدی علیه السلام گرچه ظالمین و فرقه های ضالّه از اجرای اهداف علوی ناخوشایندند، ولی خداوند برای تحقق اهداف غدیر ظرف زمانی را با نام عصر ظهور انتخاب نموده تا با حکومت عدل گستر در آن زمان نظم جهانی و وحدت الهی به دنیا برگردانده شود.

نظم و وحدت یعنی پیروی از یک دین واحد و تشکیل یک حکومت واحد جهانی با مدیریت مردی آسمانی تبار به تضمین عصمتی الهی، که قرآن در سوره احزاب به این عصمت الهی اشاره نموده و فرموده است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (۲): «همانا خداوند می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد».

وعده دین واحد الهی را خداوند در قرآن چنین بیان می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (۳): «او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند!»

۱- کافی: ج ۱ ص ۳۴۲.

۲- احزاب: ۳۳.

۳- توبه: ۳۳. صف: ۹.

روایات زیادی از طرف اهل بیت علیهم السلام در مورد تحقق وعده های خدا به ما رسیده از جمله حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند: «المَهْدِيُّ مِنْ عِتْرَتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ، يُقَاتِلُ عَلِيَّ سَيِّدِي كَمَا قَاتَلْتُ أَنَا عَلِيَّ الْوَحِيَّ»: «مهدی از عترت من است و از فرزندان فاطمه علیها السلام است، او بر اساس سنت من پیکار می کند چنان که من بر اساس وحی پیکار نمودم».<sup>(۱)</sup> بنابراین، منتظران مصلح در سرتاسر عالم، برای نفس کشیدن و زندگی در آن عصر ظهور لحظه شماری می کنند.

### وحدت حقیقی بر اساس صراط مستقیم

اهمیت نظم و وحدت الهی، در صدر اسلام از طرف حضرت باری تعالی مورد عنایت بوده است و تحت عنوان تألیف قلوب به آن اشاره شده است. خداوند در قرآن می فرماید:

هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ، وَ أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.<sup>(۲)</sup>

اوست آنکه تو را با یاریش و به وسیله مؤمنین تأیید کرد، و دل های آنها را با هم الفت داد! اگر تمام آنچه روی زمین است صرف می کردی تا دل های آنان را الفت دهی نمی توانستی! ولی خداوند در میان آنها الفت ایجاد کرد! او توانا و حکیم است.

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج ۲ ص ۱۳۰. کشف الغمه: ج ۳ ص ۲۶۷. الزام الناصب: ص ۵۳. الغیبه (شیخ طوسی): ص

۴۳. ینابیع الموده: ج ۳ ص ۸۶، ۸۸.

۲- انفال: ۶۲، ۶۳.

از برکات زمان ظهور امام زمان علیه السلام نیز تألیف قلوب خواهد بود. صادق آل محمد علیه السلام می فرماید: «خداوند به وسیله آن حضرت بین دل های پراکنده و مخالف یکدیگر ائتلاف می بخشد».(۱)

همچنین در فرازی از دعای ندبه آمده است: «أَيْنَ مُؤَلَّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَ الرِّضَا»: «کجاست آنکه میان پراکندگی صلاح و رضا را جمع می کند»؟

حقیقت نظم و وحدت چنگ زدن به ریسمان الهی است، همان گونه که خداوند می فرماید: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا».(۲)

بنابراین، در مسیر صراط مستقیم حرکت کردن و دوری جستن از راه های انحرافی و تفرقه، همان اطاعت و پیروی از خداوند باری تعالی است که در سوره انعام می فرمایند: «وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»(۳): «این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید و از راه های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق دور می سازد! این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می کند، شاید پرهیزگاری پیشه کنید!»

با آشکار شدن صراط مستقیم و بسته شدن راه های انحرافی دین در عصر ظهور، حقیقت نظم و وحدت کلمه که خدا وعده داده نمایان خواهد شد. از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «تُرِكْتُمْ عَلَى الْمَحَجَّةِ الْبَيْضَاءِ الَّتِي لَيْلُهَا كَنَهَارُهَا...»(۴): «بر راه روشنی گزارده شدید که شبش همانند روز روشن است». پس راه واضح است به حدی که سیر کننده در آن گمراه نمی گردد.

۱- الکافی: ج ۱ ص ۳۳۲.

۲- آل عمران: ۱۰۳.

۳- انعام: ۱۵۳.

۴- مسند احمد بن حنبل: ج ۴ ص ۱۲۶.

### وحدت غدیر با معرفی صراط مستقیم

در غدیر خم راه روشن و واضح و صراط مستقیم الهی توسط نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله معرفی و تبیین گردید، همان گونه که در خطابه غدیر در تفسیر سوره حمد آن حضرت فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ، ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِي ثُمَّ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ أَيْمَةٌ يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ، إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ، إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ». فَيَ نَزَلَتْ وَ فِيهِمْ نَزَلَتْ وَ لَهُمْ عَمَّتْ وَ إِيَّاهُمْ خَصَّتْ. (۱)

ای مردم! من آن صراط مستقیمی هستم که خداوند شما را به پیروی آن دستور داده، و بعد از من علی و سپس فرزندان من از نسل او پیشوایان هدایت به سوی حق هدایت می کنند و به حق دادگری می نمایند. سپس این آیات را تلاوت فرمود: «به نام خداوند بخشنده مهربان، ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است. خداوندی که بخشنده و بخشایشگر است. مالک روز جزاست. پروردگارا! تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوئیم. ما را به راه راست هدایت کن، راه کسانی که به آنها نعمت بخشیدی، نه کسانی که بر آنان خشم و غضب نمودی و نه راه گمراهان». به خدا قسم (این سوره) درباره من و اهل بیت من نازل شده؛ شامل حال آنان است و به آنان اختصاص دارد.

### بر هم زندگان وحدت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله

بعد از شهادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دشمنان و منافقین در غدیر امیرالمؤمنین علیه السلام طمع کردند، و با غضب خلافت تا امروز راه هدایت را برای بشریت تاریک نموده اند.

بنابراین با این ظلم که بالاترین درجه ظلم است، فضای زندگی بشریت را بعد پیامبرشان توأم با غم و سختی نمودند.

شهادت غمبار حضرت زهرا علیها السلام به عنوان اولین حادثه تلخ بعد از شهادت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رقم خورد و لکه ننگی بر پیشانی غاصبین خلافت و مسلمانان آن زمان گذاشت. از لحظه ای که صدای ناله دختر پیامبر صلی الله علیه و آله بین در و دیوار به گوش رسید، محوریت نظم و وحدت مسلمین از هم گسیخته شد. بنابراین با شهادت مظلومانه حضرت محسن بن علی علیه السلام در کنار مادر، سند مظلومیت غدیر امیرالمؤمنین علیه السلام توسط غاصبین خلافت امضا گردید؛ و از آن لحظه به بعد مسلمین جهان و بشریت به سمت بی نظمی و تفرقه کشیده شدند.

این است که در عصر ظهور، نظم و وحدت الهی به دست منجی بشریت امام زمان علیه السلام برگردانده خواهد شد، و شروع حکومت عدالت گستر آن حضرت با انتقام از قاتلین حضرت زهرا و محسن بن علی علیهما السلام خواهد بود.

## عوامل تفرقه مسلمانان

### اشاره

ریشه های بی نظمی و تفرقه را در بیش از نیمی از خطابه پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد منافقین می توان جستجو کرد. بسیار جالب توجه است که حضرت در سرزمین غدیر خم فرمودند:

وَسَأَلْتُ جِبْرَائِيلَ أَنْ يَسْتَعْفَى لِي السَّلَامَ عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ لِعِلْمِي بِقَلْبِهِ الْمُتَّقِينَ وَكَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَإِدْغَالِ الْآثِمِينَ وَحَتْلِ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالْإِسْلَامِ. (۱)

من از جبرئیل خواستم که از خدا بخواهد و مرا از تبلیغ این پیام به شما - ای مردم - معاف بدارد، زیرا از کمی پرهیزگاران و زیادی منافقان و فساد و تباهی سرزنش کنندگان و مکر و حيله مسخره کنندگان اسلام باخبرم.

مهمترین عوامل و ریشه های بی نظمی و تفرقه را می توان در تاریخ اسلام به خصوص زمان بعد از شهادت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، بدون غرض ورزی و تعصبات بی جا جستجو نمود و نتایج ذیل را به دست آورد. عوامل زمینه ساز بی نظمی و تفرقه عبارتند از:

۱. نفاق.

۲. دنیاگرایی.

۳. حزب گرایی

۴. بی تفاوتی.

۵. سطحی نگری.

۶. ترس و سست عنصری.

۷. حسادت.

۸. کینه توزی.

با بررسی این عوامل در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و بعد از ایشان به نتایج مشابهی می رسیم، و آن اینکه با وجود این علل و ریشه ها حق حضرت علی علیه السلام گرفته شد، و پایه های ظلم و ستم چیده شده و گسترش پیدا می کند. تا زمان ظهور امام زمان علیه السلام که طبق وعده الهی تمام این ریشه ها توسط آن بزرگوار نابود شده و موانع اجرای اهداف غدیر برطرف خواهد شد؛ و بشریت از برکات غدیر و تجلی اهداف آن - که نظم و وحدت یکی از آنهاست - برخوردار خواهد شد.

#### ۱: نفاق عامل اختلاف

#### اشاره

گروه نفاق در طول رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله اقدامات زیادی انجام دادند از جمله: نوشتن صحیفه ملعونه اول، صحیفه ملعونه دوم، قصد ترور پیامبر صلی الله علیه و آله در گردنه هرشی،

نافرمانی از جیش اسامه، تمرد از آوردن کاغذ و دوات برای نوشتن وصیت آخر پیامبر صلی الله علیه و آله؛ و بسیاری از اقدامات دیگر.

در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله منافقین نقاب بر چهره داشتند، ولی بعد از شهادت ایشان با بالا بردن شمشیرهای برهنه بر روی سر صاحب غدیر امیرالمؤمنین علیه السلام در سقیفه بنی ساعده و غضب خلافت ایشان چهره هایشان آشکار گشت.

بزرگترین شخصیتی که در طول تاریخ اسلام نقاب از چهره نفاق منافقین کنار زد و اهداف پلید آنها را آشکار نمود و در این راه با دفاعی جانانه از صاحب غدیر تا آخرین نفس ایستاد، شهیده دفاع از غدیر حضرت زهرا علیها السلام بود.

از مهمترین آموزه های حوادث ناگوار تاریخ اسلام به خصوص بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله، شناسایی چهره های پلید و پنهانی دشمنان به ظاهر دوست است؛ اما مهمتر از آن شناساندن آن چهره های نقابدار به همه مردم است، همان طور که محور اساسی مبارزات حضرت زهرا علیها السلام بعد از شهادت پدر بزرگوارشان تا آخرین لحظات عمر کوتاه آن حضرت شناساندن و افشای خط نفاق و اقدامات مخفیانه آنان بود.

لذا رسالتی که دختر پیامبر صلی الله علیه و آله به عهده داشت آن چنان سنگین و بارز بود، که در اجرای آن مصیبت هایی از جمله شکستن سینه و پهلو و سقط جنین و نیلی شدن صورت بهای سنگین این افشاگری شد.

پس نکات ذکر شده نشان از این دارد که طراحانِ غضب خلافت هر چند در ظاهر همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بودند و با او رفت و آمد داشتند و خود را جزء خواص جا زده بودند، اما دل های آنان را خار نفاق گرفته بود و فقط منتظر فرصتی بودند که به اهداف شومشان برسند. با شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله به تعبیر حضرت زهرا علیها السلام خار نفاق که در دل های



آنها خلیده بود آشکار گشت،<sup>(۱)</sup> و فصل غمباری برای اهل بیت علیهم السلام آغاز شد. در نتیجه منزل وحی که به عنوان مجمع مخالفین خلافت غصبی شناخت شده بود، با آتش نفاق شعله ور شد، و با همین شعله های نفاق دختر پیامبر صلی الله علیه و آله به شهادت رسید.

### نفاق و عصر ظهور

در عصر ظهور حضرت بقیه الله علیه السلام برای اتمام حجت و رفع عذر، با پیروان همه ادیان با کتاب های آسمانی خودشان بحث و محاجه می کند، و نویدهای موجود در کتاب های هر آیینی را که از آمدن مصلح جهانی خبر داده اند به آنها یادآوری می کند. هر کس ایمان بیاورد از او می گذرد؛ و هر کس پس از شناخت حق و اثبات حقیقت بر کفر و الحاد خود اصرار بورزد، به سزای خود می رسد.

این معنی به اهل کتاب انحصار ندارد، بلکه از فرقه های به ظاهر مسلمان نیز که خود را اهل قرآن می دانند، هر کس در برابر حق تسلیم نشود طعمه شمشیر می گردد. خداوند تبارک و تعالی به امامان اهل بیت علیهم السلام نیرویی عطا فرموده که هر کس را ببینند تشخیص می دهند که آیا اهل ایمان است یا اهل نفاق؛ چنان که امام باقر علیه السلام می فرماید: «إِنَّا لَنَعْرِفُ الرَّجُلَ إِذَا رَأَيْنَاهُ بِحَقِيقَةِ الْإِيمَانِ وَحَقِيقَةِ النُّفَاقِ»<sup>(۲)</sup>: «هنگامی که ما شخصی را ببینیم مؤمن یا منافق بودن او را می شناسیم».

### ۲: دنیاگرایی عامل اختلاف مسلمین

#### اشاره

یکی از عواملی که مانع از پذیرش حق توسط مردم گشته و در طول تاریخ رسالت انبیاء الهی به شکل های مختلف از آن جلوگیری نموده، دنیا طلبی است. در این آزمون

۱- خطبه حضرت زهرا علیها السلام: «ظَهَرَ فِيكُمْ حَسِيكَةُ النُّفَاقِ».  
 ۲- روزگار رهایی: ج ۲ ص ۶۲۹ ح ۸۵۱. اصول کافی: ج ۱ ص ۴۳۸.

دینداری، انسان ها چه زود دین خود را در مقابل این متاع اندک فروخته اند و صفحات تاریخ نیز گواه این مطلب است.

وحدت و نظم از نیازهای فطری بشری است که خداوند حکیم پیش بینی آن را نموده، و شرط رسیدن به آن را نیز پیروی از انبیاء الهی و اوصیاء ایشان قرار داده است. لکن توجه صرف به خواسته های نفسانی و زیاده طلبی ها و قدرت طلبی، مانع از اطاعت فرامین الهی شده، و جاری نشدن قوانین در بین مردم و ملت ها باعث از هم پاشیدگی و تفرقه و بی نظمی خواهد شد.

اگر صفحات تاریخ صدر اسلام و دوره رسالت پیامبر اسلام حضرت محمدصلی الله علیه و آله را مورد بررسی قرار دهیم، متوجه خواهیم شد که یکی از مهمترین واجبات الهی که دیگر واجبات را نیز تحت تأثیر خود قرار داده، بحث معرفی علی علیه السلام به عنوان جانشینی پیامبر خداصلی الله علیه و آله بوده است، که آن حضرت نیز در مکان ها و زمان های مختلف متذکر این موضوع شده اند و شاخص اصلی این اعلان ولایت روز هجده ذی الحجه سال دهم هجری یعنی روز غدیر خم است.

لذا بزرگترین نگرانی پیامبرصلی الله علیه و آله این بود که این کار به نحو شایسته ای صورت پذیرد و بعد از ایشان وحدت مسلمین و نظم دچار تزلزل نشود؛ اما متأسفانه در دوره رسالت ایشان و به خصوص پس از شهادت آن بزرگوار، دنیا طلبان و کسانی که از روی طمع اسلام آورده بودند، با استفاده از دنیا طلبی مردم توانستند بر جامعه حکومت کنند و مانع از اجرای دقیق احکام الهی شوند.

### **غصب فدک ثمره دنیا طلبی**

غصب فدک نیز ثمره دنیا طلبی و جاه طلبی شورای سقیفه بود، زیرا درآمد فدک ابزار مناسبی برای در بند کردن مردم دنیاپرست بود. لذا با تمام قدرت ارث حضرت

زهر اعلیها السلام غصب گردید و آن حضرت برای دفاع از حقّ به تاراج رفته خود، بین جمعیت با ابابکر مناظره کرد؛ لکن خلیفه غاصب در جواب اهانت ها روا داشت و اراجیف غیر معقول مطرح کرد. اما دنیا طلبان حاضر در جلسه به سبب ترس از به خطر افتادن دنیای خود هیچ اعتراضی نکردند و حق را پایمال نمودند.

از بیان مطالب ذکر شده نتیجه می گیریم که اگر کسی دنیاگرا شد، دنیا و آخرت خود و دیگران را ویران و بی نظم کرده و باعث تفرقه بین مردم و جوامع بشری می شود، و بسته به جایگاه خود و نحوه اجرای اهداف پلید شیطانی این اثر بیشتر خواهد شد. جاه طلبان سقیفه که بار سنگین شهادت یگانه دخت سول خداصلی الله علیه و آله را به دوش کشیدند، سرانجام با فروختن دین و دنیای خود بزرگترین اثر تفرقه و بی نظمی را در جهان بشریت از خود بر جای گذاشتند.

### رفع دنیاگرایی در عصر ظهور

در عصر ظهور و حکومت عدالت گستر حضرت بقیه الله علیه السلام دنیا محوری هیچ رنگ و بویی نخواهد داشت و با مدیریت ایشان به اذن الهی، با ریشه کن شدن صفت رذیله دنیا پرستی و دنیا گرایی، بی نظمی و تفرقه ناشی از این صفت رذیله تبدیل به نظم و وحدت بین بشریت خواهد شد. چنان که پیامبر خداصلی الله علیه و آله می فرماید:

يُقَسِّمُ الْمَالَ صِحَاحًا وَيَمْلَأُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّه مُحَمَّدٍ غِنًى وَيَسَعُهُمْ عَدْلُهُ. (۱)

مال را علی السویه تقسیم می کند و دل های امت محمدصلی الله علیه و آله را با بی نیازی پر می کند و عدالتش همه آنها را فرا می گیرد (و دیگر کسی خود را ناگزیر از ستم نمی بیند).

۱- الملاحم و الفتن: ص ۱۶۵. کشف الغمه: ج ۲ ص ۴۸۳.

امیرالمؤمنین علیه السلام با قرائت این آیه خبر از وفور نعمت‌ها در عصر ظهور می‌دهد: «و تُرِيدُ أَنْ نُمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ» (۱): «ما اراده کرده ایم به آنان که روی زمین به ضعف کشیده شده اند منت نهاده، آنها را وارثان و پیشوایان زمین قرار دهیم» (۲).

امام باقرعلیه السلام در این باره می‌فرماید:

وَ تُجْمَعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ الدُّنْيَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهَرِهَا فَيَقُولُ لِلنَّاسِ: تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَيَفَكُّكُمْ فِيهِ الدِّمَاءَ الْحَرَامَ وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ. فَيُعْطَى شَيْئاً لَمْ يُعْطِهِ أَحَدٌ كَانَ قَبْلَهُ وَ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا وَ نُورًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا وَ شَرًّا. (۳)

ثروت‌های روی زمین و گنج‌های درون آن از تمام نقاط جهان به سوی او گرد می‌آید. آنگاه خطاب به مردم می‌فرماید: بیاید این همان متاع دنیا است که برای آن با خویشاوندان قطع رحم کردید، و خون‌های حرام را ریختید، و به حریم گناهان وارد شدید، و مرتکب محرمات الهی شدید. این ثروت‌ها را چنان در اختیار مردم قرار می‌دهد که در تاریخ بخشش‌های جهان بی سابقه خواهد بود. زمین را پر از عدل و داد و نور می‌کند، همان گونه که مملو از جور و ستم و شر شده باشد.

۱- قصص: ۵.

۲- روزگار رهایی: ج ۲ ص ۶۰۸ ح ۸۰۹. الزام الناصب: ص ۲۳۸. الامام المهدي عليه السلام: ص ۵۰. ينابيع الموده: ج ۳ ص ۹۴.

۳- غیبت نعمانی: ص ۲۳۷. الزام الناصب: ص ۴۳۳. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۵۱.

## ۳: حزب گرایی عامل اختلاف مسلمین

## اشاره

با ظهور اسلام و دعوت به سوی نظم و وحدت الهی، در سایه هدایتگری های خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله، قبائل و احزاب یکی پس از دیگری به دین اسلام رو آوردند. خدا در قرآن می فرماید: «وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا» (۱): «مردم را می بینی که گروه گروه در دین خدا وارد می شوند». این گونه پیکره امت اسلامی شکل گرفته و با تدبیر و حسن خلق رسول خدا صلی الله علیه و آله این دین جهانی گشت.

متأسفانه پس از شهادت آن حضرت، گردانندگان سقیفه و احزاب آن دوره از تعصبات قبیله ای و حزبی یاران پیامبر صلی الله علیه و آله بهره برده و ساختار نظام اجتماعی امت اسلامی را بر هم زدند. با کنار زدن حقیقت غدیر و روی کار آمدن باطل، بزرگترین خیانت اهل سقیفه به بشریت آشکار گردید، که ثمره آن جلوگیری از تداوم نظم و وحدت الهی بود. در سقیفه ملاک برای تعیین خلیفه، دین خدا و وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و لیاقت و کاردانی افراد نبود، بلکه بحث ها بر محور قبیله گرایی یا عصبیت حزبی بود.

در اینجا اشاره ای خواهیم داشت به گروه هایی که در آن شرایط حضور داشتند. عرب بر اساس محیط قبیله‌گی زندگی می کرد و این محیط و مناسبات آن بود که زمینه را برای شکل گرفتن احزاب گوناگون آماده می کرد. این احزاب عبارت بودند از: حزب ثلاثه، حزب تیم و عَدِی، حزب امویان و طُلُقَاء، حزب انصار خَزْرَج که شامل دو جناح مخالف هم بود: جناح سعد بن عباد و جناح بشیر بن سعد، و حزب انصارِ اَوس.

بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله بعضی افراد پیش روی جامعه آن زمان اهداف و فعالیت های خود را در قالب گروه و حزب خاص انجام می دادند، و با دید حزبی و قبیله ای در جریانات گام برداشته و اقدام نمودند، و باعث تفرقه و بی نظمی در امت اسلام می شدند.

### برچیدن حزب گرایی در عصر ظهور

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «يَعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهَوَى وَ يَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ، وَ يُرِيهِمْ كَيْفَ عَدِلَ السَّيْرَ وَ يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ»<sup>(۱)</sup>: «هنگامی که دیگران هوای نفس را بر هدایت مقدم بدارند او امیال نفسانی را به هدایت بر می گرداند، و هنگامی که دیگران قرآن را با رأی خود تفسیر کنند او آراء و افکار را به قرآن باز می گرداند. او به مردم نشان می دهد که چه نیکو می توان به عدالت رفتار نمود. او تعالیم فراموش شده قرآن و سنت را زنده می سازد».

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ»<sup>(۲)</sup> فرمودند: «يَرْفَعُ الْمَذَاهِبَ عَنِ الْأَرْضِ فَلَا يَبْقَى إِلَّا الدِّينُ الْخَالِصُ»<sup>(۳)</sup>: «همه ادیان و مذاهب از روی زمین برداشته می شود و جز دین خالص باقی نمی ماند». سپس فرمود:

فَوَ اللَّهُ يَا مُفَضَّلُ لِيَرْفَعَنَّ عَنِ الْمَمَالِ وَالْأَدْيَانِ الْاِخْتِلَافُ وَ يَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ وَاحِدًا، كَمَا قَالَ جِبَلٌ ذِكْرُهُ: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»<sup>(۴)</sup>.

۱- روزگار رهایی: ج ۲ ص ۶۰۹ ح ۸۱۱. نهج البلاغه: ص ۱۹۵. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید: ج ۹ ص ۴۰؛ منتخب الاثر: ص ۲۹۷. بحار الانوار: ج ۵۱ ص ۱۳۰.

۲- حج: ۵۶.

۳- الزام الناصب: ج ۲ ص ۸۷، ۱۴۴.

۴- آل عمران: ۱۹.

ای مفضل، به خدا سوگند ناهماهنگی ادیان و مذاهب از بین می رود و فقط یک دین در سراسر گیتی حکومت می کند، چنان که خدای تبارک و تعالی فرموده: به راستی دین نزد خدا عبارت از اسلام است و بس. (۱)

لذا امام زمان علیه السلام در عصر ظهور با تأییدات الهی طبق سیره و سنت اجداد طاهری نشان امت واحد دور از هر تفرقه و بی نظمی را مدیریت خواهند نمود.

#### ۴: بی تفاوتی عامل رشد تفرقه

ایجاد بی نظمی و تفرقه در امت اسلامی فقط به وسیله گروه حاکم غاصب نبود، بلکه آفت بی تفاوتی در رگ های اصحاب نامدار و توده مردم جریان پیدا کرد و غیرت دینی محو شد؛ و مدینه شاهد غصب حقوق سیاسی و مالی و اجتماعی امام علی علیه السلام گردید.

مردمی که در قبال اطاعت و پیروی از علی علیه السلام و یاری آن حضرت در گرفتن حق غصب شده، بی تفاوتی نشان دادند، نسبت به این بی تفاوتی نیز هیچ توجیه قابل قبولی نداشتند؛ زیرا در طول رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله از روز «یوم الدار» و نزول «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»، و در زمان ها و مکان های دیگر به خصوص اعلان رسمی ولایت در روز غدیر، نسبت به خلافت علی علیه السلام برای همه مردم اتمام حجت شده بود. حضرت زهرا علیها السلام در مسجد مدینه خطاب به مردم فرمودند:

يَا مَعْشَرَ الْفِتْيَةِ وَ أَعْضَادَ الْمِلَّةِ ، وَ أَنْصَارَ الْإِسْلَامِ ، مَا هَذِهِ الْغَمِيزَةُ ... (۲)

۱- بحار الانوار: ج ۲۹ ص ۲۷۷. روزگار رهایی: ج ۲ ص ۶۵۱۹.

۲- نهج الحیاه: ح ۵۷. بحار الانوار: ج ۲۹ ص ۲۷۷.

هان ای جوانمردان! ای بازوان ملت و ای یاوران اسلام! این سستی و بی تفاوتی در مورد حقوق من چرا؟ این سهل انگاری در برابر آفت و ستم و بیداد برای چه؟ آیا پدر گرانمایه ام پیامبر صلی الله علیه و آله نمی فرمود: «حرمت هر کس با گرامی داشتن فرزندش رعایت می گردد؟ چه زود رنگ پذیرفتید و بی درنگ در غفلت خفتید؟!»

البته کسانی که بنای قدرت طلبی و غضب خلافت را داشتند با آماده سازی قبلی خود، هر مانعی را که سدّ راه خود می دیدند به راحتی با این مردم بی تفاوت از پیش روی خود بر می داشتند. از این رو با اقداماتی از قبیل کتمان فضائل علی علیه السلام، انحراف افکار عمومی از قضیه غدیر خم، و ادعای نسخ فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله، نقش مؤثری در بی تفاوتی مردم داشتند.

### ۵: سطحی نگری عامل اختلاف

از صفات رذیله ای که امت اسلامی زمان بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله را دچار تفرقه و بی نظمی نمود، سطحی نگری آنهاست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرمایند: «ما أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْفَقْرَ وَ لَكِنْ أَخَافُ عَلَيْهِمْ سُوءَ التَّدْبِيرِ» (۱) می فرماید که من بر امت خود از ناحیه فقر اقتصادی بیم ندارم! یعنی فقر امت مرا از پا در نمی آورد، ولی از یک چیز دیگر بر امت خود بیمناکم و آن کج فکری، بد فکری، بد اندیشی، جهل و نادانی است. اگر مردم مسلمان، روشن بینی و دور بینی و آینده بینی و عمق بینی و ژرف بینی را از دست دهند و ظاهر بین شوند، آن وقت است که برای اسلام خطر پیدا می شود.

سطحی نگری پیروان رسول خدا صلی الله علیه و آله سبب شد تا بسیاری از گرایش ها و معیارهای جاهلی بر قوانین عقلی و شرعی مقدم شود. این افراد با طراحان سقیفه که آشکارا



خلافت حضرت علی علیه السلام را انکار کردند و مسیر خلافت و ولایت را به انحراف کشاندند، همراهی کرده و با بیعتشان خلافت غصبی را تثبیت نمودند.

تبلیغات جوسازان آن چنان در بین مردم سطحی نگر تاثیر گذاشته بود که همان حرف ها و یاوه های جاه طلبان سقیفه را تکرار می کردند و به عنوان ایراد به علی علیه السلام می گفتند: «تو چهره ات خنده روست و مزاح می کنی. مردی باید خلیفه شود که عبوس باشد و مردم از او بترسند».<sup>(۱)</sup>

همچنین در تاریخ نقل شده که در جریان غصب فدک ساده لوحی و خوش باوری مردم به کمک غاصبین آمد. هنگامی که در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله بین حضرت زهرا علیها السلام و ابوبکر مناظره رخ داد، ابوبکر حدیثی دروغین را به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت داد، و آنگاه فاطمه علیها السلام با استناد به آیات قرآن، جعلی و دروغ بودن آن حدیث را به خوبی هویدا ساخت. اما کلمات ظاهر پسند ولی دروغین ابوبکر مردم را فریب داد و کسی برنخواست تا سند حدیث را جو یا شود، و بپرسد که آخر این چه حدیثی است که تنها تو شنیده ای و هیچ یک از همراهان و صحابیان رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را نشنیده اند؟ چرا دخت رسول خدا صلی الله علیه و آله این حدیث را قبول ندارد؟

اما مصیبت دیگر این بود که حضرت زهرا علیها السلام شب ها سوار بر مرکب می شد و با مولا علی علیه السلام به مجالس انصار و مهاجرین و در خانه آنها می رفت و از آنها طلب یاری می نمود؛ اما آنها با بینشی ضعیف چنین جواب می دادند: «ما با ابوبکر بیعت کرده ایم. اگر همسر تو و پسر عمویت (علی علیه السلام) در این امر بر ابوبکر سبقت می گرفت ما از علی علیه السلام سرتافتة و با ابوبکر بیعت نمی کردیم».<sup>(۲)</sup>

۱- عمر این تبلیغات مسموم را بین جامعه پخش نموده بود.

۲- الامامه و السیاسة: ج ۱ ص ۱۹.

آری، سطحی نگری مردم که در رفتار و گفتارشان عیان بود، خلافت غصبی را تقویت کرد و اهل بیت علیهم السلام را به حاشیه راند و چنان کرد که حضرت زهراى اطهر علیها السلام با باری از غم و اندوه خلوت «بیت الاحزان» را برگزید.

### ۶: ترس و سست عنصری عامل تفرقه

ایجاد نظم و وحدت در امت اسلامی بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله طبق فرمایش حضرت زهرا علیه السلام با اطاعت و پیروی از علی علیه السلام قابل اجرا بوده است، اما آنچه که مردم را از اطاعت بازداشت و نسبت به آن حضرت رویگردان شدند، ترسی بود که با توجه به سست عنصری مردم ظهور پیدا کرد، و غاصبان خلافت با استفاده از آن قدرت ظالمانه خود را تثبیت نمودند.

با مرور در تاریخ اسلام در می یابیم که خلفای غاصب چگونه عملکردی در رسیدن به قدرت داشتند. تشنگان قدرت با شمشیرهای برهنه مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله را انکار کردند و ناشران این خبر را تهدید به مرگ نمودند تا فرصت خوبی برای اجرای برنامه های پیش بینی شده خود داشته باشند.

آنان با سازماندهی گروه های خود، ورود و خروج از مدینه را ممنوع اعلان کرده، و کسانی که قصد فرار و خارج شدن از مدینه را داشتند ترور کردند، و با هجوم به مخالفان توسط قبیله بنی اسلم بیعت با خلیفه را قطعی نمودند، و مخالفان خود را به اتهام ارتداد از صحنه خارج ساختند.<sup>(۱)</sup>

عده ای را با تهدید به قتل و عده ای را با ضرب و شتم از صحنه خارج کردند. مردم در آن هیاهو و آشوب جز نهیب و سایه شمشیر چیزی نمی دیدند، و آنان که ترس و

۱- تاریخ الامم و الملوك: ج ۳ ص ۲۲۶، ۲۲۷.

زبونی در قلبشان ریشه افکنده بود و جان و مال خویش را دوست داشتند و اصالتی برای دین و ایمان قائل نبودند، دم فرو بسته سفارشات رسول خداصلی الله علیه و آله را به فراموشی سپردند، و سقیفه را با بیعتشان پایدار کردند. فضا چنان غبارآلود شد که خانه وحی به عنوان خانه فتنه معرفی شد، و صدای ریحانه نبی صلی الله علیه و آله از بین در و دیوار به گوش رسید!

ترس و زبونی و سست عنصری سکوتِ خفت باری را بر مدینه حاکم نمود و اهل مدینه را به ذلت و خواری کشاند و آنان برای همیشه محکوم تاریخ شدند. اما حضرت زهراعلیها السلام در برابر این ترس سکوت نکرد و تا پای جان از صاحب غدیر دفاع کرد. قرائت خطبه فدکیه در مسجد و همچنین قرائت خطبه برای زنان مهاجر و انصار گواه بر سرزنش آن حضرت در مورد این صفت رذیله است.

#### ۷: حسادت عامل اختلاف

با گذری در تاریخ می یابیم که صفت ناپسند حسد دست قایبل را به خون برادرش هابیل آلوده کرد و برادران یوسف را به آن ستم بزرگ وادار نمود؛ بسیاری از آنچه از قتل ها، فتنه ها، دشمنی ها و انحرافات رخ داده ریشه در همین صفت رذیله دارد؛ چنانچه امام صادق علیه السلام می فرماید: «أُصُولُ الْكُفْرِ ثَلَاثَةٌ: الْحِرْصُ وَالْاِسْتِكْبَارُ وَالْحَسَدُ»<sup>(۱)</sup>: «سه چیز از اصول کفر است: حرص و تکبر و حسد».

در حوادث بعد از شهادت رسول خداصلی الله علیه و آله به روشنی آشکار است که چگونه صفات نیک بعضی از اصحاب پیامبرصلی الله علیه و آله تحت الشعاع صفت نکوهیده حسد قرار گرفت و نتوانستند از امتحان عظیم وصایای پیامبرصلی الله علیه و آله و روسفید بیرون آیند.

## ۸: کینه توزی با اهل بیت علیهم السلام عامل تفرقه

### اشاره

یکی از عوامل بی نظمی و تفرقه در امت اسلامی کینه توزی بعضی از خواص و مردم قبائل آن زمان می باشد؛ که منشأ بعضی از این کینه توزی ها نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و خاصه حضرت علی علیه السلام بوده، و بعضی دیگر کینه توزی بین قبائل بوده است.

این کینه توزی ها در زمان رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله با توجه به مجاهدت های علی علیه السلام ایجاد گشت، و بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله بروز داده شد. پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «ضَغَائِنُ فِي صُدُورِ أَقْوَامٍ عَلَيْكَ لَا يُظْهِرُونَهَا حَتَّى يَفْقِدُونِي»<sup>(۱)</sup>: «کینه هایی از تو در دل قومی است که آن را برای تو آشکار نمی کنند مگر پس از آنکه مرا از دست بدهند».

حضرت زهرا علیها السلام در حالی که در احد بر مزار حمزه سید الشهداء علیه السلام عزاداری می کرد، وقتی از ایشان پرسیدند: «چرا مردم بر ضد شما و علی علیه السلام تهاجم آوردند و حق مسلم او را غصب کردند؟ فرمود:

لَكِنَّهَا أَحْقَادٌ يَدْرِئُهُ وَ تَرَاتُ أُحُدِيَّةٌ كَانَتْ عَلَيْهَا قُلُوبُ النُّفَاقِ مُكْتَمِنَةً لِإِمْكَانِ الْوُشَاهِ فَلَمَّا اسْتُهْدِفَ الْأَمْرُ أَرْسَلَتْ عَلَيْنَا شَائِبَ الْأَثَارِ.<sup>(۲)</sup>

این همه کینه توزی ها از جنگ بدر و انتقامجویی ها از جنگ احد است که بر دل های منافقان پنهان بود، اما روزی که حکومت او را غصب کردند تمام آن کینه ها و حسادت ها را بر ما فرو ریختند.

### کینه توزی بین مسلمین عامل تفرقه

مکيان مهاجر و غير مهاجر، در پی به دست آوردن فرصتی مناسب برای فرو

۱- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید: ج ۴ ص ۱۰۷.

۲- بحار الانوار: ج ۴۳ ص ۱۵۶. نهج الحیاه: ح ۲۳.

نشاندن کینه های دیرینه خود بودند، ولی در زمان حیات رسول خداصلی الله علیه وآله زمینه آن فراهم نشد. از این رو، انصارِ اوس و خزرج همواره در این هراس بودند که به خاطر نبودن پیامبرصلی الله علیه وآله مکیان انتقام گذشته را بگیرند.

این هراس و آن کینه ها مانع از آن شد که با هم وحدت داشته باشند و گفتار رسول خداصلی الله علیه وآله در مورد وصایت و خلافت علی علیه السلام را پیروی نمایند؛ و عدم این اتحاد باعث نقش آفرینی در سقیفه شد.

### رفع کینه ها در عصر ظهور

در عصر ظهور طبق وعده ای که پیامبرصلی الله علیه وآله داده اند ریشه کن شدن کینه توزی ها و تفرقه به دست حضرت مهدی علیه السلام صورت می پذیرد، چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خداصلی الله علیه وآله پرسیدند: آیا مهدی علیه السلام از ما اهل بیت است؟ فرمود:

لَا، بَلْ مِمَّنْ يَخْتِمُ اللَّهُ بِهِ الدِّينَ كَمَا فَتَحَ بِنَا وَ بِنَا يُنْقَدُونَ مِنَ الْفِتْنَةِ كَمَا أُنْقَدُوا مِنَ الشَّرِكِ وَ بِنَا يُؤَلِّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ بَعْدَ عَدَاوَةٍ الْفِتْنَةِ كَمَا أَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ بَعْدَ عَدَاوَةِ الشَّرِكِ وَ بِنَا يُصَبِّحُونَ بَعْدَ عَدَاوَةِ الْفِتْنَةِ إِخْوَانًا كَمَا أَصْبَحُوا بَعْدَ عَدَاوَةِ الشَّرِكِ إِخْوَانًا فِي دِينِهِمْ. (۱)

آری! مهدی از ماست. خداوند به وسیله او دین را به اتمام می رساند، چنان که به وسیله ما آغاز نمود. به دست ما از فتنه رهایی می یابند، چنان که به دست ما از شرک رهایی یافتند. خداوند پس از کینه های فتنه گری به دست ما در میان آنها الفت و صمیمیت ایجاد می کند، چنان که بعد از کینه توزی های

---

۱- روزگار رهایی: ج ۲ ص ۵۹۴ ح ۷۶۴. بحار الانوار: ج ۵۱ ص ۹۳. منتخب الاثر: ص ۱۵۲، ۱۸۰. البیان: ص ۸۶. الزام الناصب: ص ۲۵۷. الملاحم و الفتن: ص ۶۷، ۱۳۴. ینابیع الموده: ج ۳ ص ۱۶۶. نور الابصار: ص ۱۷۱، ۲۳۱. المهدی علیه السلام: ص ۷۷. بشاره الاسلام: ص ۲۸۷.

شرک به دست ما در میانشان صفا و صمیمیت ایجاد نمود. بعد از عداوت روزگار فتنه به وسیله ما برادری خود را باز یابند، چنان که بعد از عداوت شرک به دست ما برادر ایمانی گشتند.

## اعتقاد به غدیر تنها راه وحدت الهی

### اشاره

برای نظم و وحدتی بر اساس دین الهی چند پایه قابل توجه است:

#### ۱: اعتقاد به واقعه مهم تاریخی غدیر خم و قبول ولایت

بنابراین اعتقاد به اینکه در روز غدیر خم خداوند حکیم هدایتگرانی را برای بشریت و امت واحد اسلامی پیش بینی نموده و وظیفه انسان ها پیروی و اطاعت از ایشان است، باعث می شود محوریت انسجام اسلامی و نظم بین ملت ها حفظ شود؛ و با قبول ولایت انسان ها در زیر چتر عظیم ولایت الهی حضرات معصومین علیهم السلام به نعمت وحدت و نظم الهی دست پیدا کنند.

#### ۲: عمل به حدیث ثقلین و اطاعت از کلام پیامبر صلی الله علیه و آله

اگر تمام مسلمانان به حدیث ثقلین عمل کرده بودند می توانست وحدت اسلامی قوی بین آنها ایجاد گردد، به حدی که بادها نتواند آنها را به حرکت درآورد و طوفان ها نتواند آن را از جا برکنند، و کسی متعرض آن نشده و دشمنان اسلام آنها را سست نگردانند، و این تنها راه خلاصی مسلمانان و نجات آنهاست، و ماسوای آن باطل و گفتاری بی معناست.

ثقل اکبر و ثقل اصغر هر دو باعث ایجاد وحدت و نظم در مسلمین هستند، به شرط آنکه این دو به فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله از هم جدا نشود.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمُ فِي الْأَرْضِ...»<sup>(۱)</sup>: «کسانی که اگر آنها را در روی زمین امکانات دهیم، نماز را بپا می دارند و زکات می پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و عاقبت امور از آن خداوند است». درباره این آیه می فرماید:

إِنَّهَا لَمْ تَرَ حَقَّ نَبِيِّهَا أَمَا وَاللَّهِ لَوْ تَرَكَوا الْحَقَّ عَلَىٰ أَهْلِهِ لَمَا اخْتَلَفَ فِي اللَّهِ تَعَالَىٰ اثْنَانِ.<sup>(۲)</sup>

این امت حق و حریم پیامبر صلی الله علیه و آله را در مورد اهل بیتش رعایت نکردند. به خدا سوگند اگر این امت حق را از سرچشمه زلال اهل بیت می گرفتند حتی دو نفر هم در مورد پروردگار اختلاف نمی کردند.

### ۳: امتحان الهی بر مبنای امامت در امت اسلامی

خداوند متعال این امت را بعد از شهادت پیامبرش بر مسئله امامت به حق امتحان کرده؛ آنجا که می فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»<sup>(۳)</sup>: «همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید!»

از آیات دیگر نیز استفاده می شود که وصیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همانند وصیت دیگر انبیاء عدم تفرقه و ایجاد اتحاد بر محور حق و حقیقت است، که قرآن عظیم می فرماید: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا»<sup>(۴)</sup>: «آیینی را برای شما تشریح کرد که به نوح توصیه کرده بود؛ و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و

۱- حج: ۴۱.

۲- روزگار رهایی: ج ۲ ص ۶۲۵ ح ۸۴۵. الزام الناصب: ص ۸۹.

۳- آل عمران: ۱۰۳.

۴- شوری: ۱۴.

عيسى عليهم السلام سفارش كرديم اين بود كه دين را بر پا داريد و در آن تفرقه ايجاد نكنيد. «و لا تكونوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَ اختلفوا من بعد ما جاءهم البينات و اولئك لهم عذاب عظيم» (۱): «مانند كسانى نباشيد كه پراكنده شدند و اختلاف كردند؛ پس از آنكه نشانه هاى روشن پروردگار به آنان رسيد!»

مسلم در صحيح نقل کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

سَأَلْتُ رَبِّي ثَلَاثًا فَأَعْطَانِي اثْنَتَيْنِ وَ مَنَعَنِي وَاحِدَةً. سَأَلْتُ رَبِّي أَنْ لَا يَهْلِكَ أُمَّتِي بِالسُّنَّةِ فَأَعْطَانِيهَا، وَ سَأَلْتُهُ أَنْ لَا يَهْلِكَ أُمَّتِي بِالْغَرَقِ فَأَعْطَانِيهَا، وَ سَأَلْتُهُ أَنْ لَا يَجْعَلَ بَأْسَهُمْ بَيْنَهُمْ فَمَنَعَهَا. (۲)

از پروردگار سه چیز درخواست کردم، دو تای آن را به من عطا نمود و مرا از یکی از آنها منع کرد. از او درخواست کردم اتم را با قحطی هلاک نگرداند، و پذیرفت. درخواست نمودم که اتم را با غرق هلاک نکند، و پذیرفت. ولی خواستم که بینشان نزاع نباشد، و آن را پذیرفت.

#### ۴: ایمان مشروط به اعتقاد به ولایت اهل بیت عليهم السلام و اخذ دین از طریق آنان

ایمانی مانع از تفرقه و بی نظمی است که مشروط به اعتقاد به ولایت اهل بیت عليهم السلام باشد، و چون مردم بر اساس باورهای اعتقادی خود زندگی کرده و پایبند هستند، اگر زندگی ها بر اساس اعتقادات غیر سنت الهی باشد بی نظمی و تفرقه آشکار می گردد.

خداوند باری تعالی در روز غدیر خم با معرفی حضرت علی علیه السلام و اعتقاد به آن حضرت پایه های دوستی و برادری را با یک اعتقاد واحد چید، و مردم پس از

۱- آل عمران: ۱۰۵.

۲- صحيح مسلم، كتاب الفتن و اشراط الساعة: ج ۴ ص ۲۲۱۶ ح ۲۸۹۰.



پذیرفتن دین اسلام با این اعتقاد مؤمن گردیدند و با یکدیگر برادر شدند، زیرا در قرآن آمده: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (۱): «مؤمنین با هم برادرند».

## ۵: بیان حقایق در سنت الهی و سیره معصومین علیهم السلام

بیان حقایق در سنت الهی و سیره معصومین علیهم السلام آشکارا آمده، حتی جایی که احتمال یا یقین بر ایجاد اختلاف بوده باز هم بیان حقیقت لازم بوده و ترک نشده است و عمل به آن نیز سفارش شده است. اینک به نمونه هایی از موارد تقدیم حق بر وحدت در سنت الهی و در سیره معصومین علیهم السلام اشاره می کنیم:

### ۱. سنت الهی

خداوند با علم ازلی می دانست که با دستور ابلاغ به پیامبرش بین حق و باطل جدایی حاصل می شود، و این ابلاغ باعث دو دستگی می شود، ولی حتی در انجام ندادن این کار پیامبرش را تهدید می کند «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» (۲): «و اگر (آنچه را که خدا به تو وحی نموده به مردم نرسانی، رسالت او را انجام نداده ای!»!

### ۲. سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله در ابلاغ ولایت حضرت علی علیه السلام در روز غدیر

پیامبر صلی الله علیه و آله می دانست که مسلمانان با طرح این مسئله اختلاف کرده و به دو دسته شیعه علی علیه السلام و مخالف او تقسیم می شوند، ولی در عین حال از بیان حق کوتاه نیامد.

### ۳. سیره حضرت علی علیه السلام در حکومتداری

آن حضرت می دانست که با طرد معاویه و طلحه و زبیر، حکومتش بر هم خورده و وحدت اسلامی متلاشی خواهد شد؛ ولی در عین حال دست به این کار زد.

۱- حجرات: ۱۰.

۲- مائده: ۶۷.

۴. سیره حضرت زهرا علیها السلام

حضرت زهرا علیها السلام با آنکه می دانستند امت اسلامی بعد از شهادت پدر از هر طرف مورد تعرض است و مردم نیز تازه مسلمان بودند. با این همه چنان مطلب را مهم دیده که از خانه به سوی مسجد می آید و با ابوبکر مواجه می کند و به دفاع از حق امام زمانش قیام می نماید.

۵. سیره امام حسین علیه السلام

کاری که امام حسین علیه السلام کرد و بعد از واقعه عاشورا چه نهضت ها و قیام هایی را در جامعه به راه انداخت همگی توجیه گر این نکته است که هنگام تعارض بین بیان حق و مسئله وحدت اسلامی، بیان حق مقدم است.

۶. رجوع به خدا و رسول صلی الله علیه و آله

از دیگر راه های ایجاد نظم و وحدت الهی، در هنگام اختلاف در جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله رجوع به خدا و رسول صلی الله علیه و آله است، که خداوند می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (۱): «ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر از خود را! و هر گاه در چیزی نزاع داشتید آن را به خدا و پیامبر باز گردانید. اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید! این کار برای شما بهتر و عاقبت و پایانش نیکوتر است».

همچنین خداوند می فرماید: «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (۲): «فرمان خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و

۱- نساء: ۵۹.

۲- انفال: ۴۶.

نزاع و کشمکش نکنید، تا سست نشوید و قدرت و شوکت شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است!»

بنابراین با رجوع به خدا و رسول صلی الله علیه و آله در مسائل و موضوعات خارجی از جمله تعیین امام و جانشینی بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله باعث ایجاد نظم و وحدت الهی در امت اسلامی شده ایم.

### معرفی آخرین وحدت بخش انسان ها در خطابه غدیر

در روز هجدهم ذی الحجه سال دهم هجری در حجه البلاغ پیامبر صلی الله علیه و آله با معرفی ائمه اثنی عشر علیهم السلام و خصوصاً حضرت مهدی علیه السلام نظم و وحدت را برای آینده بشریت از طرف خداوند به ارمغان آورده فرمودند:

أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيِّمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ.

آگاه باشید! همانا آخرین امام مهدی قائم از ماست.

أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ.

آگاه باشید! او بر همه ادیان پیروز خواهد شد.

أَلَا إِنَّهُ الْمُتَّقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ.

آگاه باشید! او انتقام گیرنده از ستمگران است.

أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الحُصُونِ وَ هَادِمُهَا.

آگاه باشید! او فتح کننده دژها و ویران کننده آنهاست.

أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشُّرْكِ.

آگاه باشید! او بر همه طوایف و قبایل اهل شرک غلبه یافته و آنها را هدایت می کند.

أَلَا إِنَّهُ مُدْرِكٌ بِكُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ.

آگاه باشید! او گیرنده خونبهای همه اولیای خداست.

أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ.

آگاه باشید! او یاری کننده دین خداست.

أَلَا إِنَّهُ الْغَرَّافُ فِي بَحْرِ عَمِيقٍ.

آگاه باشید! او جرعه نوش و پیمانانگیر از دریای بیکران الهی است.

أَلَا إِنَّهُ يَسِمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَ كُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ.

آگاه باشید! او هر صاحب فضیلتی را به مقدار فضلش و هر نادانی را به قدر نادانی اش نشان دهد و علامت نهد.

أَلَا إِنَّهُ خَيْرُهُ اللَّهُ وَ مُخْتَارُهُ.

آگاه باشید! او برگزیده و انتخاب شده خداوند تبارک و تعالی است.

أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ الْمُحِيطُ بِهِ.

آگاه باشید! او وارث همه علوم و احاطه دارنده بر همه فهم ها و ادراک ها است.

أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنِ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمُتَّبِعُ بِأَمْرِ إِيْمَانِهِ.

آگاه باشید! او حکایت از پروردگارش کند و از او خبر دهد و نشانه های او را برافراشته سازد.

أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّيِّدُ.

آگاه باشید! او راه یافته و استوار است.

أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ.

آگاه باشید! اوست که همه امور مردم به او واگذار شده است.

أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ مِنَ الْقُرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ.

آگاه باشید! اوست که پیشینان از قرن ها پیش به ظهور او بشارت داده اند.

أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّهً وَلَا حُجَّهَ بَعْدَهُ وَلَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَلَا نَوْرَ إِلَّا عِنْدَهُ.

آگاه باشید! اوست حجت باقی خداوند و پس از او حجتی نخواهد بود. حقی نیست مگر با او، و نوری جز نزد او نیست.

أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَلَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ.

آگاه باشید! کسی بر او چیره نخواهد شد و بر او پیروز نگردد.

أَلَا وَ إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حَكَمُهُ فِي خَلْقِهِ وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ.

آگاه باشید! او ولیّ خدا در زمین و داور او در میان خلق و امانتدار او در امور نهان و آشکار اوست.

### برکات وحدت بخش عصر ظهور

#### اشاره

چهار نقطه اصلی در عصر ظهور وجود دارد که که ثمره آنها تحقق هرچه دقیق تر و آسان تر وحدت است:

#### ۱: وحدت کلمه

امام هادی علیه السلام می فرماید: «هُوَ الَّذِي يَجْمَعُ الْكَلِمَ وَ يُتِمُّ النِّعَمَ وَ يُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ وَ يُرْهِقَ الْبَاطِلَ، وَ هُوَ مَهْدِيُّكُمْ الْمُنْتَظَرُ»: «او کسی است که وحدت کلمه ایجاد می کند، و نعمت ها را کامل می سازد، و خداوند حق را به دست او تحقق می بخشد و باطل را نابود می سازد. او مهدی منتظر شماست».

آنگاه حضرت این آیه را تلاوت کرد: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ»<sup>(۱)</sup> و سپس فرمود: «به خدا سوگند بقیه الله اوست»<sup>(۲)</sup>.

۱- هود: ۸۶.

۲- روزگار رهایی: ج ۲ ص ۶۶۳ ح ۹۴۳. الزام الناصب: ج ۱ ص ۱۶۸.

**۲: عزت مؤمنین در سایه عدل**

در دعای ندبه می خوانیم: «أَيْنَ مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُدِلِّ الْأَعْدَاءِ». امام صادق علیه السلام فرمود: «أَوْ مَا عَلِمْتَ أَنَّ لِلْحَقِّ دَوْلَةً وَ لِلْبَاطِلِ دَوْلَةً، وَ كِلَاهُمَا ذَلِيلٌ فِي دَوْلِهِ صَاحِبِهِ. فَمَنْ أَصَابَتْهُ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ اقْتَصَصَ مِنْهُ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ»<sup>(۱)</sup>: «مگر نمی دانی که برای حق دولتی و برای باطل دولتی است، و هر یکی در دولت دیگری خوار و بی مقدار است. کسی که در دولت باطل مورد ستم قرار گیرد در دولت حق از او رفع ستم می شود».

**۳: جمع عقول بندگان**

درباره شرایط زندگی در حکومت حضرت مهدی علیه السلام می خوانیم:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَ أَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ، ثُمَّ مَدَّ اللَّهُ لِشَيْعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ.

هنگامی که قائم ما قیام کند دست شریفش را بر سر بندگان گذارد و خردهای آنها را گرد آورد و رشد آنها را کامل گرداند و خداوند بر وسعت بینایی و شنوایی آنان می افزاید و در میان قائم علیه السلام و آنها مانع و سدی نمی ماند. هر وقت قائم علیه السلام بخواهد با آنها سخن بگوید آنها هر کجا باشند می شنوند، و آنها هر کجا هستند نگاه می کنند و او رادر اقامتگاه خود می بینند.<sup>(۲)</sup>

- ۱- روزگار رهایی: ج ۲ ص ۶۵۳ ح ۹۱۹. غیبت نعمانی: ص ۳۱۹. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۶۵. الزام الناصب: ص ۲۱۵.
- ۲- روزگار رهایی: ج ۲ ص ۶۲۲ ح ۸۴۰. بشاره الاسلام: ص ۲۵۴. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۳۶ ح ۷۲. غیبت نعمانی: ص ۴. منتخب الاثر: ص ۴۸۳. الزام الناصب: ص ۱۳۹.

## ۴: وفور نعمت و امنیت

همچنین درباره زندگی در روزگار حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ حَكَمٌ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَ آمَنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا وَ رُدَّ كُلُّ حَقٍّ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلٌ دِينٍ حَتَّىٰ يُظْهِرُوا الْإِسْلَامَ وَ يَعْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ» (۱): «چون قائم قیام کند به عدالت داوری می کند و در زمان او ستم ریشه کن می شود و راه ها امن می گردد و زمین برکت های خود را ظاهر می کند و هر حقی به صاحب حق بر می گردد و پیرو هیچ آیینی نمی ماند جز اینکه به اسلام می گرود و به آن ایمان می آورد».

سپس فرمود: «تَأْمَنُ السُّبُلُ، تَمْشِي الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ وَالشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَ عَلَى رَأْسِهَا مِكَتَلُهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَبْعٌ وَ لَا تَخَافُهُ» (۲): «راه ها امن می شود، به گونه ای که زن از عراق تا شام برود و پای خود را جز بر روی گیاه نگذارد، در حالی که جواهراتش را بر سرش بگذارد و هیچ درنده او را نترساند و او هم از درنده ای هراس نداشته باشد».

## نتیجه سخن

از اهداف بلند غدیر جلوگیری از تفرقه و بی نظمی بین بشریت و امت اسلام بوده است؛ ولی این هدف بزرگ غدیر مثل دیگر اهداف آن تحقق عملی پیدا نکرد، اما تجلی نظم و وحدت الهی با حکومت عدالت گستر حضرت مهدی علیه السلام صورت می گیرد.

- 
- ۱- روزگار رهایی: ج ۲ ص ۶۳۹ ح ۸۸۳. ارشاد مفید: ج ۲ ص ۳۸۴. منتخب الاثر: ص ۳۰۸. اعلام الوری: ج ۲ ص ۲۹۰. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۳۸. الملاحم و الفتن: ص ۵۵.
- ۲- روزگار رهایی: ج ۲ ص ۶۴۰ ح ۸۸۵. بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۱۶. منتخب الاثر: ص ۴۷۴.



## منابع و مأخذ

- ١ . كشف الغمه في معرفة الأئمة، اربلي، علي بن عيسى، محقق، مصحح: رسولي محلاتي، هاشم، ناشر: بني هاشمي، تبريز، چاپ اول، ١٣٨١ق.
- ٢ . بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الاثمه الأطهارعليهم السلام، مجلسي، محمدباقر بن محمدتقي، ناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت، چاپ دوم، ١٤٠٣ق.
- ٣ . تفسير ثعلبي، الكشف و البيان عن تفسير القرآن، ثعلبي نيشابوري ابواسحاق احمد بن ابراهيم، ناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت، چاپ اول، ١٤٢٢ق.
- ٤ . شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، حسكاني عبيد الله بن احمد، تحقيق: محمد باقر محمودي، ناشر: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامي، تهران، چاپ اول، ١٤١١ق.
- ٥ . تفسير روح المعاني في تفسير القرآن العظيم، شهاب الدين محمود الألوسي، تحقيق: علي عبدالباري عطى، ناشر: دارالكتب العلميه، بيروت، چاپ اول، ١٤١٥ق.
- ٦ . الأمالي (للصدوق)، ابن بابويه، محمد بن علي، ناشر: اعلمي، بيروت، چاپ پنجم، ١٤٠٠ ق ١٣٦٢ ش.
- ٧ . روضه الواعظين، فتال نيشابوري، ناشر: انتشارات رضی، قم، چاپ اول.
- ٨ . الاحتجاج، احمد بن علي طبرسي، ناشر: مرتضى، مشهد، چاپ اول، ١٤٠٣ق.
- ٩ . اعلام الوری بأعلام الهدی، طبرسي، فضل بن حسن، ناشر: اسلاميه، تهران، چاپ سوم، ١٣٩٠ق.
- ١٠ . اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات، شيخ حر عاملی، محمد بن حسن، ناشر: اعلمي، بيروت، چاپ اول، ١٤٢٥ق.
- ١١ . عوالم العلوم و المعارف و الاحوال، بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، محقق و مصحح: موحد ابطحي اصفهانی، محمدباقر، ناشر: مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام، قم، چاپ دوم، ١٣٨٢ ش.

- ۱۲ . اليقين، ابن طاووس، علي بن موسى، محقق و مصحح: انصاري زنجاني خوئيني، ناشر: دار الكتاب، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
- ۱۳ . التحصين لأسرار ما زاد من كتاب اليقين، ابن طاووس، علي بن موسى، محقق و مصحح: انصاري زنجاني خوئيني، اسماعيل، ناشر: مؤسسه دار الكتاب، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
- ۱۴ . الالفين، علامه حلي حسن بن يوسف، انتشارات دار الهجره قم، ۱۴۰۹ ق.
- ۱۵ . نهج الحق و كشف الصدق، علامه حلي، حسن بن يوسف، ناشر: دارالكتاب اللبناني، بيروت، چاپ اول، ۱۹۸۲ م.
- ۱۶ . الأمالي (للمفيد)، شيخ مفيد، محمد بن محمد، محقق و مصحح: استاد ولي، حسين وغفاري علي اكبر، ناشر: كنگره شيخ مفيد، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
- ۱۷ . الطرائف في معرفه مذاهب الطوائف، ابن طاووس، علي بن موسى، محقق و مصحح: عاشور، علي، ناشر: خيام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۰ ق.
- ۱۸ . كفايه الأثر، علي بن محمد خزاز قمي، انتشارات بيدار قم، ۱۴۰۱ ق.
- ۱۹ . من لا يحضره الفقيه، ابن بابويه، محمد بن علي، محقق و مصحح: غفاري، علي اكبر، ناشر: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، سال چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
- ۲۰ . الكافي، كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق، محقق و مصحح: غفاري علي اكبر و آخوندي، محمد، ناشر: دار الكتب الإسلاميه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- ۲۱ . عيون اخبار الرضا عليه السلام، ابن بابويه، محمد بن علي، محقق و مصحح: لاجوردی، مهدي، ناشر: نشر جهان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸ ق.
- ۲۲ . الغيبه للحجه، طوسی، محمد بن الحسن، محقق و مصحح: تهراني، عبادالله و ناصح، علي احمد، ناشر: دار المعارف الإسلاميه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
- ۲۳ . الزام الناصب في اثبات الحجه الغائب عليه السلام، يزدي حایري، علي بن زين العابدين، محقق و مصحح: عاشور، علي، ناشر: مؤسسه الاعلمي، بيروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.

- ۲۴ . كشف الغمه فى معرفه الأئمهعليهم السلام، اربلى، على بن عيسى، محقق و مصحح: رسولى محلاتى، هاشم، ناشر: بنى هاشمى، تبريز، چاپ اول، ۱۳۸۱ ق.
- ۲۵ . نهج البلاغه، شريف الرضى، محمد بن حسين، ترجمه: دشتى، محمد، ناشر: مشهور، قم، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
- ۲۶ . الارشاد للمفيد، مفيد، محمد بن محمد، مترجم: رسولى محلاتى، سيد هاشم، ناشر: اسلاميه، تهران، چاپ دوم، بى تا.
- ۲۷ . اسرار آل محمدعليهم السلام، ترجمه كتاب سليم، سليم بن قيس هلالى، محقق و مترجم: انصارى زنجانى خوئنى، اسماعيل، ناشر: نشر الهادى، قم، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
- ۲۸ . شرح نهج البلاغه، ابن ابى الحديد، عبد الحميد بن هبه الله، محقق و مصحح: ابراهيم، محمد ابوالفضل، ناشر: مكتبه آيه الله المرعشى النجفى، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
- ۲۹ . صحيح البخارى، محمد بن اسماعيل بن ابراهيم، دارالقلم، بيروت.
- ۳۰ . ينابيع الموده، سليمان بن ابراهيم القندوزى الحنفى، الشريف الرضى، قم.
- ۳۱ . سيره ابن هشام، ابى محمد عبدالملك بن هشام، شركه الحلبى، مصر ۱۳۵۵ق، ۱۹۳۶م.
- ۳۲ . اسدالغابه، ابن اثير على بن محمد الجزرى، دار احياء التراث العربى، بيروت.
- ۳۳ . تاريخ الامم و الملوك، ابى جعفر محمد بن جرير طبرى، مؤسسه الاعلمى، بيروت.
- ۳۴ . صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج النيشابورى، تحقيق محمد فؤاد عبدالباقي، دار احياء التراث العربى، بيروت.
- ۳۵ . الطبقات الكبرى، ابن سعد، دار صادر، بيروت.
- ۳۶ . المسند، الامام احمد بن حنبل، دار صادر، بيروت.
- ۳۷ . الامامه و السياسه، ابن قتبيہ عبداللہ بن مسلم الدينورى، شركه الحلبى، مصر.
- ۳۸ . الغدير، عبدالحسين امينى، مؤسسه الاعلمى الطبعه الاولى، ۱۴۱۴ ق، دارالكتاب العربى، بيروت.

- ٣٩ . صحيح سنن الترمذى، محمد بن عيسى الترمذى، دار الفكر، بيروت.
- ٤٠ . موسوعه كلمات الامام الحسين عليه السلام، معهد باقر العلوم، دار المعروف، قم، ١٤١٥ق، ١٩٩٥ م.
- ٤١ . المستدرک على الصحيحين، حاكم نيشابورى، المكتبه العصريه، بيروت، ١٤٢٠ق، ٢٠٠٠ م .
- ٤٢ . نهج الحياه، محمد دشتى، موسسه تحقيقاتى اميرالمؤمنين عليه السلام، قم، چاپ سوم، ١٣٧٨ش.
- ٤٣ . تاريخ الغيبه الصغرى، محمد الصدر، دار الكتاب الاسلامى، ١٤٢٤ ق، ١٣٨٢ ش .
- ٤٤ . جامع البيان طبرى، ابو جعفر محمد بن جرير الطبرى، دار الفكر، بيروت، ١٤٢٦ق، ٢٠٠٥م

## تجلی عدالت علوی در حکومت مهدوی: محمد مجتهدی

### چکیده

۱. غدیر به عنوان وصیتنامه اجرائی پیامبر صلی الله علیه و آله قابل ملاحظه است.
۲. در این وصیتنامه به آغاز و انجام هدایت الهی توجه شده است.
۳. در این وصیتنامه مشخصات حکومت مهدوی بیان شده است که هفده خصوصیت است.
۴. فرازهای دعای ندبه مفسر فرازهای خطبه غدیر درباره قالب سیستم حکومتی حضرت مهدی علیه السلام است.
۵. غدیر طرح دو حکومت با یک محور است: علوی و مهدوی.
۶. آتش سقیفه بر سر غدیر را جز آب عدالت مهدوی خاموش نمی کند.
۷. یک هماهنگی و وحدت روش بین امیرالمؤمنین و امام زمان علیهما السلام وجود دارد.
۸. میزانیت حق و عدل در حکومت امیرالمؤمنین و امام زمان علیهما السلام.

واقعه غدیر یکی از رویدادهای مهم تاریخ اسلام است. غدیر برای حضرت علی علیه السلام مانند بعثت برای رسول خدا صلی الله علیه و آله است. جنبه های تاریخی و سیاسی و حقوقی غدیر از زاویه عقل و نقل قابل بررسی و تحقیق است، اگر چه در طول تاریخ صدها شرح و تفسیر در موضوعات تاریخی و مباحث استدلالی امامت آن به رشته تحریر درآمده است، اما از جنبه حقوقی و محتوای اجرایی کمتر مورد توجه واقع شده است.

### **غدیر وصیتنامه اجرائی پیامبر صلی الله علیه و آله**

از آنجا که اسلام دارای یک نظام و سیستم جامع هدایتی با کلیه ملزوماتش بوده، لذا جلوه حقیقی اجرایی آن بعد از زمان رسالت پیامبر عالیقدر اسلام صلی الله علیه و آله از غدیر انتظار می رفت، ولی صد افسوس که این آرزو جامه عمل نپوشید.

غدیر جدا از جنبه های گوناگون، از جنبه وصیتی نیز قابل توجه است. بیان رسول خدا صلی الله علیه و آله در آخرین لحظات زندگی نسبت به اسلام و احکام آن، حکم یک وصیتنامه را دارد؛ و قاعده وصیت این است که به اهمّ موضوعات اشاره شود، و با اجرای موضوعات اصلی، جزئیات خواه ناخواه اجرا خواهد شد.

### **توجه به آغاز و انجام هدایت الهی**

در وصیتنامه الهی غدیر، رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از توجه دادن به عظمت توحید، مسئله اساسی دیگری را که امامت و ولایت امامان بعد از خود است مطرح می کند. سپس به جایگاه حضرت علی علیه السلام در اسلام و همچنین خودش اشاره می نماید. آنگاه از آخرین وصی خود یعنی حضرت مهدی علیه السلام سخن می گوید، که این قسمت از پیام رسول خدا صلی الله علیه و آله قابل توجه است.

دقت در این وصیت الهی این مطلب را آشکار می نماید که نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله به آغاز و انجام هدایت دین توجه بیشتر دارد. یعنی اگر هدایت جامعه بعد از رسالت با امامت و ولایت حضرت علی علیه السلام آغاز می شود، به طور قطع و یقین سرانجامش از آن حضرت مهدی علیه السلام است.

### مشخصات حکومت مهدوی در غدیر

در این پیام مشخصات حکومت مهدوی - که صورت عملی حکومت علوی است - بیان می گردد که دقت در هر یک از فرازهای این قسمت از خطبه این حقیقت را آشکارا بیان می کند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به حاضران این گونه می فرمایند:

ای مردم! آخرین هادی این امت مهدی از ماست و فرزند من است. با این ویژگی ها:

۱. آگاه باشید که او بر همه دین ها غالب آمده و حقیقت دین اسلام را ظاهر خواهد نمود.

۲. آگاه باشید که او از ظالمین و ستمکاران انتقام می گیرد.

۳. آگاه باشید که او تمام دژهای مستحکم را فتح کرده و همه را ویران خواهد کرد.

۴. آگاه باشید که او نظام شرک را برچیده و نظام هدایت را جایگزین خواهد نمود.

۵. آگاه باشید که او انتقام گیرنده از خون به ناحق ریخته اولیاء خداست.

۶. آگاه باشید که او یاور و حامی دین خداست.

۷. آگاه باشید که او بهره گیرنده دریای ژرف حقایق است.

۸. آگاه باشید که او مشخص کننده فضیلت هر صاحب فضل و جهالت هر جاهل است.

۹. آگاه باشید که او انتخاب شده و برگزیده خداوند است.

۱۰. آگاه باشید که او وارث همه علوم است و بر آنها احاطه و اشراف دارد.

۱۱. آگاه باشید که او خبر دهنده از جانب خداوند و بیانگر مراتب ایمان و استوار کننده آیات الهی است.

۱۲. آگاه باشید که او رشید و استوار در صراط مستقیم است.

۱۳. آگاه باشید که همه امور به او تفویض شده است.

۱۴. آگاه باشید که به آمدن او پیشینیان بشارت داده اند.

۱۵. آگاه باشید که او آخرین حجت خداوند است، و بعد از او حجتی نخواهد بود و هیچ حقی نخواهد بود مگر همراه او و هیچ نوری نیست مگر نزد او.

۱۶. آگاه باشید که بر او نه کسی غالب خواهد بود و نه پیروز.

۱۷. آگاه باشید که او ولی و حکم کننده و امین پنهان و آشکار خداوند در زمین است.

آنگاه بعد از این معرفی صریح و گویا می فرماید: «ای مردم! آنچه لازم و ضروری بود برای شما روشن کرده و تفهیم نمودم». یعنی دیگر هیچ بهانه ای برای نپذیرفتن وجود ندارد، و به یقین استمرار حاکمیت علوی به حاکمیت مهدوی ختم خواهد شد.

با توجه به این شاخصه های گویا، و با نگاهی به فرازهایی از دعای ندبه - که آن نیز بیان معصوم علیه السلام است - قالب سیستم حکومتی حضرت مهدی علیه السلام و نوع اجرای آن به وضوح معلوم می شود. در واقع آنچه قرار بود به دست با کفایت علی علیه السلام اجرا شود، به دست این ذخیره غدیر انجام خواهد گرفت.

### **طراحی دو حکومت علوی و مهدوی در غدیر**

پس در غدیر تصویر دو حکومت با یک محور طراحی شده است. گویی رسول عالیقدر از نیت منافقان و کافران خبر داشت که چه توطئه ای در سر دارند، و نخواهند



گذاشت سنت نبوی به امامت علوی اتصال یابد. گویی می بیند که چگونه سنتش به بدعت تبدیل شده و ظلم و ستم جایگزین عدل و قسط خواهد شد؛ و چه ستم و ظلمی که شعله آتش آن تا ظهور زبانه خواهد کشید، و کسی جز حضرت مهدی علیه السلام نخواهد توانست این آتش شعله گرفته از سقیفه را، با آب عدالت مهدوی خاموش کند، چرا که «إِذَا قَامَ الْحُجَّةُ سَارَ بِسِيرَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ»<sup>(۱)</sup>: «هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور کند به مانند سیره امام علی علیه السلام رفتار می نماید». در حقیقت یک هماهنگی و وحدت روش بین این دو امام همام برقرار است.

از آنجا که بر اساس آیه صریح قرآن: «وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ»<sup>(۲)</sup> بنیان حکومت امام عصر علیه السلام بر تحقق عدل الهی در تمام زمینه هاست، و روایات رسیده از معصومین علیه السلام این حقیقت را آشکار می نماید. وجود سه واژه عدل و عقل و حق، که از نظر کاربردی در فرهنگ اسلام و تشیع بیشتر استفاده شده و از موقعیت مقدسی برخوردار است، و علی رغم معانی متفاوت هر سه در نهایت به یک معنی ختم می شود و اینکه هر شیء آن گونه که خداوند می خواهد سر جایش باشد و تحقق این امر انجام نمی پذیرد، مگر به دست منتخب خداوند حکیم، علیم و مهربان.

نکته مهمتر اینکه عدالت اگر چه واژه بسیار شیرین و مورد قبول مؤمن و کافر است، اما در اجرا تلخ و ناگوار است. بیان امیر کلام حضرت علی علیه السلام گواه این مطلب است، آنجا که فرمودند: «عدالت به هنگام سخن گفتن دارای میدان وسیعی است، اما به هنگام عمل بسیار ضیق است».

۱- بحار الانوار: ج ۴۷ ص ۵۴.

۲- نساء: ۵۸.

## وحدت روش بین امیرالمؤمنین و امام زمان علیهما السلام

نکته جالب دیگر اینکه حضرت مهدی علیه السلام فرزند کسی است که رسول معظم علیه السلام او را معیار حق قرار داده، هم در دنیا و هم در آخرت. «عَلِيُّ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ يَدُورُ حَيْثُمَا دَارَ»<sup>(۱)</sup>: «علی همراه حق و حق همراه علی است. حق می گردد همان جا که علی می گردد». «عَلِيُّ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ وَ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»<sup>(۲)</sup>: «علی با حق و حق با علی است، و هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا در روز قیامت کنار حوض بر من وارد گردند».

این حدیث از احادیث عجیب است، چرا که علی علیه السلام را میزان حق معرفی می کند؛ زیرا که حق محض علی علیه السلام است. امام مهدی علیه السلام فرزند چنین شخصیتی است و همه افعال و رفتار او حق محض است، چون پدرش حق محض بوده و او به سیره پدرش عمل خواهد کرد. لذا تمام آنچه در دوران حکومت ایشان اتفاق می افتد و او انجام خواهد داد حق است. آن روز است که عدل زیباترین آرزوی انسان ها تحقق می یابد. به عبارت ساده باید گفت: حضرت مهدی علیه السلام در اجرای نظام عدالت پا جای پای حضرت علی علیه السلام خواهد گذاشت.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «الْعَدْلُ أَسَاسٌ بِهٖ قَوَامُ الْعَالَمِ»<sup>(۳)</sup>: «عدل اساسی است که هستی بدان استوار و محکم است». یا در بیانی کوتاه شکل حیات را معین می نماید: «الْعَدْلُ حَيَاةٌ»<sup>(۴)</sup>: «عدل زندگی است».

۱- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید: ج ۲ ص ۲۹۷.

۲- تاریخ بغداد: ج ۱۴ ص ۳۲۱.

۳- بحار الانوار: ج ۷۵ ص ۸۳.

۴- غرر الحکم و درر الکلم: ص ۲۶ ح ۳۰۷.

در این بیان، مولا چهار چوب زندگی را معلوم می کنند؛ و چون در زمان حیات خود با توجه به مشکلات ایجاد شده چنان که شایسته بود اجراء نشد در حاکمیت سراسر عدل حضرت مهدی علیه السلام انجام خواهد شد.

همچنین می فرماید: «الْعَدْلُ حَيَاةُ الْأَحْكَامِ»<sup>(۱)</sup>: «حیات و روح احکام با عدل است». حکمی که عدل در آن نباشد حکم مرده را دارد، و در ایام حکومت حضرت بقیه الله علیه السلام تمام احکام صادره بر اساس عدل خواهد بود.

«الرَّعِيَّةُ لَا يُصْلِحُهَا إِلَّا الْعَدْلُ»<sup>(۲)</sup>: «رعیت جز به عدل اصلاح نمی پذیرد». یعنی اصلاح وضع مردم در همه زمینه ها بستگی به عدالت حاکم دارد؛ و چون حاکمان با حقیقت عدالت مأنوس نیستند وضع مردم هم روز به روز بدتر می شود. در حکومت حقّه مهدوی چون عنصر عصمت مقدم بر عدالت است، آن حضرت با روندی آسان به اصلاح وضع رعیت و مردم می پردازد، چون برای حکومت صرف عدالت کافی نیست، بلکه عصمت لازم است.

«إِنَّ الْعَدْلَ مِيزَانُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ الَّذِي وَضَعَهُ فِي الْخَلْقِ وَ نَصَبَهُ لِإِقَامَةِ الْحَقِّ فَلَا تُخَالِفُهُ فِي مِيزَانِهِ وَلَا تُعَارِضُهُ فِي سُلْطَانِهِ»<sup>(۳)</sup>: «عدل ترازویی است که خداوند سبحان در میان خلق برای برپایی حقّ قرار داده، پس با او در میزانش مخالفت نکن و با او در حاکمیتش معارضه منما».

در این بیان، عدل به ترازو تشبیه شده و مخالفت با آن مخالفت با حاکمیت خداوند خواهد بود؛ و کسی که توان اجرای عدالت را ندارد عملاً با خدا در حال معارضه است.

۱- غرر الحکم و درر الکلم: ص ۳۱ ح ۴۴۰.

۲- غرر الحکم: ص ۲۲۴ ح ۸۸.

۳- همان: ج ۲ ص ۵۰۸.

## تصویری از حکومت مهدوی بر اساس غدیر

حضرت صادق علیه السلام حکومت حضرت مهدی علیه السلام را این گونه به تصویر می کشد:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَآمَنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَآخَرَجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا وَرَدَّ كُلُّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلٌ دِينَ حَيْتَى يُظْهِرُوا الْإِسْلَامَ وَيَعْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ، ... وَ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ حُكْمِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. فَحِينَئِذٍ تَطْهَرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَ بَرَكَاتِهَا، تُبْدَى زِينَتُهَا فَلَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعًا لِمَوْضِعِهِ وَ لَا لِبِرِّهِ لِشُمُولِ الْغِنَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ ... إِنَّ دَوْلَتَنَا آخِرُ الدُّوَلِ وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلٌ بَيْتٍ لَهُمْ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكُوا قَبْلَنَا لِيُثَلَّ يَقُولُوا: «إِذَا رَأَوْا سَيْرَتَنَا لَوْ مَلَكْنَا سَيْرَتَنَا مِثْلَ سَيْرِهِ هَؤُلَاءِ»، وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (۱).

هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور می کند همه چیز را این گونه متحول می کند:

۱. حکومتش بر اساس عدل است.
۲. ظلم و جور در ایام حکومتش از بین می رود.
۳. راه ها در پرتو حکومتش امن و امان می گردد.
۴. زمین برکاتش را خارج می نماید.
۵. حق هر کسی به خودش می رسد.
۶. جز اسلام دینی باقی نمی ماند و همه با ایمان به اسلام شناخته می شوند.
۷. در میان مردم همانند حضرت داود و حضرت محمد علیهما السلام حکم و داوری می نماید.

۸. به برکت وجود حضرت زمین گنج های خود را آشکار می سازد و برکات خود را نمایان و آشکار می نماید.

۹. کسی در آن زمان برای انفاق و صدقه موردی پیدا نمی کند، زیرا همه بی نیاز و غنی هستند.

حضرت صادق علیه السلام در ادامه به یک نکته اساسی اشاره دارد و می فرماید:

دولت ما آخرین دولت است. همه کسانی که قرار بود حکومت کنند قبل از ما به حکومت می رسند تا چنانچه روش ما را در حکومت ببینند نگویند: «اگر ما به حکومت می رسیدیم مانند اینان حکومت می کردیم!» و این همان گفته خداوند متعال است که فرمود: «وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ».

آری عاقبت از آن متقین است و رأس و امیر آن وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام است. به امید آن روز زیا که طلوع عدالت علوی در حکومت مهدوی است.

### منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.

۲. اعلام الوری بأعلام الهدی، طبرسی، فضل بن حسن، ناشر: اسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ ق.

۳. بحار الانوار، علامه مجلسی، ناشر: اسلامیه، تهران، سال چاپ: مختلف، نوبت چاپ: مکرر.

۴. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، محقق و مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، ناشر: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.

۵. غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، ناشر: دفتر تبلیغات، قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش



## تجلی عبودیت انسان بر اساس غدیر در ظهور: محمد رضا فریدونی

### چکیده

۱. غدیر بزرگترین رخداد عظیم الهی است، که توانست با تحقق خود عالی ترین و برترین فضیلت را برای دین برگزیده الهی رقم زند و از مرزهای اسلام عبور کند، و با جهانی شدن نه تنها در اسلام بلکه در تاریخ بشریت ثبت گردد.
۲. دین برگزیده الهی اسلامی است که در روز غدیر تجلی و ظهور رسمی یافت.
۳. دلایلی که از قرآن اثبات می شود، یأس مخالفان از نفوذ در دین در آیه اکمال، پر نمودن جایگاه رهبری الهی مسلمین بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله با معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام است.
۴. ارتباط واقعه غدیر خم با عصر ظهور امام زمان علیه السلام.

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ. (۱)

خداوند به بعضی از شما که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند وعده داده که ایشان را در زمین جانشین قرار دهد همان گونه که پیشینیان ایشان را خلیفه و جانشین قرار داد؛ و (به شما وعده داد که) برای ایشان دینشان را که برگزیده و مورد رضایت اوست برتری و قدرت بخشد، و تمامی هراس آنان را به آرامش و امتیث تبدیل نماید.

(آنگاه که این زمینه ها آماده و محقق گشت) باید تنها مرا پرستش نمایند و به من هیچ شرکی نوزند، و اگر کسانی بعد از این امور کفر و ناسپاسی ورزند، بدانند که ایشان همان فاسقند.

### وعده تفوق دین مورد رضای خدا

آنچه در بدو امر از آیه شریفه برداشت می شود این است که خداوند وعده تفوق و برتری دین مورد رضای خویش را بر هر قدرت و عقیده ای اعلام می دارد. شکی نیست که وعده الهی قطعاً به وقوع خواهد پیوست، زیرا که فرموده: «كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا» (۲) ولی آنچه باید روشن شود تشخیص و شناخت دین برگزیده الهی است، که کدام دین مصداق «دینهمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ» بوده و قرار است بر هر قدرت و دینی تسلط و قدرت پیدا کند؟

شایسته است برای شناسایی تنها دین مرضی الهی به کلام وحی رجوع نماییم. قرآن مجید در آیتی که در حجه الوداع نازل شده می فرماید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ

۱- النور: ۵۵ .

۲- المزمل: ۱۸ .



وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» (۱). با توجه به این فراز آیه شریفه روشن می شود: دین برگزیده و مورد رضای الهی اسلامی است که در آن روز تجلی و ظهور رسمی یافت. ویژگی مهم این آیه آن است که از دین برگزیده الهی خبر می دهد. بنابراین ضرورت دارد که در آن تدبیر و تفقه شود تا با دقت بیشتر ارکان دین مقبول و برگزیده الهی که در آن روز مفتخر به دریافت نشان والای رضایت پروردگار گردید را باز شناخت.

### تأمین آینده دین در غدیر

کدام رخداد عظیم بود که توانست با تحقق خود اكمال دین را با «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» هستی بخشد، و با «أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» تمامیت نعمت را به نمایش نهد و با «رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» عالی ترین و برترین فضیلت را برای دین برگزیده الهی رقم زند، و مسلمانان متعهد و متدین به آن را بزرگی و عظمت بخشد؟

تدبیر در قرآن ما را در رسیدن به پاسخ صحیح کمک می کند. شکی نیست که لازمه یأس امید است؛ یعنی باید امیدی باشد تا بر اثر وقوع امری تبدیل به یأس گردد. باید دید از نظر قرآن امید مخالفان برای نفوذ در دین نسبت به چه موضوعی بوده است؟

### تدبیر و دقت در موقعیت قرآنی آیه اكمال

#### اشاره

برخی ساده اندیشان، احکام مُحَرَّمَاتی را که در صدر آیه شریفه ذکر گردیده، محمل این اكمال و اتمام و رضایت الهی پنداشته اند، که با تأملی اندک بی پایگی نظریه آنان روشن می گردد:

یکم: با توجه به فراز پایانی آیه، می بینیم حکم تحریم برخی مأكولات که در صدر آیه ذکر گردیده با دو شرط اضطرار و استفاده در حد لزوم می شکند: «فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصِهِ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمِ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ». اگر امید مخالفان اسلام برای نفوذ در دین به خوردن آن محرّمات باشد، ناچار پس از نزول آیه باید مخالفان اسلام تنها بر مضطربین امید بندند، زیرا فقط ایشان از حکم تحریم خارجند! جالب آنکه حتّی موردی ذکر نشده که مخالفان اسلام با ترویج و تبلیغ خوردن گوشت های حرام مذکور توانسته باشند در دین خدا نفوذ نمایند! بدیهی است که در این صورت نمی توان مدعی شد نزول این احکام باعث یأس مخالفان از نفوذ در دین گردیده است.

دوم: با تدبّر در قرآن می بینیم آیات مشابه دیگری نیز نازل گردیده که حکم تحریم برخی محرّمات را در خود دارد، یا حتّی در برخی موارد به محرّمات ذکر شده در این آیه نیز در آیات دیگر اشاره گردیده است (۱)، حال آن که از فضائلی که در این آیه به قول مدعیان به این احکام داده شده در آیات مشابه هیچ خبری از آن فضیلت یا فضائل نیست! اگر اعلام این محرّمات به لحاظ اهمّیتشان دارای چنین فضائلی هستند که سبب اکمال دین و اتمام نعمت و رضایت الهی گردد، می بایست برای همین احکام در آیات دیگر یا احکام مشابه که از نظر اهمّیت شأنی کمتر از احکام صدر آیه شریفه اکمال ندارند، نیز چنین فضائلی رقم می خورد، در حالی که چنین نشد و این امر خود نشانی روشن از عدم صلاحیت احکام مذکور در ایجاد یأس کفار از نفوذ در دین را دارد.

سوم: اگر قرار باشد نزول این احکام سبب اکمال دین و ایجاد یأس برای مخالفان نسبت به نفوذ در دین شود، ناچار باید این احکام آخرین احکام نازل در قرآن باشند، حال آن که قرآن و روایات و عرف این مطلب را نمی پذیرند.

## اما قرآن:

۱. در همین سوره آیات احکامی بعد از آیه اکمال نازل شده است، مثلاً: «الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَ طَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَ طَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ ...» (۱) که این آیه خود بیان می‌دارد آیه اکمال آخرین آیه حکمی نیست.
۲. با تأمیل در قرآن و با استناد به اقوال جمهور مفسرین، هیچ آیه ای از کتاب خداوند، تصریحاً یا تلویحاً دال بر این نکته نیست که امید مخالفان اسلام واقعی برای نفوذ در دین از طریق اکل گوشت های حرام بوده است.

## اما روایات:

اهل سنت خود معتقدند که آیه اکمال آخرین آیه حکمی نیست:

۱. «إِنَّ آخِرَ آيَةٍ نَزَّلَتْ آيَةُ الرَّبِّ». (۲)

۲. «قَالَ عُمَرُ: إِنَّ آيَةَ الرَّبِّ آخِرُ مَا نَزَّلَتْ وَ قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَبْلَ أَنْ يُبَيِّنَ لَنَا شَأْنَهَا». (۳)

۳. «عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ: آخِرُ آيَةٍ نَزَّلَتْ آيَةُ الرَّبِّ». (۴)

طبری در یک اظهار نظر جالب می‌گوید: «هیچ دانشمندی نمی‌تواند بپذیرد که وحی تا هشتاد روز قبل از رحلت آن حضرت قطع گردد، بلکه چون رحلت نزدیک است باید وحی بیشتر و پی در پی آید، به ویژه آن که آیات احکامیه بعد از آیه اکمال مانند حکم «کلاله» نازل شده است. لذا نمی‌توان گفت که اکمال دین به اکمال احکام و عبادات است». (۵)

۱- المائدة: ۵.

۲- المجموع، النووی: ج ۱۰ ص ۵۵. سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۷۶۴ ح ۲۲۷۶.

۳- المبسوط، السرخسی: ج ۱۲ ص ۱۱۴.

۴- سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۷۶۴ ح ۲۲۷۶. عمده القاری، العینی: ج ۱۱ ص ۲۰۲.

۵- تفسیر جامع البیان، طبری: ج ۶ ص ۵۲.

## اما عرف:

۱. روشن است که حکم تمامی موضوعات مبتلا به مسلمانان تا روز قیامت در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله نیامده بود و فریقین در زمان غیبت حجّت الهی پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله از نظر اهل سنّت و در عصر غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از نظر شیعه برای رسیدن به احکام موضوعات جدید و مستحدثه که حکم صریح آنها در سنّت وجود ندارد، با استفاده از قواعدی مانند «اصاله البرائه» و «قاعده لا ضرر» و «قاعده ید» یا «قیاس و استحسان» و غیره، به استنباط احکام می پردازند و بر آن اساس فتوی می دهند. حال چگونه می توان مدّعی شد اکمال دین با بیان احکام تمامی موضوعات محقق شده باشد؟!

پس نزول چند حکم تحریمی نسبت به چند موضوع که بعضاً مکّررند، مسلماً سبب اکمال دین نشده و بالتّبع عامل ایجاد یأس کامل مخالفان از نفوذ در اسلام نمی گردد.

۲. اختلاف در فتاوی فقهاء و عمل کردن مسلمانان به فتاوی مختلف که خود به نوعی دلیل بر تغییر احکام می باشد، به هیچ وجه سبب امید دشمنان برای نفوذ در اسلام نشده است. البته بدیهی است وجود برخی از فتاوی متعارض در پاره ای از احکام، حکایت از آن دارد که لا اقل بعضی از آن فتاوا با حکم الهی موافقت ندارد؛ و با توجه به آن که وعده الهی نسبت به یأس مخالفان و اکمال دین کلی بوده و استمرار آن یأس را تا روز قیامت بیان می دارد و نیز آن که در عصر غیبت حجّت الهی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف اکمالی در احکام نسبت به تمامی موضوعات به وجود نیامده است، ناچار باید پذیرفت که یأس کفّار و اکمال دین ارتباطی با نزول احکام ندارد.

بعد از آنکه عدم صلاحیت احکام نازله در صدر آیه به عنوان عامل اكمال دین و یأس کامل از نفوذ در آن ثابت گشت، مجدداً به بررسی سؤال مطرح شده در آغاز نوشتار می پردازیم.

### بررسی علل یأس دشمنان در غدیر

تدبیر در قرآن ما را در رسیدن به پاسخ صحیح کمک می کند. شکی نیست که امید لازمه یأس است. یعنی باید امیدی باشد تا بر اثر وقوع امری تبدیل به یأس گردد. لذا برای درک حقیقت، باید دید از نظر قرآن امید مخالفان برای نفوذ در دین نسبت به چه موضوعی بوده است؟

قرآن در بخشی از آیتی می فرماید: «تَتَرَبَّصُّ بِهٖ رَيْبَ الْمُنُونِ» (۱): «در کمین و منتظر مرگ او هستیم». بر این اساس روشن می شود امید مخالفان اسلام معطوف به بعد از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بوده است. با رحلت آن حضرت جایگاه رهبری الهی مسلمین خالی می شود و رخنه ای در دین ایجاد می گردد که اگر تدبیری در جهت رفع و دفع این ثلمه اندیشیده نشود، ریاست طلبان با نفوذ در رهبری یا به دست گرفتن سگان آن، زمینه ای برای نفوذ در دین ایجاد می کنند. بدین رو امید مخالفان نفوذ در رهبری اسلامی بوده، و اگر قرار باشد این امید تبدیل به یأس گردد باید از طرف خداوند تکلیف رهبری بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روزی از ایام حجّه الوداع روشن شده باشد تا زمینه یأس کامل کفار فراهم گردد و وعده الهی در «الْيَوْمَ يَنْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ» کاملاً محقق گردد.

## تولد رسمی امامت و ولایت

با مراجعه به تاریخ درمی یابیم تنها روزی که در آن ایام حائز چنین رخداد عظیمی بوده روز غدیر خم است، که در آن روز امامت و ولایت تولدی رسمی پیدا کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله از تمامی مؤمنین در همه اعصار و امصار نسبت به آن میثاق گرفت و ارزشمندترین رسالت الهی خویش را ابلاغ فرمود.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در غدیر خم به فرمان الهی «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» (۱) عهده دار ابلاغ امر مهم و سرنوشت ساز و حیاتی امامت و ولایت به مسلمانان گردید، و طی تشریفات باشکوه و بی بدیلی که در ابلاغ هیچ تنزیلی چنین سابقه و نظیری نداشت، امر ابلاغ را انجام داد و با ابلاغ رسمی آن دستور الهی و اخذ میثاق، حصنی عظیم برای صیانت از تنها دین منتخب الهی ایجاد گردید.

اگر این گونه نمی شد، اسلام بدون سرپرست الهی بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله هم چون دیگر ادیان ابراهیمی که دست خوش تحریف گردیدند، اثری از اسلام نبوی باقی نمی ماند و راه برای رهجویان حقیقی همیشه بسته می ماند.

## ارتباط غدیر با عصر ظهور

اما واقعه غدیر با عصر ظهور چه ارتباطی دارد؟ بدون تردید باید اذعان نمود بدون شناخت واقعه غدیر تمامی ویژگی های عصر ظهور آشکار و شناخته نمی شود. غدیر یکی از پایه های اساسی عصر ظهور است. حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تنها و آخرین وارث بلا-فصل غدیر یعنی امامت و ولایت است. با توجه به اینکه آن حضرت وظیفه نجات بشریت را بر عهده دارند، حساسیت و سنگینی وظیفه ایشان روشن می شود. آن حضرت مجری اراده الهی در تسلط و تمکن اسلام غدیری در

زمان ظهور است. تحقّق وعده الهی با بیان «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»<sup>(۱)</sup> بر عهده ایشان نهاده شده است.

در حقیقت، عصر ظهور زمان به فعلیت رسیدن اقتدار و تفوّق کامل غدیر یعنی امامت و ولایت الهی و غلبه غدیر و صاحبان غدیر بر همه مکاتب و قدرت ها خواهد بود. اراده الهی در روز غدیر، ابلاغ امامت منصوصه ای بود که با اقدام رسول اکرم صلی الله علیه و آله تحقّق پیدا کرد، امّا پیروزی و تسلّط و تمکّن بر همه ظالمان و حکومت های شیطانی، در عصر ظهور و با قیام حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف محقّق خواهد شد.

در نهایت، باید گفت: روز غدیر روز اعلام رسمی موجودیت دین منتخب و برگزیده الهی و عصر تفوّق و برتری آن دین بر همه ادیان و حکومت هاست.

### غدیر از آغاز تا جهانی شدن

«غدیر» در لغت به گودال هایی گفته می شود که در آن آب باران جمع شده باشد.<sup>(۲)</sup> و «غدیر خم» نام یکی از برکه هایی است که بین راه مکه و مدینه و در نزدیکی «جحفه» محل تقاطع مسیرهای مدینه، مصر، عراق و نجد در صدر اسلام قرار داشت. غدیر خم به «ابواء» مرقد مطهر مادر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله حضرت آمنه بنت وهب علیها السلام نیز نزدیک است. شهرت «غدیر خم» به سبب برکه آب یا نزدیکی اش به «ابواء» یا «جحفه» نیست، بلکه عظمت و شهرت آن به اعتبار وقوع مهمترین رویداد تاریخ، نه تنها در اسلام که در تاریخ بشریت است!

۱- الصف: ۹.

۲- الغدیر: مستنقع ماء المطر و سمی بذلک لان السیل غادره ای ترکه. مقایس اللغه، ابن فارس.

بهتر است درباره عظمت آن روز بی بدیل به توصیف حضرت امام صادق علیه السلام گوش سپاریم. آن حضرت درباره غدیر فرمایشاتی بسیار مهم بیان فرمودند که به دو فراز از آن اشاره می شود:

۱. «وَهُوَ عِيدُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ»، یعنی سرآمد همه اعیاد عید غدیر است. آری! غدیر عید خداوند است، آن هم عیدُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ! هیچ رخدادی و در هیچ زمانی چنین عظمتی نیافت.

۲. «لَعَلَّكَ تَرَى أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ يَوْمًا أَعْظَمَ حُرْمَةً مِنْهُ؟ لَا وَاللَّهِ، لَا وَاللَّهِ، لَا وَاللَّهِ!» (۱)

عظمت روز غدیر تنها مربوط به اسلام نیست. شکوه و برتری روز غدیر بر تمامی ایام آفرینش و همه رویدادها در تاریخ بشریت است؛ زیرا در بیان حجت خدا حدّ و مرزی برای عظمت غدیر بیان نشده است! لذا باید گفت: غدیر تنها مربوط به اسلام نیست، بلکه غدیر از مرزهای اسلام عبور کرده و جهانی شده است.

### کمال بندگی در غدیر

با معرفی امام امامت و ولی ولایت الهی در غدیر خم، تنها راه رسیدن به رضای الهی و اوج گرفتن برای رسیدن به کمال بندگی هموار گشت. اما سیه دلان کژاندیش و ریاست خواهان فرصت طلب که با تبعیت از شیطان، همواره به دنبال هواهای نفسانی خود بودند و غدیر برای آنان خوشایند و مبارک نبود، مانند ابرهای سیاه خواستند جلوی نور خورشید غدیر را بگیرند.

آنان هر چند توانستند آسمان هدایت الهی را از روز رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا به امروز برای بسیاری ابری نمایند، اما هرگز نتوانستند خورشید ولایت را ببوشانند. نور هدایت الهی از پس ابرهای غفلت و گمراهی، همچنان حیاتبخش زندگی دنیوی

۱- تهذیب الاحکام، شیخ طوسی: ج ۳ ص ۱۴۳.



و اخروی حقجویان است. البتّه چون خداوند اراده پیروزی غدیر و صاحبان غدیر بر هر قدرت و تفکّری را نموده، و با آیه شریفه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» وعده پیروزی و نصرت دین برگزیده اش را بر همه ادیان و مسلک ها داده است، بدیهی است وعده الهی انجام خواهد یافت و حقیقت جویان جمال خورشید هدایت را در آسمان بدون ابر گمراهی در عصر آخرین حجّت الهی و با ظهور منجی موعود نظاره گر خواهند بود.

### حرکت به سوی تعالی غدیر در عصر ظهور

با ظهور حضرت ولیّ عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و آماده شدن زمینه های ظهور، حرکت عمومی به سوی تعالی و تحقّق خواست الهی در عروج انسان ها از طریق عبادت خداوند آغاز می شود که با آیه «مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (۱) بیان فرموده است، چرا که خود فرموده: «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (۲) در چنین بستر آماده ای و در پرتو امامت و ولایت الهی درهای عروج و تعالی انسان ها با اتکا به عبادت خالصانه خداوند گشوده و عبادت الهی جان می گیرد و انسان آرزومند را به اوج تعالی می رساند.

السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ الْأُمَّمَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَ يُلَمَّ بِهِ الشَّعَثَ وَ يَمَلَأَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عِدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا.

۱- الذاریات: ۵۶.

۲- النور: ۵۵.



## انتقام کربلای غدیر در عصر ظهور : مجید مسعودی

### چکیده

۱. ارتباط منطقی بین دعای ندبه و غدیر آن است که با غضب حقّ امامان غدیر، عیدی برای شیعه باقی نگذاشته اند و ما در عیدمان بر این مسئله ندبه و زاری می کنیم.
۲. به فرموده امامان حقّ، غدیر اعاده نخواهد شد و روز به روز بر ابعاد این ظلم افزوده خواهد شد تا حضرت ولی عصر علیه السلام ظهور کند.
۳. غدیر نقطه پایان رسالت بود و آغاز فصل تازه ای از دین، که در پرده سقیفه پنهان شد، تا ایام ظهور که پایان دولت شب است.
۴. به حکم خطبه غدیر و دعای ندبه، غدیر آخرین سخن و اتمام حجت پیامبر صلی الله علیه و آله بود.
۵. به حکم خطبه غدیر و دعای ندبه، پس از پیامبر صلی الله علیه و آله مردم تا هنگام ظهور به جاهلیت باز گشتند.

۶. تاراج حق غدیر به غضب حق امیرالمؤمنین علیه السلام تمام نشد، بلکه درباره امامان بعد از او هم ادامه یافت.

۷. غضب حق غدیر تا امروز ادامه دارد.

۸. در خطبه غدیر خبر از غضب حق غدیر، و در دعای ندبه چگونه مرثیه خواندن بر این حق غضب شده را به ما آموخته اند.

۹. در میان این همه حقوق از دست رفته، غم یک حق بیش از همه با ظهور آنچه با غدیر باید احیا می شد زنده خواهد شد و آن غم کربلاست.

۱۰. غم غدیر از کربلا مرثیه ای دوباره یافته و تا قیام قائم ادامه می یابد.

### مقدمه

موضوع این مقاله انعکاس خطبه غدیر در دعای ندبه است؛ و از آنجا که در چارچوب یک مقاله هرگز نمی توان به طور همه جانبه در این باره سخن گفت، تنها به یکی از اصلی ترین موضوعات مشترک در این دو مأخذ و برقراری ارتباط منطقی بین آنها پرداخته ایم. امید آنکه بتوان باب جدیدی را در این زمینه گشود؛ بدین معنی که نه تنها در دعای ندبه، بلکه در تمام دعاها و زیارت نامه های مرتبط با حضرت ولی عصر علیه السلام حتماً نشانه هایی از غدیر و پیامدهای آن را بتوان مشاهده کرد.

اما در این مورد خاص، دعای ندبه را امام صادق علیه السلام به شیعیان تعلیم داده تا در زمان غیبت بخوانند، به ویژه در چهار عید بزرگ؛ یعنی جمعه، غدیر، فطر و قربان. اما از آنجا که «ندبه» به معنای عزاداری، سوگواری، زاری و نوحه سرایی است، این سؤال مطرح می شود که چرا بر مزیت خواندن آن در چهار عید یاد شده تأکید گردیده است.

در یک پاسخ کوتاه به این سؤال، می توان به روایتی از امام باقر علیه السلام استناد کرد که فرموده اند: «هیچ عیدی برای مسلمانان وجود ندارد - نه عید فطری و نه عید قربانی - جز این که غم و اندوه آل محمد علیهم السلام در آن تجدید می شود، چرا که می بینند حق آنها در دست دیگران است».(۱)

بنابراین وقتی ما در روز جمعه یا اعیاد دیگر این دعا را می خوانیم، یعنی اینکه خود را به گونه ای در غم و اندوه حقوق از دست رفته آل محمد علیهم السلام شریک دانسته، و با ناله و شیون به درگاه خداوند، خواهان ظهور هر چه زودتر آن منتقم حقیقی هستیم که بیاید و اعاده حق نماید. لیک در باره ماهیت این حق جا دارد که از خود بپرسیم:

- این حق در اصل چه بوده و از چه زمانی به تاراج رفته است؟

- این حق در کجا و چگونه و طی چه مراحل به شخص یا گروهی تفویض شده است؟

- آیا آن گونه که امام باقر علیه السلام فرموده اند، این حق هنوز در دست دیگران است؟

- آیا در دعای تعلیم داده شده از سوی امام صادق علیه السلام به شیعیانش، اشاره ای به این موضوع شده است؟

برای پاسخ به سؤال اول و دوم، کافی است خاطره غدیر و تفویض حق جانشینی علی علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله را از سوی خداوند به یاد آورده، و سپس به مرور ماجرای سقیفه و پیامدهایش در طول تاریخ تا به امروز بپردازیم.

اما برای پاسخ به سؤال سوم و چهارم که موضوع اصلی این مقاله است ترجیح می دهیم ابتدا دو آیه از قرآن را همراه تأویل آنها از امام معصوم علیهم السلام یاد آور شویم:

۱- علل الشرائع: ج ۲ ص ۳۸۹.

الف: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» (۱): «فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم کرده اند آشکار شد».

در تأویل آن می خوانیم: «به خدا سوگند تأویل این آیه باز می گردد به زمانی که انصار گفتند: از ما امیری باشد و از شما نیز امیری» (۲).

ب: «وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى» (۳): «سوگند به شب آن زمان که سیاهیش جهانی را بپوشاند؛ و سوگند به روز آن زمان که نورش جهانی را روشن سازد».

امام باقر علیه السلام در تأویل آن به محمد بن مسلم می فرماید: «شب در این آیه همان دومی است که پرده سیاهش را در دولتی که برایش فراهم شده بود، بر فراز ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام کشید، و آن حضرت تا قیام قائم علیه السلام صبر می کند تا مهلت او پایان پذیرد؛ و روز همان قائم ما اهل بیت است که هرگاه پیاخیزد، بر دولت باطل چیره می شود» (۴).

این آیه به خوبی نشان می دهد که آنچه از حق امیرالمؤمنین علیه السلام به تاراج رفته، تا قیام قائم علیه السلام هرگز اعاده نخواهد شد. همچنین فسادی که در روز سقیفه بر خشکی و دریا گسترده شد، روز به روز بر ابعادش افزوده شده تا این که سرتاسر زمین را فرا گیرد؛ و تنها با ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام است که بساط این فساد برچیده خواهد شد.

بنابراین اگر از هم اکنون به این نتیجه قطعی برسیم، چه بسا به خطا نرفته باشیم که غدیر نقطه پایان رسالت بود و آغاز فصل تازه ای از دین؛ که در پرده شب پنهان شد و ناتمام ماند تا ایام ظهور؛ و ظهور نقطه پایان دولت شب است و ادامه آن فصل ناتمام که با نور محض آشکار می گردد.

۱- روم: ۴۱.

۲- روضه کافی (ترجمه رسولی محلاتی): ج ۱ ص ۸۳. البرهان: ج ۴ ص ۳۵۱.

۳- لیل: ۱، ۲.

۴- تفسیر برهان: ج ۵ ص ۶۷۷.

با این همه لازم است در تأیید و توجیه این نتیجه قطعی که چکیده و فشرده مقاله پیش روست به نمونه هایی از هر دو مأخذ (خطبه غدیر و دعای ندبه) اشاره کرده و بررسی تفصیلی آن را به کتابی مستقل موکول نماییم.

## ۱: آخرین سخن و اتمام حجت

### در خطبه غدیر:

ای مردم! این آخرین باری است که من در چنین اجتماع انبوهی می ایستم. پس بشنوید و اطاعت کنید و فرمانبردار امر پروردگارتان باشید و بدانید که خدای عزوجل صاحب اختیار و معبود شماست. سپس پیامبرش که اکنون شما را مورد خطاب قرار داده ولیّ شماست. بعد از من، علی علیه السلام صاحب اختیار و امام شما به امر پروردگارتان است. آنگاه امامت در نسل من از فرزندان او (علی علیه السلام) خواهد بود، تا روزی که خدا و رسولش را ملاقات کنید.

ای مردم! من همان صراط مستقیم خداوندم که شما را به پیروی از آن دستور داده، و پس از من علی صراط مستقیم است، و سپس فرزندانم از نسل او که امامان هدایتگرند. همان کسانی که به سوی حق هدایت نموده و بر اساس حق به عدالت رفتار می کنند.

### در دعای ندبه:

«آن زمان که روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله به آخر رسید؛ او ولیّ خود علی علیه السلام را برای هدایت مردمان معرفی کرد؛ زیرا خودش بیم دهنده بود و هر قومی را هدایتگری باید.

سپس در حالی که انبوه مردم در برابرش بودند فرمود: «هر کس که من مولای اویم علی هم مولای اوست. خداوندا دوستانش را دوست بدار و دشمنانش را دشمن بدار.

یاری دهنده اش را یاری کن و کسی را که دست از یاری اش می کشد درمانده ساز».

و فرمود: «هر کس که من پیامبرش هستم علی امیر اوست».

و فرمود: «من و علی از یک درختیم و دیگر مردمان از درختان گوناگون هستند».

همچنین او را در جایگاه هارون نسبت به موسی قرار داد.

بدین سان او (علی علیه السلام) پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، راهنمای هدایت از گمراهی بود، و نوری در تاریکی جهل و رشته محکم ارتباط با خداوند و راه راست او بود. در خویشاوندی اش با پیامبر و پیشینه اش در دین جلوتر از او کسی نبود؛ و در مناقب کسی به گُردِ منقبتی از او نمی رسید.

اما گویی رسول خدا صلی الله علیه و آله این واقعیت را می دانست که اُمّتش پس از او حقّ علی علیه السلام را رعایت نمی کنند و بنای ناسازگاری با او را می نهند. چه اینکه می دانیم علی بن ابی طالب علیه السلام در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و همراه ایشان برای تنزیل قرآن جنگید تا آنجا که خونِ دلاوران عرب را ریخت، و پهلوانانشان را کشت، و با گرگ صفتانشان جنگید، و از این رو دل های آنان پُر از کینه های جنگِ بدر و خَیبر و حُنین و جنگ های دیگر گردید».

بنابراین مسلم است که آنان به دنبال فرصتی می گشتند تا انتقام خود را از فرزند ابوطالب بگیرند و مرهمی بر زخم های کهنه خویش بگذارند؛ و چه فرصتی بهتر از روزگاری که پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفته باشد!



## ۲: جاهلیت پس از رسول خدا صلی الله علیه وآله تا هنگام ظهور

### در خطبه غدیر:

ای مردم! به شما هشدار می‌دهم که من رسول خدا هستم و پیش از من نیز پیامبرانی بوده‌اند. اکنون اگر بمیرم یا کشته شوم آیا شما از دین خدا برمی‌گردید؟

پس، هر کس که به جاهلیت برگردد، به خداوند ضرری نمی‌رساند و خداوند به زودی به شکرگزاران پاداش می‌دهد. نیز آگاه باشید آن کس که به صبر و شکر توصیف شده، علی است و سپس فرزندان من از نسل او.

ای مردم! به زودی پس از من، پیشوایانی خواهند بود که به سوی آتش دعوت می‌کنند و روز قیامت یاری نمی‌شوند. پس بدانید که خداوند و من، از آنان بیزاریم. آنان و یارانشان، و همفکران و پیروانشان در پایین‌ترین طبقه آتش هستند، و چه بسیار بد است مأوای متکبران.

### در دعای ندبه:

بنابراین، آنان نیز دشمنی‌اش را به دل گرفتند و بنای ناسازگاری با او را گذاشتند، و او به ناچار، پیمان شکنان و ستیزه جویان و از دین بیرون شدگان را از پای درآورد.

و آن زمان که از این جهان رخت بر بست و او را شقی‌ترین فرد آخرالزمان، به پیروی از شقی‌ترین پیشینیان (قابیل) به شهادت رساند، دستور رسول خدا صلی الله علیه وآله درباره هدایتگران پس از او نیز همچنان نادیده گرفته شد. تا آن جا که جز گروه اندک وفادار به رعایت حق اهل بیت علیهم السلام، همه اُمت بر دشمنی آنها پافشاری کردند و برای براندازی نسل پیامبر و تبعید فرزندانشان متحد شدند؛ و بدین ترتیب گروهی کشته، گروهی اسیر و گروهی تبعید و آواره گشتند.

اما تقدیر الهی برای آنان (خاندان پیامبر) بدان سان رقم خورد که امید پاداش می رفت؛ زیرا زمین از آن خدا است و آن را به هر یک از بندگانش که بخواهد به ارث می دهد و عاقبت همه خیرها از آن متقین است."

پس این است آن حقی که به تاراج رفت. حقی که از سوی خداوند به پیامبرش وحی شد و ابلاغ آن را در غدیر خم شرط پایان رسالتش قرار داد.

با وجود این، تاراج این حق تنها با انتقام از علی علیه السلام تمام نشد، و به تأیید دعای ندبه درباره هدایتگران پس از او نیز همچنان ادامه یافت. اما سؤال مهم این است که آیا هنوز هم این حق در دست دیگران است؛ آن گونه که امام باقر علیه السلام فرمودند؟ آیا در خطبه غدیر به این حقیقت اشاره شده، و در دعای ندبه هم نشانه هایی از آن آمده است؟

### ۳: آری، هنوز هم!

#### در خطبه غدیر:

ای مردم! به خدا و رسولش و نوری که همراه او نازل شده است ایمان بیاورید پیش از آنکه صورت هایی را محو و نابود کنیم و آن صورت ها را به پشت برگردانیم. (۱)

اما آن نور از جانب خداوند در من نهاده شد و سپس در علی بن ابی طالب علیه السلام، و آنگاه در نسل او تا مهدی قائم علیه السلام که حق خدا و حق ما را می گیرد. یقیناً که خداوند عزوجل ما را حجت قرار داده است بر تمام سهل انگاران، دشمنان، مخالفان، خیانت پیشگان، گنهکاران و ستمگران از همه جهانیان.

بنابراین امام صادق علیه السلام به ما آموخته است که چگونه برای یادآوری آن حق از دست رفته که هنوز هم در دست دیگران است مرثیه بخوانیم.

### در دعای ندبه:

کجاست آن مهیا شده ای که رشته ستمگران را پاره می کند؟ کجاست آن خُرد کننده و کوبنده جاه و جلال تجاوزگران؟

کجاست آن ویران کننده بناهای شرک و نفاق؟ کجاست آن نابود کننده فاسقان و شورشگران و گردن فرازان؟

کجاست آن دروکننده شاخه های گمراهان و ستیزه جویان؟ کجاست آن که زَنگاری کج فکری ها و هواپرستی ها را بزداید؟

کجاست آنکه رشته های دروغ و تهمت را پاره کند؟ کجاست آنکه تجاوزگران و سرکشان را نابود سازد؟

کجاست آن که دشمنان و گمراهان و بی دینان را ریشه برکند؟

با این همه، گویی در میان این حقوق از دست رفته و هنوز هم در دست دیگران گرفتار شده، عَلَم مصائب و غم یک حق ناحق گشته بیش از همه در اهتزاز است. عَلَم مصائب و غم کربلا! کربلایی که فرصت آن را اهل شُبّه ایجاد کردند. همان مردمان پیمان شکن خیانت پیشه ناسازگار، با دل هایی گندیده از پلیدی شرک و بدن هایی آکنده از آلودگی کفر. آن گونه که حرمت ها را دریدند، و بر بستر مرگ رسول خداصلی الله علیه وآله بانگ بی وفایی زدند و در شکستن پیمان خود شتافتند و عهدهای محکمی را که بر جانشینی علی علیه السلام بسته بودند نادیده گرفتند ...

و بدین سان برای اهل شُبّه فرصتی فراهم کردند تا آنان بتوانند اهل بیت برگزیده حق را در کربلا بکشند و نسل او را براندازند و حریمش را بشکنند و یارانش را از دم

## تیغ بگذرانند. (۱)

ما در دعای ندبه می خوانیم: «أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ؟ كَجَاسْتِ خُونِ خَوَاهِ آن كَشْتِه دَشْتِ كَرْبَلَاءِ؟ آری! دَقِيقاً از هَمِينِ كَرْبَلَاَسْتِ كِه مَرْتِه غَدِيرِ آغَاَزِ دُوبَارِه اِي يَافْتِه وَ تَا قِيَامِ قَائِمِ عَلِيهِ السَّلَامِ اِدَامِه مِي يَابَد. پَس اِگَر سُوگُوَارِي بَايَد كَرْدِ اِيْنَ كُوْنِه بَايَد:

فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى صَيِّئِي اللَّهِ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ؛ وَإِيَّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ؛ وَ لِمِثْلِهِمْ فَلْيُنْدَرْفِ الدُّمُوعُ وَلْيَصْرُخِ الصَّارِحُونَ، وَ يَصِحَّ الضَّاجُونَ، وَ يَعْجَّ الْعَاجُونَ.

تَنهَا بَرِ پَاكَانِ بَرِ كَزِيدِه اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ خَانْدَانِشَانِ، كَرِيه كَنَنْدِ كَانِ بَايَدِ بَكْرِينْدِ، وَ شِيُونِ كَنَنْدِ كَانِ بَايَدِ شِيُونِ كَنَنْدِ. وَ تَنهَا بَرَايِ آنَهَاَسْتِ كِه سُوگُوَارَانِ بَايَدِ سُوگُوَارِي كَنَنْدِ، اَشَكِّ هَا بَايَدِ رِيْزَانِ شُودِ، نَالِه هَا اَزِ دَلِ بَرِ آيِدِ، فَرِيَادِهَا بِه آسْمَانِ رَسَدِ وَ بَانَكِّ وَ اُوِيْلَا سَرِ دَادِه شُودِ.

كَجَاسْتِ حَسَنِ؟ كَجَاسْتِ حَسِينِ؟ كَجَا هَسْتَنْدِ فَرْزَنْدَانِ حَسِينِ؟ آنِ شَايَسْتِ كَانِ وَ رَاَسْتِ كُوِيَانِ يَكِيِ پَسِ اَزِ دِيكْرِي؟ كَجَاسْتِ رَاهِيِ پَسِ اَزِ رَاهِيِ؟ كَجَاسْتِ بَرِ كَزِيدِه اِيِ پَسِ اَزِ بَرِ كَزِيدِه اِيِ؟ كَجَا هَسْتَنْدِ خُورَشِيدِهَايِ تَابَانِ؟ كَجَا هَسْتَنْدِ مَاهِ هَايِ فَرْوَزَانِ؟ كَجَا هَسْتَنْدِ سِتَارِ كَانِ دَرِخْشَانِ؟

كَجَا هَسْتَنْدِ نَشَانِه هَايِ دِينِ وَ پَايِه هَايِ دَانَشِ؟ كَجَاسْتِ آنِ بَقِيَّهِ اللّٰهِيِ كِه اَزِ عَتْرَتِ هِدَايَتِكِرِ هَرِ كَزِ جَدَا نِيَسْتِ؟

كَجَاسْتِ آنِ مَهْيَاشُدِه اِيِ كِه رَشْتِه سَتْمِگَرَانِ رَا پَارِه مِي كَنْدِ؟ كَجَاسْتِ آنِ سَامَانْدِه كَزِيِ هَا وَ نَارَاَسْتِيِ هَا كِه اَنْتِظَارِشِ رَا مِي كَشَنْدِ؟ كَجَاسْتِ آنِ دُورِ كَنْنِدِه سِتْمِ؛ كِه بِه اَمِيدِشِ دَلِ بَسْتِه اَنْدِ؟

## ۴: قرآن و وارثان بر حق آن

### در خطبه غدیر:

«ای مردم! در قرآن بیندیشید و آیاتش را بفهمید، و به آیات محکمش بنگرید و آیات متشابهش را وانهدید.

سوگند به خدا هرگز زواجِ قرآن (باطنِ آیات) را برای شما آشکار نمی کند و تفسیرش را روشن نمی سازد، مگر این کسی که من دست او را گرفته به سوی خود بالا می برم و بازویش را گرفته و به شما اعلام می دارم: هر کس که من صاحب اختیار او هستم این علی صاحب اختیار اوست.

ای مردم! این علی برادر و جانشین و نگه دارنده علم من است. او وصی من در میان اُمّت بر تفسیر کتابِ خدا و دعوت به آن می باشد، و عمل کننده به آنچه خدا را راضی می کند».

سُلیم بن قیس هلالی در کتاب خود روایتی را از سلمان فارسی چنین آورده است:

در شبِ همان روز (روز سقیفه) علی علیه السلام همراه حضرت زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم السلام به درِ خانه مهاجرین و انصار رفته، حق از دست رفته اش را به آنان یادآوری فرمود و آنها را به یاری خویش فراخواند.

از این میان، تنها چهل و چهار نفر آمادگی خود را برای یاری آن حضرت اعلام کردند. حضرت به آنان فرمود صبح فردا در حالی که سرها را تراشیده و شمشیرهایشان را حمایل کرده اند، نزد ایشان بیایند. اما صبح فردا به جز چهار نفر که ساعاتی بعد به هفت نفر رسیدند کسی بر سر قول خود حاضر نشد. این دعوت سه شب تکرار شد، ولی هر صبح نتیجه همان بود که بود. (۱)

۱- اسرار آل محمد علیهم السلام: ص ۲۲۱، ۲۲۲.

بنابراین وقتی علی علیه السلام هیچ یار و یاورى به جز سه یا چهار یا هفت نفر نیافت، دست از مبارزه آشکار با غاصبان خلافت برداشت و فقط به جمع و تدوین قرآن پرداخت. این گونه که سلمان برای سلیم روایت می کند:

وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام عکس العمل یارانش را چنین دید از خانه بیرون نیامد و عبا بر دوش نیفکند مگر برای نماز، تا اینکه قرآن را آن گونه که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده بود جمع کرد؛ همراه تأویل و تفسیرش، و مشخص نمودن آیات ناسخ و منسوخ، خاص و عام، محکم و متشابه و ...

و آن زمان که کار به اتمام رسید، آن حضرت قرآن تدوین شده اش را برداشته به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت، در حالی که ابوبکر و عمر در مسجد بودند و مردم در اطرافشان. امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شد و نظر جمع را به خود معطوف داشته، با صدایی که همه بشنوند فرمود:

بدانید که من پس از غسل و کفن و دفن پیامبر صلی الله علیه و آله، به کاری روی نیاوردم مگر به جمع و تدوین قرآن. اما در این قرآن تمام آیاتی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده آمده، و آیه ای نیست مگر آنکه تنزیلش را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله خوانده ام و آن حضرت تأویل و ظاهر و باطن و عام و خاص و ناسخ و منسوخش را به من آموخته است.

بنابراین شما در فردای قیامت نمی توانید ادعا کنید که ما از این موضوع آگاه نبودیم. (۱) همچنین به درگاه خداوند عذری ندارید که بگویید من شما را به یاری خود فرا نخواندم، و حق را به شما یادآوری نکردم، و شما را به کتاب خدا از ابتدا تا انتهایش دعوت ننمودم.

---

۱- این فرموده علی علیه السلام دقیقاً به آیه ۱۷۲ سوره اعراف: «إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذِهِ غَافِلِينَ» و تأویل آن در تفاسیر روایی شیعه اشاره دارد.

اینجا بود که عمر برخاست و گفت: «ما خود قرآنی داریم که از قرآنِ تویی نیازمان می‌کند!» و علی علیه السلام با قرآنی که تدوین و تنظیم کرده بود به خانه بازگشت. (۱)

اکنون به نظر شما آنچه که امام صادق علیه السلام در دعای ندبه به ما آموخته، مبین چه حقیقتی است؟

### در دعای ندبه:

أَيْنَ الْمُؤْمَلِّ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ وَ حُدُودِهِ؟ كَجَاسْتِ أَنْ آرْزُو شَدَّهْ أَيْ كَهْ إِحْيَا كَنْد كِتَابِ خُدا وَ حُدُودِ أَنْ رَا؟

أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلِهِ؟ كَجَاسْتِ أَنْ زَنْدَه كَنْدَه نَشَانَه هَاي دِينِ وَ أَهْلِ دِينِ؟

### ۵: سُنَّتْ هَا وَ فِرَائِضِ

#### در خطبه غدیر

ای مردم! با دینِ کامل و تفقه (دانایی در دین) خانه خدا را زیارت کنید. ای مردم! نماز را بپا دارید و زکات را بپردازید، همان گونه که خدای عزوجلّ به شما فرموده است. اما اگر زمانی طولانی بر شما گذشت و کوتاهی نموده و فراموش کردید، علی صاحب اختیار و سرپرست شماست که معارف دین را برایتان تبیین کند.

بدانید که حلال و حرام بیش از آن است که من همه آنها را یک به یک برشمرده و بشناسانم؛ یا در این مدت کوتاه به تمام حلال‌ها دستور داده و از همه حرام‌ها بازتان دارم. بنابراین مأمورم که از شما بیعت گرفته و با شما دست بدهم بر پذیرش آنچه از سوی خدای عزوجلّ درباره امیرالمؤمنین و

اوصیای بعد از او آورده ام. همان امامانی که از من و از نسل او (علی) هستند و تا روز قیامت که خداوند در آن به حق حکم می کند به حق قیام می کنند و مهدی از آنان است.

در این فرازها از خطبه غدیر به تصریح آمده که انجام سنت ها و فرائض و عمل به حرام و حلال منوط به احراز دین کامل یعنی پذیرش ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام است. ولی به نظر می رسد که این موارد هم به دست فراموشی سپرده شده و به مرور زمان رنگ باخته؛ چرا که امام صادق علیه السلام در دعای ندبه از این حقیقت نیز چنین پرده برداشته است:

### در دعای ندبه :

أَيْنَ الْمُدَّخَرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ؟ كَجَاسْتِ أَنْكَهَ لِتَازِهِ كَرْدَنِ فَرَائِضِ وَ سُنَّتِهَا ذَخِيرَةً شَدِيدَةً؟

أَيْنَ الْمُتَخَيَّرِ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ؟ كَجَاسْتِ أَنْ بَرَّكَزِيدَةَ أَيْ كَيْشِ وَأَيِّنِ مُحَمَّدِي رَا مِنْ نَوْبِنَا كُنْدُ؟

و سرانجام اگر از آن دسته افرادی هستیم که به خواندن دعای عهد در هر صبح مبادرت داشته یا هر از چند گاهی آن را می خوانیم، سعی کنیم که به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر از روی تفقه باشد، نه صرفاً از روی عادت یا ثواب! و تنها در این صورت است که به مفهوم واقعی و ما بازاء عباراتی چنین پی خواهیم بُرد:

«وَأَعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهٖ بِلَادَكَ وَ أَحْيِ بِهٖ عِبَادَكَ، فَمَا نَكَ قُلْتَ وَ قَوْلِكَ الْحَقُّ: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ ... مُجَدِّدًا لِمَا عَطَلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَ مُشِيدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَ سُنَنِ نَبِيِّكَ» (۱).



پس ای فریادرسِ دادخواهان! به فریادِ این بنده گرفتار کوچک ترینت عنایت کن و بزرگ آقایش را به او بنما، ای توانمندِ مطلق! و بدین سان سوزِ دل و اندوه سینه اش را مرهمی بگذار و آتش درونش را فرو نشان؛ ای کسی که بر عرش قرار گرفته و بازگشت و سرانجامِ کار به سوی اوست! (۱)

### منابع و مأخذ

۱. قرآن مجید.
  ۲. اسرار آل محمدعلیهم السلام، ترجمه کتاب سلیم هلالی، سلیم بن قیس، مترجم: انصاری زنجانی خوئینی، اسماعیل، نشر الهادی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
  ۳. روضه کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ناشر: انتشارات علمیه اسلامیة، تهران، نوبت چاپ: اول، بی تا.
  ۴. سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن، هاشم حسینی بحرانی، ترجمه: مهدی حائری قزوینی، تهران، آفاق، ۱۳۷۴ ش.
  ۵. علل الشرائع، شیخ صدوق، ناشر: داوری، قم، چاپ اول.
  ۶. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.
- 
- ۱- ترجمه عباراتی از دعای ندبه.



## ریشه کن شدن مظلومیت غدیر در عصر ظهور : محمد حسین طغیانی

### چکیده

۱. با دقت در وقایع عصر ظهور به این نتیجه می‌رسیم که تجلی واقعی و کامل غدیر تنها در عصر ظهور است.
۲. «أَيُّ الْمُدَّخَرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ»، یعنی اوجب واجبات امامت است که با ظهور امام زمان علیه السلام محقق می‌شود.
۳. امام زمان علیه السلام در زمان ظهور مردم را متوجه فراموشی و از دست دادن غدیر می‌فرماید.
۴. در ظهور ریشه ظلم و ظالم‌کننده می‌شود، در حالی که ظالم تراز غاصبین ولایت وجود ندارد.
۵. اگر غدیر به گوش جهانیان می‌رسید کافر و مشرکی نبود، و این قدر تفرقه بین مسلمین نبود.
۶. در عصر ظهور به مظلومیت مظلومترین افراد یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام خاتمه داده می‌شود.

با دقت در وقایع عصر ظهور به این نتیجه می‌رسیم که تجلی واقعی و کامل غدیر تنها در عصر ظهور است؛ چرا که در وصف صاحب عصر ظهور و منجی آخرالزمان در دعای ندبه می‌خوانیم: «أَيُّنَ الْمَيْدَحُ لَتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ»: «کجاست ذخیره شده برای تجدید فرایض و سنت‌ها»؟

### امامت بزرگ‌ترین فریضه عصر ظهور

چیست آن فرائض که در زمان حجه بن الحسن علیه السلام تجدید می‌شود؟ آیا نماز و روزه و حج و جهاد است؟ گرچه با این کلام می‌توان تمام اینها را از مصادیق فرائض الهی محسوب کرد، ولی اساس آن فرائض چیزی جز امامت نیست؛ همان فریضه ای که در موردش خداوند متعال به پیامبر می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»<sup>(۱)</sup>: «ای پیامبر، آنچه را که از سوی پروردگارت بر تو نازل شده به مردم ابلاغ کن، که اگر چنین نکنی رسالت الهی را به انجام نرسانده‌ای».

به راستی اگر نماز و روزه را جزء فرائض حساب کنیم، بی‌انصافی است که ولایت و امامت که رکن رکن اسلام است را از دایره بزرگترین فرائض الهی خارج کنیم، چرا که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند: «علی جان! اگر کسی به اندازه عمر نوح بندگی خدا کند و به اندازه کوه احد طلا و جواهر در راه خدا انفاق کند، و آن قدر عمرش طولانی شود که هزار سفر به حج مشرف شود، و آخر عمر هم بین صفا و مروه مظلومانه کشته شود، ولی ولایت تو را نداشته باشد، بوی بهشت به مشامش نمی‌رسد و داخل بهشت نخواهد شد»<sup>(۲)</sup>.

۱- مائده: ۶۷.

۲- ارشاد القلوب: ج ۲ ص ۲۵۷. بحار الانوار: ج ۲۷ ص ۱۷۳ باب ۷. ثواب الاعمال: ۲۰۴.

## تجلی امامت در عصر ظهور

باید به منکرین ولایت گفته شود: اگر در نامه اعمالتان عبادتی همچون عبادت حضرت نوح علیه السلام باشد، هم از جهت کمیت و هم از جهت کیفیت، یعنی ۲۵۰۰ سال عبادت همراه با اخلاص و زحمت جهت هدایت مردم به سمت خدا و ابلاغ رسالت؛ و اگر در نامه اعمالتان انفاق بسیار باشد که از قطع وابستگی به دنیا نشأت گرفته است؛ و اگر در نامه اعمالتان حج و عمره بسیار است، همان حج و عمره ای که با هر طوافش دریایی از گناهان محو می شود؛ و اگر در نامه اعمالتان ثواب شهید و شهادت در راه خداست، همان شهادتی که خداوند متعال در وصف آن می فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (۱): «هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند مردگانند! بلکه آنان زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند»، با این همه اگر نامه اعمال از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام خالی باشد، باید از بهشت و نعمت آن چشم پپوشد؛ چرا که منکر ولایت بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.

حال سؤال اینجاست که اگر فریضه امامت اشرف فرائض است، آیا در عصر ظهور تجلی و ظهور و بروز نمی یابد؟!

لذا باید گفت: خدایا! فرج تجدید کننده امامت و ولایت را برسان! همان که زنده کننده غدیر و پیامش و زنده کننده نام امیرالمؤمنین علیه السلام است. اما به راستی آیا فریضه ای مهم تر و با عظمت تر از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام وجود دارد، که زنده کننده فرائض الهی آن را زنده کند؟!

در جواب این پرسش باید گفت: خیر! چرا که خوارزمی در مناقبش می نویسد: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

و لَا يَقْبَلُ اللَّهُ إِيْمَانَ عَبْدٍ إِلَّا بِوَلَايَتِهِ وَ التَّبَرَّاتِهِ مِنْ أَعْدَائِهِ. (۱)

خدا عمل و ایمان هیچ بنده ای را قبول نمی کند مگر به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و بیزاری از دشمنان آن حضرت.

پس بدون امامت نه توحید ارزشی دارد و نه عقیده به نبوت، چه رسد به فروع دین مانند خمس و زکات و جهاد.

### تجدید فرائض در عصر ظهور

باید پرسید: آیا به غیر از زمان حضرت حجت علیه السلام فرائض الهی تجدید می شود؟ فریضه مهم اطاعت از رسول خدا و اولی الامر او که خداوند درباره اش می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (۲): «ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر را!»

اگر تا به حال مردم خود را در پوشش اطاعت از رسول خدا صلی الله علیه وآله مؤمن معرفی کرده و از اطاعت اولی الامر سرباز زدند، باید بدانند تخلف از اولی الامر تخلف از خداوند و رسول خداست؛ و این آگاهی و بیداری تنها در زمان ظهور حجت بن الحسن علیه السلام صورت می گیرد، و آن حضرت مردم غفلت زده را متوجه واجب ترک شده می کند و پیام فراموش شده غدیر را به یادشان می آورد؛ و تفسیر واقعی و درست آیات الهی را بیان می کند و مردم را با اولی الامر واقعی آشنا می نماید و دستورات فوت شده الهی را

۱- مناقب خوارزمی: ص ۲۵. مائه منقبه: المنقبه ۱۰۰. بحار الانوار: ج ۲ ص ۱۳۱.

۲- نساء: ۵۹.

احیاء می کند؛ و اطاعت واقعی از رسول خداصلی الله علیه وآله را به یاد آنها می اندازد؛ چرا که اطاعت از رسول خداصلی الله علیه وآله در پیروی از امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ همان اطاعتی که در غدیر خم بر آن از مردم پیمان گرفت.

### حدیث ثقلین در عصر ظهور

آیا مدعیان دروغین اطاعت از رسول خداصلی الله علیه وآله حدیث ثقلین را به یاد نمی آورند؟ باید گفت: آنها در عوض اطاعت از اهل بیت رسول خداصلی الله علیه وآله شعار «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» را سر دادند و مردم را از پیروی اهل بیت پیامبرصلی الله علیه وآله باز داشتند.

پس باید گفت: خدایا! ظهور احیاء کننده غدیر را برسان؛ همان کسی که با آمدنش غدیر و پیامش رنگ تازه ای به خود می گیرد. «أَيْنَ الْمَعْدُ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ»: «کجاست آنکه برای برکندن ریشه ظالمان و ستمگران عالم مهیا گردیده است».

آری، تنها اوست که با آمدنش ریشه ظلم و ظالم کننده خواهد شد. اگر پرسیده شود که آیا ظالمتر از غاصبین ولایت در این عالم وجود دارد؟ باید گفت: خیر؛ چرا که غصب ولایت و خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام اساس ظلم و تعدی است و تمام اقسام ظلم در وجود غاصبین خلافت وجود دارد.

اگر خداوند متعال شرک را ظلم بزرگی معرفی می کند و می فرماید: «إِنَّ الشُّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»<sup>(۱)</sup>: «شرک ظلم بزرگی است»؛ باید گفت: آنها که منکر ولایت و وصایت امیرالمؤمنین علیه السلام شده و غدیر و پیامش را از ناحیه خداوند متعال ندانسته و در مقابل حضرت علی علیه السلام جبهه گرفتند، مبتلا به شرک در اطاعت شدند و خود را در زمره ظالمین قرار دادند؛ همان ظلمی که در زمان ظهور به آن رسیدگی شده و ریشه آن قطع می گردد.

## مجازات ظالمین به امامت در عصر ظهور

اگر خداوند متعال تعدی به مردم را ظلم می داند و می فرماید: «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (۱): «مجازات بر کسانی مجاز است که به مردم ظلم و ستم می کنند و در زمین به ناحق ظلم روا می دارند؛ برای آنان عذاب دردناکی است»؛ باید گفت: آیا آنان که ریسمان به گردن ولی الله انداختند و خلافت او را غصب کردند ظالم نیستند؟ و آیا این ظلم رسیدگی نمی شود و حق مظلوم به او برگردانده نمی شود؟

بله، همانا اوست که در زمان ظهورش غاصبین خلافت را از قبرهایشان بیرون می کشد و آنها را وسیله امتحان افرادی قرار می دهد و مردم را امر به بیزاری از آنها می کند، و سپس آنها را به دار می آویزاند و بدن پلیدشان را می سوزاند و خاکسترش را به دریا می دهد؛ چرا که در حقیقت بنیانگذاران ظلم و تعدی همان ها بودند؛ همان ظالمانی که به غدیر پیامبر صلی الله علیه و آله و داماد و وصی او تعدی کردند.

آیا ظلمی بالاتر از اینکه مردمی را که طالب فیض هدایت بودند از سرچشمه فیض بی بهره کردند؟ آیا ظلمی بالاتر از اینکه مردم را از عالم ترین و معصوم ترین فرد زمین دور کردند و آنها را در ضلالت قرار دادند؟

غاصبین ولایت در زمان ظهور باید هم جوابگوی حق غصب شده امام و مولایمان امیرالمؤمنین علیه السلام باشند و هم جوابگوی مردمی که طالب نور ولایت بودند، ولی به دست راهزنان راه از این نعمت محروم شدند. اگر غدیر و پیامش به گوش تمام مردم جهان می رسید دیگر کافر و مشرکی وجود نداشت، و در اسلام نیز این قدر اختلاف و تفرقه بین مسلمانان نبود، تا به وسیله این تفرقه دشمنان اسلام و مسلمین هر روز با حيله و مکرری جدید آنها را مورد استعمار قرار دهند.



### انتقام مظلوم ترین مظلوم در عصر ظهور

اما از همه مهم تر این که در عصر ظهور به مظلومیتِ مظلوم ترین فرد عالم خاتمه داده می شود. آیا مظلومیت از این بالاتر که اول مسلمان و ایمان آورنده به رسول خداصلی الله علیه وآله و عالم ترین فرد بعد از رسول خداصلی الله علیه وآله و معصوم ترین شخص شجاع ترین، سخی ترین، عابدترین و زاهدترین فرد عالم ۲۵ سال خانه نشین شود و مردم نسبت ارتداد به او دهند و حتی جواب سلام او را ندهند؟

آیا مظلومیتی از این بالاتر که همان ها که در روز غدیر خم گفتند: «بَخِ بِخِ لَكَ يَا بَنَ أَبِي طَالِبٍ» (۱) در ب خانه او جمع شدند و خانه او را آتش زدند و همسر او را ما بین در و دیوار قرار دادند؟

آیا مظلومیتی از این بالاتر که خطبه غدیری که ۱۲۰ هزار نفر شاهد عینی و سمعی او بودند، به فراموشی سپرده شده و صاحب آن با بی توجهی مردم مواجه شود؟

آری! در عصر ظهور ابتدا به مظلومیت حضرت علی علیه السلام رسیدگی می شود، و غدیر و پیامش که همان امامت و خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام است، احیاء می شود و بنیانگذاران این ظلم و تابعین آنها مورد مؤاخذه واقع می شوند و جاهلین از آنها بیدار می شوند و از کرده خود توبه می نمایند، و دوستی علی علیه السلام و آل او را سرلوحه فکر و عمل خویش قرار می دهند.

### انتقام از غاصبین خلافت در عصر ظهور

اگر خداوند متعال تعدی از حدود الهی را ظلم می داند و می فرماید: «وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ» (۲): «هر کس از حدود الهی تجاوز کند بر خودش ظلم کرده

۱- ترجمه فضائل الخمسه من الصحاح الستة (محمد باقر ساعدی): ج ۲ ص ۱۵۲ . الطرائف: ص ۳۱۱ . مناقب امام علی بن ابی طالب علیه السلام: ۶۹ . شواهد التنزیل لقواعد التفضیل: ج ۱ ص ۲۰۰ .  
۲- طلاق: ۱ .

است». آیا تخلف از دستور رسول الله و امیرالمؤمنین علیهما السلام تجاوز از حدود الهی و ظلم نیست؟! مگر خداوند متعال مؤمنین را امر به اطاعت خود و رسول و اولی الامرش ننموده است؟ مگر نفرموده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؟ (۱) مگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - که طبق صریح آیه اطاعت از او واجب است - در روز غدیر امر به امامت و خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام نفرموده اند. همان غدیر خمی که ۸۹ نفر از علمای اهل تسنن آن را نقل کرده اند و آن را قطعی دانسته و تخلف از آن را جایز ندانسته اند.

مگر خداوند نفرموده: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؟ (۲) پس چرا از حدود الهی تجاوز کردند؟ چرا به واسطه دشمنی با حضرت علی علیه السلام خلافت او را غصب کردند و ریسمان بر گردن او انداختند و او را به مسجد کشاندند؟

مگر خداوند متعال نفرموده: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ»؟ (۳) پس چرا ولی الله را رها کردند و تابع مشرکین و کافرانی شدند که به لات و عزی قسم یاد کردند که لحظه ای به محمد صلی الله علیه و آله ایمان نیاوردیم!!

مگر رسول خدا صلی الله علیه و آله نفرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ» (۴): «هر کس که من مولای اویم علی مولای اوست»؟ پس چرا تعدی کردند؟ آری؛ غاصبین ولایت و پیروان آنها همه در دسته ظالمین هستند، که در عصر ظهور به حساب آنها رسیدگی شده و حق غصب شده به صاحب حق بر گردانده می شود.

۱- نساء: ۵۹.

۲- شوری: ۲۳.

۳- مائده: ۵۵.

۴- فرازی از خطبه غدیر.

پس صبح و شام برای آمدن آن منجی دعا کنیم و با اشک های ریزان بگوییم: «اللهم عجل لولیک الفرج»؛ چرا که تنها در زمان حکومت اوست که حقّ غضب شده مولایمان به او برگردانده می شود و نام مبارکش در محل ولادتش و در تمام جهان بر مأذنه ها برده می شود. تنها در زمان ظهور منجی آخرالزمان است که لبخند خوشحالی بر لبان امیرالمؤمنین علیه السلام و همسر با وفا و مظلومه اش می نشیند. پس اگر منتظر آمدن آن عصر و زمانی، با قلب و لسان و عمل بگو: «اللهم عجل لولیک الفرج».

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ارشاد القلوب، دیلمی، مترجم: سید عبدالحسین رضایی، ناشر اسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۷۷ش.
۳. بحار الانوار، علامه محمدتقی مجلسی، ناشر اسلامیه، سال چاپ مختلف، چاپ مکرر.
۴. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، مترجم: صادق حسن زاده، انتشارات ارمغان طوبی، چاپ اول، سال ۱۳۸۲ش.
۵. فضائل الخمسه من الصّحاح السنّه، سید مرتضی فیروزآبادی، ناشر اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۲ق.
۶. الطرائف، سید بن طاووس، ترجمه داوود الهامی، نشر نوید اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش.
۷. مناقب امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ابن مغزلی شافعی، ناشر دارالاضواء، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۲۴ق.
۸. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، حاکم حسکانی، موسسه طبع و نشر، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

